گزارشهای نظمیه از

محلات طهران

راپورت وقایع مختلفهٔ محلات دارالخلافه

(۱۳۰۵-۱۳۰۳ هجری قمری)

جلد اول

به کوشش:

انیس شیخ رضائی - شهلا آذری

سازمان اسناد ملی ایران

پژوهشکده اسناد

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارشهای نظمیّه از محلّات طهران

راپورت وقایع مختلفه محلّات دارالخلافه

جلد اوّل

سازمان اسناد ملّی ایران

پژوهشکده اسناد

به کوشش:

انسیه شیخ رضائی - شهلا آذری

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

۱۳۷۷

شیخ‌رضایی، انسیه ـ آذری، شهلا
گزارشهای نظمیه از محلات تهران/ به کوشش: انسیه شیخ‌رضایی، شهلا آذری. ـ تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۷.
۲ ج. (شانزده، ۸۵۴، ص.): مصور، نمونه. ـ (پژوهشکده اسناد؛)
۱. تهران ـ اوضاع اجتماعی ـ اسناد و مدارک. ۲. تهران ـ تاریخ. الف. آذری، شهلا؛ ب. سازمان اسناد ملی ایران. پژوهشکده اسناد. ج. عنوان.
۹ ش ۸۲ هـ/ DSR ۲۰۷۹ ۹۵۵/۱۲۲۰۷۲۷

نام کتاب: گزارش‌های نظمیه از محلات تهران: **(جلد اول)**

به کوشش: انسیه شیخ‌رضائی، شهلا آذری

ناشر: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران

نشانی: تهران، میدان ولی‌عصر، خیابان کریمخان زند، خیابان به‌آفرین، پلاک ۶۶، کد پستی: ۱۵۹۳۶،
تلفن: ۶۴۶۹۰۱۰ـ۶۴۹۱۹۴۶

تاریخ نشر: ۱۳۷۷

نوبت چاپ: اوّل

تعداد: ۳۰۰۰ جلد

حروفچینی و صفحه‌آرایی: گنجینهٔ اسناد

لیتوگرافی: امید

چاپ: سهند

شابک: ۹ـ۲۲ـ۶۱۸۹ـ۹۶۴؛ دوره دو جلدی ۵ـ۲۴ـ۶۱۸۹ـ۹۶۴
ISBN:(VOL. 1)964- 6189- 22- 9;(2VOl.SET)964-6189-24-5

کلیه حقوق برای «سازمان اسناد ملی ایران» محفوظ است.

فهرست مطالب

موضوع	شماره صفحه
ـ پیشگفتار	هفت ـ هشت
ـ مقدمه	نه ـ شانزده

راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه

۱۳۰۳ هجری قمری

ـ ذیقعده	۱ ـ ۹۸
ـ ذیحجه	۹۹ ـ ۱۴۹

۱۳۰۴ هجری قمری

ـ محرم	۱۴۹ ـ ۲۳۵
ـ صفر	۲۳۶ ـ ۳۰۸
ـ جمادی‌الاولی	۳۰۹ ـ ۳۷۵
ـ جمادی‌الثانیه	۳۷۶ ـ ۴۰۵
ـ رجب	۴۰۵ ـ ۴۶۰
ـ ذیقعده	۴۶۱ ـ ۵۳۳
ـ ذیحجه	۵۳۴ ـ ۶۳۱

۱۳۰۵ هجری قمری

ـ رمضان ..... ۷۴۰ ـ ۶۳۲
ـ شوال ..... ۷۴۸ ـ ۷۴۱

* * *

ـ رجال‌شناسی ..... ۷۷۴ ـ ۷۴۹
ـ گزیدهٔ تصاویر اسناد ..... ۷۸۴ ـ ۷۷۵

فهرست‌ها

ـ اشخاص ..... ۸۰۹ ـ ۷۸۷
ـ اماکن ..... ۸۱۸ ـ ۸۱۰
ـ تعزیه‌ها ..... ۸۲۰ ـ ۸۱۹
ـ مشاغل ..... ۸۴۳ ـ ۸۲۱
ـ موضوعی ..... ۸۴۸ ـ ۸۴۴

* *

ـ کتابنامه ..... ۸۵۲ ـ ۸۴۹
ـ تصاویر ..... ۸۶۰ ـ ۸۵۳

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

پیشگفتار

تاریخ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دورهٔ قاجار به جهات گوناگون از جمله معاصر بودن این ایام با تحولات سیاسی و اقتصادی جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این میان اسناد و آثار مکتوب بجا مانده از ایام سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه به روشن‌تر شدن نقاط تاریک این دوره و تاثیر آن بر نهضت‌ها و جنبشهای متأخر و معاصر مهمترین منبع مطالعه و تحقیق، کمک می‌کند. کتابی که با عنوان «گزارش‌های نظمیه از محلات تهران»، پیش رو دارید از جمله منابع دقیق مطالعه تاریخ معاصر است که بر اساس اسناد موجود در آرشیو «سازمان اسناد ملی ایران» تدوین شده است. این کتاب، در واقع «راپورت وقایع مختلفهٔ محلات دارالخلافه» تهران است که بر اساس رویدادهای محلات این شهر، توسط منشی‌های نظمیه در سالهای ۱۳۰۵ - ۱۳۰۳ ق، تنظیم شده است. این گزارشها تقدیم کنت دومونت فورت، نخستین رئیس پلیس تهران می‌شده و او آنها را پس از تایید و امضا، به نظر ناصرالدین شاه می‌رسانده است. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در باب چهارم «المآثر و الآثار»، «کنت دومونت فورت» را، بالقب «نظم‌الملک» رئیس «اداره احتساب» معرفی می‌کند. او می‌نویسد: این شخص پس از محمودخان کلانتر، محمودخان احتساب‌الملک، چراغعلی‌خان سراج‌الملک، آقاعلی آشتیانی، امین‌حضور، میرزاحسن احتساب‌الملک و خود محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، به ریاست «اداره احتساب» منصوب شده است. اداره احتساب در آن زمان کار نظمیه، بلدیه و عدلیه (شهربانی، شهرداری و دادگستری) را انجام می‌داده، ولی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه وظیفه این اداره منحصراً رسیدگی به امور مربوط به نظافت شهر شده، و کم‌کم به صورت اداره‌ای مستقل از نظمیه درآمده است.

در پایان کتاب «المآثر و الآثار» فصلی با عنوان «سلطنت عظمی» منضم است، که احتمالاً به قلم اعتمادالسلطنه نیست. در این فصل «اداره نظمیه» مستقل از «اداره احتسابیه» آورده شده و نام «کنت دومونت فورت» با همان لقب «نظم‌الملکی»، اما با درجه «امیر تومانی»، به عنوان «رئیس کل اداره نظمیه و پلیس دارالخلاقه» در صدر آمده است. صاحب منصبان تحت امر او نیز، همه، با ذکر سمت و محل خدمت معرفی شده‌اند. در این جا تعداد کلیه اجزای پلیس دارالخلافه را «چهارصد و دونفر» نوشته‌اند، و از شخصی به نام «میرزا اسماعیل» با سمت «منشی راپورت‌های شهر» نام برده‌اند. که گردآورنده نخستین این گزارشها بوده است.

طبیعی است که «کنت دومنت فورت»، به هنگام تصدی این مقام، دستور ثبت و ضبط گزارشهای مکتوب کلانتران و رؤسای محلات تهران را صادر کرده و میرزا اسماعیل خان را نیز مامور تنظیم این گزارشها کرده باشد. او در حقیقت اقدام به تشکیل «آرشیوی» کرده است که امروزه مجموعه خطی هفت جلدی آن در «سازمان اسناد ملی ایران» نگهداری می‌شود، و کتاب حاضر برگرفته از همین «مجموعه» و، به عبارت بهتر، مدوّن شده آن است. این مجموعه از جهت محتوا و قالب دارای اهمیت فراوان می‌باشد. از لحاظ محتوا، این اسناد مبین روابط اجتماعی در ایران قبل از مشروطیت است. در این روابط می‌توان جایگاه روحانیت، اشراف، شاهزادگان، رعایا، بازرگانان، پیشه‌وران و دیگر طبقات و قشرهای جامعه را به خوبی پیدا کرد، و با مختصر دقتی می‌شود، از خلال این گزارشها، اطلاعات و نمونه‌های مناسبی برای شناخت بنای جامعه یک قرن قبل ایران فراهم آورد. بدون شک این نمونه‌های مناسب می‌توانند دستمایه ارزنده‌ای برای پژوهشگران نکته‌سنج و جامعه‌شناسان تشنه حقیقت باشند، و به ابزار کارآمدی برای توضیح مناسبات اقتصادی و فرهنگ حاکم بر جامعه ایران قبل از مشروطه بدل شوند. همچنین محققان جامعه‌شناس می‌توانند چگونگی فراهم آمدن زمینه جنبش مشروطیت را در بطن این گزارشها بیابند، و نقش روحانیت شیعه را در این زمینه‌سازی و هدایت مردم به مبارزه با استبداد به رأی‌العین مشاهده کنند. دوم از لحاظ قالب و فرم: این مجموعه که بار حوادث روزمره محلات تهران را، در سالهای هزارو سیصد وسه و چهار هجری قمری، بر دوش دارد، نثر اداری معمول آن زمان را نیز ارایه می‌کند. این شیوه نگارش به لحاظ رسم‌الخط و به خصوص از حیث انبوهی کلمات و اصطلاحات رایج آن عصر ـ و منسوخ این زمان ـ نیز قابل تأمل است.

انبوه کلمات و اصطلاحات رایج آن زمان، مثل: راپورت، عمله‌جات، ضعیفه، قراول، قراولخانه، گزمه، یوزباشی، پاکار، زنبورکچی‌باشی، احتساب، محتسب و غیره، که امروزه اغلب منسوخ شده‌اند، در این گزارشها فراوان به چشم می‌خورد. بدون شک پژوهشگر هوشمند و دقیق می‌تواند، با مراجعه به این اسناد، به زوایا و ظرایف دیگری نیز دست یابد، مثلاً استخراج فرهنگ عامه، تحقیقات مردم‌شناسی، هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی، مبادلات اقتصادی، و... از جمله این نکات مهم است. در پایان لازم می‌دانم از تلاشهای پژوهشگران گرامی خانم‌ها انسیه شیخ‌رضایی و شهلا آذری سپاسگزاری کنم.

سیدحسن شهرستانی

رئیس سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه

بررسی ساختارهای اجتماعی ایران در هر دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بین دسترسی به اسناد یکی از مؤثرترین روش‌های پژوهش، جهت دستیابی به واقعیت‌های هر زمان، شناخته شده است. از آن جا که هر سطر این مجموعهٔ سند، به زندگی اجتماعی مردم دورهٔ ناصری می‌پردازد، برای پژوهشگران از امتیاز خاصی برخوردار است و در واقع مجهول باقی‌ماندن فعالیت عامه مردم در آن عصر، مهمترین انگیزه و دلیل پژوهش حاضر بوده است تا از طریق اسناد، جامعه تهران عصر ناصری هر چه بیشتر برای محققان شکل واقعی به خود بگیرد. لذا به منظور آشنایی بیشتر با این مجموعه، ابتدا می‌بایست به شناسایی تشکیلات ایجادکنندهٔ این اسناد پرداخت، چرا که این اسناد در واقع گزارش‌های پلیس از فعالیت مردم در محلات مختلفه تهران قدیم بوده است.

«تاریخچهٔ نظمیه»

تا پیش از تأسیس نظمیه در تهران امور انتظامی شهر تحت اختیار حاکم تهران بود. هر حاکم یک معاون یا پیشکار داشت که اصطلاحاً به وزیر معروف بود و کلانتران زیرنظر وزیر، و کدخدایان هر محل هم تحت انقیاد کلانتران بودند. انتظامات داخله تهران به عهدهٔ قراولخانه‌های هر محل بود. دستگیری خاطیان و بزهکاران به عهده تشکیلات فوق‌الذکر قرار داشت و در امور شهرداری‌ها نیز دخالت می‌کردند.[۱]

در مجموعه‌های بیوتات سازمان اسناد، اسناد پراکنده‌ای از فعالیت نظمیه وجود دارد که عنوان آن «روزنامچه وقایع اتفاقیه دارالخلافه از محلات شهر و ارک مبارکه و چهارسوق و

---

۱. ح، م، زاوش: تهران در گذرگاه تاریخ، (تهران: انتشارات اشاره، ۱۳۷۰، چاپ اول، ص ص ۲۵۸ـ ۲۵۷)

قراولخانه‌ها»[۱] و گزارش دستگیری خاطیان در محلات تهران، در سالهای قبل از تأسیس رسمی نظمیه است.[۲]

در پی بروز قحطی در سالهای ۸۸ و ۱۲۸۷ق و نارضایتی عمومی و از طرفی رابطهٔ کلانتران شهر با لوطیان و اوباشان و عدم توانایی کلانتران در مقابله با آنها سعی شد تغییراتی در وضعیت نیروهای انتظامی داده شود به همین سبب یکی از متصدیان امر ضمن نامه‌ای در سال ۱۲۸۸ق به ناصرالدین‌شاه چنین اشاره می‌کند «... چند روز قبل منشی حضور همایون در باب ظهور ناخوشی و علت آن که از بعضی کثافات است شرحی ابلاغ کرده بود که این خانه‌زاد با جمعی از ارباب اطلاع گفتگو نماید و وضع این معایب شود این خانه‌زاد رفع این عیوبات را در ضمن کتابچه فوج نظمیه و تکالیف آن قبل از وصول ابلاغ، نوشته است. همان کتابچه را برای عرض حضور آفتاب ظهور همایون فرستاده که ان‌شاءالله به توجه نظر مبارک اجرا شود و واضح است تا رفع این معایب نشود نمی‌توان اطمینان حاصل کرد هر ساله منتظر این ناخوشی و سایر امراض بود. فواید این فوج و قراری که داده می‌شود اگر مفصلاً عرض شود موجب زحمت خاکپای مبارک بود. یکی اجرای اصل کتابچه است و دیگر رفع بعضی معایب کدخداها و باباهای محله که تا حال به اعمال قبیحه عادت کرده‌اند....

در این چند روز از توجه خاطر مهر مظاهر مبارک اوقات معروف داشته تمام فوج را جوانهای خوش‌ترکیب و معتبر گرفته حاضر ساخت دونمونه با لباس به حضور مبارک فرستاد، دوسه هزار تومان هم به جهت اطمینان و این که داخل نوکرهای شده‌اند تقسیم گردد که الان هزار نفر جوان خوش‌ترکیب معتبر پادار حاضرند. همین قدر که از جنانب اولیای دولت در بعضی لوازم این فوج رعایت شود جمع مکنونات خاطر مبارک در رفع معایب ظاهری و باطنی این شهر به عمل آید و هیچ امری در هیچ نقطه این شهر واقع نشود مگر همان ساعت به عرض آستان مبارک برسد....»[۳]

با این وجود تشکیلات نظمیه بعد از سفر دوم ناصرالدین‌شاه شکل منسجم یافت، وی که در سفرهای خود وضعیت انتظامی شهرهای اروپایی را از نزدیک دیده بود در سفر دوم خود به سال ۱۲۹۵هـ ق در اتریش درخواست کرد افسری جهت تشکیل اداره پلیس به ایران گسیل شود.

---

۱. خزانه سازمان اسناد ملی‌ایران. اسناد بیوتات، آلبوم ۱۸

۲. این اسناد عمدتاً متعلق به سال‌های ۱۲۸۴ق و ندرتاً قبل‌تر مثل ۱۲۶۸ق نیز ملاحظه شده است.

۳. اسناد بیوتات. سازمان اسنادملی‌ایران، آلبوم ۱۴ ص ۷۱

بدین منظور سه ماه بعد «کنت دمونت فورت »[۱] راهی ایران راهی شد. اعتمادالسلطنه در المآثروالآثار در این باره می‌نویسد «... این اداره در دولتهای مغرب زمین و ینگی‌دنیا اهمیت عظیمی دارد حتی در انگلیس اگر کسی به پلیس تجری کند و تجاسر ورزد واجب‌القتل است و چنان‌که در سفرنامه فرنگستان تصریح شد، چون موکب مسعود صاحب قران از سفر فرنگ ثانی مراجعت گزید کنت دمونت فورت را که مستخدم گردیده بود بفرمود تا این اداره را در نهایت اهتمام مشتمل بر کثرت و ازدحام تشکیل داده و با اسلحه خاص و ملبوس به خصوص طبقات تا بین را بر آئین اروپا بر آراست و اینک شغل شحنگی شهر و پاس بیوتات و اسواق دارالخلافه با این گروه می‌باشد....»[۲]

کنت نخست محلی در خیابان چراغ‌گاز اجاره کرد و دو معاون و یک مترجم را به استخدام درآورد و به شاه گزارش داد با چهارصد پلیس و ۶۰ سوار قادر است امنیت شهر تهران را برقرارکند.

بالاخره در روز ۱۶ ذی‌قعده ۱۲۹۵ تابلوی «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب و این اداره شروع به کار کرد «بر حسب ارادهٔ همایونی اداره پلیس به جهت امنیت شهر به توسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب‌السلطنه ادام‌اله اقباله‌العالی و به ریاست مسیو کنت دمونت فورت در دارالخلافه تهران برقرار گردید...»[۳] کنت که بعدها ملقب به «نظم‌الملک» شد جهت آشنایی مردم و افراد پلیس با وظایف اداره پلیس و تعیین حدود اختیارات آن نظامنامه‌ای تنظیم و به شاه تقدیم کرد.

در شوال (۱۲۹۶ق) کتابچه قانون کنت شامل یک مقدمه و ۵۸ ماده به تصویب شاه رسید. مقدمه در شرح وظایف پلیس و قوانین در باب توطئه علیه خانواده سلطنتی. اعمال منافی عفت، جنحه، جنایت بر ضد دولت و مذهب، سرقت و توهین به مأمورین دولت و همچنین وظایف مستخدمین و نوکرها نسبت به آقای خود درج شده[۴] و بر طبق آن کدخدایان محلات مجدداً

---

۱. Count De mount forte

۲. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، المآثروالآثار، (تهران، انتشارات کتابخانه سنائی. ـ) ص ۱۲۰

۳. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، تاریخ تنظیم ناصری، به تصحیح دکتراسماعیل رضوانی (تهران، انتشارات دنیای کتاب ۱۳۶۷) ج ۳ ـ ص ۱۱۹۳

۴. مرتضی‌سیفی فمی تفرشی، نظم و نظمیه در دوره قاجاریه (تهران، انتشارات یساولی، ۱۳۶۲) ص ۷۱

مأمور حفظ نظم شدند و در پی آن قراول‌خانه‌ها منحل گردید.

رفع معایبی که کدخداهای هر محل به آن مشهور بودند، نحوه رسیدگی به کیفیت انجام وظایف کدخداها، چگونگی رفع شر اراذل و اوباش معروف از اهداف مهم تدوین این کتابچه بود. به دنبال تدوین کتابچه و نیز آماده نمودن فوجی به خصوص که عهده‌دار اجرای وظایف محول شده بودند ضرورت ثبت کلیه اتفاقاتِ محلات تهران و انتقال آن به مقام سلطنت مطرح گردید. از همان ابتدای کار کنت درباریانی که بر طبق قوانین کنت از بعضی حقوق خود محروم شده بودند به مخالفت با او و تشکیلاتش پرداختند از جمله کسانی که مخالفت خود را به طور صریح ابراز می‌کرد اعتمادالسلطنه بود که در خاطرات خود به طور علنی دشمنی و مخالفت خود را با کنت ابراز می‌کند.[۱]

سرانجام بعد از واقعه رژی و مخالفت علما با حضور بیگانگان به خصوص در امر پلیس، شاه مجبور به تسلیم شد و پس از چهارده سال در سال ۱۳۰۹ق به خدمت کنت پایان داد وی از آن پس با سمت آجودان ناصرالدین شاه به کار پرداخت.

* * *

نمونه‌هایی مستند از فعالیت‌های کنت در امور انتظامی تهران با شرح وقایع مذکور به صورت دفاتری جداگانه در هفت مجلد در خزانه سازمان اسنادملی ایران نگهداری می‌شود. این دفاتر حاوی گزارشهایی است که در آخر هر روز توسط مأمورین انتظامی هر محل به اداره نظمیه ارسال می‌شده است، تا خوردگی ورق‌های هر دفتر بیانگر این نکته است که گزارش‌ها در زمان خود به صورت پراکنده بوده‌اند و در سالهای بعد صحافی و به لحاظ تاریخی دسته‌بندی گردیده‌اند. البته قبل از تهیه این دفترچه‌ها، ثبت گزارش محلات تهران به شکل دیگری جریان داشته است، مؤید این امر سندی است مربوط به ۱۲۸۴ق (قبل از ورود کنت و تشکیل نظمیه) و در دربردارنده حوادثی است که در عودلاجان، سنگلج، بازار، چالمیدان و ارک اتفاق افتاده است و پس از هر واقعه در حاشیه سند به نتایج محاکمه و نحوه مجازات مجرمان و خاطیان ذکر شده

---

۱. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج‌افشار (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵) ص ۲۴۵

است و در بخش پایانی تغییرات قیمت مایحتاج روزانه مردم ثبت شده است.

در واقع کنت از جهت ذکر روزانه وقایع بنیاد جدیدی در امور انتظامی به وجود نیاورده بود. به هر ترتیب گزارشهای موجود بیانگر اوضاع اجتماعی تهران از سالهای ۱۳۰۳ق تا ۱۳۰۵ق است: جلد اول ذی‌قعده ۱۳۰۳، جلد دوم ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۰۳ تا ۲۴ محرم‌الحرام۱۳۰۴، جلد سوم صفر ۱۳۰۴، جلد چهارم جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی و رجب ۱۳۰۴، جلد پنجم ذی‌قعده ۱۳۰۴، جلد ششم ذی‌حجه ۱۳۰۴، جلد هفتم رمضان و شوال ۱۳۰۵ را شامل می‌شود.

گزارشها از محله دولت که مسکن اعیان و اشراف و نمایندگان سفارتخانه‌ها و اتباع خارجی بوده شروع سپس به سنگلج، چالمیدان، بازار و در بعضی موارد چهارسوق کشیده می‌شود و در نهایت به شرح بازداشت شدگان نظمیه و علت دستگیری آنها پرداخته است در انتهای هر گزارش (بجز چند مورد) امضای کنت دمونت فورت وجود دارد.

این دفاتر دارای جلد چرمی و اوراق آنها بعضی بدون خط و برخی دیگر دارای خطوط ساده و شطرنجی است اندازه دفاتر ۲۳×۱۳ و قطر آنها بین ۱/۵ تا ۲/۵ سانتیمتر است.

موضوعات دفاتر به طور کلی عبارتند از

الف) گزارش از مراسم مختلف از قبیل روضه‌خوانی، عزاداری، عروسی (که اکثریت قریب به اتفاق آنها درون گروهی و صنفی است.) مراسم جشن، برپایی تعزیه در تکایای مختلف، تشییع جنازهٔ افراد سرشناس، دید و بازدیدها و مسافرتهای زیارتی.[۱]

ب) اختلافات خانوادگی، و همسایگی و نحوه رفع آنها، موضوع قابل توجه در اختلافات خانوادگی این است که بعضی از این اختلافات منجربه خودکشی شده است. اختلافات همسایگان نیز بیشتر بر سر تقسیم آب و تجاوز به حریم یکدیگر است. چنین به نظر می‌رسد که گاهی وظایف پلیس، از حد امنیت شهر تجاوز می‌کرده و در بعضی موارد، جنبهٔ دادگاه حل اختلافات را پیدا می‌کرده و در مواردی هم که اختلاف رفع نمی‌شده به محاضر شرعی رجوع

---

۱. جهت اطلاعات بیشتر از آثار اتفاقات ذکر شده در این گزارشها رجوع شود به:

ترکزاد، احمد «گزارشات محلات تهران» دفتر دوم گنجینه ـ ص ۳۸ ـ آثار ارائه شده با این که تنها ماههای ذی‌قعده و ذی‌حجه سال ۱۳۰۳ و محرم ۱۳۰۴ را بررسی کرده با این حال گویای حوادثی است که صفحات این دفترچه‌ها را به خود اختصاص داده است.

می‌شده است.

ج) سرقت‌ها، مزاحمت افراد شریر، گم شدن اطفال، مبارزه با فساد، تبعید فواحش و جلوگیری از شرب مسکرات و استعمال تریاک

د) تصویب بعضی قوانین اجتماعی از جمله قانون بستن قهوه‌خانه‌ها و راه‌اندازی راه‌آهن.

ه) اشاره به جریانات سیاسی، موضع‌گیری اصناف و بازرگانان در مقابل نیروهای دولتی در جریان انقلاب مشروطیت، روابط بازرگانان و اصناف با روحانیون، درگیری مردم با پلیس، سخنرانی در مورد مشروطیت و مجلس عامه و از طرف دیگر پاره‌ای مطالب سیاسی در خصوص روابط خارجی به خصوص رفت و آمدهای اتباع خارجی* و سیاست حکومت در نحوهٔ رفتار با ایشان حایز اهمیت است. با آن که تعداد گزارش‌های سیاسی نسبت به سایر گزارش‌ها چندان زیاد نیست ولی با این حال از بررسی این وقایع می‌توان به خوبی جایگاه طبقات جامعه به خصوص روحانیون و بازرگانان را در میان اقشار مردم مشاهده نمود.

با توجه به مطالب ذکر شده مشخص است که هدف از بررسی این مجموعه گزارش‌ها که در بادی امر یک سلسله مطالب تکراری به نظر می‌رسد شناسایی وضعیت اجتماعی مردم و در بعضی موارد آشنایی با طرز تفکر عمومی در این دوره، وظایف پلیس و پای‌بندی مردم به اصول شرعی و عرفی و مطالعه آماری مسایل مختلف است که هر نکته آن برای شناخت تاریخ اجتماعی مردم ایران در این عصر حایز اهمیت است.

در دوماه رمضان و محرم علاوه بر گزارشهای معمول روزانه، گزارشی از برپایی مراسم روضه‌خوانی و جلسات سخنرانی در تکایا و مساجد با نام «راپورت تکایا و مجالس روضه‌خوانی شهر» و یا «راپورت مساجد دارالخلافه» آمده است که در آن شمه‌ای از موضوع سخنرانی و تعداد جمعیت حاضر نیز بیان گردیده است.

چگونگی بررسی اسناد

در بازنویسی اسناد، تاریخ بعضی از روزها با توجه به ترتیب تاریخی اشتباه نوشته شده بود و یا ترتیب تاریخی منظم نداشت که تصحیح شده است.

---

*. از جمله پناهنده شدن امیرایوب‌خان، سردار افغان به ایران. و یا سخنرانی‌های مذهبی ـ سیاسی روحانیون در ماههای محرم و رمضان.

در بعضی از گزارشهای روزانه افتادگی‌هایی دیده می‌شود که احتمالاً در زمان ایجاد سند موجود بوده ولی در هنگام صحافی جا افتاده است چراکه بعضی از دفترچه‌ها تاریخ چند ماه را به طور متوالی و منظم دارند ولی در بقیه این نظم دیده نمی‌شود.

برخی غلطهای املایی در متن اصلاح شده که در ذیل هر صفحه اصل آن آمده است. شیوه نگارش به گونه‌ای بوده که در پاره‌ای کلمات حرف «گ» به جای «ک» به کار رفته مثل کلمات لشکر و درشکه و نیز از به کار بردن «های» غیر ملفوظ خودداری شده به عنوان مثال واژهٔ خانه‌های به صورت خانهای نوشته شده است. و تا آن جایی که امکان داشته سعی شده از ویرایش جدید و رسم‌الخط فارسی در املای واژه‌ها استفاده شود.

کلیه لغات و مشاغل نامأنوس نیز در پاورقی توضیح داده شود در بخش آخر رجال این دوره که در دفاتر نام برده شده‌اند، تا آنجاکه در منابع می‌توان یافت و در حد بضاعت ما بوده، معرفی شده و مشاغل آنها در سالهای حول و حوش تاریخ دفاتر آورده شده است. با توجه به این که اسامی رجال، به همان صورتی که در مجموعه آورده شده نوشته شده که قابل بازیابی باشد.

فهرست اعلام به چهار بخش فهرست اماکن، فهرست رجال، و شخصیتها و فهرست مشاغل (جهت افرادی که به واسطه شغل خود مشخص شده‌اند) و اسامی تعزیه‌ها تقسیم و آورده شده است و در انتها فهرست موضوعی جهت پی‌گیری موضوعات کلی کتاب استخراج و ارایه شده است.

قدردانی

در پایان بر خود فرض دانسته، از زحمات مسئولین و همکارانی که در انتشار این مجموعه ما را یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی شود. به همین جهت از جناب آقای مهندس «**سیدحسن شهرستانی**» ریاست سازمان اسناد ملی ایران و همچنین از جناب آقای دکتر «**کیانوش کیانی‌هفت‌لنگ**» معاون سازمان و ریاست محترم پژوهشکدهٔ اسناد و سرکار خانم «**فاطمه قاضیها**» معاونت پژوهشکده، به سبب بذل توجه و ایجاد فضای مناسب پژوهشی همچنین از محقق گرامی سیدمحمدحسین منظورالاجداد به جهت راهنمایی‌های بی‌شائبه ایشان، تشکر و قدردانی می‌شود.

در اینجا لازم است از مدیر محترم چاپ و انتشارات سازمان جناب آقای **علی میرانصاری** و همکاران ایشان به ویژه آقایان **نصرت‌الله امیرآبادی، شهرام چوپان** و **سیدیاسرشریفی**

که با جدیت، تمامی مراحل آماده‌سازی و امور چاپ این مجموعه را زیر نظر داشته و به انجام رسانده‌اند؛ کمال تشکر را بنماییم.

همچنی از خانم‌ها **«ویدا کیانی»** و **«مرضیه یزدانی»** و **«الهام ویسانیان»** که در امر بازنویسی و ویرایش و حروفچینی مجموعهٔ حاضری یاری‌رسان بوده‌اند، تشکر می‌گردد.

انسیه شیخ‌رضایی ـ شهلا آذری

کنت دومونت فورت - نخستین رئیس نظمیه طهران

(۱)

راپورت وقایع مختلفه حضرت والا

۱۳۴

(۲) شنبه (۳) بهمن ماه

محمد حسن

چند شب قبل یکی از فانوس های چراغ گاز لو از خیابان بابا که
شمس العماره برده بودند جناب امین الملک باداره اطلاع داده شد
مخفی شد امین محمد حسن و اجزای امین در مقام جستجو برآمده تا یکی
باداره فانوس لو در جزو چراغهای خیابان بابا که لالاسیه دیده
باداره آوردند و بعد از تحقیقات معلوم شد که متکفل امنیت

خیابان بعد به طرف خیابان جمهوری ابادیک از فانوس های فرنگ در خیابان
بابا که لالاسیه لو جهت و اسمعیل نامان فراشهای اینجا که متصدی چراغها
مقرر کنند و اجزای کارخانه چراغ گاز مطالبه میکردند شاگردها هر روز
بعدی مستعد بودند تا اینکه با آنها صحبت میکنند شاگردها جمهوریت
شبانه همه بدون اینکه مداخله نمایند فانوس های اواخر خیابان
شمس العماره ایرانی است یکی از آنان همرا برداشته بردند کمان لالاسیه
که فانوس های اینجا تماما فرنگی بوده بروی پایه نصب کردند
مشورت میکنند اجزای امین خیابان شمس العماره گمان کردند
آنها اجزای کارخانه چراغ گاز هستند مشغول شدند فانوس

دستنویس «راپورت وقایع مختلفه دارالخلافه» محل نگهداری: آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، اسنادبیوتات، آلبومهای شماره‌های: ۱ ـ ۲۲۲، ۲ ـ ۲۲۲، ۳ ـ ۲۲۲، ۴ ـ ۲۲۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۴.

تهران*

راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه

۱۳۰۳

به تاریخ دوشنبه (غره) شهر ذی‌قعده‌الحرام

محله دولت

ـ کربلایی فتح‌علی‌نام خراسانی پیله‌ور** اظهار می‌دارد که سال قبل دویست تومان پول داشتم. در تهران بعضی اجناس خرید کردم و عزیمت زیارت کربلای معلا نمودم که در بین راه اجناس خود را به فروش برسانم و هم زیارت کرده باشم. دو سه روز قبل از حرکت شخص طراری که خود را از اهل مازندران و از ساده‌لوحان آن سامان می‌شمرد با من اظهار دوستی و ملاطفت زیاد کرد و گفت من هم خانه‌ام را فروخته‌ام که به زیارت کربلا بروم. چون تو آدم درست خوبی هستی با تو همسفر می‌شوم. چند روزی در شهر تهیه دیده، یک روز اصرار نمود که برای سفر همیانچه لازم است. در بازار هر یک، یک دانه همیانچه خریدیم و از شهر بیرون رفتیم. در بین راه اجناس را فروخته و به زیارت عتبات عالیات مشرف شده، بعد به اتفاق مراجعت نموده، روزی که از بغداد خارج شدیم دویست‌وچهل تومان پول در همیانچه داشتم و به کمر بسته بودم. به جهت مخارج هم پول سر دست داشتم. در هر منزل که وارد می‌شدیم، همیانچه را زیر سر خود می‌گذاردم تا به قم رسیدیم. چهار روز در آن جا توقف کرده، زمان حرکت مشارالیه متعذر شده مرا وداع نموده، در آن جا ماند. همین که به تهران آمدم در همیانچه را باز کردم، دیدم به همان شماره پول قلب و سیاه در همیانچه است. معلوم شد که رفیق ظاهرالصلاح مقدس مآب، به تردستی پولها را جازده است. بیچاره از این صدمه زیاد متوحش بود و نزدیک به هلاکت رسیده بود. اجزای پلیس او را به حکومت جلیله راهنمایی کرده و هم مترصد شدند که هرگاه آن شخص در شهر دیده شود، دستگیرش کنند.

ـ ضعیفه [ای] به رییس محله متظلم می‌شود که تقی‌نام، شوهرم، مدتی مرا بی‌مخارج گذارده، از شهر رفته بود. من هر چه داشتم فروختم و مخارج کردم. حال که آمده است از من کناره می‌کند.

---

*. در همهٔ اسناد: طهران

**.پیله‌ور: فروشندهٔ اجناس عطاری، سوزن، ابریشم، مهره و امثالهم. (لغت‌نامه دهخدا)

رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع‌انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ مشهدی محمدبقال دیشب دختر عمویش را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

سنگلج

ـ حسین‌نام مهتر آقا سیدابوطالب صدرالذاکرین به واسطه بردن جل و تنگ اسب آقایش چندی قبل اخراج می‌شود. دیشب رضانام خراسانی را تحریک کرده، به طوری که مشارالیه می‌خواسته الاغ را ببرد. در آن بین سیدحسن‌نام گماشته او رسیده، رضا راکه به آقایش خبر داده، می‌آید رضا را چوب زیاد زده و با پابند اسب مشارالیه را بسته در طویله حبس می‌کند و صبح می‌فرستد حسین را هم می‌آورند. او را نیز [مانند] رضا مجازات می‌دهد که از قرار مذکور پای آنها به واسطه صدمه ورم کرده. رییس محله نایب اول خود را می‌فرستد که آنها را بیاورند. آقا سیدابوطالب نداده، می‌گوید نگاه می‌دارم و اسباب خود را می‌گیرم. نه تنها این دفعه مشارالیه خودسرانه این حرکت راکرده، بلکه اغلب اوقات مردم را تنبیه و تهدید و حکومت می‌کند. مراتب معروضه به جناب وزیر نظام نوشته شد.

ـ در راپورت دیروز شرحی عرض شده است که نصرالله کچل دزد، اذان صبح دو بقچه لباس و اسباب همراه داشته، پلیس گذر مستحضر می‌شود که مال دزدی است، او را می‌گیرد. مشارالیه با مشت به چشم پلیس زده، صدمه وارد آورده و بقچه‌ها را انداخته، فرار کرده است. اجزای پلیس در جستجوی صاحب اسباب بر آمده، معلوم شد که متعلق به ملاعبدالله حکیم‌گیلانی است. مشارالیه به اداره آمده، قبض داده، بدون کسر و نقصان اسباب خود راکه معادل پنجاه تومان بود دریافت داشته. اعلی درجه امتنان را حاصل کرد.

ـ در باب دو تخته قالی و بعضی اسباب که یک نفر دزد برده، در سربازخانه فوج همدان گرو بگذارد، سربازها فهمیده، اسباب راگرفته مشارالیه فرار می‌نماید. از اداره پلیس به آجودانباشی کل نوشته شد. اسباب را به اداره آوردند. بعد از چند ساعت معلوم گردید که از خانه مقنی باشی سرقت شده است. به صاحبش رد شد.

عودلاجان

ـ آقا شیخ‌حسین اغدایی واعظ معروف که چند روز مریض شده بود، دیروز دار فانی را وداع نمود. جنازه او را با کمال احترام برداشتند. جمعی کثیر از علمای عظام او را تشییع جنازه نموده بودند، و در خانه مشارالیه مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ عیال حامله رضا، وکیل فوج مخصوص می‌رود از چاه آب بکشد، دلو پاره شده، میان چاه آب افتاده فوراً هلاک می‌شود.

ـ حاجی محمدعلی‌تاجر تهرانی که به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او فراهم نموده بودند.

ـ دیروز در خانهٔ حاجی اسدالله بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ آقا شیخ علی ذاکر که به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. جمعی از ذاکرین او را استقبال نموده به احترام زیاد واردش کردند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌میرزاحسین تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آن جا حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز عبدالله‌خان سرتیپ فوج همدان عیال و اطفال خود را با بنهٔ زیادی به همدان روانه کرد.

چالمیدان

ـ محمدابراهیم گماشته جناب امین‌السلطان در بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم خانه‌ای دارد که به آقاشیخ عیسی اجاره داده است. مدت اجاره او منقضی گردیده. قریب بیست روز است که به مشارالیه اطلاع داده، از خانه او برود. دیروز می‌رود که خانه خود را تخلیه کند، زنها بنای فحاشی را می‌گذارند. مشارالیه به رییس محله اظهار می‌دارد. رییس محله فرستاده زنها را تهدید نموده، قرار می‌دهد که دو روزه حتماً خانهٔ او را تخلیه کنند.

ـ دیشب چراغعلی نام همشیره غلام‌حسین حجار را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌رضای بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت نموده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه مشهدی حیدر بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ آقارضا نام سرباز به واسطه رابطه[ای] که با ضعیفه بدکاره داشته با عیالش نزاعشان شده. ضعیفه مقداری تریاک می‌خورد. کسانش هر قدر معالجه و مداوا می‌کنند، سودی نکرده، هلاک می‌شود.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی‌محمدهادی تاجر چرم فروش میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده، متفرق شدند.

ـ دیشب استاد شیرمحمد تنباکوفروش چند نفر از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز دختر ملاعلی‌اکبر مکتب‌دار را برای پسر استادحاجی نام بنا عقد کردند. ملامحمدتقی کاشی و آقاشیخ‌مهدی پیشنماز با جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌احمد تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزاخلیل نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب در آن جا حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ فرهاد سیاه برای این که در خیابان جبه‌خانه درب حجره‌ای را باز کرده که دستبرد بزند، گرفتار شده، از چارسوق به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ رضا برای این که دو تومان وجه نقد از جیب شخصی سرقت کرده است، در اداره است تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ برزو که برای ادعای آقایش در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج شده، قرار داده شد

که در محضر شرع انور طرفین حاضر گردیده، طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte*

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ سه‌شنبه (۲) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ علی‌خان پسر قاسم‌خان سرتیپ مراغه که چندی است فراراً به تهران آمده، داخل بعضی الواطی‌ها شده است، دیروز در محله سنگلج عبور می‌کرده، در قورخانه کهنه یک خانه[ای] را بسته و مقفل می‌بیند. قفل را نگاه کرده، زود به طرف بازار رفته، نظیر آن قفل را خریده دو نفر حمال هم از سبزه‌میدان برداشته می‌گوید اسباب کشی دارم. به درب همان خانه رفته، با کلید قفل خریداری خود، در را درکمال وقار باز کرده، داخل خانه می‌شود. پلیس آن گذر که صاحب‌خانه را می‌شناخت و دید این شخص غیر از صاحب خانه است یک نفر آدم آن جا گذارده، می‌رود، صاحب خانه راکه اسکندر ارمنی است، پیدا کرده می‌آورد. صاحب خانه از حمالها می‌پرسد، این جا چه می‌کنید؟ می‌گویند همراه آقا آمده‌ایم که اسباب‌کشی کنیم، صاحب خانه داخل خانه می‌شود. علی‌خان فرار می‌کند. پلیس او را گرفته، به اداره آورده، حبس شد، در تحت استنطاق است که شاید از جای دیگر هم اسباب برده باشد.

ـ دیشب دختر باغبان‌باشی را برای میرزااسدالله پسر مقنی‌باشی عروسی کردند، پنج ساعت از شب رفته، عروس را به خانه داماد بردند، وضع عروسی خیلی مختصر بود و جهاز عروس را

---

*. در ابتدای هر امضا حروفی ناخوانا نوشته شده است.

عصر به خانه داماد حمل کردند. داماد به هر یک از باغبانها یک ثوب * قدک داده بود.

ـ حاجی‌محمدتقی عطار دختر خود را برای محمدحسن برادرزاده و شاگرد خودش عروسی کرده، یک دسته مطرب آورده، جمعی از اهل محله را دعوت نموده، پنج ساعت از شب گذشته عروس را با داماد که در یک خانه منزل دارند دست به دست داده، متفرق شدند.

ـ حبیب‌الله نام پسر میرزاتقی مازندرانی که به سن، بیست سال داشت، از مادر خود زن می‌خواسته، مادرش به مسامحه و طفره می‌گذراند تا روز گذشته در این خصوص مجدداً باز با مادرش گفتگو کرده، چون جواب یأس شنیده بود، سر شب مقداری تریاک خورده، صبح اهل خانه ملتفت شدند که مرده است.

ـ محسن طباخ، شاگرد خود را برای نافرمانی و مخالفتی که کرده بود، کتک زده، سرش را مجروح می‌نماید. می‌خواهند او را دستگیر کنند، فرار نموده، در سفارت نمسه متحصن می‌شود. مادر طفل به حکومت عارضه شده مأمور آورده، مشارالیه متواری گردیده، در جستجو هستند که او را دستگیر نمایند.

ـ حسن‌خان سرتیپ قزاق که مأمور استرآباد بود، امروز بنه او را وارد کرده، خودش به آب گرم رفته است.

ـ جناب وزیر صنایع که به آب گرم رفته بودند، مراجعت نمودند و مریض هستند. زیاد حالت ایشان مغشوش است.

ـ سه رأس الاغ بلاصاحب پلیسها دیده به اداره آوردند. در اصطبل اداره [ ]** تا صاحبش پیدا شد ببرد.

سنگلج

ـ ضعیفه[ای]، زینت نام، به شدت مست بوده، از گذر در بخونگاه عبور می‌کرده، گرفتار پلیس شده، نزد رییس محله می‌برند. مشارالیها اظهار می‌دارد که به واسطه دل درد شرب کرده‌ام و خدمتکار خانه میرزاعلی اکبرخان منشی وزارت خارجه هستم. متوقف است تا این که تحقیق حال او بشود.

---

*. ثوب: جامه ـ لباس ـ واحد شمارش البسه (لغت‌نامه دهخدا)

**. خوانده نشد.

ـ مشهدی حیدر حلاج دیشب می‌خواسته برود بالای بام بخوابد. زنش مانع می‌شود. مشارالیه قبول نکرده، می‌رود می‌خوابد. اواسط شب برای حاجتی برخواسته، از بام افتاده، سرش شکسته و خون زیاد از گوش او رفته، به فاصله ساعتی فوت می‌کند.

ـ پسر نه ساله میرزا شفیع‌نام، لب حوض بازی می‌کرده، یک مرتبه به حوض افتاده کسی در خانه نبوده، مگر یک نفر زن، آن هم خواب بوده طفل خفه می‌شود.

ـ دیشب شاطر اسمعیل خباز دختر استاد رضای معمار را برای خودش عروسی کرده بود و مطرب آورده، جمعی از اهل محله را دعوت نموده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب دختر مشهدی حسن خباز را برای مشهدی حسن‌عطار عروسی کرده، جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌علی خان، پسر مرحوم احمدخان نوایی عمیدالملک، مطرب آورده و مجلس عیشی برای خودش ترتیب داده بود.

عودلاجان

ـ دیشب شب هفتم فوت آقاداداش شیروانی بود، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و علما را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی محمدحسین تاجر تهرانی میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی هادی نام، دختر مشهدی رضا نام را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند، غروب متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌رمضانعلی تاجر، مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب میرزاغلام‌حسین نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز استادعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا [...]* سرقت کرده

---

*. خوانده نشد

است. رییس محله او را حاضر نموده، بعد از تحقیقات به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو کنند.

چالمیدان

ـ دیروز صبح در خانه میرزا محمدعلی عزب دفتر* مجلس روضه خوانی بوده است که جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ حسین‌نام، پسر حضرت قلی‌بیک که به سن، دوازده ساله بود، شب گذشته از بام افتاده، سرو دستش شکسته. بعد از چند ساعت فوت می‌کند.

ـ دیشب آقامهدی شاگرد صراف، دختر آقاغلام علی نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از طرفین و اهل محله را دعوت نموده و مطرب آورده بود. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز جنازه آقاشیخ حسین اغدایی را با کمال احترام به عتبات عالیات حمل نمودند.

ـ دیشب در خانه آقااسدالله تنباکو فروش میهمانی زنانه بوده. مطرب هم آورده بودند.

ـ دیشب در خانه مشهدی محمدعلی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی محمدحسین تاجر میهمانی بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی باقر نام دختر مشهدی حسین‌علی نام را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه مشهدی نادی‌علی خرازی فروش میهمانی بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت نموده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

---

*. عزب دفتر: محرر و نویسنده دفتر در دیوان محاسبات (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب عیال مشهدی حسین‌نام با شوهرش نزاعشان شده، مقداری تریاک می‌خورد که خود را هلاک کند. کسانش مستحضر شده، او را معالجه و مداوا کرده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه خوانی [بوده]، جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی حسین‌نام، چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده بود برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ چهارشنبه (۳) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ میرزا رضاعطار که در حوالی مدرسه مروی دکان دارد، ابوطالب نام شاگردش را در دکان خود چوب می‌زند. نایب محله رسیده، جهت زدن را می‌پرسد. جواب داده که دوازده سیر تریاک مرا سرقت کرده است، نایبِ محله خواسته ابوطالب را برای تحقیقات به اداره بیاورد. مشارالیه مانع شده به ملاحظه این که نزدیک مدرسه و خود را تحت حمایت طلاب می‌داند، می‌گوید خودم از او می‌گیرم و درشتی می‌کند. به رییس محله قدغن* گردید که عطار معروض را با شاگردش به اداره حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه شده، عطار برای مخالفتی که کرده است تنبیه شود.

ـ دیشب چهار ساعت از شب گذشته میرزا حیدرعلی خان سرتیپ تلگرافخانه مبارکه به رییس محله اظهار می‌دارد که محمدحسین‌خان، داماد ساعدالدوله که خودش به مأموریت رفته،

---

*. در بیشتر اسناد: غدغن

با من همسایه است. امشب تپانچه* از خانه او به اندرون خانه من خالی کردند که زنها از اضطراب و وحشت خود را باختند. خواسته بودند تحقیق کنند که تیرانداز کیست، زنهای خانه مشارالیه بنای فحاشی و بی‌احترامی را گذاردند. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که حسین‌خان پسر ساعدالدوله با شیخ تقی نام نوکر محمدحسین‌خان در آن خانه بودند و تپانچه از آن جا خالی شده است. شیخ تقی بیرون آمده، مشارالیه را به اداره آوردند، در تحت استنطاق است.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدتقی تاجر مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین‌نام با شوهرش نزاعشان شده، ضعیفه به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که مشارالیها بدون اذن شوهرش با همسایه‌ها به حضرت عبدالعظیم(ع) رفته است. مشارالیها از او مواخذه نموده نزاع جزیی کردند، آنها را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیشب میرزاعلی خان نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده، مجلس عیشی ترتیب داده بود.

ـ دیشب باقرخان سلطان، دختر استاد حاجی نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از صاحب منصبان نظامی و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب استاد اسدالله کلاه‌دوز دختر مشهدی رضای کلاه‌دوز را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه بازار در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسین‌قلی بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که برادر زنم معادل ده‌تومان اسباب زن مرا دزدیده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که گفتگوی شرعی دارند. به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو

---

*. در همه اسناد: طپانچه

کنند.

ـ حاجی عبدالله نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده، جمعی از تجار و کسانش او را استقبال نموده با احترام واردش کردند.

عودلاجان

ـ دیشب میرزاهدایت نام دختر کربلایی محمدحسن تنباکوفروش را برای خودش عروسی کرده، جمعی از کسبه و اهل محله را دعوت کرده بودند. پنج ساعت از شب رفته عروس را به خانهٔ داماد برده، متفرق شدند.

ـ سه نفر توپچی‌های مهندس، سه هزار [دینار] و دهشاهی از میرزامحمدعلی مکتب‌دار مطالبه طلب می‌کردند. مشارالیه می‌گفت حالا ندارم. آنها سخت گرفته نزدیک بود منازعه کنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده و قراری داده می‌روند.

ـ آقامحمدحسن‌نام دیروز عزیمت زیارت کربلای معلا کرده، با زن و بچه از شهر خارج گردیدند. جمعی از اهل محله و کسانش او را بدرقه نموده بودند.

ـ دیشب دو ساعت از شب رفته ضعیفه[ای] مضطربانه به رییس محله اظهار می‌دارد که طفل چهار ساله من به کوچه آمده، مفقود شده است. رییس محله، پلیس به اتفاق او فرستاد، جستجو نموده، طفل را پیدا کرده، به دست مادرش می‌سپارند، نهایت امتنان را حاصل می‌نماید.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان تنباکوفروشی باز است. و صاحبش فراموش کرده، دکان را قفل ننموده، رفته است. فوراً صاحب دکان را که در آن نزدیکی بوده است، حاضر نموده، دکانش را بسته و امتنان حاصل کرده می‌رود.

چالمیدان

ـ زن کربلایی صادق گماشته حاجی ابوالحسن معمارباشی به رییس محله متظلمه می‌شود که حسین پسر حاجی‌اسمعیل کتابفروش با من همسایه است شب به خیال ارتکاب عمل شنیع بالای سر من آمده فریاد کردم، فرار نمود. رییس محله فرستاد، مشارالیه را حاضر کرده از قرار تقریر همسایه‌ها، ضعیفه دروغ می‌گوید. عجالتاً در تحت تحقیقات لازمه است.

ـ عیال جناب امین‌لشکر که چند روز مریضه بود دیروز مرحوم شده است. جنازه او را با کمال

احترام برداشته، در مسجد امانت گزاردند.

ـ مشهدی ابوالحسن سمسار دیروز با عیال و اطفال عزیمت زیارت کربلای معلا نموده از شهر خارج شدند. جمعی از کسبه تا حضرت عبدالعظیم او را بدرقه کردند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی ملاحسن مجلس روضه خوانی بوده است جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند، غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز دهباشی حسن نایب احتساب عیال مطلقه خود را نزد رییس محله برده سپرده، اظهار می‌دارد که مشارالیها مقداری اسباب و مبلغی پول او را برداشته. رییس محله مشارالیها را به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب مشهدی میرزانام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ قاسم‌خان کاشانی به واسطه ارث همشیره خود با میرزاعلی اکبر دامادش نزاعشان شده، چون طرفین به نواب مستطاب علیه عالیه شکوه‌السلطنه دامت شوکتها بستگی دارند به درب خانه نواب معزی الیها رفته عارض شدند.

ـ دیشب استادحاجی ارسی دوز جمعی از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی محمدعطار دختر مشهدی رسول نام را برای خودش عقد کرده. ملامحمدتقی کاشانی و آقاسیدمحمد پیشنماز و جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز صبح کربلایی حاجی آقا گماشته جناب حاجی‌ملاعلی در خانه‌اش مجلس روضه ترتیب داده بود. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ حاجی لطف علی‌باقر، مبلغ چهارصد تومان از محمدرضای بزاز که پسرعموی خودش است ادعای طلب دارد، به نواب ارفع والاملک آرا عارض شده، مامورین نواب معزی الیه او را برده، بعد از تحقیقات حبس کرده‌اند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌محمد نام بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ شاه‌گل خانم برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله دولت به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ حسین‌علی برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله دولت به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ پنجشنبه (۴) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ کلاک صاحب، تلگرافچی انگلیسی، دیروز تقریباً ده سگ را مسموم کرده است. از مشارالیه جهت این حرکت را سوال کردند، گفته است شبها در حوالی خانهٔ من پارس زیاد می‌کنند، و نمی‌گذارند بخوابم. هر چه سگ در حوالی خانه خود ببینم می‌کشم تا آسوده شوم.

ـ رضانام، سرباز فوج پنجم قراول اصطبل سفارت فرانسه، از قلی، کالسکه‌چی جناب مخبرالدوله ادعای طلب داشته، مطالبه کرده، نزاعشان شده، جزیی صورت سرباز مجروح شده، پلیسها آنها را به اداره آوردند. بعد از تحقیقات نزد آجودانباشی کل فرستاده شدند. معزی‌الیه آنها را صلح داده، کالسکه‌چی هم طلب سرباز را رد می‌کند.

ـ شخص طراری یک زوج گوشواره مطلا را به اسم طلا به یک ثوب سرداری مستعمل نزد علی‌محمد سرباز فوج همدان قراول دربخانه آجودانباشی کل برده، گرو گذارده، سیزده هزار [دینار] پول می‌گیرد. سرباز دو ساعت بعد گوشواره را برده، نشان داده، معلوم می‌شود که مطلا است و یک عباسی قیمت دارد. هر قدر جستجو نموده، او را پیدا نکرده، نایب محله مستحضر گردیده، در تفحص مشارالیه است که او را دستگیر کند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ابوطالب نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند، چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی نبی‌نام به رییس محله متظلم می‌شود که بعضی اسباب مرا رحیم‌نام، برادرزاده‌ام، دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ دیشب اصغر کالسکه‌چی چند نفر از بستگانش را میهمان کرده، مطرب یهودی آورده بود. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ ابراهیم همدانی دیروز داخل خانه رضاقلی‌خان سرهنگ شده مقداری اسباب سرقت کرده، نوکر سرهنگ رسیده، دزد معروض با او بنای نزاع را گذارده و در آن بین اجزای پلیس می‌رسند. مشارالیه را دستگیر کرده به اداره آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ دیروز یک رأس الاغ بلاصاحب پلیسها دیده، گرفته، نگاه می‌دارند. در آن بین سیدکاظم نام آمده، می‌گوید الاغ مال من است و تقلباً گرفته، می‌برد. به فاصله ساعتی صاحب الاغ آمده، معلوم می‌شود که الاغ مال اوست. گرفته رد شد و سیدکاظم را به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ابوالقاسم نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزا حسین‌نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز حاجی‌امین‌آقا، نواده مرحوم شاهرخ میرزا، با والده‌اش عزیمت زیارت مشهد مقدس کرده، از شهر خارج شدند جمعی از شاهزادگان عظام آنها را بدرقه کردند.

ـ جناب آصف‌الدوله که به آب گرم لاریجان رفته بودند، مراجعت نمودند. جناب قوام‌الدوله و نواب ارفع والا ملک‌آرا از معزی الیه دیدن کردند.

ـ مشهدی جوادطباخ، دیشب پسرهای میرزاعلی اکبر مستوفی با چند نفر دیگر را میهمان کرده،

مطرب آورده بود.

ـ استادنادعلی سلمانی سه تومان پول سیاه می‌برد در دکان استادحسین خیاط امانت می‌گذارد. شخص طراری قدر پول را معین نموده، به فاصله ساعتی رفته، نشانی داده، پول را گرفته، مفقودالاثر می‌شود. اجزای پلیس در جستجوی مشارالیه هستند که دستگیرش کنند.

ـ دیروز ضعیفه‌ای به خانه حسن‌خان قاجار رفته، بعضی اسباب سرقت کرده، زنهای خانه ملتفت شده، او را گرفته، بنای داد و فریاد را می‌گذارند. نایب محله آمده، مشارالیها را دستگیر کرده، در تحت استنطاق است.

ـ حاجی محمدجعفر تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب میرزانصرالله‌خان در خانه‌اش مجلس روضه خوانی ترتیب داده بود. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز صبح در خانه حاجی‌محمد آقای تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ امروز دو ساعت از روز گذشته جنازه عیال جناب امین‌لشکر، که دیروز مرحوم شده است، با کمال احترام و تجمل به معصومه قم حمل نمودند و جمعی از محترمین تشییع جنازه کردند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی محسن‌عطار مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی حسین‌نام، دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند. مطرب هم داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی رضای بزاز به واسطه عیال جدیدی که شوهرش گرفته و رشته محبت از او گسسته، مقداری تریاک می‌خورد و حالتش منقلب شده. اهل خانه مضطرب گردیده، طبیب حاضر کرده، به زحمات زیاد او مداوا و معالجه نموده، بهبودی حاصل می‌نماید.

چهارسوق

ـ دیشب چهار ساعت از شب رفته به داروغه خبر می‌دهند که روی بازار حمام چال چندنفر یکی

از مستحفظین بازار را گرفته کتک می‌زنند. فوراً داروغه فرستاده، بعد از تحقیق معلوم می‌شود که غفاربیک، امیرآخور سفارت انگلیس در آن حوالی خانه دارد و در آن جا کریم‌بیک پسرش با فرج‌الله‌خان ترک امرد* هرزه و سه چهار نفر اغلب مست شده بی‌نظمی می‌کنند و مشغول اعمال شنیعه هستند. امشب علی‌اکبر مست کرده، به بام بازار آمده، بنای بدمستی و شرارت را گذاردند. اجزای پلیس بازار که می‌رسند، حضرات فراراً داخل خانه خودشان می‌شوند. مراتب معروضه به جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امور خارجه نوشته شده و اداره پلیس در تنبیه آنها اقدامات لازمه به عمل آورده است.

محله بازار

ـ دیشب حاجی‌علی‌اکبر بلورفروش جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز استاد علی‌نام، دختر استاد رمضان‌نام را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مادر محمدعلی‌خان نام بوده. مشارالیه مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز در خانه حاجی‌سیدحسن نام، مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز حاجی‌عباس تاجر، دختر برادرش را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز طفل پنج ساله مشهدی حیدر بزاز، وقتی که کسی در خانه نبوده، به حوض افتاده، نزدیک به هلاکت بوده، بر حسب اتفاق یکی از همسایه‌ها رسیده، طفل را از حوض بدون صدمه بیرون می‌آرود.

---

*. امرد: جوانی که هنوز صورتش موی در نیاورده. (لغت‌نامه دهخدا)

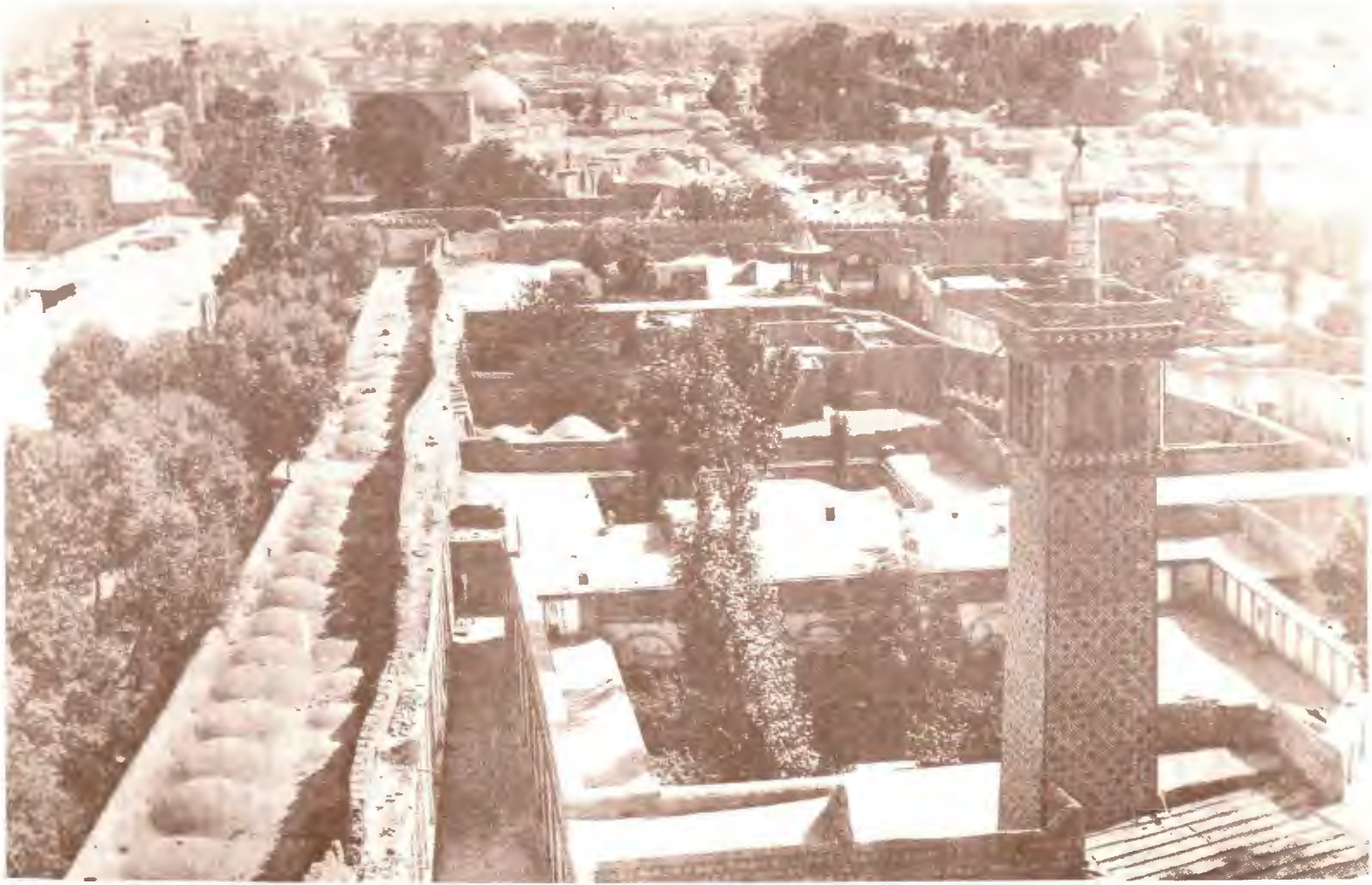

دورنمای طهران

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی مهتر برای این که دیشب مست بوده، خواسته بود رانگی و اشرمه* الاغ گماشته جناب آقاسیدعبدالله مجتهد را سرقت کند. گماشتگان جناب آقای سیدعبدالله او را نزد معزی‌الیه برده، از آن جا اجزای پلیس مشارالیه را به اداره آوردند، با راپورت حالش نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد.

ـ کریم که دیشب مست کرده، متعرض طفل امردی شده بود و هرزگی می‌کرد، گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند. با راپورت حالش نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه (۵) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ حسن‌خان سرتیپ قزاق، دیروز طرف عصر وارد دارالخلافه گردیده است. تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. چند رأس اسبی که همراه خود آورده، در قطعه زمینی که معادل سه هزار ذرع است و از ظهیرالدوله ابتیاع کرده و اطراف آن را دیوار کشیده، بسته‌اند.

ـ مشهدی رضای خراسانی که مدتی قبل به این شهر آمده و مبتلا به استعمال مقداری زیاد تریاک بود و به جهت افراط این عمل مهلک از همه کار باز مانده پریشان و مریض شده بود، دیشب فوت کرده. جنازه او بر زمین مانده بود. رییس محله فرستاده و اهل محله هم امداد نموده، جنازه او را برده کفن و دفن نمودند.

---

*. رانگی و اشرمه: تسمهٔ عقب پالان که بر روی ران ستور قرار گیرد. (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب دو ساعت از شب گذشته صدای تپانچه از طرف سفارت اتریش* شنیده شد. فوراً رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که حسین‌علی نام، سرباز قراول سفارت تپانچهٔ پر در دست داشته، خالی شده او را به قراولخانه برده. رییس محله موآخذه کرده، مشارالیه متعذر می‌شود که بغتتاً از دستم رها شده منبعد مرتکب نمی‌شوم.

ـ دیشب در خانه آقاسیداحمد نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌حسین تاجر دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز عیال مشهدی حسین‌نام به رییس محله اظهار می‌دارد که زن محمدعلی نام، همسایه‌ام، بعضی اسباب مرا دزدیده است. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده، با او به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ دیروز نواب ایلخانی به رییس محله پیغام می‌دهد که یک نفر نوکر خود را جواب گفته‌ام، از خانه من نمی‌رود و کارد کشیده که شکم خود را پاره کند. رییس محله فوراً فرستاد مشارالیه را حاضر نموده، چون همشیره او صیغه نواب معزی‌الیه است، شفاعت او راکرده بودند، ایشان هم فرستاده مشارالیه را می‌برند.

ـ دیشب پلیسهای گردشی شخصی تبریزی را دیده که عبایی بر سر کشیده در سبزی‌کاری خوابیده است. از حالش جویا می‌شوند، مختلف حرف می‌زند. او را به اداره آورده، در تحت تحقیقات است، تا حالش مکشوف شود.

ـ دیشب در خانه تقی‌خان سرتیپ مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه فتحعلی خان، پسر مرحوم وکیل‌الملک، مجلس روضه خوانی بوده است. چند نفر از طلاب را دعوت نموده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌میرزانصرالله نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل

---

*. در همه اسناد: اطریش

محله مستمع بودند.

ـ دیروز مشهدی احمدبزاز دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی‌اسدالله نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز صبح صمصام‌الدوله برای سرکشی به املاک خود به طرف عراق رفته و بنه و اسباب زیاد همراه برده است.

ـ پسر دوازده‌ساله محمدکریم قناد دیشب به پدرش می‌گوید دلم درد می‌کند. او را نزد میرزامحمدحکیم برده، هر قدر معالجه و مداوا می‌نمایند سودی نکرده، فوت می‌کند.

ـ دیروز عصر در خانه جلیل‌خان سرتیپ مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه مرحوم آقاداداش شیروانی مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی حسن نام، دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عقد کرده. چند نفر از کسبه در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی حسین‌نام، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، چند نفر از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ دیروز کربلایی حسین بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که میرزاحسن همسایه‌ام به واسطه دیوار مشترکی با من نزاع کرده است. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، قرار داده شد که موافق تصدیق معمار طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ دیروز حسن نام می‌رود به خانه حسین‌خان قاجار قفل درب اتاق* را خواسته بشکند، اهل

---

*. در همه اسناد: اوطاق یا اطاق

خانه ملتفت شده، بنای داد و فریاد را گذارده، پلیسها رسیده، او را دستگیر نموده، در تحت استنطاق است.

ـ دیشب در خانه حاجی‌حیدرعلی بزاز مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی ملاحسن‌ناظم‌التجار مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محل و طلاب حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی عبدالله نام مطرب آورده و مجلس عیش ترتیب داده، پسرش را ختنه کرده است. عصر متفرق شدند.

ـ دیشب طفل میرزاحسن‌خان نایب نظام جدید به کوچه آمده، مفقود می‌شود. کسانش مضطربانه به رییس محله اطلاع می‌دهند. رییس محله فرستاده، جستجو کرده، به فاصله چند ساعت طفل را پیدا نموده، آورده، به کسانش می‌سپارند. با کمال امتنان او را می‌برند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی نام بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ استاد تقی‌مقنی به رییس محله اظهار می‌دارد که چندی قبل معادل ده تومان اسباب و هفتاد ذرع طناب از من سرقت شده است. امروز مقداری از آن طنابها را در دست عباس‌قلی نام مقنی دیده‌ام. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات عباس‌قلی اظهار نموده که از شخص دستفروش خریده‌ام. ضامن می‌دهد که فروشنده را به دست بدهد.

ـ دیشب در خانه حاجی‌محمدحسین تاجر، مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه زنبورکچی باشی* مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب استادعلی‌محمد نام دختر مشهدی علی‌اکبر کوره‌پز را برای خودش عروسی کرده است.

---

*. زنبورکچی‌باشی: رییس سربازانی که زنبورک (نوعی توپ کوچک که روی شتر می‌بستند) را آتش می‌دادند. (لغت‌نامهٔ دهخدا)

جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه حاجی‌محمدعلی نام مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیروز عصر حاجی‌حیدر نام، دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده. چند نفر از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی باقر که مبلغی پول از شخصی گرفته و در ادای آن خیال تقلب داشت، از محله بازار به اداره آوردند، تا تحقیقات شده، قراری بدهد.
ـ شاه‌گل نام که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بود، بعد از تحقیقات از اداره خارج شد.
Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ شنبه(۶) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ حسام‌الملک از کرمانشاهان یک رأس کره‌اسب ممتاز بسیار شکیل خوب از برای آجودان‌باشی کل تعارف فرستاده است. معزی‌الیه یک طاقه شال به گماشته حسام‌الملک خلعت داده است. حسن‌خان سرتیپ، پسر معزی‌الیه، هم یک رأس اسب ترکمانی برای آجودان‌باشی کل فرستاده. معزی‌الیه نپسندیده، پس فرستاده است.
ـ دیروز دو ساعت به غروب مانده، صاحب منصبان قزاق به دیدن حسن‌خان سرتیپ رفته، یک دسته موزیکانچی قزاق هم مادامی که صاحب منصبان آن جا بودند به، نواهای خوب مترنم بودند.

ـ محمدتقی‌خان، سرتیپ توپخانه مبارکه، قاسم و مشهدی سلمان توپچی را برای این که بعضی اسباب زنانه از ایشان مفقود شده و مشارالیهما مظنون بودند تحقیقات کرده چوب زده حبس می‌کند. از قرار تقریر محمدتقی‌خان، مشهدی سلمان در حبس شکم خود را شکافته. سرتیپ مستحضر گردیده، جراح فرستاده، هر قدر معالجه کرده‌اند سودی نکرده، دیشب فوت می‌نماید. راپورت علی حده به حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد والاآقای نایب‌السطنه امیرکبیر وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه روحی‌فداه عرض شد. خود سرکار حضرت مستطاب والا به شهر تشریف آورده، تحقیقات فرمودند.

ـ دیشب حاجی‌علی نام، دختر میرزاحسین بزاز را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌صادق تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسن نام به رییس محله اظهار می‌دارد که رضانام مقداری اسباب از خانه من دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ دختر مشهدی جعفرنام دیروز با پدرش نزاع کرده، مقداری تریاک می‌خورد و حالتش منقلب می‌گردد. کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا کرده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیشب مشهدی حسن‌نام درب خانه‌اش آمده، برای سگ تپانچه خالی می‌کند. اجزای پلیس که می‌رسند داخل خانه شده پنهان می‌گردد. به جناب وزیر نظام اطلاع داده شد و قدغن گردید او را دستگیر کرده، تنبیه شود.

ـ دیشب از خانه و باغ معیرالممالک صدای چند تیر تپانچه مسموع شده، خود معزی‌الیه در شهر نیست اجزای پلیس تحقیقات کرده معلوم می‌شود گماشتگان معزی‌الیه و مستحفظین خانه ایشان این حرکت راکرده‌اند. مراتب به جناب وزیر نظام نوشته شد و رییس محله به گماشتگان معیرالممالک قدغن اکید و تهدیدات می‌نمایند که من‌بعد مرتکب این فقره نشوند.

ـ دیشب یوسف بنابه درب خانه میرزاعلی‌اکبر نوکر مانکچی گبر رفته، مطالبه سی‌شاهی طلب

خود راکرده است و قدری سختی می‌نماید. میرزاعلی‌اکبر خانه نبوده، وقتی که می‌آید، کسانش شکایت می‌کنند، مشارالیه هم رفته، چند نفر قزاق راکه از رفقای خودش هستند برده، یوسف را کتک زده، سرو صورتش را مجروح می‌نمایند. به رییس قزاقها اطلاع داده و قدغن شد که میرزاعلی‌اکبر را دستگیر کنند.

ـ دیشب حاجی‌حیدرعلی نام، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ مشهدی عزیز، رییس موقوفه تکیه رضاقلی‌خان دیشب جمعی از اقوام و بستگانش را دعوت کرده، مطرب [هم] آورده بود.

ـ ضعیفه[ای] دهاتی بر حسب میهمانی چند روزی به خانه یوسف‌خان، پسر مرحوم بیگلربیگی آمده دیشب به بام رفته، خوابیده اواسط شب می‌خواهد پایین بیاید می‌افتد، سر و صورتش مجروح شده ولی از مخاطره دور است.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی‌حسین تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از اهل محله و طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دو شب قبل نقی‌نام میوه‌فروش سه تومان پول گم کرده، طفل کوچکی پیدا کرده، برده به مادرش داده، مبلغی خرج نموده، پانزده هزار[دینار] باقی بوده. مشارالیه مستحضر شده، رفته پانزده‌هزار [دینار] راگرفته بقیه را به آنها می‌بخشد.

ـ دیروز صبح در خانه امین نظام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مشهدی‌اصغر عطار بوده. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی ازکسبه و طلاب را دعوت نموده بودند. پنج ساعت از شب [گذشته] متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب محمود نام به رییس محله اظهار می‌دارد که حسین نام دامادم مست کرده، در خانه مرا کتک زده است، رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر نمایند، مستحضر گردیده، فرار می‌کند. پلیسها مواظب هستند که او راگرفته تنبیه شود.

ـ دیروز صبح در خانه میرزامحمود نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز مشهدی محمدعلی نام، دختر مشهدی حسین نام را برای پسرش عقد کرده. جمعی از کسبه و جناب آقای سیدعبدالله مجتهد در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ میرزا علی معلم دیروز با عیال و اطفالش عزیمت زیارت کربلای معلا نموده، از شهر خارج شدند. جمعی از بستگان آنها، ایشان را بدرقه نموده بودند.

ـ دیشب حاجی‌کریم بزاز جمعی از کسبه و بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی علی‌مکاری* به رییس محله اظهار می‌دارد که یک رأس الاغ من در بیرون دروازه مفقود شده است. رییس محله پلیس فرستاده، جستجو کرده، الاغ مشارالیه را پیدا نموده، به مشارالیه می‌دهند، با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌احمد تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آنجا حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب مشهدی خداداد نام، دختر استاداکبرسلمانی را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از کسبه و اهل محله را دعوت کرده بودند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند. مطرب هم داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی‌محمدحسین تاجر کاشانی میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح در خانه حاجی‌نصرالله نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و کسبه مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی‌غلام‌حسین تاجر، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز استادحسن نام به رییس محله اظهار می‌دارد که حسین نام را مدتی است اجیر کرده‌ام

---

*. مکاری: کسی که الاغ و قاطر کرایه می‌دهد. (لغت‌نامه دهخدا)

حالا از نزد من رفته، جای دیگر شاگرد شده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی‌موش [و] رمضان که از الواط و اشرار و مظنون به دزدی هستند، دیشب شدیداً مست نموده در محله دولت عربده و شرارت زیاد کرده نایب محله آنها را دستگیر کرده، بنای نزاع را گذارده چند نفر را به حمایت خود تحریک نموده، هنگامه برپا کرده بودند و در میانه لباس نایب پاره و قداره پلیس مفقود می‌شود. به زحمت هر دو را به اداره آوردند، در تحت تحقیقات هستند و بعد در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ دوشنبه(۸) شهر ذی‌قعدةالحرام

محله دولت

ـ علی‌سیاه، کالسکه‌چی سفارت فرانسه دیشب به شدت مست بوده، از بام خانه‌اش به زیر افتاده، یک دستش شکسته و دست دیگرش معیوب گردیده. خیلی بی‌حال است. کسانش مشغول مداوا و معالجه او هستند.

ـ دیروز عیال مشهدی‌حسن نام به رییس محله متظلمه می‌شود که مشهدی اسمعیل ترک، فراش جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امورخارجه، در خانه ملکی من در اتاقی کرایه‌نشین است. به ملاحظه بعضی حرکات ناشایسته که دارد او را جواب گفته‌ام. امروز زن و دخترش مرا کتک زده‌اند. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که طرفین نزاع جزیی زنانه کرده‌اند.

آنها را صلح داده قرار می‌گذارند که مشهدی اسمعیل دو سه روزه از آن خانه برود.

ـ محمدنام که می‌گوید گماشته جناب اقبال‌الدوله هستم سوار اسب بودم دم دروازه شمیران سرم گرم معرکه درویش بوده، ضعیفه عجوزه مادر مشهدی صفر، باغبان جناب فرمان‌فرما ظرف روغنی در دست داشته، عبور می‌کرده، اسب به مشارالیها پهلو زده، ضعیفه افتاده، روغن ریخته بی‌حال می‌شود. پلیسها محمد معروض و اسب را به اداره آوردند تا در این باب تحقیقات شده، حالت ضعیفه معلوم شود.

ـ دیروز مشهدی حسین‌علی بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رحیم‌نام شاگردم معادل دو تومان سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده. بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا گفتگو نمایند.

ـ دیشب شیخ محمدعلی نام، دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و طلاب در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌علی‌اکبر تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

سنگلج

ـ چندی قبل هفت نفر از افغان‌ها با لباس فقر نزد امیرایوب‌خان آمده بودند. دیروز امیرایوب‌خان به هریک از آنها سه هزار دینار مخارج داده به طرف خراسان روانه نموده است.

ـ دیشب هفت ساعت [از شب گذشته] پلیسهای گردشی محله از درب خانه ملایوسف ذاکر عبور می‌نمایند، ملاحظه می‌کنند درب خانه مشارالیه باز است و صاحب خانه فراموش کرده، درب خانه را نبسته رفته است. فوراً مشارالیه را پیدا کرده درب خانه را می‌بندد.

ـ ضعیفه[ای] موسوم به عنبر زنجانی زن برادرزاده حیدرعلی نام را فریب داده، به خانه [برده]، دوایی به او خورانده، بی‌هوش می‌کند که شوهرش با او مرتکب عمل شنیع شود. حیدرعلی مستحضر گردیده، رفته ضعیفه را به خانه‌اش برده، به هوش می‌آورد و ضعیفه معروضه با شوهرش فرار می‌نماید. رییس محله پلیس‌ها را موظف کرده است که آنها را دستگیر کنند.

ـ شب قبل پسر هشت ساله حسن نام کرمانی که در بام خواب بوده، بیدار شده که پایین بیاید می‌افتد. زنخدان مشارالیه شکسته و در معرض تلف است.

ـ جلیل میرزا پسر نادرمیرزا که از الواط و اشرار شهر شده است و به کرات مصدر بی‌نظمی و هرزگی گردیده، شب قبل یک دسته مطرب یهودی به خانه خود دعوت کرده، مجلس شرب و لهو و لعب فراهم کرده، هنگام رفتن مطربها به آنها دو عدد اشرفی برنجی مطلا شده داده. حضرات ملتفت نگردیده می‌روند، دیروز فهمیده به در خانه او آمده بنای داد و فریاد را گذارده بودند. اجزای پلیس آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیشب در خانه شیخ فضل‌الله پیشنماز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه میرزامحمدحسین نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب از باغ و کلاه‌فرنگی معیرالممالک که از جناب میرزاعیسی وزیر ابتیاع شده است، سه تیر تفنگ و تپانچه خالی کردند. از اداره پلیس اقدامات لازمه شده است.

عودلاجان

ـ اکبرطواف* پنج شاهی از مرده‌خوار یهودی طلب داشته، مطالبه کرده، نزاعشان شده. یهودی معروض با دو سه نفر دیگر او را زده، صدمه به دندانش وارد می‌آورند. پلیس مشارالیه را گرفته به وزارت خارجه فرستاده شد.

ـ دیروز جناب آصف‌الدوله و جناب وزیر نظام و آجودان‌باشی کل با جمعی کثیر از اطباء و طلاب و غیره در مجلس ختم مرحوم آقامیرزاسیدرضی حکیم‌باشی حضور داشتند و ختم را برچیدند.

ـ در تکیه رضاقلی‌خان حمام خرابه‌ای از مال مرحوم حسین‌بیک نام بوده است که اکنون جلیل‌خان سرتیپ آن جا را تعمیر می‌کند. از اتفاقات دیروز پی آن جا را به قدر چهارده ذرع که می‌کنند یک نفر دندان که می‌گویند از انسان است و یک سیر وزن دارد بیرون آمده. این دندان سه‌پایه دارد، به هیچ وجه عیب نکرده مگر این که پایه‌ها قدری پوسیده شده است.

ـ دیروز کربلایی محمود نام پسرش را ختنه کرده است. جمعی از اهل محله را دعوت کرده، مطرب آورده بودند.

---

*. طواف: میوه‌فروش دوره‌گرد. (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز میرزاعلی نام دختر حسین‌خان نام را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ حاجی‌احمد سقط‌فروش* که مدتی قبل با عیال و اطفالش به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود ایشان ترتیب داده بودند.

ـ مشهدی اکبر صباغ** به رییس محله اظهار می‌دارد که مبلغ بیست وپنج‌هزار [دینار] از میرزاعلی نام طلب دارم، مطالبه کردم با من نزاع نموده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانهٔ حاجی‌محمدعلی تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده حضرات متفرق شدند.

ـ قطعه زمینی است موقوفه در پشت امامزاده سیداسمعیل که مخروبه و دزدگاه شده است. چنان چه چندی قبل از آن جا دکان حاجی‌محمدجعفر عطار را سوراخ کرده، قدری اسباب عطاری برده بودند که اداره پلیس مبلغی غرامت داد. شب گذشته هم خواسته بودند از دکان مشارالیه دستبرد بزنند. اجزای پلیس رسیده، دزد فرار اختیار کرده، او را تعاقب نموده که دستگیر کنند. چند نفر از اهل محله می‌خواهند آن جا را بسازند و رفع این مخاطره را بنمایند. متولی آن جا مانع می‌شود. مراتب به جناب وزیر نظام نوشته شد که قدغن کنند سید متولی مانع نشود و اهل محله هم به طوری که به موقوفه ضرر وارد نشود آن جا را بسازند.

---

*. سقط‌فروش: فروشنده قند و چای و امثالهم. (لغت‌نامه دهخدا)

**. صباغ: رنگ رز (لغت‌نامه دهخدا)

محله بازار

ـ دیشب آقاسیدحسن تاجر کاشانی جمعی از تجار را در خانه‌اش دعوت کرده بود چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیروز شاطر محمدعلی نام دختر استاد حسین‌خباز را برای پسرش عقد کرده، جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز محمدابراهیم بیگ کردستانی دختر میرزاحسین کاشی را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و ملامحمدتقی کاشانی در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌محمدآقای خرازی فروش، جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمانی کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌قربان‌علی بزاز بوده است. کسانش جمعی از اهل محله را دعوت کرده، مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز کربلایی حسن رفوگر به رییس محله اظهار می‌دارد که مشهدی محمد شریک من بعضی اسباب از دکان به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سیدمحمود و رجب برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از سنگلج به اداره آوردند، در تحت استنطاق هستند.

ـ رجب خراسانی برای این که به خانه سیدابوالقاسم نام رفته، دستبرد بزند، گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات است.

ـ حسن برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله چالمیدان به اداره آوردند تا تحقیقات کامل به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ سه‌شنبه (۹) شهر ذی قعدةالحرام

محله دولت

ـ دیشب شش ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی محله از طرف باغ جناب اعتضادالدوله صدای تیر تفنگ شنیده آن صدا را دنبال نموده تا پشت باغ معزی‌الیه نزدیک خانه عبدالله‌خان سرتیپ قورخانه مبارکه می‌رسند، ملاحظه می‌نماید جمعی از اهل گذر بالای بامها اجماع نموده همهمه می‌کنند از طویله خرابه مرحوم سپهسالار سنگ به خانه‌های ما می‌اندازند و میرزامصطفی‌نایب توپخانه مبارکه تفنگی در دست گرفته در بالای بام خانه‌اش متصل رو به هوا تیراندازی می‌کند. اجزای گردشی، چون گرفتاری او ممکن نبود، مشارالیه را تهدید کرده از این کار منع می‌کنند و تمام طویله مخروبه و آن نقاط را گردش کرده کسی را نمی‌بینند و بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که یکی از الواط محله برای تماشا سنگی به خانه انداخته و به ذهن مردم داده که از طویله خرابه این سنگ را انداخته‌اند و میرزا مصطفی هم محض خودنمایی بالای بام رفته پی درپی تیر تفنگ خالی می‌کند. پلیسها مردم را آسوده و متفرق کرده از اداره پلیس مراتب به جناب وزیر نظام نوشته شد که مشارالیه را تنبیه نمایند.

ـ سیف‌السلطنه عزیمت خلجستان* نموده، دیروز با تجمل و اسباب زیاد از شهر خارج شدند.

ـ دیشب دو ساعت از شب رفته طفل پنج ساله ضعیفه [ای] از خانه بیرون آمده مفقود می‌شود. کسانش به رییس محله اظهار می‌دارند. رییس محله فرستاده جستجو کرده به فاصله چند ساعت طفل را پیدا کرده، آورده به کسانش می‌سپارند با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیشب میرزاغلامحسین بزاز، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، چند نفری از اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیروز پلیسهای گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده به اداره آوردند. امروز صاحبش آمده نشانی داده مسترد داشت.

---

*. خلجستان: نام یکی از بلوکات قم.

ـ دیشب علی نام می‌رود از دکان سبزی فروشی یخ بگیرد با سبزی فروش نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند و دو سه نفر به حمایت برآمده بودند. نایب محله آنها را ساکت و متفرق می‌کند.

سنگلج

ـ میرزاعبدالوهاب خان، مترجم وزارت خارجه به رییس محله اظهار می‌دارد که علی نام نوکر من کوزه آب آورده، به دست کلفت خانه من داده و دست او را فشار داده است. من او را خواستم تهدید کنم چوب کشیده مرا زده است و فرار کرده، رییس محله فوراً چند نفر فرستاد، مشارالیه را دستگیر کرده به اداره فرستاد تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ دیروز میرزا جوادخان نام، به رییس محله اظهار می‌دارد که چندی قبل به حضرت عبدالعظیم رفته بودم، حسن نام نوکر من با زنش در خانه بودند مقداری اسباب مرا سرقت کرده به قزوین رفته حالا آمده‌اند. ضعیفه را گرفته‌ام او را نگاه دارید تا شوهرش به دست بدهد. رییس محله تحقیقات کرده، چون ضعیفه طفل شیرخوار داشت و سرقت او هم معلوم نبود از مشارالیها ضامن می‌گیرد تا شوهرش پیدا شده تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیشب شخصی در کوچه خوابیده بود. اجزای پلیس و ابراهیم‌خان، نایب اصطبل مبارکه او را دیده، ابراهیم خان به گمان این که آن شخص دزد است به پلیس‌ها گفته تا او را نزد رییس محله می‌برند. بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که مصروع است، رهایش می‌نمایند.

ـ دیشب هشت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که درب خانه میرزاحسن نام باز است و فراموش کرده‌اند ببندند. فوراً صاحب خانه را پیدا کرده، درب خانه را بسته، می‌رود و امتنان حاصل می‌کند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌رحیم صراف، مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ حاجی محمدحسین تاجرتهرانی با آقاعلی نقی برادرش که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شدند.

ـ دیروز مشهدی یوسف صراف دختر ملاصادق نام را برای پسرش عقد کرده، جمعی از سادات

و طلاب در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه مشهدی شعبان‌علی تاجر میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز آقامحمدصادق سقط فروش جمعی از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده، پسرش را ختنه نموده است.

ـ دیروز حاجی محمدکریم دلال به رییس محله اظهار می‌دارد که تقی نام برادرزاده‌ام از من بی‌اطاعتی می‌کند و با جهال و الواط راه می‌رود، بفرستید او را بیاورند تهدید کنید. رییس محله فرستاده، او را آورده می‌خواهد به اداره بفرستد. تقی به عموی خود ملتجی شده، التزام می‌دهد که من بعد بی‌اطاعتی نکند. مشارالیه از تقصیر او می‌گذرد.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رحیم نام بوده، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه شیخ‌عبدالوهاب نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب صفرنام آردل*، دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب میرزا موسی نام دختر آقامحمدحسین عطار را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی تاجر دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که یک راس الاغ من در بیرون دروازه مفقود شده است. رییس محله چند نفر فرستاده جستجو کرده الاغ مشارالیه را پیدا نموده آورده، به او می‌سپارند، با کمال امتنان می‌برد.

---

*. آردل: فراشی که برای دستگیری مجرمین می‌فرستادند. (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام با شوهرش نزاع کرده، مقداری تریاک می‌خورد. کسانش فوراً در صدد معالجه و مداوا برآمده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب مشهدی کریم بزاز چند نفر از بستگان خود را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب حاجی قجه‌توپچی مست کرده، هرزگی می‌کرد. پلیسهای گردشی که می‌رسند مشارالیه فرار می‌نماید به جناب وزیر نظام نوشته شد که او را تنبیه نمایند.

ـ دیشب آقاعبدالعظیم بزاز جمعی از بزازها را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب استادعلی نام دختر حاجی رضانام را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ میرزاعلی‌اکبر صابون‌پز دیشب جمعی از کسبه را در خانه‌اش میهمان کرده مطرب آورده بود.

ـ دیشب اسمعیل وکیل دختر محمدحسن نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ استاد آقانام علاقه‌بند* دو تومان از حاجی باقرنام ادعای طلب می‌کرده به این واسطه نزاعشان شده، بنای زد و خورد را می‌گذارند. پلیس خواسته بود آنها را دستگیر کند چند نفر از ریش سفیدهای محله آنها را تهدید نموده، صلح می‌دهند.

ـ دیشب مشهدی حسین بقال به رییس محله اظهار می‌دارد که ضعیفه[ای] در خانه من اجاره‌نشین بود. هشت هزار[دینار] بابت کرایه خانه باید بدهد. امروز بدون اطلاع من رفته است و اسباب خود را برده، رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، قرار مسکتی** میانه آنها می‌دهد که بقال اظهار رضایت نموده می‌رود.

---

*. علاقه‌بند: ابریشم‌باف

**. مسکتی: آرام شدن. در اینجا به معنی مسکوت ماندن قضیه است.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته رییس محله با جمعی پلیس در گردش بوده، به طویله خرابه [که] نزدیک امامزاده سیدنصرالدین است می‌رسند. از بام خانه آقامحمدباقر صراف که مشرف به طویله است گردشی‌ها را دیده، یک تیر تپانچه خالی می‌کنند. رییس محله شبانه صاحب خانه را تهدید می‌نماید و پلیس مواظبت کرده است که مرتکب را دستگیر کنند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ غنی برای این که به خیال دزدی داخل خانه شده بود، گرفتار اجزای پلیس گردیده، از سنگلج به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ قربان‌علی، عباس‌علی، قلی و یوسف [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله دولت آوردند، در تحت استنطاق هستند.

ـ حسن برای این که بعضی اسباب الاغ از شهریاری‌ها سرقت کرده است، از محله عودلاجان به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ چهارشنبه (۱۰) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ در باب قطعه زمینی که در بالای سفارت انگلیس واقع است و غفار بیک امیر آخور سفارت انگلیس عمارت می‌سازد دیروز چند نفر از صاحب منصبان سفارت انگلیس به بازدید آن قطعه زمین آمده، بعد از ساعتی مراجعت کردند. از قرار تقریر غفاربیک معروض، خانم شارژدافر سفارت انگلیس گفته است که چون عمارت مشارالیه مشرف به سفارت می‌شود باید موقوف

کرده، نسازد و مخارجی که مشارالیه تا حال کرده با قیمت زمین را وزیر مختار سفارت می‌دهد.

ـ موسیو پتان سال گذشته یک باب عمارت از خواجه‌آبنوس مسیحی ابتیاع کرده، در جلو خان آن خانه دو درب واقع است که یکی درب آن خانه و یکی درب خانه خود خواجه آبنوس است. این اوقات موسیو پتان وسط جلوخان را تیغه کشیده و درب خانه را از جای دیگر باز کرده است. خواجه آبنوس مدعی است که به این واسطه درب خانه من از نظر افتاده و ناقص شده است و مجادله داشتند تا این که مشارالیه به وزارت محترمه مهام خارجه عارض شده، از طرف وزارت خارجه میرزاعبدالله خان مستشار مامور گردید که با حضور عرب صاحب و چند نفر دیگر آن جا را بازدید کرده، قراری بگذارند. مسیو پتان هم موسیو بروسکی سرتیپ را از جانب خود وکیل کرده است.

ـ اصغر گماشته آقاقاسم شیروانی مبلغ بیست‌وپنج تومان از آقای خود ادعای طلب داشته، مطالبه کرده، آقا قاسم او را کتک زده، بیرون می‌کند. مشارالیه هم به وزارت محترمه مهام خارجه تظلم کرده. دیروز آقا قاسم به وزارت خارجه احضار شده، با حضور عرب صاحب مشغول تحقیقات بودند.

ـ در کاروانسرای مرحوم امین‌الملک مقداری فاضل خاک بنایی بود. روز گذشته صادق نام الاغچی با یک دسته الاغ و اجزای خود رفته، خواسته به شش تومان مقاطعه کنند. نواب سلطان ابراهیم میرزا قبول نکرده. محمدعلی نام که با آن دسته الاغچی همشهری و منسوب هستند رفته به پنج تومان مقاطعه کرده، خاک را بر می‌دارند. شب گذشته به این واسطه میان دو دسته الاغچی در کاروانسرا نزاع شده، بنای زد و خورد را می‌گذارند. سر و صورت سه چهار نفر قدری مجروح می‌شود. نایب محله با پلیسها رسیده، آنها را ساکت کرده، چند نفر را دستگیر می‌کند. چون هر دو طرف با هم منسوب هستند و مایل به صلح بودند جمعی آنها را صلح داده از یکدیگر راضی می‌شوند.

سنگلج

ـ دیروز طرف عصر یارمحمدخان افغان برادر زن امیرایوب از خراسان آمده وارد دارالخلافه شد. جمعی از سردارهای افغان و غیره مشارالیه را استقبال کرده به احترام وادارش نمودند.

ـ همشیره مرحوم میرزاعلی‌اکبرخان آجودان باشی توپخانه مبارکه دیشب برای یکی از بستگانش عروسی داشت. دسته مومن کور مطرب را دعوت کرده بودند. چون در همسایگی

آقاسیدابواطالب صدرالذاکرین منزل دارند. مشارالیه مستحضر شده، فرستاده اظهار می‌نماید که ساز و دایره را موقوف نمایند. آنها هم اطاعت کرده مومن را جواب می‌دهند. مشارالیه آمده بود برود آقاسیدابوطالب او را دیده، گفته بود تو که هستی؟ می‌گوید من مومن کورم. مشارالیه تغیر زیاد کرده، می‌گوید اگر یک دفعه دیگر به این کوچه آمدی می‌دهم ترا از این شهر بیرون کنند.

ـ دیشب سه نفر از افغان‌ها در تکیه دباغخانه مست کرده، هرزگی می‌کردند. اجزای پلیس رسیده، هر دو نفر فرار می‌نمایند. یکی را دستگیر کرده نزد امیرایوب خان فرستاده شد که تنبیه شود.

ـ دیروز یک راس ماده گاو در بیرون دروازه قزوین بلاصاحب پلیسها دیده به اداره آوردند. در اصطبل اداره است تا صاحبش پیدا شده مسترد دارد.

عودلاجان

ـ دیشب میرزا خلیل نام دختر مشهدی خداداد نام را برای محمدابراهیم شاگردش عروسی کرده است. مطرب آورده بود و جمعی از کسبه در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب آقاسید جعفرتاجر جمعی از تجار و اهل محله را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ حاجی عبدالوهاب تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد درالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی به جهت او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب حاجی غلامحسین نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ چند نفر تخت‌کش* در محله یهودیها دکان دارند که با یهودیها معاند و ضد یکدیگر هستند و اغلب منازعه و گفتگو دارند. دیروز سیمان یهودی که سمت ریاست به جمع یهودی دارد با عزیزالله پسرش و چند نفر یهودی به درب دکان مشهدی حسن و مشهدی باقر تخت‌کش رفته، گفته بودند که حکم جناب مشیرالدوله است که دکانهای شما بسته شود. به این واسطه نزاعشان شده بنای زد و خورد را می‌گذارند. پلیسها آنها را ساکت می‌نمایند. بعد یهودیها رفته به وزارت خارجه عارض می‌شوند.

---

*. تخت‌کش: کسی که زیرهٔ گیوه می‌سازد. (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب در خانه حاجی تقی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ امیرعلی نام پانزده هزار از ضعیفه لیلی‌نام طلب داشته. مدتی بود که مشارالیها از مشارالیه متواری بود تا این که ضعیفه خانم سلطان نام، لیلی را پیدا کرده، به مشارالیه نشان می‌دهد. او هم قرار طلب خود را می‌دهد. دیروز محض این فقره لیلی نام معروضه با خانم سلطان نزاع کرده گوش او را با دندان دریده و به بدنش صدمه وارد می‌آورد. خانم سلطان معروضه مدعی است که یک زوج گوشواره طلای او در [این] میان مفقود شده است. ضعیفه ضارب را به اداره آوردند در تحت تحقیقات است تا قرار در میان آنها داده شود.

ـ حاجی میرزااحمدتاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، در بین راه فوت نموده، خبر فوت او را آوردند. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی از تجار و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دو نفر فاحشه در خانه محمدجارچی بودند. از آن جا که بیرون می‌آیند گرفتار پلیس شده، قدغن گردید که آنها را نفی بلد نمایند.

ـ دیشب حاجی مکاری عرب جمعی از مکاریها را دعوت کرده و مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی عبدالله نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله‌و تجار مستمع بودند.

محله بازار

ـ دیروز عصر نواب ایلخانی به دیدن جناب حاجی میرزاابوطالب مجتهدزنجانی رفته، بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ سیدابوتراب نام با ضعیفه[ای] به واسطه یک دسته هاون نزاعشان شده. مشارالیها به رییس محله تظلم می‌کند. رییس محله فرستاده طرف مقابل او را آورده به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات صلح داده شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی عباس تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و

تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر مشهدی حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز عیال کربلایی حسن نام به خانه همسایه‌اش رفته، طفل پنج ساله او از خانه بیرون آمده مفقود می‌شود. مادرش مستحضر گردیده، مضطربانه به رییس محله اطلاع می‌دهد. رییس محله فرستاده، جستجو کرده، طفل را پیدا نموده، آورده، به ضعیفه می‌سپارند. با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی غلامحسین نام بوده است، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ طاهر و اکبر [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت از محله دولت به اداره آوردند، در تحت استنطاق هستند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ پنج‌شنبه (۱۱) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ دیروز الله‌وردی نام گماشته حبیب‌الله خان در خیابان مبارکه شمس‌العماره جلو ضعیفه گلندام نام فاحشه را گرفته ادعای چهارهزار [دینار] طلب می‌کرده و اظهار می‌نمود که مقداری اسباب از رفیق او دزدیده است. نایب محله رسیده آنها را به اداره آورد. کربلایی امان‌الله نام نوکر جناب

بحرالعلوم هم آمده مدعی شده مقداری اسباب از او دزدیده است. ضعیفه معروض در تحت استنطاق است.

ـ خواهر زن ولیانس تلگرافچی انگلیسی که مشارالیه سال قبل فوت کرده، چند روز مریضه شده، دیروز مرده است.

ـ قاسم نام یک راس الاغ و یک گاله* و پنج‌هزار [دینار] نقد از شیرعلی نام می‌گیرد که کسب کرده با او شریک باشد. دو سه روزی خرج مشارالیه را داده، بعد الاغ را فروخته، سه تومان پول موجود کرده، عزیمت زیارت مشهد مقدس داشت. پلیس واقعه را مستحضر گردیده او را دستگیر نموده به اداره آوردند تا تحقیقات کامله به عمل آید، حق شیرعلی گرفته، رد شود و خود او هم مجازات گردد.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین نام بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ یک نفر طلبه قزوینی در گذر عربها مکتب‌خانه باز کرده، چند نفر از اطفال را درس می‌دهد. امروز صبح یکی از آنها را برای تقصیری که کرده بود چوب می‌زند. مشارالیه از مکتب خانه بیرون آمده به دو سه نفر می‌گوید آخوند با یکی از اطفال که اسمعیل نام است مرتکب عمل شنیع شده، با من هم خیال بد داشت، فرار کردم. نایب محله مستحضر شده آخوند را با اطفال حاضر کرده، بعد از تحقیقات معلوم شد که طفل دروغ می‌گوید و آخوند را متهم نموده، قدری گوشمالی و تهدید شده رها گردید.

سنگلج

ـ امروز وقت اذان صبح پلیس‌ها در بیرون دروازه قزوین ملاحظه می‌نمایند که شخصی کوله‌باری بر دوش گرفته به طور مخفی می‌رود. ظن سرقت برده او را گرفته می‌گویند در بار چه داری؟ جواب می‌دهد که اسباب مقنی‌گری است. کوله‌بار را باز کرده، معلوم می‌شود که معادل شصت تومان رخوت** و سرغلیان نقره و غیره است. او را به اداره آوردند. مکشوف شد که مشارالیه علی‌نقی نام ملایری است و سابقاً هم گرفتار بوده است. در تحت استنطاق است. از

---

*. گاله: خورجین دو سویه (لغت‌نامه دهخدا)

**. رخوت: در اینجا به معنای جمع رخت آمده است.

قراری که معلوم می‌گردد، مشارالیه در شهر زیاد دستبرد زده و همدست هم دارد.

ـ یک نفر از افغانها می‌رود از دکان خبازی حاجی قاسم کدخدای خبازان نان بگیرد با عمله‌جات دکان نزاعشان شده افغان را کتک می‌زنند. مراتب به جناب وزیر نظام رسیده، جناب معزی‌الیه فرستاده، سه نفر از مقصرین را دستگیر کرده، تنبیه کامل می‌کنند.

ـ دیشب در خانه شیخ رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب استاد علی‌اکبر نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز حاجی فتح‌الله خرازی فروش دختر حاجی محمدصادق تاجریزدی را برای پسرش خودش عقد کرده است. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی ملاحسین ذاکر چند نفر از ذاکرین را در خانه‌اش دعوت کرده بود بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب آقاسید مرتضی خباز جمعی از خبازان را در خانه‌اش دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ عیال حسین خان قاجار چندی قبل پایش از لگد اسب صدمه خورده مریض گردیده، دیروز مرحوم شده است. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از خوانین قاجار و غیره در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه حاجی علی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی یوسف بزاز دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده بود. جمعی از مردم محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی محمدصادق حداد به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسن نام شاگردم دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ فاطمه سلطان نام فاحشه گرفتار اجزای پلیس گردیده. قدغن شد او را نفی بلد نمایند.

ـ دیشب محمداسمعیل نام به رییس محله اظهار می‌دارد که اکبر نام نجار زنی گرفته، امشب رفته‌ایم عروس را بیاوریم کسانش ایراد گرفته نمی‌گذارند بیاوریم. رییس محله یک نفر نایب فرستاده تحقیقات کرده، میانه آنها را التیام داده عروس را به خانه داماد می‌برند.

ـ دیشب در خانه حاجی استادحسن معمار مجلس روضه خوانی بوده است. آقا شیخ عبدالوهاب پیشنماز و جمعی دیگر از اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز کربلایی علی با زنش نزاع کرده، مشارالیه محض تهدید او قدری تریاک خورده به اصطلاح مرده بازی درآورده کسانش متوحش و مضطرب گردیده، او را دوا خورانده، بهبودی حاصل نموده با شوهرش صلح می‌دهند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدحسن بزاز بود. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی محمدآقای خرازی فروش میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ سیدحسین سماوارساز اصفهانی یک ثوب عبانزد آقا سیدآقا گماشته نقیب‌السادات امانت می‌گذارد. چند مرتبه مطالبه کرده، مشارالیه مسامحه می‌نماید تا این که دیروز او را در حوالی مسجد شاه دیده گریبانش را گرفته مطالبه عبا را کرده کارشان به نزاع می‌کشد. سیدحسین به نقیب‌السادات متظلم می‌شود. مشارالیه سیدآقا را حبس کرده، و عبا را گرفته رد می‌کند.

ـ دیشب حاجی رضای ارسی دوز دختر مشهدی رسول نام را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب استادعلی‌محمد نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی کریم نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله

مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی رحیم نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده بودند. پسر خود را ختنه کرده است.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمد و عباس‌قلی، که مست بودند گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ عبدالله و رمضان، که یراق نقره الاغ بستگان عیال مرحوم فرمان فرما را برده بودند حبس بودند، بعد از تحقیقات لازمه نزد نواب معزی‌الیها فرستاده شدند.

ـ علی [و] قربان‌علی، که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بودند بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه (۱۲) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ شعبان‌علی مهتر اصطبل جناب امین‌السلطان ضعیفه فاحشه [ای] را به برج نوش برده مشغول عیش و نوش می‌شوند. زین‌العابدین بیک امیر آخور جناب معزی‌الیه اطلاع حاصل کرده فرستاده مشارالیه را با فاحشه از آن جا آورده به نایب محله استحضار می‌دهند. نایب محله که می‌رود فاحشه رفته بوده مهتر را امیر آخور چند چوب زده، مشارالیه هم با کارد جزئی جراحتی به سر خود می‌زند. او را به اداره آوردند، متوقف گردید.

ـ ضعیفه‌ای به رییس محله متظلمه می‌شود که مشهدی باقر شوهر من مبلغی اسباب و پول دو طفل صغیر مرا برده و مخارج هم به من نمی‌دهد. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی غلامحسین بزاز مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت همشیرهٔ استادعلی نام بوده، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب سه ساعت از شب گذشته طفل چهار ساله بلاصاحب پلیسها در کوچه دیده به قراولخانه رییس محله می‌برند. بعد از ساعتی مادر او گریه‌کنان و متوحش آمده که به اجزای پلیس اطلاع بدهد که طفلش گم شده، او را در قراولخانه دیده، اعلی درجه خوشوقتی حاصل نموده طفل خود را می‌برد.

ـ دیروز کربلایی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که استادکریم نام مقنی همسایه من مقداری اسباب مرا سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ عباس نام تفرشی با زنش به واسطه مخارج نزاعشان شده بنای زد و خورد راگذارده، ضعیفه به رییس محله شاکی می‌شود. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

ـ دیشب در خانه میرزا سیدکاظم مستوفی مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه فتحعلی‌خان پسر مرحوم وکیل‌الملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز پلیسهای گردشی یک راس الاغ بلاصاحب دیده به اداره آوردند. بعد از ساعتی صاحبش آمده نشانی و قبض داده مسترد داشت.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته به واسطه آتش چپق دکان علافی* آتش گرفته فی‌الجمله کاه و هیزم سوخته نزدیک بود که به اجناس دکان سرایت نموده، حریق بزرگی شود. پلیسهای گردشی رسیده رفع می‌نمایند.

ـ دیشب مشهدی عزیزالله نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز عصر در خانه جلیل‌خان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند غروب متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی میرزااحمد داماد جناب صدیق‌الدوله مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله و طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه مرحوم آقاداداش شیروانی مجلس روضه بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدحسن تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب دختر نه ساله علی نام از بام افتاده و سر ودستش مجروح شد. کسانش جراح آورده در صدد معالجه او هستند.

ـ دیشب میرزا رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که پسرم نافرمانی مرا می‌کند و با الواط و اشرار مراوده می‌نماید بفرستید او را بیاورند قدری گوشمال بدهید. رییس محله فرستاده مشارالیه را آورده، تهدید زیاد کرده التزام می‌گیرد که من بعد نافرمانی پدرش را نکند.

چالمیدان

ـ دیشب محمد گماشته حاجی خان پیشخدمت حضرت مستطاب والاظل‌السطان در سرآب با پسر حاجی عباس نام حرفشان شده، چند نفر به حمایت طرفین برآمده می‌خواستند نزاع کنند نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهد.

---

*. علاف: علف‌فروش

ـ رجب‌علی نام با زنش نزاع کرده به رییس محله شاکی می‌شوند. رییس محله آنها را بـه اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند. در آن جا مشارالیه ضـعیفه را مطلقه می‌نماید.

ـ دیشب حاجی محمدحسین بزاز دختر مشهدی عباس نام را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه ملاآقاجان مکتب‌دار مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله را دعوت نموده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ محمد نام ترک دیروز عصر یک قران جدیدالضرب قلب به مشهدی حسن نام سبزی فروش می‌دهد که یک شاهی یخ بگیرد. سبزی فروش ملاحظه می‌کند که قران بد است. می‌گوید یکی دیگر بده. یک دانه دیگر می‌دهد آنهم قلب بوده است. نایب محله مستحضر شده او را گرفته به اداره آورد تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ دیشب در خانه زنبور کچی‌باشی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جـمعی از اهـل مـحله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر اصفهانی مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه علی‌محمد خان سرتیپ قورخانه* مبارکه مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل محله و طلاب حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی محمد نام دختر استاد خسرو نام را برای خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله در محلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانـی

---

*. قورخانه: اسلحه‌خانه

ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی‌پاشا نام که سرغلیان نقره مسروقه می‌فروخت در محله یهودیها، پلیس‌ها به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ حسین [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت یک لحاف و بعضی اسباب دیگر از محله عودلاجان به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ شنبه (۱۳) ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ دانیال صاحب، تلگرافچی انگلیسی به اداره پلیس اظهار کرد که چند روز قبل پانصد وسی تومان وجه نقد به میرزای خودم دادم و به او حواله کردم چند فقره پول به مردم داده است. پنجاه تومان از آن تنخواه کسر است و نوکرهای تلگرافخانه برده‌اند. فرج‌الله و غلامحسین فراشهای تلگرافخانه مظنون به این کار هستند. فوراً فرستاده شد مشارالیها را حاضر کرده در تحت استنطاق هستند.

ـ دیروز یک دستگاه گاری راه‌آهن [که] بار داشته از طرف قزوین آمده در خیابان حسن‌آباد گاریچی گاری را نگاه می‌دارد که اسبها را آب بدهد. پسر ده‌ساله مهدی خان جلودار اصطبل مبارکه پهلوی گاری ایستاده بود یک مرتبه گاری حرکت کرده طفل زیر چرخ گاری ماند پایش خورد می‌شود. پلیس گاری را گرفته نگاه می‌دارد. چون عمله‌جات گاری زیاد بودند گاری [را] از

چنگ پلیس رها نموده، سوزافیه* محله رسیده، دو راس از اسبهای گاری را به دست آورده به اداره آوردند، در اصطبل اداره است تا حالت طفل معلوم شده قراری در این باب داده شود.

ـ دیشب زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان در خانه حسن‌خان سرتیپ قزاق پسر آجودان باشی کل میهمان بود. شش ساعت از شب گذشته مراجعت کرد.

ـ دیشب عیال رضا نام با شوهرش نزاع کرده به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاده که مشارالیه را بیاورند. همسایه‌ها جمع شده آنها را صلح داده از ضعیفه تحصیل رضایت می‌نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه کربلایی جوادبزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب محمد زمانی بیک نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

سنگلج

ـ در راپورت دو روز قبل عرض شده است که علی‌نقی نام دزد ملایری صبح اول اذان یک کوله بار بر دوش داشته می‌رفت، گرفتار پلیس شده به اداره آوردند. معلوم شده معادل شصت تومان اسباب مسروقه است. دیروز معین گردید اسباب را مشارالیه از خانه آقا محمدابراهیم تاجر کاشانی سرقت کرده است تماماً به صاحبش رد شده، قبض دریافت گردید.

ـ دیروز طرف عصر جناب آصف‌الدوله به دیدن امیرایوب خان رفته بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی میرزا رضا مشرف اصطبل مبارکه مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله مستمع بودند، غروب متفرق شدند.

ـ پسر باباابوالقاسم نوکر ساری‌اصلان که طفل است ظرف مسی در دست داشته، می‌رفته.

---

*. سوزافیه: سرپاسبان، و در ترتیب درجات افسران نظمیه در دورهٔ سوئدی‌ها بعد از نایب دوم قرار داشته. مؤلف کتاب نظم و نظمیه در دورهٔ قاجاریه این کلمه را به صورت سوزافیسیه و سوزافیسه آورده است. (نظم و نظمیه در دورهٔ قاجاریه، مرتضی سیفی فمی تفرشی، ص ۲۰۱) ولی در روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه به صورت سوزافیه نوشته شده است. روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه، فاطمه قاضیها، دکتر رضوانی، ص ۱۱۵.

شخص طراری او را فریب داده، ظرف را گرفته فرار اختیار می‌نماید. اجزای پلیس در جستجوی مشارالیه هستند.

ـ دیروز عصر در خانه آقاسیدابوالقاسم نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

عودلاجان

ـ دیروز چند نفر از تجار شیروانی و غیره در خانه جلیل خان سرتیپ میهمان بودند. بعد از صرف ناهار متفرق شدند. سید حسن نام عرب به خانه مشارالیه آمده اظهار کرده بود که می‌خواهم به کربلای معلا مشرف بشوم خرجی ندارم. جلیل خان ده تومان به سید داده بودند.

ـ دیروز سه چهار نفر از معتبرین محله که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده بعد از ظهر وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود حضرات ترتیب داده بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی جواد نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین جواهری مجلس روضه بوده است جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز در خانه امین‌نظام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دختر نه‌ساله محمدصادق علاف از بام افتاده، دیشب سرو دستش شکسته به حالت هلاکت می‌افتد. کسانش جراح آورده مشغول معالجه هستند. اندکی بهبودی حاصل کرده است.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلامحسین بزاز بوده است، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب شب چهلم فوت همشیره مشهدی حسین نام بوده است. مشارالیه مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی محمدصادق قناد دختر مشهدی ابوالقاسم عطار را برای پسرش عروسی کرده

دروازه قزوین ازبیرون شهر

است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسن نام دختر مشهدی محمدعلی نام را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ حاجیه قدم‌شاد مطرب در خانه عیال حاجی‌هاشم نام مستاجر است. دیروز به واسطه کرایه با مشارالیها نزاعشان شده، به رییس محله شکایت می‌نماید، رییس محله تحقیقات کرده قرار مسکتی میانه آنها می‌دهد.

ـ دیشب حاجی ملاحسن ناظم‌التجار چند نفر از سادات را در خانه‌اش میهمان کرده بود. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیشب در خانه آقاعبدالرحیم ماهوت‌فروش جمعی از تجار میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا [...]* سرقت کرده‌اند. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایید.

ـ دیروز عصر در خانه مشهدی غلامرضای تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مسعودسیاه و رضا که مست بودند، در محله دولت و بازار گرفتار شده به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

---

*. نام دزد نوشته نشده است.

ـ احمد و اکبر که مست کرده می‌خواستند با جوانکی عنفاً مرتکب عمل شنیع بشوند در سنگلج گرفتار پلیس شده به اداره آوردند. آن جوانک هم مدعی است که ده تومان پول او را سرقت کرده‌اند. در تحت استنطاق هستند.

ـ باقر برای این که مهتر نواب والا احتشام‌الدوله مدعی است که می‌خواسته یک راس مادیان سرقت کند از محله دولت به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ محمد که برای استنطاق و تحقیقات یک قران قلب در اداره بود بعد از تحقیقات از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ یکشنبه (۱۴) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ سیدمرتضی که از دزدهای معروف و مشهور است و به کرات گرفتار و حبس بوده، اخیراً مبالغی جواهرآلات از خانه میرزا علی خان سرتیپ پسر مرحوم صدراعظم سرقت کرده، قدری به حاجی اسحق یهودی داده، مابقی را برداشته به طرف بغداد رفته به فروش رسانده، مراجعت کرده در قم گرفتار شد و از حکومت دارالخلافه نایبی مامور گردیده او را از قم به طرف بغداد می‌برد که اسباب مسروقه را اخذ نماید. در بین راه فرار اختیار کرده، مدتی در اصفهان و خراسان و سایر بلاد ایران متواری بود تا این که چند روز قبل با هاشم نام که او هم از دزدهای زبردست طراری است و چندی پیش تیرهای تلگراف دولت و مبالغی اسباب از مردم دزدیده، فرار کرده‌بود، از خراسان متفق و رفیق شده به دارالخلافه آمده در باغ صبا منزل کرده و آن جا را ملجاء و پناه خود قرار داده، ضعیفه فاحشه[ای] را هم با مادرش آورده مشغول تعیش و در ضمن

مصمم بودند که در شهر خانه‌ها را ویران کنند از فراقبال بی‌زوال سرکار اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی روحی و روح‌العالمین له‌الفداه و توجهات مخصوص حضرت مستطاب اشرف امجد اسعداعظم والاآقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی‌فدا اجزای پلیس مستحضر گردیده بدواً فواحش آنها را گرفته، بعد خود سارقین مذکور را به اتفاق و همراهی سربازهای قراول خیابان شمیران دستگیر کرده با مشهدی حسین باغبان باغ‌صبا که دزدها را در باغ پناه داده و اسباب تعیش ایشان را فراهم نموده و قدری همدستی با آنها کرده به اداره آوردند. چنانچه برگه اسباب مسروقه از میان کلاه مشارالیه بیرون آمد. دزدهای معروض عجالتاً در تحت استنطاق اقرار نمودند که یک قلابه الماس به یهودیها فروختند. اداره پلیس به استحضار وزارت خارجه رسانده و مشغول تحقیقات کامله است.

ـ نواب سلطان‌ابراهیم میرزا کراراً به اداره پلیس اظهار کرده شاکی شده که استاد صادق بنا مبلغی پول از او گرفته که بنایی کند تقلبات زیاد کرده. از اداره پلیس احضار شد. چند روز قبل پلیسها او را برای تحقیقات به اداره می‌آورند. نوکرهای آقاسردار پسر مرحوم سپهدار او را گرفته نزد آقای خود می‌برند. مشارالیه هم او را در پناه خود نگاه داشته مغرضانه بعضی مهملات نسبت به اداره پلیس داده که همان وقت در راپورت عرض شد. مجدداً حکم شد بنای معروض را دیروز گرفته به اداره آوردند. دیشب یک نفر غلام سیاه آقا سردار که حرکت و وضع آقای خود را در آن موقع مشاهده کرده بود به قراولخانه رفته، از رییس محله مواخذه می‌نماید که چرا بنا را گرفته به اداره فرستادید و در حضور جمع نهایت فضاحی و فحاشی را نموده بی‌احترامی می‌کند. رییس محله او را گرفته به اداره فرستاده با راپورت واقعه نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد که تنبیه کامل شود.

ـ کلیسای کاتولیک‌ها را این روزها تعمیر می‌کنند. بنا و عمله‌جات برای صرف ناهار دست از کار می‌کشند. یعقوب مسیحی نوکر دخترهای تارک دنیا به عمله‌جات فحش می‌دهد که چرا کار نمی‌کنید. محمد کالسکه‌چی شجاع‌السلطنه به حمایت عمله‌جات برآمده، می‌گوید که چرا به بیچاره‌ها بد میگویی؟ بعد از ناهار کار می‌کنند. ارمنی مذکور نسبت به ایشان بی‌احترامی و فضاحی می‌کند. کالسکه‌چی هم با یکی دو نفر از قراولها یعقوب را می‌زنند. نایب محله آنها را ساکت می‌نماید. دخترهای تارک دنیا هم به سفارت فرانسه شاکی می‌شوند.

ـ سرمست نام درویش از ماه مبارک رمضان پشت مسجد سراج‌الملک به طلب نشسته تا این که روز گذشته سراج‌الملک فیض او را داده و هم مقداری برنج و روغن و گوشت و سایر ملزومات دیگ جوش آنها را حواله داده، امروز به اصطلاح دراویش دیگ جوش را علم نموده، جمعی از

دراویش از مرشد و مرید حاضر شده تا غروب به وضع مخصوصی طبخ کرده و صرف نموده، متفرق می‌شوند.

سنگلج

ـ معصوم‌علی نام که می‌گفت سرباز فوج همدان هستم دیروز با یک نفر دیگر داخل خانه شده، بعضی اسباب رفیقش [را] برداشته فرار کرده. مشارالیه را باغبان آقای جناب قوام‌الدوله و اهل محله گرفته به اجزای پلیس سپرده، او را نزد رییس محله می‌برند با راپورت واقعه نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد که تحقیقات نمایند. جناب معزی الیه تحقیقات کرده با مدعی‌های او به محضر شرع رجوع می‌نمایند.

ـ دیروز یک نفر دهاتی به رییس محله متظلم می‌شود که یک راس الاغ در خیابان جناب قوام‌الدوله از من مفقود شده است. و حسین نام مهتر میرزا حسن شیرازی از الاغ من خبر دارد. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب استادعلی اکبر نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی صادق تاجر بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ ضعیفهٔ مشهوره به زن سیدآهنگر، طلبی از پسر سیدآقا نام دارد. دیروز دخترش را برداشته می‌رود آن جا مطالبه کند جز یک نفر ضعیفه کور، کس دیگر آن جا نبوده. ضعیفه معروض هم با دخترش یک دستگاه سماور و بعضی اسباب برداشته می‌روند مراتب را به رییس محله اطلاع می‌دهند. رییس محله فرستاده است که آنها را گرفته به اداره بیاورند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیروز قریب صد نفر از یهودیها به عزم زیارت بقعه ساراخاتون که در اصفهان است از شهر خارج شده به طرف اصفهان رفتند.

ـ طفلی خدا به دختر مرحوم امین‌الصره داده، دیشب مشارالیها مطرب زنانه آورده و جمعی از

بستگانش را دعوت کرده بود.

ـ دیشب در خانه حاجی رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی رضا نام دختر برادرش را به جهت پسر خودش عروسی نموده، جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ سیدمحمد دزد پسر آقاسیدکاظم یاور قورخانه مبارکه که به کرات به جرم دزدی گرفتار شده، در اداره پلیس و حکومت حبس بود و اخیراً جناب اقبال‌السلطنه اظهار نموده، نزد ایشان فرستاده شد. دیروز ظهر داخل خانه آقامحمد حسن ضرابی شده، مقداری اسباب جمع کرده که گرفتار اهل خانه می‌شود. نایب محله مستحضر شده می‌رود او را بیاورد، برادر آقامحمد حسن قدری سختی کرده، آخرالامر او را به اداره آوردند. در تحت استنطاق عجالتاً سرقت چند خانه را اقرار کرده است. اداره پلیس مشغول جمع‌آوری اسباب مسروقه است که به صاحبانش رد شود.

ـ آقاسیداحمد پیشنماز که چندی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ حاجی محمودتاجر که به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود در مراجعت بین راه فوت کرده است خبر فوت او را آوردند. کسانش مجلس روضه ترتیب داده و ختم گزارده‌اند. دیروز جمعی از تجار و اهل محله در مجلس ختم بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی داداش تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی علی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی غلام حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ غلام‌علی پسر مشهدی غلامرضای چراغچی* نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله با استاد رمضان طباخ نزاع کرده بود. مشارالیه به نواب معزی‌الیه عرض می‌کند. شاهزاده هم دیروز غلام‌علی را چوب زیاد می‌زند.

ـ دیروزِ عباس نام که در حوالی مسجد شاه منزل دارد با عیالش نزاع کرده، مشارالیه او را کتک می‌زند. ضعیفه هم می‌رود به اقوامش شکایت می‌کند. آنها آمده، می‌خواستند نزاع نمایند. فراشباشی جناب امام جمعه آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهد.

ـ دیشب آقا سیدحسن تاجر میهمان داشته، مطرب آورده بود تا شش ساعت از شب رفته مشغول تعیش بودند.

ـ دیروز آقاشیخ علی بزاز جمعی از تجار را در خانه‌اش دعوت کرده بود. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز وقت اذان صبح محمد نام یک دست رختخواب بر دوش داشته می‌رفته. پلیسها ظن سرقت برده او را نزد رییس محله می‌برند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم می‌شود که رختخواب متعلق به خودش است، رها گردید.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ آقابابا، برای این که یک لنگه نیم‌تخت سرقت کرده است از محله دولت به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ باقر که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بود، بعد از تحقیقات از اداره خارج شد.

ـ شعبان‌علی مهتر جناب امین‌السلطان که شرارت کرده بود و امیرآخور جناب معزی‌الیه به اداره فرستاده بود بعد از دو روز نزد مشارالیه فرستاده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

---

*. چراغچی: مسئول روشن کردن چراغ. (لغت‌نامه دهخدا)

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ دوشنبه (۱۵) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ علی سیاه، قاتل ابراهیم آردل فوج مخصوص که بعد از مقتول نمودن مشارالیه در چالمیدان از طرف سبزی‌کاری بیرون دروازه به چابکی کاردی به طرف پلیسی که او را تعاقب نموده بود، حواله کرده او را انداخته و فرار نموده به سمت مازندران رفته بود، دیروز وقت اذان شام وارد شهر شده می‌رود در بام مسجد مبارکه ناصری می‌خوابد، عمله‌جات بنایی مسجد، شخص خارجی در آن جا دیده به گمان این که دزد است به نایب قراولخانه دروازه شمیران اطلاع می‌دهند. فوراً مشارالیه رفته ملاحظه می‌کند که علی سیاه قاتل است. [او را] دستگیر می‌کنند. یکی از عمله‌جات هم او را شناخته به گماشتگان جناب اشرف مشیرالدوله معرفی می‌کند. حضرت او را نزد جناب اشرف معزی‌الیه برده در محبس خودشان حبس می‌کنند. مراتب به جناب وزیر نظام اطلاع داده شد و هم شبانه به جناب اشرف مشیرالدوله اظهار گردید که او را بفرستند. جناب معزی‌الیه او را به اداره فرستادند مغلولاً حبس است تا حکم صریحی در حق او بشود.

ـ پسره[ای] به سن هفت سال در حوالی مسجد مبارکه ناصری سرگردان و گریه‌کنان می‌رفت و خانه خود راگم کرده بود. پلیس‌ها او را دلداری داده ساکت می‌نمایند. در آن بین عندلیب‌السادات رسیده می‌گوید که من این طفل را همراه خود به خانه می‌برم و از او توجه می‌کنم تا صاحبش پیدا شود. پلیسها طفل را به دست مشارالیه می‌سپارند. بعد از چند ساعت پدر طفل آمده، رییس محله می‌فرستد طفل را می‌آورند و به پدرش می‌دهد می‌برد.

ـ غلامرضا خان نام که از طایفه بهارلو بود مدتی گرفتار و مبتلای کشیدن تریاک بود. چندی قبل به واسطه وافور، چراغی در ضمن پایش می‌سوزد مدتی مشغول معالجه و مداوا بود تا اینکه دیروز فوت کرده است.

ـ روز قبل سه نفر پسرهای جناب مخبرالدوله در اتاق نشسته بودند یک مرتبه برخاسته* به

---

*. در همهٔ اسناد: برخواسته

اتفاق از اتاق بیرون می‌آیند، چند قدمی که از اتاق دور می‌شوند یک دفعه اتاق خراب می‌شود.

سنگلج

ـ دیشب یک ساعت از شب رفته جلیل میرزا پسر نواب نادر میرزا [که] به شرارت و هرزگی مشهور است و به کرات مصدر بی‌نظمی و مفسده شده که در راپورت‌ها عرض گردیده است، به شدت در خانه مست کرده بیرون آمده دم خانه می‌ایستد. در آن بین عیال برار نام سوزافیه پلیس از کوچه عبور می‌کند مشارالیه از فرط مستی ضعیفه را بغل گرفته بعضی حرکات لغو می‌نماید ضعیفه مضطرب گردیده، بنای داد و فریاد را می‌گذارد. او هم مشارالیها را رها کرده داخل خانه شده درب را می‌بندد. از اداره پلیس واقعه به جناب وزیر نظام نوشته شد. لازم است که این شخص تنبیه کامل بشود شاید متنبه گردد.

ـ اسمعیل مسیحی شیره‌چی که در گذر سیدنصرالدین شیره‌خانه دارد. اغلب بر خلاف التزامهای پی در پی که داده، در خانه‌اش کاسه‌فروشی* می‌کند. دیشب دو نفر را مست نموده و اسباب بی‌نظمی شده، از اداره پلیس به وزارت خارجه نوشته شد که او را تنبیه نمایند.

ـ دیشب تقی‌خان همشیرزاده نواب ایلخانی در خانه‌اش مجلس عیش ترتیب داده و فاحشه آورده بود. رییس محله پلیس مواظب کرده است فاحشه را دستگیر کنند.

ـ دیشب در خانه حاجی علی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر مشهدی رحیم نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز خان باباخان قاجار دختر یکی از بستگانش را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ آقابیک نام که می‌گفت نوکر جناب امین لشکر هستم دیشب مست، گرفتار اجزای پلیس شده او

---

*. کاسه‌فروشی: مشروب فروشی (لغت‌نامه دهخدا)

را به اداره می‌آورند. در بین راه فرار کرده خود را به خانه نصرالملک می‌اندازد. نایب محله می‌رود که او را بیاورد پسر معزی‌الیه گفته بود که چون این شخص این جا آمده ملتجی شده است، نمی‌دهم و از رییس اداره خواهش می‌کنم که از تقصیر او بگذرد. اغلب خانه‌های این شهر سمت بست پیدا کرده و ملجاء و پناه مقصرین است.

ـ حاجی محمدکریم تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیروز حاجی محمدباقر دختر حاجی محمدعلی تاجر را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز دختر نه ساله کربلایی هادی علاف به حوض افتاده بی‌حال و مشرف به فوت می‌شود. کسانش او را بیرون آورده طبیب حاضر کرده او را معالجه می‌نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی جواد نام بوده است، کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از اهل محله و طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب مشهدی ابوالقاسم بزاز دختر آقاعبدالکریم نام را برای خودش عروسی کرده است، جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال استادعلی نام با شوهرش نزاع کرده قدری تریاک می‌خورد. کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند و با یکدیگر صلح می‌نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی عبدالله تاجر مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ کربلایی رمضان نام دیروز به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا محمدعلی نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ سیدلطف‌الله گماشته جناب صدیق‌الدوله دیروز اظهار کرد که یک تخته گلیم رضا نام بقال از

من برده است. به رییس محله حکم شد. مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز مشهدی باقر نام دختر استاد حسین کلاه‌دوز را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب آقاسیداحمد تاجر جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز وقت اذان صبح پلیس ملاحظه می‌کند که هاشم نام دزد که سابقاً هم به جرم دزدی حبس بوده، یک بقچه در زیر بغل گرفته می‌رود، او را دستگیر کرده می‌گویند این بقچه چه چیز است؟ جواب می‌دهد که اسباب حمام آقای من است. به حمام می‌برم. بقچه را باز که می‌کنند معلوم می‌شود اسباب مسروقه است. دزد را با اسباب به اداره آوردند. بعد از تحقیقات معلوم گردید که از خانه استادقربان‌علی نام سرقت کرده. اسبابهای مذکوره که معادل چهل پنجاه تومان بوده به صاحبش رد شد و دزد در تحت استنطاق است.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ رجب [و] احمدقورخانه‌چی که مست کرده، هرزگی و شرارت می‌کردند گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند. قورخانه‌چی به قورخانه مبارکه که فرستاده شد که تنبیه شود و رجب هم در دیوانخانه حکومت تنبیه گردید.

ـ پاپتیل نام که یک توپ چیت از دکان بزازی سرقت کرده بود، گرفتار اجزای پلیس چهار سوق شده به اداره آوردند. چیت به صاحبش رد شد و مشارالیه در تحت استنطاق است.

ـ حسین که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه به رییس محله عودلاجان سپرده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ سه‌شنبه (۱۶) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ ضعیفه[ای] سیده با دونفر طفل کوچک گریه‌کنان نزد رییس محله رفته متظلم می‌شود که نورالله خان نام شوهر من مدتی است که به اغوای جمعی از رفقای اوباش خود به استعمال وافور مبتلا شده و از فرط میل به این عمل مهلک از شغل نوکری و کسب معاش بازمانده به مروز ایام اسباب و اشیاء لازمه خانه را برده، فروخته، صرف کرده، حال علاوه بر این که مخارج من و اطفال را نمی‌دهد هر روز بهانه‌جویی کرده می‌خواهد جزیی رخت و لباس مرا هم گرفته بفروشد. رییس محله فرستاده شوهر او را حاضر می‌نمایند چون بیچاره از شدت استعمال تریاک، تشریح* و قرب به موت بوده که تاب حبس و تنبیه نداشت لذا از او التزام می‌گیرند که رفته رفته تریاک را ترک کند و متعرض ضعیفه نشود و حتی‌المقدور مخارج عیال و اطفال خود را بدهد.

ـ اکبر غلام‌حسین ببری که از الواط و اشرار مشهور است و به کرات در انبار حکومت و اداره پلیس به واسطه شرارت‌های فوق‌العاده حبس بوده این اوقات مأمن و مسکن خود را در بازارچه مروی قرار داده در تحت حمایت کسبه آن گذر که اغلب با او هم‌جنس هستند مرتکب شرارت است. چنان چه دیروز با اصغر نام چابک‌سوار به جهت یک بلدرچین نزاع کرده زیر جامه او را پاره نموده نایب محله مستحضر شده، همین که می‌رسد مشارالیه فرار می‌کند. قدغن شد که پلیسها مواظبت کرده او را دستگیر نموده به اداره بیاورند تا در دیوانخانه حکومت تنبیه سخت شود.

ـ دیشب میناس مسیحی مطرب آورده جمعی از ارامنه را دعوت کرده، دختر یکی از ارامنه را برای برادرش عروسی کرده، پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

---

*. تشریح: به معنی جداکردن اجزاء گوشت از یکدیگر که در این جا معنی ضعف و لاغری می‌دهد. (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب در خانه حاجی احمدعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بود. جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

سنگلج

ـ دو راس اسب گاری را که به طفل یکی از جلودارهای اصطبل مبارکه صدمه وارد آورده بودند اجزای پلیس گرفته به اداره آوردند. جناب وزیر نظام خواستند که قراری بدهند، نزد جناب معزی‌الیه فرستاده شدند.

ـ پسر نایب‌قلی قزوینی چندی است دیوانه شده است. دو روز قبل میرزارضاقلی مستوفی که با پدرش آشنایی دارد او را در کوچه دیده قدری نصیحت می‌کند. مشارالیه جوابی نداده می‌رود. دیروز پسر نایب‌قلی او را در کوچه دیده فحاشی و بی‌احترامی به او می‌کند. پلیسها او را گرفته نزد رییس محله برده مشارالیه را به پدرش سپرده قدغن می‌نماید که نگذارند از خانه خارج شود.

ـ دیروز عصر جناب آصف‌الدوله به دیدن امیرایوب خان رفته بعد از ساعتی به اتفاق نزد نواب ارفع‌والاملک‌آرا رفته، ساعتی بعد مراجعت کردند.

ـ چند روز قبل حاجی نام نجار دختر احمد نام را برای خودش عروسی کرده، در این چند روزه دختر به شوهرش دست نداده و اعتنایی نکرده تا شب قبل عروس و داماد نزاعشان شده، مادر عروس دخترش را به خانه خود برده به رییس محله شاکی می‌شوند. رییس محله فرستاده طرفین را حاضر کنند تا قطع گفتگوی ایشان بشود.

ـ دیشب در خانه مشهدی حسین صراف مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب شب چهلم فوت عیال میرزا سیدمحمد مستوفی بوده، مشارالیه مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدآقا تاجرتهرانی که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. شب هم جمعی از علما و تجار به دیدن مشارالیه رفته بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر قریب سی‌نفر از یهودیها به عزیمت زیارت ساراخاتون که یکی از اماکن متبرکه آنها و در اصفهان واقع است از شهر خارج گردیدند.

ـ دیروز عصر حاجی محمد و حاجی فتح‌الله تاجر، عزیمت زیارت مشهد مقدس نموده از شهر خارج شدند.

ـ دیشب پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که از دکان استادمحمدنجار دود بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری خورده نجاری آتش گرفته مشتعل شده است. فوراً صاحب دکان را که در آن حوالی است حاضر کرده دکان را باز نموده، آتش را خاموش* می‌نمایند.

ـ پسر نه ساله کربلایی علی نام دیروز به بام خانه رفته بر حسب اتفاق افتاده به دست و پایش صدمه زیاد وارد می‌آید. کسانش جراح آورده مشغول معالجه هستند.

ـ دیروز کربلایی محمدحسن بقال چند نفر از اقوام خود را دعوت کرده و مطرب آورده، پسرش را ختنه کرده است. دو ساعت به غروب مانده متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه آقاعبدالکریم نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ علی‌اکبر نام عطار به رییس محله اظهار می‌دارد که چهار تومان از بابا نام مکاری طلب دارم، رفتم بگیرم با من نزاع کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ عیال علی‌خان نام به رییس محله متظلم می‌شود که یک ثوب سرداری دادم به علی‌اکبر دستفروش به یک تومان فروخته پول مرا نمی‌دهد. رییس محله فرستاده او را حاضر کرده بعد از تحقیقات قراری میانه آنها داده، ضعیفه معروض اظهار رضایت می‌کند.

ـ دیشب حاجی احمد نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب چند نفر از تجار همدانی در خانه حاجی محمدجعفر تاجر میهمان بودند. چهار ساعت

---

*. در همهٔ اسناد: خواموش

از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی صادق تاجر بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز عصر در خانه علی‌محمدخان سرتیپ مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاحسین نام نقاش جمعی از بستگانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز استادحسین و رضا نامان حلبی‌ساز که هر دو در حوالی خانه جناب امام‌جمعه دکان دارند و مستاجرین جناب معزی‌الیه هستند در سر حساب نزاعشان شده. استاد حسین به حکومت عارض می‌شود. مامورین حکومت می‌روند که استاد حسین را ببرند. گماشتگان جناب امام جمعه طرفین را صلح می‌دهند.

ـ دیشب مشهدی رضای صراف دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی نموده است. جمعی از کسبه و اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاحسن نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده بود برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سیدمحمد برای این که عبدالله نام جدید مدعی است که یک زوج گوشواره طلای او را سرقت کرده است از بازار آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ رجب‌علی، که مست نموده، شخص سلمانی راکتک زده است از محله دولت به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

ـ فرج‌الله و عبدالحسین، نوکرهای دانیال صاحب که برای ادعای مشارالیه در اداره بودند بعد از

تحقیقات نزد آقایشان فرستاده شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ پنجشنبه (۱۸) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ دیروز جمع کثیری از سادات و اهل محله در مجلس ختم مرحوم آقاسیدموسی که نقیب‌السادات در خانه‌اش ترتیب داده حضور داشتند. جناب حاجی ملاعلی قبل ظهر آن جا تشریف برده ختم را برچیدند. جناب وزیر نظام و نصرالملک هم به اتفاق طرف عصر از نقیب‌السادات دیدن کرده بودند.

ـ مشهدی حسین نام علاف به رییس محله اظهار می‌دارد که شخص آخوندی یک ماه است در خانه من یک بالا خانه اجاره کرده منزل نموده، اغلب روزها جمعی از مردمان متفرقه به منزل او آمد و رفت دارند و مرا به ستوه آورده‌اند. رییس محله یک نفر برای تحقیق فرستاد. معلوم می‌شود که این شخص یکی از عرفا است و سمت ارشاد دارد و این اشخاص هم مردمان معقول هستند، محض ملاقات و کسب فیض نزد مشارالیه می‌روند. شخص بقال که از حالت آنها مستحضر می‌شود عذرخواهی نموده، می‌گوید بصیرت نداشتم و از قول زنها این اظهار را کردم.

ـ غفار آقای قزاق دختر ضعیفهٔ مشهوره به کربلایی خانم را برای خود نامزد کرده، مبلغی مخارج او نموده، حال پشیمان شده، به ضعیفه سخت گرفته که مخارج مرا بده، دختر ترا نمی‌خواهم. دوازده تومان از بابت مخارج ادعا می‌کرد. کارشان به مرافعه و محضر شرع کشیده به محضر جناب ملانظرعلی پیشنماز به ترافع می‌روند. در آن جا ملانظرعلی جهت فسخ معامله را از قزاق سوال می‌کند مشارالیه جواب داده بود که دو شب قبل دیدم شخصی از طرف بام همسایه به

ضعیفه با سه انگشت اشاره کرد. او هم با چهار انگشت به اشاره جواب داد. معلوم می‌شود مادر و دختر بدعمل هستند. آخرالامر ادعای قزاق به سه تومان صلح شده، می‌روند.

ـ امروز صبح در خانه حاجی اکبر نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیروز امیرایوب خان طرف عصر به بازدید جناب آصف‌الدوله رفته بعد از یکی دو ساعت مراجعت نمود.

ـ حاجی قاسم کدخدای خبازان به واسطه خلعتی که جناب وزیر نظام به مشارالیه داده، دو روز است عمله‌جات خبازخانه را دسته به دسته دعوت نموده از آنها پذیرایی می‌کند.

ـ میرزاولی مستوفی این اوقات خانه شهری امین همایون را خریداری کرده. دیشب پسرش در آن خانه مشغول تعیش بود. ساز و آواز هم داشتند.

ـ دیشب سه ساعت از شب گذشته جناب وزیر دفتر به خانه میرزامحمدحسین مستوفی رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیشب میرزاآقاخان منشی وزارت خارجه در خانه‌اش چند نفر میهمان داشت و مطرب هم آورده بود.

ـ دیشب در خانه حاجی تقی نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب میرزارضای بزاز دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محل در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز جناب اقبال‌السلطنه محمدعلی خان پسرش را از شمیران فرستاده، قریب بیست وپنج خروار گندم مستمری جمعی سادات و فقرا و گماشتگان خود را دادند.

ـ دیروز استاد ابراهیم معمار همشیره میرزااحمد سرهنگ تلگرافخانه قم را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از علما و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی سیدجعفرلاریجانی جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به

مامورنظمیه دردوره ناصری

او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه کربلایی محمدباقر بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس روضه حضور داشتند.

ـ دیروز مشهدی رحیم نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده و مجلس عیشی ترتیب داده، پسرش را ختنه کرده است.

ـ دیشب در خانه میرزا خلیل نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه آقا سیدرضای پیشنماز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از سادات و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز آقامحمد نام دختر میرزاغلامحسین سقط‌فروش را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه میرزامحمدعلی عزب دفتر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ سیدصادق فرش‌فروش دیوار خانه‌اش خراب شده، سهواً بنا، قدری دیوار را جلو آورده، به این واسطه همسایه او مواخذه کرده، نزدیک بود نزاعشان شود. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده قرار می‌دهند که دیوار را عقب ببرد.

ـ دیروز استادحیدر بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که تقی نام شاگردش مقداری اسباب او را دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب ضعیفه [ای] فاحشه را عباس شیشه‌گر به منزلش برده بود. بعد از آن که از آن جا خارج می‌شود اجزای پلیس دستگیر نموده قدغن شد که او را نفی‌بلد نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدحسین صراف بوده، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته

متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ چند نفر از شترهای جناب امین‌السلطان را از طرف دروازه‌نو عبور می‌دادند. به دختر شش ساله مشهدی باقرخباز یکی از شترها پهلو زده، انداخته سرش قدری مجروح می‌شود. پدر دختر گریبان شتردار راگرفته، در آن بین گماشتگان جناب معزی‌الیه رسیده مبلغی پول به پدر دختر داده از او تحصیل رضایت می‌نمایند.

ـ دیروز عصر نواب ارفع والاعزالدوله و نواب والا حشمت‌السلطنه به دیدن جناب حاجی میرزامحمود مجتهد خمسه رفته، بعد از صرف چای و غلیان مراجعت کردند.

ـ دیروز مشهدی محمدنام دختر استاد رمضان نام را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی محمدحسین تاجر کاشانی جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیروز استادتقی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی کریم‌حداد با تقی نام همسایه‌اش در سر آب حرفشان شده، می‌خواستند نزاع و زد و خورد کنند، نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهد.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ کاظم، برای این که شکرالله نام مدعی است که مقداری اسباب سرقت کرده است از سنگلج به اداره آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ مهدی، برای این که به حمایت دو نفر زن همسایه‌اش برآمده مشهدی مصطفی گماشته وزارت خارجه راکتک زده است از چالمیدان آوردند، در دیوان‌خانه حکومت تنبیه می‌شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه (۱۹) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ استاد حسین اره‌کش چندی است در شکم او آزاری به هم رسیده و مریض بستری شده، هر قدر معالجه کردند سودی ننموده تا رفته‌رفته زیر شکم او سوراخ گردیده، آب و غذا به مجرد ورود به شکم از آن سوراخ خارج می‌شود. مریض معروض به جمعی اطبا رجوع نموده همگی جواب داده‌اند. این اواخر به میرزامحمد دکتر رجوع کرده، مشارالیه بعد از ملاحظه و تعمق زیاد گفته است که امعاء پاره شده. باید شکم را از جایی که سوراخ شده بشکافم و اصلاح نمایم ولی احتمال می‌رود به واسطه بی‌مبالاتی تلف شود. کسان مریض راضی نشدند. مریض چون یقین دارد که از این مرض خلاصی ندارد اصرار به شکافتن شکم خود دارد. روز گذشته جمعی از بستگانش و اهل محله را جمع نموده و نزد رییس محله فرستاد که یک نفر بفرستید من چند کلمه حرف دارم. رییس محله نایب اول خود را فرستاده مریض معروض در حضور آنها می‌گوید برای رضای خدا بفرستید دکتر بیاید هر چه می‌خواهد بکند. کسانش رفته دکتر را آورده مشارالیه شکافتن شکم او را به روز بعد قرار داده است.

ـ میرزا جوادهمدانی دختر ضعیفه راکه تکدی می‌کرد دیده، گرفتار جمال او شده، مبلغی خرج و او را برای خود عقد کرده، روز گذشته خیال داشته که عروسی کند و عروس را با درشکه و تجمل ببرد. از خارج می‌شنود که دختر با صغر سن که هنوز به تکلیف نرسیده است، سه چهار شوهر نموده. مشارالیه پشیمان گردیده و اسباب عروسی را بر هم زده. دیروز از مادر دختر مطالبه مخارج خود را می‌کرد. به این واسطه در کوچه بنای داد و فریاد راگذارده بودند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده قرار می‌دهند که طرفین در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز زن محمدحسن نام به حمام رفته چادر سر او در سر حمام مفقود شده، مشارالیها گریبان ضعیفه حمامیه راگرفته مطالبه چادر خود را می‌کرد ضعیفه حمامیه به نایب محله اظهار می‌دارد که ضعیفه فاطمه نام در حمام بوده او چادر را برده است. نایب محله مشارالیها را حاضر کرده بعد از تحقیق معلوم شد که آن روز در حمام نبوده است بنابراین قرار داده شد که ضعیفه حمامیه

ضعیفه مذکور را قسم بدهد. بعد از عهده غرامت چادر زن محمدحسن برآید.

سنگلج

ـ دیشب یک راس اسب برهنه بلاصاحب در گذر سیدنصرالدین پلیسها دیده، گرفته نزد رییس محله می‌برند. محمداسمعیل نام مهتر حضرت مستطاب اشرف امجدارفع اسعداعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی فداه آمده اظهار می‌دارد که از اصطبل کالسکه خانه حضرت مستطاب والا بیرون آمده به مشارالیه رد می‌کنند.

ـ قنبر نام قزاق دیروز دو نفر یهودی را به خانه‌اش برده که چیزی به آنها بفروشد. معامله آنها نشده. قزاق مشارالیهما را می‌زند. آنها هم رفته به حسن‌خان سرتیپ قزاق عارض می‌شوند. مشارالیه فرستاده قزاق را می‌برند که تنبیه نمایند.

ـ دیشب در خانه شیخ‌عبدالعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز دختر ضیاءالملک را برای میرزاصادق برادرزاده معزی‌الیه عقد کردند. دیشب هم اول مجلس عروسی بود. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه میرزانصرالله نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب سیدصادق میراب و سیدابول نام قورخانه‌چی و حسن نام و غلام‌بنا در بالا خانه که روی قهوه‌خانه حاجیه، دایه نواب مستطاب علیه عزت‌الدوله واقع است شرب کرده در اواخر مجلس سیدصادق از بالا خانه میان حیاط قهوه‌خانه افتاده سایرین فرار کرده، مشارالیه را کسانش به منزلش برده، بعد از چند ساعت فوت می‌شود. مراتب به جناب وزیر نظام اطلاع رسیده از طرف حکومت جلیله و اداره پلیس مامورین گماشته شده‌اند که آنها را دستگیر کرده تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ دیشب مشهدی حبیب نام جمعی از کسبه و اهل محله را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی اسمعیل سمسار به جهت محاسباتی که با حاجی آقابیک باجناق خودش دارد نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند. نایب محله آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهد.
ـ دیروز عصر در خانه نواب والاحاجی بهاءالدوله مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و شاهزادگان عظام در آن جا حضور داشتند.
ـ دیشب در خانه حاجی میرزااحمد داماد جناب صدیق‌الدوله مجلس روضه بوده، جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

چالمیدان

ـ کهزاد نام ملایری ضعیفه کردی [را] صیغه می‌کند. زن دیگر هم داشته. دیروز مشارالیه با زن کرد به خانه زن قدیمی خود رفته، در آن جا نزاعشان شده، ضعیفه کرد زده، سر شوهرش را مجروح می‌نماید. نایب محله خواسته متعرض ضعیفه ضاربه بشود، شوهرش راضی نشده، ضعیفه را برده در محضر شرع مطلقه می‌کند.
ـ مشهدی محمدعلی بقال به واسطه قرضی که داشته و پریشان شده است دیروز مقداری تریاک می‌خورد. کسانش او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.
ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه حاجی ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه ملاآقاجان مکتب‌دار مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز کربلایی نصرالله نام دختر استاد اسمعیل نام را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.
ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر اصفهانی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله

در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز استادعلی‌محمد نام جمعی از کسبه و اهل محله را در خانه‌اش دعوت کرده بود. عصر متفرق شدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که از دکان علافی دود بیرون می‌آید. نزدیک رفته، معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری کاه آتش گرفته است فوراً خاموش می‌نمایند. چنانچه اندکی دیر خبر شده بودند دور نبود که حریق زیادی واقع شود.

ـ دیشب حاجی علی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ کربلایی حسین، برای ادعای آقا برار نام از محله دولت به اداره پلیس آوردند تا تحقیقات بشود.

ـ حاجی خان نام، برای تحقیقات و استنطاق سرقتی از سنگلج به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ عبدالعظیم، که بعضی اسباب جزیی از آقای خود برداشته بود بعد از تحقیقات به دست آقایش سپرده شد.

ـ سیدمحمد که برای تحقیقات سرقت یک زوج گوشواره طلا[ی] مسروقه در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ شنبه (۲۰) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ جناب والامعزالدوله دیروز سه ساعت به غروب مانده با نواب محمدجعفر میرزا به عزیمت زیارت کربلای معلا با بنه و دستگاه از شهر خارج گردیده در حضرت عبدالعظیم(ع) نقل مکان نمودند.

ـ عباس دولابی که یکی از الواط و اشرار شهر است و چندی قبل هم به جرم دزدی در اداره پلیس حبس بوده، این اوقات به واسطه این که مظنون دو سه فقره دله‌دزدی است و اجزای پلیس در صدد گرفتاری او بودند فراراً خود را به فراشخانه جناب اشرف مشیرالدوله بسته می‌گوید فراشم، و اجزای فراشخانه جناب معزی‌الیه هم از او حمایت دارند، دیشب به اتفاق علی‌محمد الاغچی جناب معزی‌الیه شدیداً مست کرده جلو یک نفر دولابی را باکارد برهنه گرفته کتک زیاد به او زده خواسته بودند جیب او را ببرند سوزافیه پلیس آن گذر که حوالی پارک جناب امین‌الدوله است رسیده خواسته بود منع کند او را هم کتک می‌زنند. نایب محله به گماشتگان جناب اشرف مشیرالدوله اطلاع می‌دهد. وقتی که آنها می‌آیند حضرات فرار کرده بودند. مراتب معروضه به جناب معزی‌الیه نوشته شد که عباس معروض را به اداره بفرستد تا در باب چند فقره مسروقات، تحقیقات کامله به عمل آید و در دیوان‌خانه حکومت جلیله تنبیه شود.

ـ دختر محمدآقای قاجار را دیروز برای آقاغلامحسین پسر حاجی رضاقلی عقد کردند و دو ساعت به غروب مانده عروس را با درشکه به خانه داماد بردند.

ـ دیشب در خانه حاجی عباسقلی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که عیال مشهدی رضای بزاز بدون جهت عیال مرا کتک زده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیها را برای تحقیقات حاضر کنند. چند نفر از همسایه‌ها جمع شده آنها را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیروز حوالی غروب شخص دهاتی وضع، چند پارچه لباس زنانه فرنگی در بقچه‌ای به دست داشته می‌رفته. پلیس ظن سرقت برده می‌خواهد تحقیق حالش را بکند. مشارالیه بنای نزاع را گذارده، همین که سایر پلیس‌ها می‌رسند بقچه را انداخته فرار می‌کند. بعد از چند ساعت چرنی فرنگی باغبانباشی باغ امیریه به اداره آمده اظهار کرد که ملبوس مذکوره متعلق به او و آن شخص هم نوکر اوست. ملبوس به مشارالیه رد شد و اظهار امتنان کرد.

ـ دیروز اول طلوع فجر شخصی مقداری ملبوس و اسباب در دست داشته خفیتاً می‌رفته، پلیسها ظن دزدی برده او را گرفته نزد کدخدا می‌برند. بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که حسین‌علی نام مهتر جناب قوام‌الدوله است و این اسباب را از امیرآخور دزدیده است. اسباب به صاحبش رد شد و مشارالیه را به اداره آوردند در تحت تحقیقات کامله است. جناب قوام‌الدوله بعد از استحضار از واقعه خیلی تمجید کرده بود.

ـ دیروز سپهسالار امیرایوب‌خان، معزی‌الیه را با جمعی از خوانین افغان در باغ میرزاسیدعبدالله برادر جناب میرزاعیسی میهمان کرده بود. غروب مراجعت نمودند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی غلامحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب آقاسیدعلی محمد نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ جلو حمام پای‌منار چاهی باز شده، شفته زیادی ریخته‌اند. دیشب حسین نام از آن جا عبور می‌کرده، میان شفته افتاده. اجزای پلیس و عابرین به زحمت او را از آن جا بیرون می‌آورند، می‌رود.

ـ دیروز نوکرهای حاجی سیدمحمدباقر جمارانی و آقامحمدامین ارباب در سر آب نزاعشان شده بنای زدو خورد را می‌گذارند. نایب محله آمده طرفین را ساکت کرده، قرار مسکتی برای آب بردن میانه آنها می‌دهد.

ـ دیروز صبح در خانه امین نظام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در خانه عبدالرحیم‌خان سرهنگ قورخانه مبارکه مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدابراهیم تاجرتهرانی با برادرش عزیمت زیارت کربلای معلا نموده، از شهر خارج شدند. جمعی از تجار آنها را بدرقه کرده بودند.

ـ دیشب دختر شش ساله ملاعبدالله مکتب‌دار در اتاق بازی می‌کرده، یک مرتبه چراغ لامپا برگشته افتاده، آتش گرفته، لباس دختر سوخته، قدری از اعضای بدنش می‌سوزد ولی از مخاطره دور است.

ـ سیدابوالقاسم که یکی از اجزای نقیب‌السادات است و در کوچه سرچنبک خانه‌ای گرفته، منزل نموده، از قراری که به رییس محله راپورت دادند زن و خواهرش هرزه هستند و مردمان بیگانه را برای حرکات شنیعه، مشارالیه به خانه خود می‌برد. رییس محله چند نفر پلیس گماشته که تحقیقات کرده آنها را دستگیر کنند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه میرزاعلی‌اکبر خرازی فروش مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و تجار مستمع بودند.

ـ دیشب مشهدی غلامعلی غلام کشیکخانه مبارکه دختر کربلایی جعفر نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عیال مشهدی حسن نام که حامله است به خانه‌ای داخل شده، اتاق خالی می‌خواسته، ملاحظه می‌کند که در مطبخ یک شیشه آبغوره گذارد[ه] اند. میل کرده، شیشه را برداشته که قدری بخورد. صاحب خانه به گمان این که مشارالیه دزد است داد و فریاد کرده، پلیسها او را نزد رییس محله می‌برند. بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که ضعیفه گناهی ندارد. رهایش می‌کنند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌محمدجعفر عطار مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از کسبه و اهل محله مستمع بودند.

ـ مشهدی محمدباقر تاجر تنباکو که مدتی به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ دیشب یک نفر سرباز به رییس محله اطلاع می‌دهد که شخصی در بازارچه نایب کریم مست است و هرزگی می‌کند فوراً رییس محله پلیس‌ها را فرستاده بعد از تحقیق معلوم می‌شود که میرزا رضا گماشته جناب امین‌السلطان که میدان مال فروشها سپرده به اوست، پسر زنی دارد. چندی است دیوانه شده، به طوری که او را در خانه حبس کرده‌اند. امشب فراراً بیرون آمده دیوانگی می‌کند. او را گرفته به کسانش سپرده، مجدداً به خانه برده حبس می‌نمایند.

ـ آقاغلامحسین پسر برادر حاجی محمدابراهیم فراشباشی نواب والا احتشام‌الدوله دختر محمدآقای قاجار را برای خودش عروسی کرده، دیشب جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. دسته حاجی اسمعیل بزاز را آورده‌بودند. پنج ساعت از شب گذشته عروس را با درشگه زنبورکچی‌باشی به خانه داماد بردند.

ـ دیروز سه نفر زن غربال‌بند* به دکان حسین نام توتون فروش رفته قدری توتون خریده در سر قیمت آن نزاعشان شده بود. نایب محله رسیده آنها را ساکت و روانه می‌نماید، می‌روند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ کاظم، برای این که آقامحمدباقر نام مدعی است که مقداری اسباب او را سرقت کرده است. از محله بازار به اداره آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ حسین‌علی و سلطان‌علی، برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بودند. بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

---

*. غربال‌بند: سازندهٔ غربال (لغت‌نامه دهخدا)

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ یکشنبه(۲۱) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ حبیب جن و حسن، فراشهای وزارت خارجه دیروز به خانه ریترت نام فرنگی شیره‌چی رفته از او مواخذه می‌کنند که چرا کاسه‌فروشی می‌کنی؟ شیره‌چی معروض با پسرش فراشها را کتک می‌زنند. مشارالیهما رفته امداد آورده، شیره‌چی را به درب خانه جناب اشرف مشیرالدوله می‌برند. در آن جا آن دو نفر فراش مشارالیه را کتک زیاد زده، می‌خواستند او را حبس کنند. از اداره پلیس به وزارت خارجه اطلاع داده شد.

ـ برای باغ جدیدالبناء حضرت مستطاب والاظل‌السلطان از پشت عمارت جناب امین‌حضور وزیر بقایا خاک رس کنده، می‌آورند، مشهدی غلامرضای خاک‌کش در گود نقب زده، خاک می‌کنده، یک مرتبه نقب فرو ریخته. مشارالیه زیر آوار مانده، اعضایش خورد شده ولی سرش از زیر خاک بیرون بوده به این واسطه زود تلف نشده است. عمله‌جات اجتماع کرده او را بیرون آورده، در مخاطره است.

ـ سیدعبدالله نام چندی برای دزدی حبس بوده، دیشب در ارک مبارک به خانه مشهدی محمد نام داخل شده روی بام رفته، می‌خوابد که به موقع دستبرد زده برود. زنها او را دیده بنای داد و فریاد را گذارده نایب پلیس مامور ارک مبارک رسیده، او را گرفته به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب عیال استادغلام‌علی نام با شوهرش نزاع کرده به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر کنند. برادر ضعیفه مانع شده آنها را صلح می‌دهد.

ـ دیشب میرزاخلیل نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه ملاصادق نام مجلس روضه بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب رضا نام دختر ملاهادی نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله را دعوت نموده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ مشهدی عباس نام چندی قبل دختر کربلایی عبدالله نام را برای خود عروسی کرده، بعد نزاعشان شده او را مطلقه می‌کند. پسر کربلایی عبدالله معروض که به سن ده ساله بوده در وقت نزاع آنها حضور داشته، از آن اوقات تا حال مریض گردیده، دیروز فوت نموده، کربلایی عبدالله به رییس محله اظهار می‌دارد که وقت نزاع صدمه خورده. رییس محله فرستاد مشهدی عباس را حاضر کرده و مراتب به استحضار جناب وزیر نظام رسیده، در این باب تحقیقات لازمه به عمل آمده، معلوم می‌شود که طفل به واسطه صدمه نمرده و به مرض خود فوت کرده است.

ـ دیروز عصر در خانه نصیرخان نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی نام بوده. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی یک راس الاغ بلاصاحب دیده، به اداره آوردند. امروز صاحبش آمده، نشانی و قبض داده الاغ به او رد گردید و امتنان حاصل نمود.

عودلاجان

ـ میرزانصرالله خان دبیرالملک اغلب اوقات وقت اذان صبح لباس سفید می‌پوشد و گیوه در پا می‌نماید، مثل دراویش بیرون آمده، در شهر قدری گردش نموده، مراجعت می‌کند.

ـ دیشب آقاسیدنصرالله صراف جمعی از بستگانش را دعوت کرده و مجلس تعیشی ترتیب داده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدحسن تاجرتهرانی دیروز با عیال و اطفالش عزیمت زیارت مشهد مقدس کرده، از شهر خارج شدند. جمعی از تجار مشارالیه را بدرقه نموده بودند.

ـ دیروز عیال مشهدی اکبرصباغ با شوهرش نزاع کرده، مقداری تریاک می‌خورد که خود را هلاک کند. کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیشب حاجی محمدآقاتاجرتهرانی دختر حاجی علی‌اصغر تاجر را برای پسرش عروسی کرده

است. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.
ـ دیروز عصر در خانه حاجی غلام‌حسین تاجر مجلس روضه بوده است جمعی از طلاب و اهل محله حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ شاطرنصرالله خباز معادل چهارصد تومان قرض پیداکرده و تفریط نموده است. به این واسطه به حضرت عبدالعظیم رفته متحصن شده بود. گماشتگان حکومت او را آورده درب خانه‌اش را مهر و موم نمودند تا این که مشارالیه قرار طلب مردم را بدهد.
ـ دیشب علی خان قاجار دختر حاجی خان قاجار را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از خوانین قاجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسن خرازی‌فروش مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق شدند.
ـ دیروز شخص ساربانی یک بار شتر کاه عبور می‌داده، بار کاه به پسر سیداعمی روضه‌خوان خورده. مشارالیه افتاده و برخاسته می‌خواست با ساربان نزاع کند. نایب محله رسیده آنها را ساکت می‌نماید.
ـ دیشب حاجی عبدالله نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز زن عباس‌بیگ گماشته نواب آقاجمال‌الدین میرزا با دختر مرحوم میرزابابای حکیم نزاعشان شده بنای زد و خورد را گذارده بودند. همسایه‌ها جمع شده، آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهند.
ـ قطعه زمینی است بایر در حوالی خانه ورثه مرحوم حاجی عبدالکریم هراتی نصف آن وقف و نصف دیگرش مال ورثه حاجی معروض است. آقا عبدالرحیم ماهوت‌فروش دیواری به یک طرف آن زمین کشیده است. دیروز جناب حاجی ملاعلی چند نفر فرستاده بودند که آن دیوار را خراب کنند. آقاعبدالرحیم اظهار کرده بود که من محض ثواب این دیوار را کشیده‌ام و خیالی

نداشتم. گماشتگان جناب حاجی واقعه را به عرض آقا رسانده. جناب حاجی گفته بودند اگر این طور است آقاعبدالرحیم این مطلب را نوشته بدهد. مشارالیه هم به همین قسم نوشته به گماشتگان جناب معزی‌الیه داده می‌روند.

ـ دیشب حاجی رضای بزاز دختر یکی از اقوامش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی اکبر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسن نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاده. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی‌مراد ملایری، برای این که از منزل توپچی‌ها بعضی اسباب سرقت کرده است در محله سنگلج گرفتار پلیس شده به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ عبدالحسین نوکر دانیال صاحب، برای این که آقای او مدعی است مبلغی پول سرقت کرده است از محله دولت به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ مشهدی حسین که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات ضامن داده از اداره خارج شد.

ـ کربلایی حسین که برای ادعای شخصی در اداره پلیس بود با طرف مقابلش بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ دوشنبه (۲۲) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ اسمعیل‌خان نام شیرازی که دایم‌الخمر است روزها اهل خانه مشارالیه به واسطه عربده و بدمستی او درب خانه را بسته به خانه همسایه می‌رفتند. شبها نیز او را در صحن حیاط گذارده، خودشان به بام رفته می‌خوابیدند و درب بام را می‌بستند. مشارالیه دیشب خواسته بود به بام برود از پله‌ها به واسطه ازدیاد مستی افتاده، دوسه استخوان دنده‌اش شکسته بی‌حال می‌شود. کسانش مشغول معالجه او هستند.

ـ دختر چهار پنج ساله میرزاکاظم نام درب دکان مشهدی محمدبقال خرغانی رفته به اقتضای سن خود شیطنت می‌کرده، بقال مذکور مشتی به سر او زده، دختر بی‌حال می‌شود. از قرار مذکور مشارالیها در مخاطره است. قدغن شد بقال را دستگیر کنند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ یکی از رعایای زرگنده از سفارت روس یک بار نفت بار کرده می‌برد، دو نفر فراش که مامور تنظیم نفت هستند برای تحقیق جلو او را می‌گیرند. مشارالیه بنای درشتی را گذارده با یکدیگر نزاعشان می‌شود. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده نمی‌گذارد زد و خورد کنند.

ـ شاطر صادق خباز به رییس محله اظهار می‌دارد که سیدمحمود نام یک خورجین از روی الاغ من برده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی ابوالقاسم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاعلی‌محمد یزدی دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیروز صبح میرزاعلی‌اکبر مستوفی نزد رییس محله فرستاده اظهار می‌دارد که یک طرف دیوار

خانه من خراب شده می‌خواستم بسازم. استادسلمانی که همسایه من است مانع شده و شرارت می‌کند. رییس محله یک نفر نایب فرستاده که تحقیقات کرده موافق تصدیق معماران دیوار را بکشد.

ـ اکبر نام مکاری به جناب وزیر نظام عارض شده که ناپسری میرزااحمد نام بکارت دختر مرا زایل کرده است. جناب معزی‌الیه فرستاده او را آورده، بعد از تحقیقات مشارالیه را محبوس می‌دارند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدحسن بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی رحیم نام تاجر دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیشب کربلایی حسن‌نام که در کاروانسرای گذر سرچشمه منزل داشت می‌رود بالای بام بخوابد. بر حسب اتفاق افتاده، به فاصله دوسه ساعت فوت می‌کند.

ـ حاجی محمدحسن تاجرکاشانی دیروز با عیال و اطفال عزیمت زیارت مشهد مقدس کرده، از شهر خارج شدند. جمعی از تجار آنها را بدرقه نموده بودند.

ـ دیروز عزت‌الله نام زنجانی به کاروانسرای کهنه‌فروشها که چند نفر صراف در آن جا منزل دارند رفته که دستبرد بزند در حالتی که قفل اتاق شخصی را باز می‌کرد پلیسها او را گرفته به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی کریم نام با شوهرش نزاع کرده، به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاد مشارالیه را آورده، بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رحیم تاجر بوده، کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی مرادعلی نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. چند نفر از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب استاد حاجی علی نام دختر مشهدی جعفر نام را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی اسمعیل نام برای دزدی داخل خانه کربلایی محمدعلی معمار گردیده، اهل خانه ملتفت شده بنای داد و فریاد را می‌گذارند. نایب محله رسیده، او را گرفته به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی حسن تاجر بوده، کسانش مجلس روضه ترتیب داده، چند نفر از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که از دکان نجاری دود بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری خورده نجاری آتش گرفته، نزدیک است حریق زیادی بشود. فوراً اقدامات لازمه به عمل آورده، آتش را خاموش می‌کنند.

ـ دیروز حاجی تقی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ مشهدی حسین دستگاه‌دار دکان خبازی دو نفر زن دارد. روز گذشته زنها با هم نزاع کرده، زن کوچک او مقداری تریاک می‌خورد. هر قدر معالجه می‌کنند سودی نکرده، دیروز صبح فوت می‌نماید.

ـ دیشب در خانه آقامحمدحسین مازندرانی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز سیدآقای سلاخ به رییس محله اظهار می‌دارد که سه نفر از همسایه‌های من مبلغ بیست تومان و قدری ملبوس از خانه من سرقت کرده‌اند. رییس محله طرفین را حاضر کرده، بعد از

تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب استادهاشم نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه ملاعلی‌محمد طلبه مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. چند نفر از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ بیوک‌آقا نام برای این که اسدالله‌خان نام مدعی است که سی‌وسه تومان پول او را تقلباً از صراف گرفته تفریط کرده است از محله دولت به اداره آوردند. تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ سیدعبدالعظیم، برای این که داخل خانه محمدحسین بیگ نام شده می‌خواست دستبرد بزند از محله دولت به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ فتح‌الله، که مقداری نقره یراق اسب مسروقه می‌فروخت پلیسها او را به اداره آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ ابوالقاسم، برای این که مشهدی محمدبقال مدعی است که هیجده‌تومان پول او را برده است از سنگلج به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ قربان‌علی ملایری برای این که مقداری اسباب از دزد گرفته است، او را به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

اکبر عمله برای این که حسن‌بیک نام مدعی است که مقداری اسباب او را سرقت نموده از محله دولت به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ سه‌شنبه (۲۳) ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ طاهرنام فراش همایونی مأمور دیوانخانه عدلیه اعظم دوهزار دینار از میرزامحمدحسین تعزیه‌گردان طلب داشته. مشارالیه قریب دو ماه فراش معروض را معطل و سرگردان کرده تا این که دیروز فراش گریبان او راگرفته به سختی مطالبه می‌کرد و جمعی اطراف آنها جمع شده بودند. نایب محله رسیده، مردم را متفرق کرده، قرار مسکتی میانه آنها می‌دهد.

ـ دونفر فرنگی که قریب دوماه است به دارالخلافه آمده کارخانه چرم‌سازی ترتیب داده، تهیه و تدارک این کار را می‌بینند، در خانه اسفندیار گبر منزل دارند. شب گذشته آبی که خواجه‌آبنوس مسیحی به خانه خود می‌برده، فرنگی‌های مذکور باز کرده به خانه خود می‌برند. مشارالیه ممانعت کرده، به این واسطه نزاعشان شده، بنای زد و خورد را می‌گذارند. نایب خیابان سفارت انگلیس رسیده آنها را ساکت و روانه می‌کنند، می‌روند. مراتب به استحضار جناب اشرف مشیرالدوله رسیده، مشغول تحقیقات هستند.

ـ به نایب محله دیروز خبر می‌دهند که شاطرقاسم نام ضعیفهٔ فاحشه [ای] را برای ارتکاب عمل شنیع به خانه علی نام مکاری برده است. مشارالیه می‌رود که واقعه را تحقیق کند معلوم می‌شود که ضعیفه شوهری داشته، طلاق گرفته شاطرقاسم مخارج عده او را داده و امروز مجلس عقد ترتیب داده، در آن بین مشارالیه آقامیرمحمدعلی پیشنماز را هم برای اجرای صیغه عقد به آن خانه آورده بود.

ـ دیشب دختر یوسف‌خان غلام پیشخدمت را برای پسر میرزارضای گل سرخی حکیم مرحوم و دختر آن مرحوم را برای پسر یوسف‌خان عروسی کردند. شب گذشته عروس‌ها را آورده‌و بردند.

ـ دیشب در خانه حاجی احمدتاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیشب در خانه حاجی هادی نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز طفل پنج‌ساله مشهدی کریم نام هنگامی که کسانش در خانه نبودند به حوض افتاده، مشرف به موت می‌شود. بر حسب اتفاق زن همسایه به ان خانه آمده او را بیرون می‌آورد و به زحمت به حالش می‌آورند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مادر حاجی رضای‌بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی رسول یزدی دختر یکی از اقوامش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز شیخ علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که محمدحسن نام برادرم بعضی اسباب مرا به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات معلوم شد که گفتگوی شرعی در باب ارث پدر داشتند. به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ دیروز کربلایی محمدحسن تنباکوفروش دختر مشهدی حسن نام را برای برادرش عقد کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ استادحسن معمار در بیرون کوچه دردار حمامی تازه ساخته. دیروز محض تیمن و تبرک آقاسیدعلی پیشنماز و چند نفر از معتبرین محله را دعوت نموده و دو راس گوسفند ذبح کرده، شیرینی و شربت آورده، حمام را دایر نموده است.

ـ دیشب مشهدی علی نام تبریزی دختر مشهدی احمدتبریزی را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی عبدالله نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی کریم نام دختر استادقربان‌علی نام را برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل

محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز علی نام می‌رود از دکان حسن‌علی بقال قدری پنیر بگیرد. با مشارالیه نزاعشان شده دو سه نفر به حمایت طرفین برخاسته می‌خواستند زد و خورد نمایند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده، چون چند نفر از ریش‌سفیدهای محله شفاعت کرده بودند آنها را صلح می‌دهند.

چالمیدان

ـ کربلایی قاسم گماشته جناب آقاشیخ موسی مجتهد دو نفر دختر هفت و نه ساله داشته، دیروز کسی در خانه مشارالیه نبوده، جز این دونفر دختر. دختر کوچک دم آب انبار می‌رود، می‌افتد میان آب، خواهر بزرگتر مضطرب شده، می‌خواهد او را خلاص کند او نیز به آب انبار افتاده هر دو بدبختانه هلاک می‌شوند. کسان آنها آمده هر دو را مرده روی آب دیده شورش و هنگامه [ای] برپا کرده بودند و مردم به حالت آنها می‌گریستند.

ـ دیروز استادمحمدنجار دختر مشهدی احمدسمسار را برای خودش عقد کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ علی نام که از چشم عاجز بود چهار روز قبل در خارج شهر به چاه افتاده، فوت می‌کند. دیروز عمله‌جات کوره‌پزخانه از واقعه مستحضر گردیده، نعش او را از چاه بیرون آورده، برده مدفون می‌نمایند.

ـ دیروز حاجی رجب‌علی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ دیشب استادنصرالله معمار جمعی از بستگانش را میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی آقافراش همایونی به رییس محله اظهار می‌دارد که حمزه نام میراب یک خورجین و یک ثوب عبای مرا دزدیده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند. که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب پسرهای آقامحمدرضای تاجر کاشی جمعی از تجار و اقوام خود را در خانه‌اش میهمان کرده و یک دسته مطرب یهودی آورده بودند. پنج ساعتی از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی احمدبزاز دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیروز مشهدی رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که حسن نام همسایه‌ام بعضی اسباب از خانه من سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاده، تحقیقات لازمه، به عمل آمده چون دزدی مشارالیه بر وجه ثبوت نرسیده به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حاجی اسمعیل برای این که داخل خانه[ای] شده، قدری رخوت مردانه سرقت کرده از چالمیدان به اداره آوردند. در تحت استنطاق و تحقیقات است.
ـ بیوک آقا که برای ادعای اسدالله خان نام در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با رضایت مدعی او از اداره خارج شد.
ـ فتح‌الله که برای فروختن قدری یراق نقره در اداره بود، بعد از تحقیقات معلوم شد که مال آقایش بوده است. به دست مشارالیه سپرده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ چهارشنبه(۲۴) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ سابقاً در راپورت عرض شده است عباس دولابی که یکی از الواط و اشرار است و یک مرتبه به جرم دزدی و چند دفعه برای شرارت گرفتار و حبس بوده، این اوقات چون مظنون به سرقت

است و اداره پلیس در صدد گرفتاری او برآمده بود مشارالیه رفته خود را به فراشخانه جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امورخارجه بسته بود. شب به اتفاق علی‌محمدایاغچی* جناب معزی‌الیه در حوالی پارک جناب امین‌الدوله به شدت مست کرده، شخصی دهاتی را گرفته کارد برای او کشیده می‌خواستند جیب مشارالیه را ببرند. نایب محله رسیده، خواسته بود منع کند او را نیز می‌زنند. مراتب معروضه صبح آن شب به جناب اشرف اطلاع داده شد. معزی‌الیه عباس معروض را حاضر کرده، تنبیه کامل ضربی نموده، مغلولاً به اداره فرستادند حبس شد و علی‌محمد متواری گردیده، هر وقت شرارتی از گماشتگان جناب معزی‌الیه به ظهور رسد و واقعه به استحضار ایشان برسد همین قسم بر حسب نظم علنی [ ]** با گماشتگان خود معامله می‌نمایند.

ـ کاپیتان مینایف در زرگنده چهار پنج روز قبل طباخ خود را که مسلمان و تبعه دولت علیه قوی شوکت ایران است به واسطه مطلبی تنبیه زیاد کرده، این واقعه به استحضار وزیر مختار سفارت روس رسیده، مشارالیه کاپیتان معروض را خواسته بعد از تهدید و تغیّر زیاد ده‌تومان از او گرفته به طباخ می‌دهد.

ـ حاجی میرزااحمد نام قهوه‌خانه سرپوشیدهٔ ملکی سراج‌الملک را که نزدیک قراولخانه دروازه قدیم شمیران واقع است اجاره کرده، بالاخانه‌ها و خود قهوه‌خانه را مملو از چلیک‌های نفت کرده است. این انبار خیلی خطر دارد. چنانچه خدای نخواسته حریق در آن جا واقع شود معالجه پذیر نیست. به جناب وزیر نظام در این باب اطلاع داده شد.

ـ دیشب میرزاغلامحسین نام مطرب آورده و جمعی از بستگانش را دعوت کرده بود.

ـ شخص مکاری شیرازی مقداری ذغال سنگ از معدن لار برای کارخانه چراغ‌گاز می‌آورده در بین راه یک راس الاغ او خسته و مجروح شده، از رفتن می‌ماند. مشارالیه پسرش را نزد الاغ می‌گذارد و خود به شهر می‌آید. دیروز پسرش آمده خبر مرگ الاغ را به او می‌دهد او هم در خیابان گریه و زاری می‌کرد و پسر خود را می‌زد که می‌خواستی تو هم در آن جا پهلوی الاغ بمیری. مردم دور آنها جمع شده از سخنان مضحک‌آمیز او می‌خندیدند. اجزای پلیس رسیده، مردم را متفرق کرده، پسر را از چنگ پدر رها و مشارالیه را ساکت می‌نمایند.

---

*. ایاغچی: آبدار و شرابدار

**.خوانده نشد.

سنگلج

ـ جناب قوام‌الدوله چهار دستگاه کالسکه از کالسکه‌های مرحوم صدراعظم راکه هر یک پانصد، ششصدتومان ارزش دارد به مبلغ هزارودویست تومان ابتیاع نموده‌اند.

ـ یک نفر یهودی به درب خانه آبدارباشی مرحوم صدراعظم رفته می‌گوید دعا می‌دهم و طالع می‌بینم. اهل خانه به مشارالیه نه‌هزار دینار نقد و دو قطعه مرغ سیاه می‌دهند که یهودی دعای مهر و محبت بدهد و طلسم مودت بکند. روز بعد یهودی یک طلسم مهملی آورده، بدهد. حاجی شیر، خواجه مرحوم صدراعظم از تقلب یهودی پی برده او را کشان کشان نزد آبدارباشی برده، آبدارباشی هم یهودی را به وزارت خارجه فرستاده که در آن جا تنبیه شده پول و مرغها را رد کند.

ـ دیشب در خانه حاجی رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ حسن‌علی نام باغبان به رییس محله اظهار می‌دارد که چند روز قبل شخصی در خانه من یک بالاخانه اجاره کرده، منزل نموده و از همسایه‌ها هر کدام پول لازم دارند گرو بدهند می‌دهد. یکی از همسایه‌ها یک تخته گلیم که مبلغی قیمت دارد به توسط من نزد او گرو گذارده دو تومان گرفته، بعد از سه روز مشارالیه خفیتاً اسبابهای خود را برداشته از آن خانه رفته، مفقودالاثر است. از قراری که معلوم می‌شود با جمعی دیگر هم همین قسم معامله نموده، رییس محله به اجزای خود قدغن کرده است که جستجو نموده، آن شخص را پیدا کنند.

عودلاجان

ـ دیشب شب چهلم فوت حاجی عبدالحسن تاجرتهرانی بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و تجار دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق شدند.

ـ نواب ارفع والا رکن‌الدوله چهل رأس قاطر خود را به منشی باشی خود سپرده و علیق آنها را هم به مشهدی شعبان‌علی بزاز حواله داده، مشارالیه می‌داده. دو روز قبل نواب معزی‌الیه قاطرها را سان دیده همه مفلوک و لاغر بودند. به منشی‌باشی تغیر کرده قدغن می‌نمایند که حساب علیق را بدهد. روز گذشته چند نفر از تجار و منشی‌باشی در خانه مشهدی شعبان‌علی بزاز اجلاس کرده، رسیدگی می‌کردند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدهادی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ دیشب میرزا داود نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب آقا اسدالله زرگر دختر آقامحمدصادق نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیشب جعفر نام سرباز دختر یکی از اقوام خود را برای خودش عروسی کرده، جمعی از همقطارانش و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ ابراهیم نام به رییس محله متظلم می‌شود که حسین نام برادرزنم عیال مرا فریب داده، برده پنهان کرده است. رییس محله فرستاده که مشارالیه را حاضر نمایند، تحقیقات بشود. حسین معروض به امامزاده سیداسمعیل رفته متحصن شده است. پلیسها مواظب هستند تا او را حاضر نمایند.
ـ دیشب در خانه حاجی محمدجعفر نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب دختر همشیره محمدحسن خان پیشخدمت همایونی را برای میرزاحسن پسر مرحوم آقامحمدرضای کاشی عروسی کردند. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته عروس را با درشگه به خانه داماد بردند.
ـ دیشب دو ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی طفل پنج ساله بلاصاحب در کوچه دیده به قراولخانه رییس محله می‌برند بعد از ساعتی مادر طفل سراسیمه می‌آید که به اجزای پلیس اطلاع بدهد، طفل خود را در آن جا دیده، اعلی درجه تشکر راکرده او را می‌برد.
ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.
ـ دیروز عیال کربلایی محمدعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که زن استادتقی همسایه من

مقداری اسباب مرا سرقت کرده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ حاجی کریم تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. دیشب هم جمعی از تجار و بستگانش به دیدن او رفته، بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ میرزاهاشم که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه ضامن داد که هر وقت وجود او لازم شود حاضر گردد، از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ پنجشنبه(۲۵) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ تقی نام بقال چند روز قبل با زنش گفتگو و منازعه کرده، ضعیفه چون سر ناسازگاری و خیال تفریق با شوهرش داشته، مقداری تریاک می‌خورد. شوهرش مستحضر گردیده، او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند. روز بعد تقی معروض نقاهت پیدا کرده، حالتش منقلب گردیده، بعد از یک روز و یک شب فوت می‌کند. از قراری که همسایه‌ها زنانه صحبت می‌نمودند، زنش او را مسموم کرده، از اداره پلیس حکم شده، ضعیفه را برای تحقیقات حاضر نمایند و هم رییس محله جراح و طبیب برده، این فقره را معلوم نمایند.

ـ اکبر نام فراش همایونی سیداصغر نام را نزد رییس محله برده، اظهار می‌دارد که این شخص در

اردوی دولت کیوان شکوه یک تومان از من گرفت که کاسبی کندو شریک باشیم، بعد از آن که مبلغی منفعت کرده، شراکت را بهم زده یک تومان مرا هم نداده و چهار رأس الاغ از آغابشیر، خواجهٔ درب حرمخانه مبارکه گرفته بود که نگاهداری کند. چند روزی گذشت الاغها را برداشته خفیتاً به طرف شهر آمد. خواجه مذکور فرستاد سه رأس از الاغها راگرفته یک رأس را مشارالیه برداشته فراراً به شهر آمده. آغابشیر هم به اسم این که این شخص شریک و رفیق من است دوازده تومان پول الاغ را از من گرفته است. سید به شما سپرده باشد تا الاغ را بدهد. رییس محله مشارالیه را به اداره فرستاد، در تحت استنطاق است.

ـ سیدمحمود که از الواط و اشرار محله است هر وقت آب به محله می‌آید مشارالیه برای جلب منفعت با میراب همدست شده به خانه‌دارها سخت‌گیری کرده، پول می‌گیرد. شب گذشته بر سر آب با عیال شاطر صادق طباخ نزاع نموده و با بیل دست او را مجروح نموده، پلیسها او را دستگیر کرده به اداره آوردند. امروز با راپورت حالش نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد که تنبیه کامل بشود.

ـ یک نفر پیاده قزاق می‌رود از دکان خبازی متعلق به معتمدالحرم نان بگیرد. در سر نان با دستگاه‌دار دکان نزاعشان شده. قزاق رفته، چند نفر دیگر به حمایت خود آورده که نزاع کنند. اجزای پلیس آنها را ساکت و متفرق می‌نمایند. از اداره پلیس به جناب وزیر نظام اطلاع داده شد.

سنگلج

ـ دیروز تقی مهتر محمدقلی خان سرتیپ کشیک‌خانه مبارکه اسبهای آقایش را در بیرون دروازه سرآب مرحوم فرمانفرما برده، که آب بدهد. مهترهای اصطبل مبارکه سوغانی* هم اسب برده، در آن جا آب بدهند با هم نزاعشان شده. مهترهای اصطبل مبارکه تقی معروض راکتک می‌زنند. بعد چند نفر جمع شده آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیشب مشهدی زین‌العابدین گماشته معاون‌الملک چند نفر میهمان داشت و مطرب هم آورده بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت کربلایی باقر بوده، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

---

*. سوغان: تربیت اسب برای شرکت در مسابقه (فرهنگ عمید)

ـ دیشب حاجی غلامحسین بزاز دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیروز مشهدی هاشم‌بزاز دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

عودلاجان

ـ یعقوب نام چندی نزد حسین‌خان نام نوکر بود. مشارالیه یک لوله تفنگ به او می‌دهد که برایش گرو بگذارد. تفنگ را برده می‌فروشد. به واسطه این تقلبات او را اخراجش کرده، می‌رود نزد علی‌محمدبیگ گماشته جناب اقبال‌السلطنه نوکر می‌شود از قراری که علی‌محمدبیگ اظهار نموده متدرجاً مقداری اسباب او را نیز برده فروخته است. رییس محله فرستاده، یعقوب را حاضر نموده به اداره آوردند. در تحت استنطاق و تحقیقات است.
ـ دیروز عصر حاجی مرتضی آقا تاجرتبریزی به اتفاق حاجی محمدتاجر تهرانی شریک خودش عزیمت زیارت کربلای معلا نموده از شهر خارج شدند. جمعی از تجار از ایشان بدرقه کرده بودند.
ـ دیشب استاداحمد بنا دختر استادعلی نام را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.
ـ دیروز جمعی از تجار در خانه حاجی رجب‌علی تاجر جمع شده در باب محاسباتی که مشارالیه با حاجی علی و حاجی محمدحسین تاجر دارد اجلاس کرده بودند عصر حضرات متفرق گردیدند.
ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان مشهدی حسن نام تنباکوفروش باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل ننموده، رفته است. فوراً فرستاده صاحب دکان را حاضر نموده دکانش را بی‌عیب و نقص دیده، بسته، می‌رود.

چالمیدان

ـ ضعیفه [ای] به رییس محله اظهار می‌دارد که در خانه [ای] کرایه‌نشین هستم. روز گذشته مقداری اسباب مرا اهل خانه سرقت کرده‌اند. و رییس محله فرستاده اهل آن خانه را حاضر

نموده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند. که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ بابایی نام مکاری به رییس محله متظلم می‌شود که پنج‌هزار دینار از بابت کرایه الاغ از علی نام طلب دارم. رفتم بگیرم با من نزاع کرده است، رییس محله فرستاده که مشارالیه را حاضر نمایند چند نفر از اهل محله آنها را صلح داده، طلب مشارالیه را گرفته رد می‌نمایند، اظهار رضایت می‌کند.

ـ دیشب حاجی صادق نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ مشهدی عبدالله‌تبریزی به رییس محله اظهار می‌دارد که مادر استادعلی نام همسایه من یک ثوب سرداری مرا سرقت کرده است. رییس محله فرستاد، ضعیفه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد بعد از تحقیقات ضعیفه اظهار کرد که من سه تومان از مشهدی عبدالله طلب دارم مطالبه طلب خود را نمودم. این تهمت را زده است. طرفین به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب مشهدی حسن نام دختر استادرضا نام را برای خودش عروسی کرده، جمعی از علماء و اهل محله در یک مجلس و جمعی از کسبه و جهال در مجلس داماد موعود بودند در مجلس داماد مطرب هم بود پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ کربلایی محمدصادق خباز گریبان میرزاعلی‌اکبر نام را گرفته ادعای دو تومان قیمت نان از او می‌کرد مشارالیه منکر بود به این واسطه قیل و قال می‌نمودند نایب محله رسیده آنها را ساکت کرد. قرار می‌دهد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب استادحسین معمارباشی نظام به رییس محله پیغام می‌دهد که استاد نقی‌بناء عیالی دارد که با من منسوب است. سه سال است ضعیفه را در تهران گذارده دیناری مخارج نداده و در قم و آن نقاط متواری است امروز به شهر آمده بفرستید او را بگیرند رییس محله به اتفاق گماشته مشارالیه روانه نموده است که او را حاضر نمایند. تا تحقیقات لازمه به عمل آمده احقاق حق شود.

ـ دیروز شیخ حسین نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله

در مجلس عقد حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حاجی خان نام [و] غلامعلی برای این که شخصی را فریب داده دو سه پارچه مس گرفته‌اند و برده‌اند از چالمیدان به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ حسن فلفلی که از الواط و اشرار است دیشب مست نموده در محله چالمیدان شرارت و هرزگی کرد گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند با راپورت حالش نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد که تنبیه شود.

ـ اسمعیل طباخ که در محله دولت مست نموده، شرارت و هرزگی می‌کرد گرفتار پلیس شد به اداره آوردند. نزد جناب وزیر نظام فرستاده شد که تنبیه شود.

ـ محمدعلی شاگرد طباخ برای این که قدری مسینه آلات از آقای خود سرقت کرده و برده گرو گذارده، متوقف شد تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ استاد حسن که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات از اداره خارج شد.

ـ قربان‌علی که بعضی اسباب مسروقه دزد به او سپرده بود بعد از تحقیقات لازمه ضامن داد که اسباب مسروقه را بدهد به صاحبش رد شود، از اداره خارج گردید.

ـ عبدالحسین نوکر دانیال صاحب که برای ادعای آقایش در اداره بود، بعد از تحقیقات نزد آقایش فرستاده شد.

ـ ابوالقاسم که برای ادعای شخصی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با مدعی او به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه(۲۶) شهر ذیقعدةالحرام

محله دولت

ـ سهراب نام دزد شب گذشته در ارک مبارک برای دستبرد داخل خانه نجارباشی قورخانه مبارکه گردیده، اهل خانه ملتفت شده بنای داد و فریاد راگذارده. مشارالیه به کاه‌دان رفته پنهان می‌شود. پلیسهای گردشی او را دستگیر نموده به اداره آوردند. در تحت استنطاق و تحقیقات است.

ـ عبدالله نام که جوانک امردی است به رییس محله اظهار می‌دارد که من در باغ زرگرآباد خوابیده بودم جوانک شاگر زرگر آمده دست به بدن من مالیده، خواستم ممانعت کنم با من نزاع کرده است، رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده، تحقیقات لازمه را به عمل آمده به شهادت جمعی معلوم شد که پسره عارض در باغ خواب بوده مادرش به سراغ او آمده، شاگرد زرگر را فرستاده که او را بیدار کند. مشارالیه این خیال واهی را نموده است. آنها را صلح می‌دهند.

ـ حسین فراهانی دزد معروف و مشهور که به کرات گرفتار و در انبار مبارکه دولت و حکومت و اداره پلیس حبس بود و اخیراً به شدت مریض شده بود او را به مریض‌خانه مبارکه فرستاده بودند. مشارالیه از آن جا به انواع مختلفه بعد از چند روز فرار کرده مفقودالاثر شده بود. دیروز پلیسهای مخفی مشارالیه را در شهر دیده که با کمال فربهی و قدرت در گوشه و کنار راه می‌رود مترصد است که دستبرد بزرگی بزند، دستگیرش کرده به اداره آوردند، در تحت استنطاق است. اداره پلیس چنانچه از فراقبال بی‌زوال سرکار اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی روحی روح‌العالمین له‌الفداه او را در این موقع دستگیر نکرده بود به طور یقین به اندک زمانی آتش به خانمان اهالی می‌زد.

ـ دیشب در خانه حاجی رضای تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزاحسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز معیرالممالک به خانه مرحوم خواجه ساعت‌ساز آمده از آقامهدی داماد آن مرحوم دیدن کرده، بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ عبدالسلام‌خان سردار افغان چند روز است مریض شده است. دیروز صبح جمعی از خوانین افغان به عیادت او رفته بودند. عصر هم امیرایوب خان با سپهسالار و جمعی از تبعه خود به عیادت مشارالیه رفته بودند.

ـ در خیابان گمرک چند چاه است که روی آنها باز است و برای عابرین محل خطر است، چنان چه دیروز یک نفر شتر به یکی از آن چاهها افتاده سقط شده و یک رأس اسب هم افتاده به زحمت بیرون آوردند.

ـ دیشب در خانه شیخ‌عبدالعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند، بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز آقاعبدالله پسر مرحوم آقاجمال بروجردی جمعی از بروجردی‌ها را در باغ میرزاسیدعبدالله برادر جناب میرزاعیسی وزیر دعوت کرده از آنها پذیرایی نموده بود.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلام‌حسین تاجر بوده کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ جناب آصف‌الدوله دو سه روز است نقاهت پیداکرده، طبیب آورده، مشغول معالجه هستند. دیروز هم نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله به عیادت معزی‌الیه رفته بودند.

ـ دیروز مشهدی شعبان‌علی دختر مشهدی رضاقلی نام را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. عصر حضرات متفرق گردیدند.

ـ ملاموسی یهودی مبلغ دویست تومان از بابت قیمت* جواهر از داود یهودی ادعای طلب می‌کرد. دیروز به این واسطه نزاعشان شده، می‌خواستند بروند به وزارت خارجه عارض شوند. چند نفر از ریش‌سفیدهای آنها جمع شده قراری بین آنها داده، صلحشان می‌دهند.

ـ دیشب در خانه حاجی میرزااحمد داماد جناب صدیق‌الدوله روضه بود، جمعی از طلاب و

---

*. اصل: قیمه

میدان توپخانه

اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.
ـ دیشب حاجی رضاقلی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از طلاب و اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ صادق نام برادر میرزااسمعیل عزب دفتر دیشب در خانه برادرش میهمان بوده، در آن جا عرق زیادی خورده، چون معتاد به تریاک هم بوده، مقداری تریاک هم می‌خورد که کیفش کامل شود. اواسط شب فوت می‌کند. مراتب به جناب وزیر نظام اطلاع داده شد و هم اجزای پلیس در صدد تحقیقات کامله هستند.
ـ شهاب‌الملک [که] صیغه داشتند چندی است رهایش کرده‌اند. دختر هفت ساله [ای] از او دارند که نزد مادرش بوده میرزافضل‌الله خان پیشکار معزی‌الیه به ایشان در شمیران اظهار می‌دارد به بعضی ملاحظات شایسته نیست دختر شما نزد ضعیفه باشد معزی‌الیه هم حکم کرده، دختر را از مشارالیها می‌گیرند. ضعیفه به این واسطه مقداری تریاک می‌خورد که خود را هلاک کند او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌نماید.
ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و غیره مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.
ـ دیشب کربلایی مصطفی نام دختر مشهدی محمد نام را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.
ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدعلی عزب دفتر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.
ـ اسمعیل شاگرد بنا به رییس محله اظهار می‌دارد که پانزده‌هزار [دینار] پول مرا سیدمحمود نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ ضعیفه [ای] خانم‌جان نام، مقداری جزیی اسباب از صادق نام سرقت کرده، مشارالیها را اجزای پلیس دستگیر کرده، در تحت استنطاق است.

ـ دیشب حاجی ابوالقاسم بلورفروش دختر حاجی محمدجعفر نام را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته عروس را به خانه داماد برده متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر اصفهانی مجلس روضه بوده است. جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ ضعیفه [ای] فاحشه، ملکی نام، به خانه یک نفر فراش همایونی رفته [توسط] اجزای پلیس گرفتار شده، به اداره آوردند. قدغن گردید که او را نفی بلد نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ نصرالله [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از چهار سوق آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ علی‌حسین نام برای این که مست بود در سنگلج درب دکانی را باز کرده که دستبرد بزند گرفتار پلیس شده. به اداره آوردند. به دیوان‌خانه حکومت فرستاده شد که تنبیه شده، مراجعت بدهند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ باقر، پلیس محله بازار، به جرم غفلت از خدمت حبس شد تا حکم ثانوی درباره او بشود.

ـ طاهر [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله سنگلج آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه (۱۱) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ سبزعلی، گماشته هربرت* صاحب نایب سفارت انگلیس، عباس نام را برای مهتری، چندی قبل آورده نگاه می‌دارد. دو روز پیش مهتر مذکور به واسطه تعدیات که به او وارد می‌آمد عزیمت رفتن نموده، لحاف و بعضی اسباب خود را برداشته، می‌رود. بعد از رفتن مشارالیه، سبزعلی [به] آقایش می‌گوید که پنجاه تومان اسباب، مهتر برداشته فرار نموده [به] شهر رفته است. از آن جا سوار گردیده به شهر آمده مهتر را دستگیر نموده به شمیران می‌برند.

ـ حاجی حسین‌علی و میرزاشکرالله نامان که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود حضرات ترتیب داده بودند. از قراری که صحبت می‌داشتند اهالی عربستان از شنیدن حکم محکم دولت علیه ایران در خصوص بسته شدن قهوه‌خانه‌های تهران و سایر ولایات اعلی درجه تمجید و تحسین می‌کردند و خیال داشتند که از حکومت خودشان استدعا نمایند تا حکم کنند که قهوه‌خانه‌های آن جا هم بسته شود.**

ـ دیشب در خانه حاجی ابراهیم تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ محمدقلی خان نام که می‌گوید گماشته آغابهرام خان خواجه درب حرمخانه مبارکه هستم به رییس محله اظهار می‌دارد که روز گذشته از قزوین آمدم. اسب خود را در خانه که واقع در خیابان مبارکه شمس‌العماره است بستم امروز صبح برای سرکشی آن جا رفتم دیدم اسب را برده‌اند رییس محله فرستاد تحقیقات کرده بعد از گفتگو و زحمات زیاد مکشوف می‌شود که عیالش

---

*. اصل: هربرط

**. در سال ۱۳۰۳ق بنابه دستور ناصرالدین شاه حکم بستن قهوه‌خانه و منع فروش چای به علت مفاسد موجود در این اماکن به اجرا در آمد. ص ۱۴ آلبوم ۴ ـ ۲۲ اسناد بیوتات سازمان اسناد ملی ایران

[که] ده تومان از او ادعای طلب می‌کرده اسب را به کسان خود داده است. رییس محله طرفین را به اداره فرستاد قرار داده شد که اسب را حاضر نمایند تا بعد در باب طلب ضعیفه قراری داده شود و محض این حرکت خلافی که کرده و کدخدای محله را مسئول نموده تنبیه شود.

سنگلج

ـ دیشب جعفرقلی آقای قزاق چند نفر میهمان داشت و مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ رضاقلی نام یک رأس اسب از نجف‌قلی نام عمویش می‌گیرد که بفروشد [و] پولش را رد کند. اسب را فروخته پول را به قروض خود داده پنهان می‌شود. به رییس محله اطلاع دادند. رییس محله فرستاد که مشارالیه را حاضر نمایند تحقیقات بشود.

ـ دیشب صاحب اختیار در خانه جناب صدیق‌الملک میهمان بودند. پنج ساعت از شب رفته مراجعت نمودند.

ـ دیشب در خانه استادشعبان معمار مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شیرعلی نام دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ غلام‌علی نام از ابوالقاسم نام مبلغ بیست‌وپنج تومان طلب داشته می‌فرستد مطالبه می‌نماید. مشارالیه منکر می‌شود. غلام‌علی هم با چاقو که در دست داشته زخمی به پهلوی خود می‌زند، خبر به ابوالقاسم رسید، مشارالیه فوراً رفته طلب او را داده و جراح آورده جراحت او را بخیه می‌زنند.

ـ روز قبل جناب امین‌السلطان پنجاه رأس گوسفند برای جناب حاجی شیخ‌هادی مجتهد فرستادند. معزی‌الیه هم به کسان مرحوم حاجی آقامحمد و طلاب و غیره دادند.

عودلاجان

ـ دیشب در خانه حاجی میرزااحمد داماد جناب صدیق‌الدوله مجلس روضه بود. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه آقامحمدصادق صراف مجلس روضه بوده جمعی از طلاب و غیره مستمع

بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی هاشم نام به رییس محله متظلمه می‌شود که شوهرم بی‌جهت مرا زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

ـ دیروز علی‌اکبر مکاری به رییس محله اظهار می‌دارد که محمد نام مهتر من یک رأس الاغ مرا برداشته رفته است. رییس محله فرستاده او را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب حاجی عبدالرسول بزاز دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدعلی عزب دفتر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ فراشباشی جناب آصف‌الدوله به اداره پلیس اظهار کرد که یک نفر دختر برادرم دارم که نزد مادرش است. چون مادر او متهمه است نمی‌خواهم نزد او باشد. از اداره به رییس محله حکم شد بعد از تحقیقات لازمه دختر راگرفته به عمویش سپرده با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی محمدآقای خرازی‌فروش مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله و کسبه مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه ملاآقاجان مکتب‌دار مجلس روضه‌خوانی بوده. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز میرزانصرالله نام به رییس محله اظهار می‌دارد که آقاحسن برادرم مقداری اسباب مرا به طور سرقت برده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات معلوم شد که گفتگوی ارثی دارند. به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ حاجیه خانم، عیال جناب حاجی ملاعلی، دیروز با تخت روان و تجمل به عزیمت کربلای

معلا از شهر خارج شد.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدتقی تاجر اصفهانی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز عصر در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ حاجی سیدابراهیم تاجر تهرانی اظهار کرده بود که از جده تلگراف نمودند که شش نفر از تجار تهرانی که با هم هم‌منزل و هم‌خرج بودند به واسطه خرج و باجی که از آنها در کشتی مطالبه می‌کردند سه نفر از آنها در صندوقی پنهان گردیده آن سه نفر صندوق را به کشتی برده می‌گویند ظرف است و به کشتی نشسته می‌روند. بعد از چند ساعت آن سه نفر در صندوق مرده بودند.

ـ دیشب میرزااسمعیل دلال چند نفر از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی محمدحسین تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب در خانه مشهدی غلام‌حسین بزاز مجلس روضه بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ درویش حسین که مست بود گرفتار پلیس شده به اداره آوردند. به دیوانخانه حکومتی فرستاده شد که تنبیه شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ شنبه (۱۲) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ در راپورت دیروز عرض شده است که علی نام مهتر هربرت صاحب نایب سفارت انگلیس به واسطه بعضی تعدیات که به او وارد می‌آمد از شمیران آمده که نوکری نکند و سبزعلی نوکر هربرت صاحب آمده او را عنفاً برده بود. در آن جا مشارالیه را هربرت صاحب شلاق زیاد زده که حکیم بیکر طبیب سفارت او را خلاص نموده بود. هربرت صاحب معروض به عزیمت سیاحت اصفهان، بروجرد و نهاوند با چادر و دستگاه از شهر خارج شد. از قرار مذکور چهار ماه سفر او طول می‌کشد.

ـ روز عید اضحی عیال هادی نام گماشته جناب صنیع‌الدوله به باغ نگارستان رفته طفل هفت ساله او در آب شرشر عمارت باغ مذکور افتاده زیر راه‌آب می‌رود. قریب دو روز مقنی در آن جا گردش کرده، دیروز نعش او را بیرون آوردند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضای تاجر بود. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال استادغلام‌حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که زن برادرم بدون جهت مرا کتک زده است. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده. معلوم می‌شود که به واسطه طفلی نزاع زنانه کرده‌اند. اهل محله آنها را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیشب سیدمحمد خباز که از الواط و اشرار محله است به اتفاق شاطرقلی و سیدمرتضی نام طفل امردی را به باغ جناب امین‌الملک برده در آن جا شرب کرده، مست نموده، می‌خواستند با او عنفاً عمل شنیع نمایند. اجزای پلیس آنها را دستگیر کرده به اداره آوردند. نزد جناب وزیر نظام

فرستاده شدند که تنبیه شوند.

ـ دیشب عیال و اهل خانه امیرایوب خان به حمام مرحوم وکیل‌الملک رفته. آن جا را قرق کرده بودند.

ـ دیشب قاسم نام با زنش نزاعشان شده بنای داد و فریاد راگذارده بودند. نایب محله که درگردش بوده همسایه‌ها را فرستاده آنها را ساکت کرده صلح می‌دهند.

ـ دیشب چند نفر از اهل محله در سر سنگلج جمع شده، مجلس روضه خوانی ترتیب داده، چهار رأس گوسفند ذبح نموده و آش پخته به نذر حضرت امام‌زین‌العابدین (ع) به مردم تقسیم کرده بودند.

ـ دیروز آقاشیخ‌عبدالعلی پیشنماز که از مدتی قبل مریض بود مرحوم شد. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ دیشب در خانه حاجی عبدالله نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

عودلاجان

ـ نجف‌قلی خان سیستانی که مریض بود مرحوم شده است. کسانش مجلس ختم ترتیب داده بودند. جمعی از علماء و اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ دیروز صبح در خانه مشهدی غلام‌رضای بلورفروش مجلس روضه خوانی بود. جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ حاجی کاظم و مشهدی عبدالخالق برادرش که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. تشریفاتی کسان آنها برای مشارالیهما فراهم کرده بودند.

ـ دیروز عصر در خانه عبدالرحیم خان سرهنگ مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ آقامحمدحسین بزاز دیروز جمعی از بزازها را دعوت کرده بود و پذیرایی خوبی از آنها نموده بود.

ـ حاجی محمدحسین تاجر در خانه‌اش بنایی دارد. زیر اتاق زیرزمین کنده بودند. یک مرتبه طاق خراب شده است. به کسی صدمه وارد نیامده ولی مقداری اسباب شکسته و ضایع شده است.

ـ حاجی عبدالله تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.
ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیروز صبح در خانه حاجی میرزامحمدعلی تحاج مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.
ـ مادر حاجی محمدولی نام که مدتی مریضه بود، مرحومه شده است. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند.
ـ دیروز کربلایی غلام‌رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی حسین نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید، به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.
ـ دیشب پلیسهای گردشی طفل پنج ساله بلاصاحبی در کوچه، گریه کنان، دیده به قراولخانه می‌برند، در آن بین مادر طفل سراسیمه می‌آید که اطلاع بدهد، طفل خود را در آن جا دیده، نهایت امتنان را حاصل نموده او را می‌برد.
ـ دیشب حاجی اسمعیل نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز عصر در خانه میرزااحمد [از] اجزای مدرسه مبارکه دارالفنون مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.
ـ دیشب کربلایی شعبان سمسار دختر استاد نصرالله کوره‌پز را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیشب آقاسیدحسن تاجر کاشی جمعی از تجار را دعوت کرده مطرب آورده بود، تا شش ساعت از شب گذشته مشغول تعیش بودند.

ـ دیشب استادعلی آقای خیاط جمعی از همکارانش را دعوت کرده مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی علی‌محمد بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی محمد، گماشته شیخ‌الاطباء، برای این که ابراهیم خان، پیشخدمت همایونی، مدعی است که چند پارچه اسباب او را دزدیده و برگه مالی خود را از دست او گرفته است، از محله دولت به اداره آوردند. تحت استنطاق است.

ـ مشهدی حسن، که معتمدالحرم اظهار نموده بود الاغی مفقود کرده است، در اداره بود. بعد از تحقیقات، خود معتمدالحرم او را خواسته نزد معزی‌الیه فرستاده شد.

ـ درویش علی که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه ضامن داده از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات درالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ یکشنبه (۱۳) شهر ذیحجة الحرام

محله دولت

ـ علی نام چند روزی در کاروانسرای جدیدالبناء سراج‌الملک اتاقی گرفته، منزل کرده بود. دیروز

درب منزل سیدحسین دستگاه‌دار دکان خبازی را باز کرده، پول نقد و مقداری اسباب سرقت کرده فرار می‌نماید. اجزای پلیس مستحضر شده او را تعاقب و دستگیر نموده به اداره آوردند، در تحت استنطاق است.

ـ حبیب‌الله خان سرهنگ وزارت خارجه دیشب به اداره پلیس اظهار داشت که آب به خانه خودم می‌بردم. محمدعلی نام فراش همایونی آمده، مانع شده، بنای شرارت را گذارده. از اداره فرستاده شد که تحقیقات نمایند. سرهنگ معروض به ملاحظه همسایگی با فراش ملایمت نموده او هم معذرت خواسته، اظهار امتنان می‌نماید.

ـ حسن نام زغال‌فروش در خانه میرزاعلی، سررشته‌دار فوج بهادران، اتاقی کرایه کرده مشهدی حسن کنی [که] مستأجر کل خانه است از حسن نزد میرزاعلی شکایت می‌نماید. او هم هاشم‌بیک وکیل را می‌فرستد که مشارالیه را از آن خانه بیرون کند. سه روزه مهلت می‌دهد. دیشب مهلت منقضی شده، هاشم‌بیک می‌رود که او را از آن جا خارج نماید، حرفشان شده، بنای فحاشی و نزاع را می‌گذارند. اجزای پلیس رسیده، حضرات را ساکت کرده قرار می‌گذارند که دو روز دیگر هم به حسن مهلت بدهند.

ـ فراشباشی جناب فرمان‌فرما مبلغ پنجاه تومان از خراسان برای پنج نفر از نوکرهای جناب معزی‌الیه فرستادند.

ـ دیشب در خانه حاجی اسدالله تاجر مجلس روضه بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند، چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه مشهدی صادق بزاز مجلس عروسی ترتیب داده بودند و دختر مشارالیه را برای پسر حاجی علی نام عروسی کردند. جمعی از اهل محله در آن جا بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دو سه روز است که چند رأس اسب و قاطر بسیار خوب آورده‌اند. کلنل انگلیسی [آنها را] خریداری کرده است.

ـ حاجی نجف‌قلی خان نام مبلغ بیست‌وپنج تومان از حسین‌علی بقال طلب داشته، می‌رود مطالبه می‌نماید. با زن بقال نزاعشان شده، ضعیفه به گماشتگان جناب وزیر نظام عارضه می‌شود. جناب معزی‌الیه فرستاده، مشارالیه را می‌برند که تحقیقات و احقاق حق نمایند.

ـ ابراهیم لش قورخانه‌چی در آن خانه[ای] که منزل دارد بالای سر ضعیفه[ای] رفته بود، مراتب به استحضار جناب وزیر نظام رسیده. جناب معزی‌الیه فرستاده، او را حاضر کرده، تنبیه کامل نمودند.

ـ دیشب در خانه حاجی غلام‌حسین بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محل مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب شیخ‌هادی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی نموده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز عصر عیال جلیل خان سرتیپ با تجمل زیاد به عزیمت زیارت حضرت معصومه(ع) قم از شهر خارج شد.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی فتح‌الله تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی ابوالقاسم خباز دختر کربلایی ابراهیم بقال را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز حاجی جواد تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب مشهدی حسن‌نام به رییس محله اظهار می‌دارد که عیالم بلاجهت طفل شیرخوار خود را گذارده، به خانه برادرش رفته است. رفته‌ام او را بیاورم، با من منازعه نمودند. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، آنها را صلح می‌دهند.

چالمیدان

ـ دیشب کربلایی محمدتقی عطار دختر آقامحمدجعفر سمسار را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ آقاشیخ محمدعلی پیشنماز که به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز

وارد دارالخلافه شده کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ ضعیفه [ای] به رییس محله متظلمه می‌شود که چهارهزار دینار از بابت اجاره‌خانه از علی نام طلب دارم. مطالبه کردم، به من فحاشی کرده است، رییس محله فرستاد مشارالیه را آورده بعد از تحقیقات لازمه قراری داده، طرفین رضایت حاصل می‌نمایند.

ـ عیال حاجی غلام‌رضای تاجر که مدتی مریضه بود مرحومه شده است، کسانش مجلس ختم ترتیب دادند.

دیروز در خانه حاجی محمدعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی نام بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز ناهار نصرالله خان سرتیپ زنبورکچی‌باشی در خانه جناب ملامحمدتقی کاشی پیشنماز میهمان بود.

ـ ضعیفهٔ مشهوره به کلانتر، دختری دارد. چندی است عبدالله‌بیغم، قاطرچی مکاری، او را گرفته، دیروز او را طلاق داده. ضعیفه هم مالی از مکاری‌های عرب کرایه کرده که به کربلای معلا برود. عبدالله مستحضر شده، در حالت مستی به خانه ضعیفه رفته اول مکاری عرب را می‌زند. بعد با زنها نزاع کرده، زنها به گماشتگان جناب والاماب امین‌السلطان عارضه می‌شوند. گماشتگان جناب معزی‌الیه در صدد گرفتاری مشارالیه هستند.

ـ محرم نام، مهتر جمال‌الدین میرزا، عیالی دارد. از قرار مذکور بدعمل است، به این واسطه نزاعشان شده، مشارالیه با چاقو زخمی به پشتش می‌زند و فرار می‌نماید. اجزای پلیس او را تعاقب کردند که دستگیرش کنند.

ـ حاجیه خانم، عیال جناب حاجی ملاعلی، که دو روز قبل عزیمت زیارت کربلای معلا نموده، به حضرت عبدالعظیم نقل مکان کرده بود. جناب حاجی به مشارالیها گفته بودند که «من راضی نیستم بروی برای این که اقلاً این سفر پانصد تومان مخارج دارد و من خود فقیر و بی‌بضاعت هستم.» حاجیه خانم هم معاودت کرده است.

ـ دیشب در خانه حاجی عبدالله تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله

مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ عبدالله نام برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره است تا تحقیقات لازمه شود.

ـ حسین [را] برای این که معادل ده تومان پول از استاد خودش دزدیده است از چهار سوق آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ یاقوت سیاه برای این که مست بوده و مظنون است که مقداری قند از دکانی سرقت کرده است، از محله عودلاجان آوردند تا تحقیقات بشود.*

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ دوشنبه (۱۴) شهر ذیحجة الحرام

محله دولت

ـ عباس نام که می‌گفت باغبان باغ مبارکه عشرت‌آباد هستم سه رأس الاغ همراه داشته از درب قراولخانه دروازه شمیران می‌رفته و الاغها را رها کرده بود. الاغ سرآورده گلدان‌هایی که برای زینت و نظافت قراولخانه گذارده‌اند می‌خورد. پلیس ممانعت کرده به مشارالیه می‌گوید: جلو الاغها را نگاه‌دار». عباس معروض درشتی کرده می‌خواهد نزاع کند. پلیسها او را نزد رییس محله می‌برند. رییس محله تحقیقات کرده قدری او را تهدید نموده رهایش می‌کند.

ـ دیشب میرزاخلیل نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی هاشم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا تقی نام همسایه

---

*. این گزارش امضا ندارد.

دزدیده است. رییس محله فرستاد مشارالیه را آورده با او به اداره فرستاد. بعضی از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع گردیدند. که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ حاجی حسین نام عیال عفریته [ای] داشت. چون معاشرتش را سوهان روح دیده بود، دختر یکی از بستگانش را خواستگاری کرده مجلس عقد ترتیب می‌دهد. ضعیفه عجوزه مستحضر شده به مجلس عقد آمده بنای نزاع و داد و فریاد گذارده بود. اهل مجلس او را به زحمت ساکت کرده قرار می‌دهند که حاجی حسین حقوق او را داده و مطلقه‌اش نماید.

ـ دیشب پلیسهای گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده به اداره آوردند. امروز صاحبش آمده نشانی و قبض داده مسترد داشت و نهایت امتنان را حاصل نمود.

سنگلج

ـ مقداری گچ درب خانه علی‌اکبر خان پسر مرحوم حاجی کاظم ریخته بودند. پسر رییس‌السادات که همسایه مشارالیه است آمده، بنای داد و فریاد گذارده که: «چرا گچ درب خانهٔ من ریخته‌ای؟» به این واسطه نزاعشان شده، چند نفر از بستگان پسر رییس‌السادات به حمایت مشارالیه برآمده علی‌اکبر خان را کتک می‌زنند و داخل خانه می‌شوند. مشارالیه به جناب وزیر نظام عارض می‌شود. جناب معزی‌الیه فرستاده، پسر رییس‌السادات و دو سه نفر از آنها را به دیوانخانه حکومت می‌برند.

ـ دیشب دیوار دکان صباغی متعلق به جناب وزیر نظام خراب شده، بحمدالله به احدی صدمه وارد نیامده است.

ـ دیروز عبدالکریم نام با سیدنورعلی نام نزاعشان شده، عبدالکریم به واسطه جهالت مقداری تریاک می‌خورد. کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیروز عصر نواب ایلخانی به دیدن جناب شریعتمدار آقای حاجی شیخ‌هادی رفته، بعد از ساعتی مراجعت نموده بود.

ـ دیشب در خانه مشهدی اصغرنام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ از قراری که حاجی تقی صراف که نزدیک کوچه آقاسیدحسن آشتیانی دکان دارد به رییس محله اظهار نموده که دو ساعتی از روز گذشته دکانش را باز کرده یک کیسه قریب صد تومان پول و اسباب در آن بوده همراه داشته جلو دکان گذارده، درب دکانش را جاروب کرده خاک روبه را

می‌برد در کوچه بریزد، کیسه را می‌برند. رییس محله چند نفر پلیس مخفی و آشکار برای کشف این سرقت گمارده است.

عودلاجان

ـ داود مطرب یهودی دو سه نفر قاطرچی را به خانه‌اش برده بساط تعیش برای آنها ترتیب داده و آنها را مست نموده اسباب بی‌نظمی شده بود. نایب محله مطلع شده، می‌رود که آنها را دستگیر کند فرار می‌نمایند. داود یهودی را که اسباب بی‌نظمی بوده دستگیر نموده به وزارت خارجه فرستاده شد.

ـ دیروز کربلایی رحیم نام مطرب آورده و مجلس عیشی ترتیب داده، پسرش را ختنه کرده بود. عصر متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی عباس‌قلی تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ در خانه حاجی محمدابراهیم سقط فروش مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محل مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضاقلی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه مشهدی حسن نام مجلس عقدکنان بوده است. دختر حاجی غلام‌حسین نام را برای پسر مشارالیه عقد کردند.

ـ دیشب عیال هاشم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم در شهر نیست. روزی ده‌شاهی حواله کرده از برادر شوهرم بگیرم امشب رفته‌ام بگیرم زن او با من نزاع کرده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیها را حاضر نمایند. اهل خانه آنها را صلح داده از ضعیفه تحصیل رضایت می‌نمایند.

ـ دیشب حاجی رضانام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که یک رأس الاغ من سال قبل در خارج شهر

کاروانسرا

سرقت شده است. و در نزد ملاعلی نام دیده‌ام. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده تحقیقات به عمل آمد. مشارلیه اظهار کرد که از مشهدی حسن ورامینی خریده‌ام. ضامن و اطمینان داد که آن شخص فروشنده را نشان بدهد.

محله بازار

ـ علی نام خانه‌شاگرد حاجی محمدحسن جواهری دیروز عصر از بازارچه ملک‌آباد عبور می‌کرده، حسین‌نام سرباز به او برخورده به مشارالیه بنای شوخی و مزاح را می‌گذارد. مشارالیه بد گفته، نزاعشان شد. حسین معروض با اسباب خراطی به او زخم زده به چابکی فرار می‌نماید. مراتب به جناب وزیر نظام نوشته شد و اجزای پلیس در جستجو و تفحص مشارالیه شدند که دستگیرش نمایند.

ـ در باب حاجیه خانم عیال جناب حاجی ملاعلی که عزیمت زیارت عتبات عالیات کرده به حضرت عبدالعظیم(ع) نقل مکان نموده بود بعد از آن که جناب معزی‌الیه به مشارالیها اظهار کردند که به واسطه مخارج زیادی که می‌شود من راضی نیستم بروی. مشارالیها هم جواب داده بود حالا که به من مخارج نمی‌دهی به زیارت عتبات بروم چون در این شهر رسوا می‌شوم اگر نروم من هم از مال خودم به زیارت معصومه قم (ع) می‌روم و دیروز به طرف قم عازم شده است.

ـ تقی‌خان پسر کاظم خان، باشی* قاطرخانه مبارکه که چند روز مریض شده بود دیروز فوت نموده است. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ دیشب در خانه حاجی احمد نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ استاد فتح‌الله طباخ که با همسایه‌اش منازعه کرده بود به اداره آوردند بعد از چند ساعت طرف مقابل او آمده اظهار رضایت کرده مشارالیه از اداره خارج شد.

ـ نظرعلی [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت از چالمیدان به اداره آوردند. در تحت استنطاق

---

*. باشی: رییس (لغت‌نامه دهخدا)

است.

ـ حیدر [و] کاظم [را] که استاد رحیم بقال مدعی بود که شاگردش مبلغی از او دزدیده به آنها داده است از چهار سوق به اداره آوردند بعد از تحقیقات لازمه ضامن داده‌اند از اداره خارج شده‌اند.

ـ نوروزعلی برای این که یک ثوب سرداری در مسجد دباغخانه از شخصی سرقت کرده از سنگلج به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ حسین [را] برای استنطاق و تحقیقاتی سرقتی از چهار سوق به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ رضا که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ سه شنبه (۱۵) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ صمدخان که جوانک امرد هرزه‌ایست چندی قبل با ضعیفه فاحشه که صیغه کرده بود، در محله عربها خانه امیرزاده خانم منزل نموده، بعد از چند روزی با یکی از کلفتها مودت مخصوص پیدا کرده یک گوشواره الماس و یک ثوب سرداری ملیله دوز زنانه و مقداری اسباب سرقت کرده با زن فاحشه‌اش به اصفهان می‌روند. چند روزی گذشته، امیرزاده خانم مستحضر شده به حضرت مستطاب والا ظل‌السلطان تلگراف کرده، حضرت معظم صمدخان را نزد سراج‌الملک می‌فرستد. مشارالیه تحقیقات کرده دزدی او معلوم می‌شود. شجاع‌الملک نزد امیرزاده خانم توسط کرده قرار

می‌گذارند که صمدخان را به ایشان بسپارند. می‌فرستند زن او را با اسباب از اصفهان می‌آورند و اسباب رضایت امیرزاده خانم را فراهم می‌نمایند. اکنون صمد خان نزد شجاع‌الملک است و از آن جا خارج نمی‌شود. از قرار مذکور گوشواره را به شخص صرافی داده، چهل‌وپنج تومان پول گرفته است. اداره پلیس در صدد تحقیقات و کشف این عمل است.

ـ حاجی ابوطالب معمار بعد از هفت روز مرض فوت کرده است. چون زیاد مقروض بود، جنازه او را با کمال خفت برداشتند.

ـ سیدمصری رمال چند روز قبل فوت شده، حیدرقلی آقا نایب احتساب را وکیل خود قرار داده بود. نایب مذکور بعد از فوت او چون در این جا وارثی نداشت درب خانهٔ او را مهر و موم کرده بود که اسباب او تفریط نشود تا وارث او بیاید. دو روز قبل یکی از وراث مرحوم معروض از عتبات عالیات به جناب آقاسید عبدالله مجتهد تلگراف کرده که اموال آن مرحوم را شما تصرف کنید. معزی‌الیه هم به جناب وزیر نظام اظهار داشتند جناب معزی‌الیه مأمور فرستاد که به اتفاق حیدرقلی آقا اموال او را تحویل گماشتگان آقاسیدعبدالله بکنند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز در خانه میرزا حسین نام میهمانی زنانه بود. مطرب هم آورده بودند. عصر متفرق شدند.

ـ دیروز محمدحسن‌بیگ، جلودار علی‌نقی خان سرتیپ، حسین نام، مهتر خود را، کتک زیاد زده، گوشش را مجروح کرده بود. مهتر به جناب وزیر نظام عارض شده، جناب معزی‌الیه مأمور برای تحقیق و احقاق حق فرستاده بودند.

ـ دیشب میرزا رضا نام چند نفر از بستگانش را میهمان کرده، مطرب آورده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی نام تاجر بوده. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رضا نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ دیشب دختر ملاموسی یهودی را برای پسر یعقوب یهودی عروسی کردند. شش ساعت از شب رفته عروس را به خانه داماد بردند. قریب چهل پنجاه نفر یهودی در آن جا بودند. محمود نام ارسی‌دوز که سابقه با عروس داشته، در آن جا بوده، مست نموده، بنای عربده و هرزگی راگذارده، اجزای پلیس مستحضر شده در صدد دستگیری او برمی‌آیند. گماشتگان وزارت خارجه که در آن جا موعود بودند، مشارالیه را فرار می‌دهند. قدغن شد هر قسم است این شخص را دستگیر کنند [تا] تنبیه شود.

ـ عزیز، کالسکه‌چی میرزامحمودمستوفی، وزیر سابق دارالخلافه، اغلب شبها چند نفر اجامر و اوباش* را درب کالسکه جمع نموده شرب می‌کنند و مشغول هرزگی و شرارت می‌شوند. دیشب نایب محله از آنها مؤاخذه کرده بنای فحاشی راگذارده تا سایر پلیسها می‌رسند، حضرات فراراً متفرق می‌شوند. رییس محله جمعی پلیس مواظب کرده که در موقع ایشان را دستگیر نمایند.

ـ حاجی محمدرضای تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او فراهم کرده بودند. دیشب جمعی از بستگانش و اهل محله در خانه او بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح در خانه حاجی محمدابراهیم تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. شیخ‌زین‌العابدین واعظ مذمت زیاد از زنها می‌کرد.

ـ دیشب عیال مشهدی رضای خراط به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم بلاجهت مرا زده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات چون گفتگوی جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

چالمیدان

ـ دیشب حاجی احمدآقا نام دختر آقامحمدعلی عطار را برای خودش عروسی کرده، جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعتی از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز جناب آقا سیدعبدالله مجتهد با جمعی از آقایان به دیدن جناب آقاشیخ موسی رفته

---

*. اجامر: اوباش

بودند.

ـ دیشب در خانه استاد غلامعلی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعتی از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزااسدالله نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز صبح یک نفر حمال چهاربار شتر خربزه* می‌برد درب کاروانسرای امیر دکان مشهدی حسین خربزه‌فروش خالی کرده، شترها را می‌برد درب خانه کربلایی محمدحسین برادر زن مرحوم میرزارضای گل‌سرخی طبیب می‌خواباند. مشارالیه از خانه بیرون آمده بنای فحاشی را به حمال می‌گذارد و با هم دیگر نزاعشان می‌شود. حاجی میرزامحمدتقی و میرزا آقا پسرهای مرحوم میرزارضای گل‌سرخی از خانه بیرون آمده، کتک زیادی به حمال زده، به طوری که بیهوش شده، او را به خانه آنها برده می‌اندازند. مراتب به جناب وزیر نظام رسیده مأمور برای رسیدگی فرستاده بودند.

ـ دیروز جنازه تقی‌خان پسر کاظم‌خان باشی قاطرخانه مبارکه را با کمال احترام به طرف قم حمل نموده، دو دسته سینه زن راه انداخته و سه یدک** جناب امین‌السلطان و سه یدک امین‌السلطنه و سه یدک علی‌محمدخان سرتیپ فرستاده بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین تاجر مجلس روضه بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسین نجار برای این که حاجی سیدجعفرلاریجانی مدعی است که هشتاد تومان به تقلب از او گرفته است از محله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ تقی که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات ضامن داده از اداره خارج

---

*. اصل: خربوزه

**. یدک: کتل و اسب زین کرده که در پیشاپیش دسته‌ای می‌رود. (لغت‌نامه دهخدا)

شد.

ـ اسمعیل که طفل کوچکی است و یک رأس الاغ از استاد خود آورده که بفروشد گرفتار شد. چون مریض شده بود به رییس محله دولت سپرده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ چهارشنبه (۱۶) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ صفرنام، عمله ملایری، روز عیداضحی گوشت زیادی خورده، مقداری دل و جگر هم ذخیره کرده تا دوسه روز بعد هم خوراکش همان بوده. روز گذشته شکم او ورم نموده در سر گذر می‌افتد. مردم ترحماً در صدد معالجه او برمی‌آیند. فایده نبخشیده مشارالیه قدری انگور هم خفیتاً می‌خورد. بعد از خوردن انگور فوراً فوت می‌شود. اهل محله جنازه او را برداشته می‌برند کفن و دفن نمایند.

ـ جعفرنام طواف با استاد صادق نجار در سر قیمت هلو گفتگو و نزاعشان شده. پلیسها آنها را به اداره آوردند. تحقیقات لازمه به عمل آمد. چون منازعه جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

ـ سیدمحمد پسر آقاسیدکاظم یاور قورخانه مبارکه که یکی از دزدهای طرار است و به کرات گرفتار گردیده، اخیراً از چند خانه دستبرد زده بود، من جمله از خانه برادر آقامحمدحسن ضرابی و غیره که گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند. در تحت استنطاق اقرار نموده، اداره پلیس مشغول جمع‌آوری اسباب بود که به صاحبش رد کنند. مشارالیه خود را به ناخوشی زده به طوری که همه کس یقین می‌کرد که مریض است. به مریض‌خانه مبارکه فرستاده شد. او را به حمام برده بودند. از حمام به چابکی فرار کرده به سمت دولاب و آن نقاط رفته متواری می‌شود.

تا این که دو روز قبل دستگیر گردیده به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب در خانه حاجی غلام‌حسین تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی کریم بزاز دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ میرزا رضاقلی مستوفی تفرشی برای پسرزاده‌اش دختر میرزا تقی‌ضیاءالملک را عروسی می‌کند. دیروز اول عروسی بوده. جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ محمدعلی خان، همشیره‌زادهٔ جلیل خان، سرهنگ قزاق، ضعیفه [ای] را صیغه کرده، بعد از چندی رها می‌نماید. مشارالیه پنج هزار [دینار] از او مطالبه طلب نموده دیروز مشارالیه او را کتک می‌زند. ضعیفه هم به جناب وزیر نظام عارض شده، مأمور آورده، محمدعلی خان فرار کرده بود. جلیل خان پنج هزار [دینار] را داده از ضعیفه تحصیل رضایت می‌کند.

ـ دیشب مهدی بیگ، نایب توپخانه مبارکه، چند نفر از همقطارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود.

ـ میرزا تقی خان لشگر نویس چند روز است مریض شده. دیروز جمعی از مستوفیان عظام به عیادت او رفته بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی قاسم نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز عصر حاجی سیف‌الله نام با زن و بچه عزیمت زیارت کربلای معلا نموده از شهر خارج شدند. کسان آنها ایشان را بدرقه نمودند.

ـ حاجی محبوب سیاه که از غلام‌های خانه نواب والا حسام‌السلطنه است دیروز یک بقچه ملبوس در دست داشته از محله یهودیها می‌رفته، یک نفر یهودی سوال می‌نماید که: «می‌فروشی؟» می‌گوید: «بلی.» اجزای پلیس به گمان این که مسروقه است او را نزد رییس محله

می‌برند. رییس محله تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که بقچه متعلق به یکی از کلفتهای اندرون آقای اوست و در خانه بود، رفته، گرفته و ندزدیده. مشارالیه را نزد گماشته‌گان نواب معزی‌الیه می‌فرستند.

ـ دیشب میرزا ابراهیم نام که از متعلمین مدرسه مبارکه است مست نموده، درب خانه‌اش هرزگی می‌کرده. اجزای پلیس که می‌رسند مشارالیه فرار می‌نماید. برادر بزرگ او آمده مشارالیه را تنبیه کامل می‌نماید.

ـ در مجلس روضه خوانی مشهدی غلام‌رضای بلورفروش جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. میرزا محمدرضای واعظ مذمت زیاد از شیخی و صوفی می‌کرد.

ـ نواب نورالدهر میرزا برای پسرش مجلس عروسی ترتیب داده است. دیشب جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه مشهدی حسن نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ همشیره میرزا عبدالکریم، معلم اطفال حاجی امین دارالضرب، مدتی مریضه بوده، دیروز مرحومه شده است. جنازه او را با کمال احترام برداشته، در خانه مشارالیه مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ عباسقلی بیگ، گماشته نواب شعاع‌الدوله، به رییس محله اظهار می‌دارد که: «پنج تومان از محمداسمعیل بیگ نام طلب دارم، مطالبه کردم، با من منازعه نموده است.» رییس محله فرستاده او را حاضر نموده به اداره آوردند. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ ضعیفه [ای] به رییس محله اظهار می‌دارد که: «قربان‌علی نام شوهرم بلاجهت مرا زده و بدرفتاری می‌کند.» رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات صلح داده شدند و از قربان‌علی التزام گرفته شد که با او بدرفتاری نکند مشارالیها رضایت حاصل کرد.

چهارسوق

ـ دیروز بعدازظهر یک نفر اردل توپ خانه مبارکه که به معاونت اجزای پلیس چهارسوق مأمور است، به دکان خبازی نزدیک چهارسوق کوچک می‌رود که نان بگیرد، او را معطل می‌نمایند. با آتش‌انداز حرفشان شده عمله‌جات دکان به او و اجزای پلیس فحاشی کرده، یکی از اجزای چهارسوق میرود که آنها را ساکت کند. عمله‌جات دکان هر دو را می‌زنند. نایب داروغه رفته، به او هم بی‌احترامی زیاد می‌کنند و باز هر قسم بوده، ایشان را ساکت می‌کند. بعد از ساعتی ارباب دکان آمده، چند نفر از عمله‌جات و غیره را به چهارسوق برده با چوب و چماق بنای نزاع و شرارت را می‌گذارند. اجزای چهارسوق به ملاحظه حفظ مراتب تنظیم اقداماتی جز اسکات حضرات نکرده، هر طور بود آنها را متفرق می‌نمایند. مراتب به جناب وزیر نظام نوشته شد که مرتکبین در بازار تنبیه سخت شوند.

محله بازار

ـ جناب امین‌السلطان پنجاه تومان و صاحب جمع بیست‌وپنج تومان برای مخارج مجلس ختم تقی خان پسر کاظم‌خان، باشی قاطرخانه، دادند. دیروز هم صاحب جمع رفته، اظهار ملاطفت به او کرده ختم را برچیدند.

ـ دیروز نواب والا محمدحسین میرزای امیرآخور در خانه نصرالله خان زنبورکچی‌باشی به نهار میهمان بودند. بعد از ظهر مراجعت کردند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی جواد تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعتی از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی رسول بزاز، دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرد. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ اصغر برای این که بعضی اسباب جزیی از خانه مادرش برداشته و می‌خواسته در محله یهودیها بفروشد، از محله عودلاجان، به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ سیدرضی [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت یک رأس الاغ از محله بازار آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ حسین که برای ادعای شخصی در اداره بود، ضامن داده، از اداره خارج گردید.

ـ سیدمیرزای خراط که برای تحقیق زخم خوردن علی، شاگرد حاجی محمدتقی صراف، به دست حسین نام سرباز در اداره بود، بعد از تحقیقات از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ پنجشنبه (۱۷) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ میرزا محمدحسین پسر کربلایی حاجی آقای زرگر قطعه زمین بایری جنب خانه موسیوشارل، مستشار تلگرافخانه مبارکه، دارد که آن خانه را مشارالیه تازه از حکیم‌بیکر خریده است. قریب سی ذرع زمین را میرزا محمدحسین برای کوچه در وسط زمین خود و خانه مذکور گذارده بوده. روز گذشته موسیو شارل عمله گذاشته که دور آن زمین را دیوار بکشد که مرغ‌دانی بسازد. میرزا محمدحسین آمده، ممانعت کرده، می‌گوید، زمین مال من است. مشارالیه اعتنایی نکرده، او هم به جناب اشرف مشیرالدوله عارض شده است و گفتگوی این فقره را دارند.

ـ خانه ملکی موسیونیکلا، برادر موسیو بروسکی سرتیپ را که موسیو ماتیار تلگرافچی، مستأجر و مسکون است، برای سفارت خانه ایتالیا به ماهی پانزده تومان اجاره کرده‌اند. تلگرافچی مذکور هم خانه اسمعیل خان گماشته جناب مخبرالدوله را به ماهی هشت تومان اجاره نموده منزل کرده است.

ـ باقر نام عیالی داشته پنجاه روز قبل او را مطلقه کرده، دیروز میرزا نام سرباز او را خواستگاری

کرده، مجلس عقد ترتیب داده بود. باقر معروض به رییس محله اظهار می‌دارد که این ضعیفه زیر عده من است، می‌خواهد شوهر کند. رییس محله یک نفر نایب فرستاده در حضور آقامیرمحمدعلی پیشنماز تحقیقات شده، معلوم می‌شود که مشارالیها یائسه است. برای میرزا نام سرباز عقد می‌کنند.

ـ دیشب در خانه حاجی علی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزا تقی نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب در آن جا حضور داشتند.

سنگلج

ـ دیشب میرزاعلی‌اکبر مستوفی و حاجی میرزاسیدحسین مستوفی و جناب میرزاعلی و میرزا سیدکاظم مستوفی با جمعی دیگر از اهل محله و غیره در مجلس عروسی نوه میرزارضاقلی مستوفی حضور داشتند. دو دسته مطرب هم آورده بودند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی زین‌العابدین نام دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات، متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه میرزا آقابزرگ نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رحیم نام برادرزاده‌ام دزدیده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجهٔ ثبوت نرسیده بود، به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ دیشب دختر درویش یهودی را برای پسر خاتون* یهودی عروسی کردند. جمعی از یهودیها در آن جا حضور داشتند، مطرب هم آورده بودند.

ـ دیروز صبح در خانه حاجی محمدابراهیم تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی محمدباقر تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ نواب نورالدهر میرزا، دختر نواب اسحق میرزا را برای پسرش عروسی می‌کند. دیشب جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی اکبربزاز دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

چالمیدان

ـ آقاجان پسر آقامحمدعلی صراف که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. دیشب جناب آقاسیدعبدالله و جمعی دیگر در خانه او بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی هاشم‌کاشانی دختر آقامحمدحسین ارباب را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب پسر آقای جناب حاجی ملاعلی و چند نفر دیگر در خانه حاجی محمدرضای حکیم میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر شیرازی مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند.

---

*. اصل: خواتون

جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که پسرم نافرمانی مرا می‌کند و با اوباش و الواط راه می‌رود. بفرستید او را بیاورند، تهدید نمایید و التزام از او بگیرید. رییس محله فرستاد، مشارالیه را حاضر کرده به اداره فرستاد. چند ساعتی بوده، بعد التزام گرفته شد که من بعد نافرمانی پدر خود را نکند، به دست پدرش سپرده شد.

محله بازار

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدکریم نام بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدحسین بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی علی نام از خانه‌اش که بیرون می‌آمد به زنش می‌گوید که یک ظرف مس بده بیاورند روغن بگیرم. بعد از رفتن او شخص طراری به درب خانه او رفته، نشانی داده، یک ظرف مس گرفته، می‌رود. مشارالیه که می‌فرستد معلوم می‌گردد که آن شخص نیرنگ زده است. اجزای پلیس مستحضر شده، آن شخص را تعاقب نموده که دستگیرش نمایند، تنبیه شود.

ـ دیشب در خانه میرزاحسین نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سیدمحمد، شاگرد طباخ [را] برای ادعای آقایش از محله دولت آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ حسین که برای استنطاق و تحقیق سرقتی در اداره بود، ضامن داده، از اداره خارج گردید.

ـ کاظم، که شکرالله نام مدعی بود که مقداری اسباب سرقت کرده است، بعد از تحقیقات لازمه با رضایت طرف مقابل او از اداره خارج گردید.

ـ اصغر که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ شنبه (۱۹) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ دختر مرحوم مؤیدالدوله را دیروز برای نواب مجیدمیرزا پسر نواب والا ضیاءالدوله عقد کردند. مجلس عقد مختصر بود. چند نفر زنان* از اقوام و بستگان ایشان در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دختر میرزا ابراهیم‌خان مستوفی نواب ارفع والا رکن‌الدوله را برای میرزاتقی منشی نواب معزی‌الیه عقد کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. عروس و داماد در یک خانه منزل دارند. دیشب آنها را دست به دست دادند.

ـ عباس نام خانه شاگرد میرزانبی‌خان نقاش به دکان خبازی واقع در خیابان مبارکه شمس‌العماره می‌رود که نان بگیرد. ابراهیم نام پادوی دکان جوال آرد بر دوش داشته، پایش لغزیده، می‌افتد. به گمان این که به واسطه پسر افتاده است چند لگد به سر و صورت مشارالیه زده، صدمه به او وارد می‌شود. نایب محله رسیده خواسته بود مشارالیه را دستگیر کند. چند نفر از عمله‌جات دکان اجماع نموده، خیال مفسده داشتند. به اداره اطلاع دادند، به جناب وزیر نظام نوشته شد که آنها را تنبیه کنند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی احمدبزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی محمدعلی بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا محمد نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه

---

*. اصل: زنانه

چون دزدی او به درجهٔ ثبوت نرسید به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو کنند.

سنگلج

ـ دیشب زن میرزا ابوالقاسم گیلانی با شوهرش نزاع نموده، قدری تریاک می‌خورد حالتش منقلب گردیده، هر قدر معالجه و مداوا می‌نمایند سودی نکرده، فوت می‌کند.

ـ دیروز دختر استاد حسین‌خیاط را برای مشهدی علی نام عقد کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز اسمعیل بیک شیرازی دخترش را برای میرزاحسن‌نام عقد کرده، به او داده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب عیال مشهدی کریم نام به رییس محله متظلمه می‌شود که شوهرم بلاجهت مرا زده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده، معلوم می‌شود که مشارالیه عیالی تازه گرفته است، به این واسطه نزاعشان شده. چند نفر از اقوام آنها به میان آمده، قراری داده، آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیروز میرزاعبدالغنی خباز دختر استادقاسم نام را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

عودلاجان

ـ پسر هشت ساله جناب مؤتمن‌الدوله که مدتی مریض بود دیروز فوت کرده است. جنازه او را با کمال احترام برداشتند و اهل خانه معزی‌الیه از این واقعه زیاد پریشان حال بودند.

ـ دیروز حاجی سیدحسین خباز، حاجی قاسم، کدخدای خبازها را با چند نفر دیگر میهمان کرده بود. عصر متفرق گردیدند.

ـ آقابیگ‌محمدعلی تاجر دیروز دختر آقامحمدجواد عطار را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه حاجی احمدتاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شیخ‌علی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ مشهدی علی مکاری به رییس محله متظلم می‌شود که سلیمان نجار پدر عیال مرا کتک زده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر کنند. چند نفر از همسایه‌ها جمع شده آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب حاجی محمدحسین نام دختر آقامحمدحسن‌نام قزوینی را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ محمدابراهیم بیگ گماشتهٔ جناب امین‌السلطان دیشب چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است. شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ مشهدی زین‌العابدین نام دیروز دختر آقامحمدعلی نام را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی رضا نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ جناب حاجی میرزا جوادآقا، مجتهدتبریزی، سلمه‌الله تعالی دیروز وقت غروب به دارالخلافه وارد شده، در خانه ملک‌التجار منزل نمودند. جناب امام جمعه با جمعی از آقایان علماء و تجار و غیره به دیدن معزی‌الیه رفته بودند و هم جمع کثیری از تجار و غیره معزی‌الیه را استقبال نموده بودند.

ـ دیروز حاجی محمدصادق تاجر پسرش را ختنه کرده، جمعی از تجار و اهل محله را دعوت کرده، مجلس عیشی ترتیب داده بودند.

ـ دیشب آقاعبدالکریم صراف اصفهانی، دختر آقامصطفی تاجر را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند. مطرب هم آورده بودند.

ـ دیروز مشهدی شعبان‌علی نام دختر مشهدی اسمعیل نام را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز میرزا مصطفی، نوه مرحوم قوام‌الدوله دختر حاجی ابونام عرب را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه حاجی احمد تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مراد، اسدالله [و] یاقوت که مست گرفتار پلیس شده، به اداره آوردند. نزد جناب وزیر نظام فرستاده شدند، تنبیه سخت گردیدند.

ـ عبدالله‌بیگ [و] آقابیگ که در چالمیدان هفت ساعت از شب رفته، مست از کوچه عبور می‌کردند، پلیس می‌خواهد از حال آنها مستحضر شود، بنای نزاع راگذارده بودند، به اداره آوردند. نزد حسن‌خان سرتیپ فرستاده شدند که تنبیه شوند.

ـ آقابزرگ عطار که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات ضامن داد از اداره خارج شد.

ـ محمدعلی که یک تخته قالی دزدی از دزد گرفته بود [را] به اداره آوردند حسب‌الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف امجداعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ روحی فداه به دست پدرش سپرده شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران

راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه

۱۳۰۳

به تاریخ یکشنبه (۲۰) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ دیشب دختر میرزاهادی دبیرالملکی را برای شجاع‌الدین میرزا پسر محمدمراد میرزا عروسی کردند. سر شب عروس را با کالسکه به وضع مختصر به خانه بردند. جمعی از اهل محله که در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ حیدرعلی بیگ، جلودار جناب امین‌الدوله، دختر علی‌زمان بیگ، کالسکه‌چی سرکاری* را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. عروس را با کالسکه به خانه داماد بردند.

ـ علاءالدوله دیروز با تجمل زیاد با اهل و عیال به عزیمت زیارت کربلای معلا از شهر خارج گردیدند. جمعی از صاحب‌منصبان کشیکخانه مبارکه و غیره از ایشان مشایعت کردند.

ـ میرزااحمد نام، پسر میرزازکی پیشکار ساعدالدوله، روز گذشته در خانه شرب کرده، سه ساعت از شب رفته بیرون آمده، چون به شدت مست بود از ترس این که گرفتار اجزای پلیس بشود، خود را به خانه جناب مخبرالدوله می‌اندازد می‌گوید یک اسب بدهید من سوار شده، به خانه بروم. گماشتگان جناب معزی‌الیه به مخبرالملک اطلاع می‌دهند. ایشان اجازه نمی‌دهند. غلام‌رضا بیگ کالسکه‌چی جناب معزی‌الیه از او میهمان‌داری کرده، صبح که رفع مستی او می‌شود، می‌رود.

ـ دیشب در خانه حاجی عزیزالله نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق گردیدند.

ـ دیروز علی‌اکبر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که محمد نام، دامادم، دختر مرا بدون جهت زده است، رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر نمایند. چند نفر از همسایه‌ها آنها را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیروز یکی از نوکرهای معین‌السلطنه مست بوده، گماشتگان جناب وزیر نظام او را دستگیر کرده، مشارالیه فرار اختیار می‌نماید به خانه آقایش می‌رود. فراشها می‌روند او را مجدداً بگیرند. معین‌السلطنه مستحضر گردیده، بیرون آمده، به آنها فحش می‌دهد. آنها هم مراجعت می‌کنند.

---

*. سرکاری: کارفرمایی (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیروز استاد ابراهیم نام دختر یکی از بستگانش را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب محمدقزاق مست بود. نایب محله دستگیرش کرده، در آن بین اسمعیل خان، سرهنگ او رسیده، تنبیه او را متعهد شده، به دست او می‌سپارند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسن نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام با شوهرش نزاع کرده برای تهدید او جزیی تریاک می‌خورد. کسانش در صدد معالجه برآمده آنها را صلح داده، مشارالیها بهبودی حاصل می‌کند.

عودلاجان

ـ همشیره میرزااحمد خان پیشخدمت همایونی رییس پستخانه مبارکه را برای نواب والا شجاع‌الدین میرزا عروسی نموده، نواب والا حاجی بهاءالدوله و حاجی محمدخان پیشکار نواب مستطاب علیه عالیه شکوه‌السلطنه دامت شوکتها و جمعی از آقایان علماء و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ علی‌رضا نام حداد دختر عباس آقای قاجار را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند. پدر عروس نبود. وقتی که مراجعت می‌نماید، مواخذه می‌کند. دو مرتبه مجلس عقد ترتیب دادند.

ـ دیشب محمدابراهیم نام دختر مشهدی حسین‌نام را برای خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسن نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بوده کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب در خانه میرزا آقا نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع

بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ محمدصادق خورده‌فروش به رییس محله اظهار می‌دارد که حسین نام، شاگردم، مبلغ پنجاه تومان اسباب مرا سرقت کرده است و فرار نموده. مشهدی علی نام ضامن او است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، از او التزام گرفته شد که مشارالیه را به دست بدهد.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسن کوره‌پز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ یک نفر شتر را که مال بستگان حاجی شهاب‌الملک بود بار زیاد کرده بودند. شتر فرار نموده، درب امامزاده سیداسمعیل آمده، خوابیده. هر قدر سعی کرده بودند شتر برنخواسته بود. می‌گفتند متحصن گردیده است. طرف عصر صاحبش به هزار مرارت شتر را بلند کرده، می‌برد.

ـ دیشب در خانه حاجی ابوالقاسم نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز جناب آقاسیدعبدالله و آقاشیخ‌جعفر و آقاسیدابراهیم لواسانی جناب وزیر نظام با جمعی کثیر از علماء و طلاب و اهل محله به دیدن جناب میرزا جواد آقا مجتهد رفته بودند.

ـ دختر آقامصطفی تاجر اصفهانی را که چند روز قبل برای آقامحمدهادی صراف عقد کرده بودند. دیشب مجلس عروسی ترتیب داده، قریب پنجاه نفر از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب پنج ساعت از شب گذشته دایه عبدالعلی خان، پسر مرحوم احتساب‌الملک، از بام افتاده، دو موضع دستش می‌شکند. شبانه به نایب محله اطلاع داده، جراح می‌خواهند. نایب محله هم فوراً جراح حاضر نموده، در صدد معالجه او بر می‌آیند.

ـ دیشب در خانه حاجی کریم نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی‌اکبر و عبدالله به جرم مستی در محله دولت گرفتار پلیس شده، به اداره آوردند. در دیوان‌خانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ محمد، که برای ادعای آقایش در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه با رضایت آقایش از اداره خارج گردید.

ـ محبوب سیاه، که برای ادعای آقایش در اداره بود، چون مریض شده بود، ضامن داده از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ دوشنبه (۲۱)* ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ طفل چهارساله میرزامهدی خان سرتیپ مهندس نزدیک حوض رفته، یک مرتبه به حوض افتاده، تاکسانش مستحضر شده، می‌آیند، طفل خفه می‌شود.

ـ دو نفر از مأمورین وزارت جلیله خارجه از طرف جناب اشرف مشیرالدوله به رییس محله اظهار می‌دارند که قزل ارسلان میرزا به سه نفر گبر مقروض است. در وزارت خارجه قرار داده است که طلب ایشان را چند روزه بدهد. حالا از قراری که خبر آوردند مشارالیه می‌خواهد از شهر برود. بفرستید ممانعت نمایند. رییس محله هم نایب آن گذر را مواظب کرده است که هر وقت مشارالیه بخواهد برود اطلاع بدهد.

ـ چند روزی بود که در خانه اندرونی نواب والا سیف‌الدوله شبها آتش می‌ریختند، بطوری که وقتی ملتفت می‌شدند که در یک اتاق فرش و رختخواب آتش گرفته. تا آن اتاق را خاموش می‌کردند، اتاق دیگر مشتعل می‌شد. هر چه مواظبت می‌کردند که شاید معلوم نمایند که این

---

*. در اصل یکشنبه ۲۰ آورده شده که با توجه به تکراری بودن به نظر اشتباه شده است.

آتش از کجا می‌آید معلوم نشده. بعضی از رمال و عزایم خوانان گفتند که دایه طفل شما طفل اجنه را سوزانیده است، آنها هم قصاص می‌خواهند بکنند. دو روز قبل لابداً اهل اندرون نواب معزی‌الیه به جای دیگر منزل کرده‌اند که شاید رفع این فقره بشود.

ـ دیشب در خانه حاجی قاسم‌نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عیال مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا زن رحیم مکاری که همسایه است، سرقت کرده است. رییس محله مشارالیها را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ دیشب عروس میرزا کاظم‌خان، نوادهٔ میرزا رضاقلی مستوفی، را به خانه داماد بردند. با این که مشارالیه عصری به خانه عروس رفته بود، هنگام آوردن عروس پسرهای معین‌السلطنه که پسرعمه عروس هستند، جلوی کالسکه راگرفتند. سه نفر از آنها به شدت مست بودند و هرزگی می‌کردند. به هر قسم بود، رییس محله نگذاشته که مفسده شود. عروس را به خانه داماد می‌برند. جناب قوام‌الدوله و جناب میرزاعیسی وزیر با جمعی دیگر از مستوفیان عظام و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ دیروز در خانه میرزااسمعیل خان شیرازی مجلس عروسی بود. دخترش را به پسر اسکندرمیرزا داد. جمعی از طلاب در آن جا موعود بودند. بعد از صرف شام به عکس داماد را به خانه عروس آورده، دست به دست دادند.

ـ جعفر نام سیاه از کوه افتاده، صدمه کلی به او وارد آمده، دیروز فوت کرده است.

ـ دیشب حاجی نام دختر حاجی حسین نام را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی رضا نام مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز عصر از خانه آقامحمدباقر زرگر یک خوانچه اسباب چراغ و سه خوانچه شیرینی و بعضی چیزهای دیگر به خانه حبیب‌الله‌خان، پیشکار جناب صاحب دیوان، آورده، دختر مشارالیه را برای پسر آقامحمدباقر عقد کردند و یکصدوپنجاه تومان مهریه برای عروس قرار دادند.

ـ دیشب آقامحمدتقی صراف و حاجی علی‌اکبرتاجر و حاجی حسن‌آقای تاجر و حاجی محمد تاجر در خانه آقامحمدصادق صراف میهمانی بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز در خانه حاجی محمدابراهیم سقط‌فروش مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. شیخ زین‌العابدین واعظ از محسنات مجلس فواید عامه زیاد از حد تمجید و تعریف می‌کرد.

دیشب در خانه حاجی محمدحسن تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز دختر حاجی محمدکاظم تاجر را برای پسر حاجی لطف‌الله تاجر عقد کردند. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ حاجی محمدعلی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه گردیده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

چالمیدان

ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام [کرده] متفرق شدند.

ـ دیشب ضعیفه [ای] به رییس محله متظلمه می‌شود که میرزاتقی نام دامادم مراکتک زده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را بیاورند، فرار کرده بود. پلیس مواظبت نموده است که او را دستگیر کنند که احقاق حق شود.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین بزاز مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. آقاسیدابراهیم پیشنماز و جمعی از اهل محله در مجلس روضه حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه ملاآقاجان مکتب‌دار مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی محمدرضا نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ دیروز مشهدی رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا دو سال قبل حسن نام سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ دیروز عصر صادق نام، پسر ده دوازده ساله حاجی باقرقزاق را فریب داده به بام حمام مخروبه برده، آن جا مشارالیه را لخت می‌نماید فرار می‌کند. پسره دنبال او بنای داد و فریاد را می‌گذارد. پلیسها رسیده، به اتفاق گماشتگان نواب ارفع والا عزالدوله او را گرفته، به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب حاجی ابراهیم نام، دختر حاجی علی تاجر، را برای پسرش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه میرزاحسن شیرازی مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام کرده، متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر حاجی باقر نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی به دکان مشهدی علی نام علاف رسیده، ملاحظه می‌نمایند دود زیادی از آن جا بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری کاه آتش گرفته، فوراً صاحب دکان را حاضر کرده، آتش را خاموش می‌نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رحیم‌بزاز بوده. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ جمعه(۲۵) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ کربلایی عبدالله بقال دختر خود را از طفولیت نامزد سیداحمد نام شاگرد خود، می‌نماید. سید به این طمع مدت چهار پنج سال از جان و دل به طور امانت و صداقت به بقال مذکور خدمت می‌کند. حال که دختر به حد بلوغ و رشد رسیده، خواسته بود عروسی کند. دختر از قبول این مطلب امتناع کرده. بقال هم چون صاحب مکنت شده و دختر خواهان زیاد داشته، در باطن مایل نبود که به سید بدهد. سید چون مأیوس شده بود دو روز قبل دختر را دردگلوی شدیدی عارض و قریب به موت می‌شود. هر قدر معالجه می‌نمایند سود نمی‌کند. آخرالامر پدر دختر جهت قضیه را ملتفت شده، نذر می‌کند که اگر دخترش بهبودی حاصل کرد به سید بدهد و مخارج عروسی را خود متحمل شود. بعد از این نذر دختر از آن مرض مهلک نجات یافته، پدرش مشغول تهیه و تدارک عروسی است.

ـ دختر میرزارفیع‌خان را برای پسر حاجی میرزانصرالله گرکانی عروسی کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. موزیک هم آورده بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ ضعیفه زهرا نام فاحشه دیروز گرفتار اجزای پلیس گردید. به اداره آوردند. قدغن گردید که او را نفی بلد نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی رمضان‌علی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی عباس‌قلی میوه‌فروش دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

سنگلج

ـ دختر میرزامحمودخان رشتی را مدتی قبل برای پسر حاجی، نایب اصطبل مبارکه، عقد کرده بودند. هشت ماه پیش عروس و داماد و مادر آنها بالاجماع به زیارت کربلای معلا مشرف می‌شوند و در بین راه عروس و داماد با هم مواصلت نموده، دختر حامله شده، مراجعت می‌نمایند. این اوقات مجلس عروسی ترتیب دادند. دیروز اول عروسی بوده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ دیشب شش ساعت از شب رفته عروس منشی‌الممالک را که دختر محمدعلی خان نوایی است، با کالسکه مجدالدوله، بدون ساز و آواز به خانه داماد بردند. جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند.

ـ دیروز مادر استاد ابوالقاسم بناء در خیابان گمرک که چند چاه قنات در آن جا باز است عبور می‌کرده، به یکی از آن چاه‌ها افتاده، مردم جمع شده‌اند او را بیرون می‌آورند. بدن او سیاه شده، صدمه زیاد دیده است. دور نیست که هلاک شود.

ـ دیشب در خانه میرزاحسین نام مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب میرزامحمدعلی نام، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب شیخ‌محمدعلی نام دختر اسدالله‌بیگ نام را برای خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی میرزااحمد، داماد جناب صدیق‌الدوله، مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب پسر ده ساله حاجی محمدحسن‌تاجر از بام کوتاهی افتاده، سر و صورتش مجروح شده، کسانش در صدد معالجه برآمده، از مخاطره دور است.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله

مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاعلی‌رضا نام دختر حاجی علی بزاز را برای پسرش عروسی نموده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ سیداحمدلاریجانی چندی قبل به تهران آمده، دکانی از حاجی رجب نام اجاره کرده، مشغول توتون‌فروشی می‌شود. معادل شصت تومان از مشهدی غفورتاجر توتون گرفته، تفریط کرده، در جوالها محض اعتبار کاه ریخته روی آنها را قدری توتون می‌ریزد. بعد از چند روزی می‌گوید پدرم در لاریجان مرده، باید بروم ارث خود را بگیرم. دکان را بسته، می‌رود. چون مدتی از رفتن او می‌گذرد، صاحب دکان و توتون‌فروش می‌روند دکان را باز نمایند. معلوم می‌شود که در آن جا چیزی نیست.

ـ دیروز کنیز سیاهی، گلی نام، در بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم (ع) عبور می‌کرد. اجزای پلیس مستحضر می‌شوند که از خانه آقایش فرار کرده است. او را گرفته، به اداره می‌آورند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم گردید که نه ماه قبل از خانه حاجی محمدمهدی صراف، آقای خود، فرار کرده. در این مدت هر قدر جستجو نمودند او را به دست نیاوردند. به صاحبش سپرده و قبض گرفته شد.

ـ دیشب حاجی نصرالله طباخ دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده است، جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ مشهدی حسین‌نام دیشب با عیالش نزاعشان شده. مشارالیها از بام می‌افتد و صدمه به او وارد می‌آید. اگر چه کسان ضعیفه به مشارالیه حرفی ندارند ولی رییس محله پلیس گماشته است که مشهدی عباس را حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه به عمل آمده، جهت نزاع آنها معلوم شود.

ـ دیشب در خانه ملاآقاجان مکتب‌دار، مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر اصفهانی مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از

اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ مشهدی علی‌اکبر نام دیشب دختر استاد باقرنام را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از تجار و اهل محله در خانه میرزامحمدرضا واعظ همدانی میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی غلام‌حسین خیاط مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و کسبه مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی رضاقلی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ ابراهیم و عباس، که چند نفر شاکی بودند که مشارالیهما به اسم این که مکاری هستیم در سرمال کرایه دادن تقلب می‌کنند و اسباب صدمه زوار قم هستند.از چهارسوق به اداره آوردند. بعد از تحقیقات لازمه التزام داده با رضایت طرف مقابل آنها از اداره خارج شدند.

ـ باقر و مشهدی عبدالله که در محله عودلاجان قمار می‌کردند، گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران

راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه

۱۳۰۳

به تاریخ شنبه (۲۶) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ دیشب دختر میرزاقاسم را برای محمدباقر عطار که در ارک مبارک در یک خانه منزل دارند، عروسی کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ محمدبیک تفنگدار همایونی از بیستم شهر حال در خانه‌اش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله دیروز در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ میرزاموسی گماشته علاءالدوله دختر مرحوم میرزاعلی‌محمد خوش‌نویس را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته عروس را به خانه داماد بردند.

ـ دیشب آقامحمدعلی صندوقدار جناب امین حضور، وزیر بقایا، دختر غلامرضا بیگ همکار خودش را برای خود عروسی نموده است. جمعی از گماشتگان جناب معزی‌الیه و اهل محله در آن جا بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ سید باغبان جناب اشرف مشیرالدوله چهار ماه قبل دختر علی‌اکبر نامی را برای خود عقد و تصرف کرده و در این مدت دختر در خانه پدرش بوده. چند روز قبل سید مذکور خواسته عیال خود را به خانه دیگر ببرد، پدر دختر ممانعت کرده، مشارالیه به جناب مشیرالدوله عارض می‌شود. یک نفر فراش می‌آورد. پدر دختر هم می‌رود به جناب معزی‌الیه عارض شود. در جلو[ی] باغ مبارکه نگارستان با یکدیگر نزاعشان شده. طفل ناخوشی در بغل زن علی‌اکبر بوده. بعد از دو روز آن طفل فوت می‌کند. علی‌اکبر محض لجاجت خواسته بود برود عارض شود که طفل به واسطه منازعه فوت شده. همسایه‌ها ممانعت نموده، آنها را صلح داده، طفل را می‌برند کفن و دفن می‌نمایند.

ـ دیروز در خانه حاجی خان نام مجلس عروسی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب آقاعلی‌اکبر صراف دختر حاجی محمدتقی صراف را برای خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعتی از شب رفته متفرق

گردیدند.

ـ دیشب در خانه محمدباقربیگ نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در مجلس روضه خوانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب استاد علی‌اکبر نجار دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله و کسبه در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی علی نام بقال دختر آقامهدی کدخدای بقال‌ها را برای خودش عروسی کرده است. جمعی کثیر از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزا رضا مشرف* اصطبل مبارکه مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب صاحب اختیار در خانه جناب صدیق‌الملک میهمان بود. چهار ساعت از شب گذشته معاودت نمودند.

ـ دیشب آقامحمدابراهیم حریرفروش خواهر زن میرزامحمود مستوفی را برای خودش عروسی کرده. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب آقامحمدحسن صراف نزد رییس محله فرستاده، اظهار می‌دارد که خواهر زاده‌ای دارم بلاجهت می‌خواهد تریاک بخورد. چندی قبل هم خورده بود او را به زحمت معالجه کردیم. رییس محله می‌فرستد که او را بیاورند. پسره نادم شده، توبه می‌کند. آقامحمدحسن هم می‌گذرد.

عودلاجان

ـ رضا نام، نوکر کشیک‌چی باشی، به خانه میرزاموسی همقطار خودش می‌رفته، در بین راه آقاعبدالرسول نوکر جناب حاجی علاءالملک به او برخورده، مطالبه بعضی اسباب از او می‌کند. به این واسطه نزاعشان شده، یک نفر سید که همقطار آقا عبدالرسول است به حمایت مشارالیه برآمده، چند نفر از همقطاران رضا هم که در مجلس عروسی بودند مستحضر شده، آمده، می‌خواستند نزاع و زد و خورد نمایند. اجزای پلیس آنها را ساکت و متفرق می‌نمایند.

---

*. مشرف: ناظر خرج (لغت‌نامه دهخدا)

ـ ملاعلی‌محمد نام برای پسرش مجلس عروسی ترتیب داده، دیشب جمعی از اجزای کشیک‌خانه مبارکه را دعوت کرده بود. شش ساعت از شب رفته عروس را با درشکه کشیک‌چی باشی به خانه داماد بردند.

ـ دیشب حاجی نصرالله نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است. شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ حاجی ابوالقاسم، تاجر همدانی، در خانه‌اش مجلس روضه خوانی ترتیب داده است. دیروز جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ آقاشیخ محمدعلی پیشنماز در گذر عودلاجان خانه‌ای داشت. محض این که یهودیها به قیمت گزاف خریداری می‌کردند، چند روز قبل خانه را به یزقل یهودی به مبلغ سیصدوهشتاد تومان فروخته است. با این که دویست وپنجاه تومان زیادتر ارزش نداشته. چند نفر از همسایه‌ها منجمله آقاسیدعلی پیشنماز و چند نفر از خوانین قاجار از این مسئله شکایت دارند. حتی می‌خواهند عرض و تظلم کنند.

ـ دیروز صبح در خانه امین‌نظام مجلس ورضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب حاجی میرزاجواد آقای مجتهد با جمعی از تجار و طلاب در خانه حاجی محمدحسین تاجر تبریزی میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزا عبدالحسین بزاز دختر آقامهدی بزاز را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. مطرب هم آورده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی جوادتاجر، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز استاد غلام‌حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی حسن نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب ارباب حسن‌نام که جزو فراشهای عوارض‌بگیر شده با عبدالله سرباز فوج عرب و حسن

نجار مست بوده، در بیرون نزاعشان شده، عبدالله با کارد زخمی بر ارباب حسن می‌زند. او هم دست او را مجروح می‌نماید. اجزای پلیس که می‌رسند فرار می‌نمایند. از اداره پلیس به جناب وزیر نظام و نواب سیف‌الملک نوشته شد و حسن نجار را قدغن نمود، دستگیرش کنند تنبیه شود.

محله بازار

ـ دیروز ظهر، حیدر و حسین با یک نفر دیگر قاطرچی‌های شاهی شدیداً مست کرده بود، به دکان صباغی ملکی زنبورکچی‌باشی رفته، چوب رنگ‌رز را برداشته بنای شرارت و هرزگی را می‌گذارند. در آن بین یک نفر سیراب‌فروش می‌گذشته، دیزی سیراب او را می‌شکنند، بالاتر رفته متعرض ضعیفه می‌شوند. چون واقعه نزدیک خانه میرزامحمدخان پیشخدمت همایونی بوده، گماشتگان مشارالیه آنها را گرفته به خانه برده، مراتب را به جناب امین‌السلطان اطلاع می‌دهند. جناب معزی‌الیه فرستاده، هر سه نفر را مغلولاً برده، محبوس می‌دارند.

ـ دیروز جناب حاجی ملاعلی به خانه ملک‌التجار، به دیدن جناب حاجی میرزاجواد آقا رفته بودند. بعد از ساعتی مراجعه نمودند.

ـ دیشب در خانه حاجی اسدالله تاجر مجلس روضه خوانی بوده است جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی علی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته عروس را به خانه داماد برده، متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ اسفندیار برای ادعای عیسی خان نام به اداره آوردند. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ حاجی آقا برای این که آقایش مدعی است که بعضی اسباب او را دزدیده، از محله دولت آوردند، در تحت تحقیقات است.

ـ خلیل دست‌فروش برای این که تراب نام مدعی است که چهار تومان پول در جیب ارخالق کهنه داشته. ارخالق را به او فروخته. مشارالیه پول را برداشته برده است. از چالمیدان آوردند. بعد

دروازه شمیران

از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۳
به تاریخ چهارشنبه (سلخ) شهر ذیحجةالحرام

محله دولت

ـ میرزاجوادخان سعدالدوله که خانه خود را به سفارت نمسه اجاره داده است، خانه محمدتقی خان قاجار را اجاره کرده، در آن جا منزل نموده. دیروز طرف عصر جناب مخبرالدوله به دیدن مشارالیه رفته بودند. بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دختر ملاعزیزالله، کاردار سفارت انگلیس، را برای کربلایی علی‌اصغر زرگنده عروسی کردند. یک دسته مطرب آورده و مجلس عیشی ترتیب داده بودند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ بارون‌اشتوداخ* به وزارت محترمه خارجه اظهار کرده است که علی‌محمدالاغچی ضامن شده و خانه‌اش را به من داده، در آن جا اسباب گذارده، به شمیران رفتم. حالا که مراجعت کردم بعضی اسباب مرا برده‌اند. مأمور از وزارت خارجه می‌رود که علی‌محمد را ببرد. مشارالیه در شهر نبوده، مراجعت می‌نماید.

ـ میرزااسمعیل قاپوچی** سفارت انگلیس که به زیاد خوردن تریاک معتاد بوده، چنان چه وقتی

---

*. اصل: اشطوداخ

**. قاپوچی: دربان (فرهنگ عمید)

تریاک دیر به مشارالیه می‌رسید، یک مشت سوخته تریاک می‌خورد، روز گذشته حالتش برهم خورده فوت می‌کند.

ـ کریانس، تاجر مسیحی تبعه دولت علیه عثمانی، شب گذشته در خانه‌اش میهمان داشت. سرکیس افندی با دو نفر دیگر از صاحب منصبان سفارت عثمانی را دعوت کرده بود. یک دسته مطرب یهودی هم داشتند. شب را هم در آن جا خوابیدند.

ـ دکتر ترانس* روز گذشته از شمیران به شهر نقل اسباب می‌کرده، قاسم نام، نوکر یساول** قزاق، مست بوده، سواره می‌تاخته. در بین راه اسب او به طبق اسباب چراغ و غیره پهلو زده، انداخته، تماماً خورد گردیده. طبق‌کش اسب را گرفته، نزد دکتر ترانس برده، نگاه می‌دارند.

ـ دیشب در خانه حاجی علی‌محمد نام مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز دختر کربلایی مهدی یساول که به سن پنج ساله بود به حوض افتاده، خفه شده است.

ـ دیشب حسین‌خان مهاجر دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزایحیی نام دختر یکی از اقوام خود را عروسی نموده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ یک نفر دهاتی یک رأس الاغ مفلوک داشته، پسرش را سوار کرده، می‌خواسته از شهر خارج شوند.در آن بین چند نفر دیگر چند رأس الاغ جلو داشته می‌رفته. دهاتی مفروض به چابکی پسرش را از الاغ مفلوک خود پیاده کرده، به الاغ فربهی نشانده می‌رود. بعد صاحب الاغ ملتفت می‌شود که الاغ را عوض کرده. هر قدر جستجو می‌نماید، دهاتی را به دست نمی‌آورد.

ـ دیشب جناب صدرالعلماء و آقاسیدحسین کاشی در خانه آقاشیخ‌فضل‌الله میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی ابوالقاسم تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل

---

*. اصل: طرانس

**. یساول: مأمور تشریفات ـ سواری که ملازم امر او رجال بزرگ باشد (فرهنگ آنندراج ـ ج ۶)

[محل] مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان شیخ‌محمد عطار باز است. مشارالیه فراموش کرده دکان را قفل نکرده، رفته است. فوراً صاحب دکان را حاضر نموده، دکانش را بسته، امتنان حاصل کرده، می‌رود.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسن تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.

ـ دیشب دختر هفت ساله مشهدی رحیم نام هنگامی که کسانش به خانه همسایه رفته بودند به حوض افتاده، نزدیک به هلاک بوده که مادر او رسیده، مشارالیها را بدون صدمه بیرون می‌آرود.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی صادق‌تاجر بوده است. کسانش مجلس ختم ترتیب داده، جمعی از اهل محله و طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز دو ساعت به غروب مانده حاجی ملاباقر نام که در خانه حاجی لطف‌الله خان سرتیپ منزل دارد به حمام میرزامهدی رفته، در چاله حوض ملاحظه می‌کند سرآدمی در زیر آب پیداست. عمله‌جات حمام را اطلاع داده، می‌آیند او را بیرون می‌آورند. معلوم می‌شود خفه شده. از مهر ثبت و نوشتجاتی که همراه داشته معلوم گردیده بود که مشارالیه سلیمان‌خان افشار پسر حاجی صفی‌خان است و تازه از قزوین آمده. چون مسن بوده به واسطه تنگ‌نفس خفه شده است.

ـ عیال ابوالقاسم ارسی‌دوز دختری چهارساله داشته. هنگامیکه مادر او در مطبخ مشغول طبخ بوده، دختر نزدیک حوض رفته، به آب افتاده، هلاک می‌شود.

ـ دیشب حاجی محمدباقر نام دختر حاجی محمدعلی نام را برای پسرش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی احمد نام تاجر چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است. شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

محله بازار

ـ آقاسیدحسین تاجرکاشانی که مدتی قبل به کاشان رفته بود این اوقات مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. دیشب جمعی از تجار در خانه مشارالیه میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه آقاسیدمرتضی اصفهانی مجلس روضه بوده است. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب دختر مشهدی حسین سمسار را برای مشهدی جیب‌زرگر عروسی کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رحیم‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت نموده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صراف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسین نام به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چهارسوق

ـ یک نفر میوه‌فروش می‌رود از قصابی قدری گوشت می‌گیرد در سر کم و زیاد گوشت نزاعشان شده میوه‌فروش قصاب را می‌زند. اجزای چهارسوق میوه‌فروش را گرفته بودند که به اداره بیاورند. درب ضرابخانه قدیم که متعلق به نواب مستطاب علیه عالیه امین‌اقدس دامت شوکتها است و بنایی می‌کنند، می‌رسند. مشارالیه به عمله‌جات ملتجی شده، آنها از او حمایت می‌نمایند و یکی از اجزای چهارسوق را زده، سرش را مجروح می‌نمایند و می‌روند درب خانه میرزامحمدخان، پیشخدمت همایونی، چند نفر آورده نایب داروغه را با یک نفر از اجزای چهارسوق به درب خانه مشارالیه برده، بدون اطلاع ایشان نگاه می‌دارند. رییس محله بازار رفته

آنها را آورده و مراتب به خود میرزامحمدخان نوشته شد که آنها را تنبیه نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سهراب و سلمان، که برای ادعای آقایشان در اداره بودند، بعد از تحقیقات لازمه با رضایت آقایشان از اداره خارج گردیدند.

ـ غنی، که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج گردید.

ـ مشهدی حیدرعلاف، که عروسش اظهار کرده بود که می‌خواسته با و عمل شنیع نماید، بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که به واسطه عداوت بوده، از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (غره) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ در راپورت دیروز عرض شده است که جناب مخبرالدوله به خانه میرزاجوادخان سعدالدوله رفته بودند. از قرار تحقیق معلوم گردید که جهت رفتن معزی‌الیه به آن جا این بوده دختر معزی‌الیه که سابقاً عیال میرزاجوادخان بود، طفلی از او داشته، بعد از متارکه ایشان، مشارالیه طفل را نگاه داشته. در این مدت مادرش هر چه خواسته بود او را ببیند، میرزاجوادخان راضی نمی‌شد و ممانعت می‌کرد تا این که اوقات مریضه و بستری می‌شود. رفته رفته مرض او شدت کرده، به دیدار طفلش زیاده از حد مایل و در حسرت بوده. جناب مخبرالدوله همین که از بهبودی مشارالیها مأیوس می‌گردد لاعلاج بدون اطلاع، خود به خانه میرزاجوادخان رفته، در صلح

کوبیده، خواهش می‌کند طفل را طرف عصر در وقتی که مادرش حالت نزع داشت و آب گوشت جوجه را با پنبه به حلقش می‌ریختند نزد او می‌فرستد. مشارالیها با آن حالت به محض استماع صدای فرزندش برخاسته او را در آغوش گرفته، بوسیده و بوییده، نوازش کرده و از همان آب گوشت به او می‌خوراند و بعضی حرکات حزن‌آمیز نموده، باز بی حال شده، می‌افتد بعد از چند ساعت مرحومه می‌شود. امروز جنازه او را با کمال احترام به تکیه جناب مخبرالدوله برده و مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از وزراء و غیره در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ پاپازیان عکاس یک جعبه عکاسی به یک نفر نجار چرخ‌ساز رعیت نمسه داده بود که بسازد. مدتی طول کشید. دیروز برادر پاپازیان رفته، مطالبه می‌کند. حرفشان شده، چرخ‌ساز برادر پاپازیان را کتک زده، بنای نزاع را می‌گذارند. بعد دو سه نفر از خودشان آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیشب در خانه جناب امین‌السلطان مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعیت زیاد از فقراء و غیره در آن جا بودند. شام خوبی به مردم داده و هم مبلغی پول به فقراء داده بودند.

سنگلج

ـ دیروز علی سیاه، جلودار معیرالممالک به واسطه عداوتی که با حیدرعلاف داشته، درب خانه او رفته بنای نزاع را گذارده و چاقو برای او کشیده و شرارت کرده بود. حیدر رفته، به جناب وزیر نظام عارض شده، جناب معزی‌الیه فرستاده، تحقیقات کرده، علی را می‌برند.

ـ دیروز یک ساعت به غروب مانده جناب آصف‌الدوله به دیدن امیرایوب خان رفته، غروب مراجعت کردند.

ـ دیروز در تکیه قورخانه کهنه تعزیه وفات امام‌موسی کاظم(ع) را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب عیال استادغلام‌حسین حداد به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا دختر تقی‌علاف به تحریک مادرش سرقت کرده است. رییس محله آنها را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی رضای بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ حاجی میرزاعلی‌اکبر تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز سه ساعت به غروب مانده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیس‌های گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده، به اداره آوردند. صبح صاحبش آمده، نشانی و قبض داده، الاغ را گرفته، امتنان حاصل نمود.

ـ محمدعلی نام چندی قبل یک باب دکان از حاجی علی نام اجاره کرده، سبزی‌فروشی باز می‌نماید. بعد از مدتی مبلغی وجه اجاره مقروض و متواری می‌شود. دیروز مشارالیه را در بازار دیده، گریبانش را گرفته، نزاعشان شده، بنای زد و خورد را می‌گذارند. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده، قراری گذارده، طرفین آسوده شده، می‌روند.

ـ دیشب حاجی محمدعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا علی مهترم، برداشته، رفته جای دیگر نوکر شده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات چون سرقت او به درجه ثبوت نرسیده، قرار داده شد که در محضر شرع مطاع گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ دیروز در تکیه امامزاده سیداسمعیل تعزیه شست بستن دیو بود. جمعی مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب دو رأس اسب در طویله محمدقلی خان نام قاجار با هم نزاع کرده، بیرون آمده، در کوچه می‌رفتند. اجزای پلیس هر دو را گرفته به صاحبش می‌سپارند.

ـ محمدقلی نام به رییس محله متظلم می‌شود که شش هزار دینار از مرادعلی نام طلب دارم نمی‌دهد. مطالبه کردم با من نزاع کرده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را آورده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز مشهدی حسین بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که یک ثوب قبای اطلس سال قبل از خانه من سرقت کرده‌اند، حالا نزد مشهدی محمدسمسار دیده‌ام، رییس محله طرفین را به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات التزام گرفته شد که سمسار شخص فروشنده را به دست بدهد یا از عهده

برآید.

ـ دیروز حاجی صادق‌تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، طرف عصر وارد دارالخلافه گردیده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب مشهدی علی‌اکبر نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده، چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب دختر حسین‌خان غلام پیشخدمت را برای هادی خان‌نام به وضع مختصر عروسی کردند. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی کریم بزاز با شوهرش نزاعشان شده. مشارالیه مقداری تریاک می‌خورد که خود را هلاک کند. اهل خانه ملتفت گردیده، او را مداوا و معالجه نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی صادق‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیس‌های گردشی ملاحظه می‌نمایند که از دکان علافی دود بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری کاه در آن جا آتش گرفته نزدیک است اجناس دکان بسوزد. فوراً آتش را خاموش می‌نمایند.

ـ حاجی رضای‌تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ رضا [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت از محله چالمیدان آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۲) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ جناب امین‌السلطان، جناب امین‌الدوله، جناب قوام‌الدوله، جناب اشرف مشیرالدوله، جناب امین‌لشگر، جناب امین‌حضور، جناب امین‌الملک و حاجب‌الدوله و جمعی کثیر از اعیان و اشراف به دیدن جناب مخبرالدوله رفته بودند.

ـ عیال سیدمحمد صباغ سراسیمه به رییس محله اظهار می‌دارد که از تکیه حیات شاهی که بیرون آمدم طفل پنج سالهٔ من همراه بود، مفقود شده است. رییس محله چند نفر پلیس فرستاده، جستجو کرده، بعد از سه ساعت طفل را در خیابان چراغ‌گاز پیدا کرده، به دست مادرش می‌سپارند. کمال شعف را پیدا کرده او را می‌برد.

ـ میرزامحمود نام، معمم اصفهانی، چهار سال قبل به تهران آمده، همشیره ملاحسین‌علی معلم را به عقد خود درآورده، بعد از چهار ماه به ولایت خود رفته، از آن جا طلاق‌نامه او را می‌دهد می‌آورند. ضعیفه حامله بوده، به او می‌نویسد و اطلاع می‌دهد. مشارالیه این مطلب را مهمل دانسته تا امسال که حضرت مستطاب ظل‌السلطان به دارالخلافه آمده، مراجعت می‌فرمودند، ضعیفه به حضرت معظم متظلمه می‌شود. حضرت معظم هم پیکی از ملازمان خود محول می‌نماید که برود اصفهان میرزامحمود را مجبور نمایند به تهران بیاید. دو روز قبل مشارالیه را وارد تهران نمودند. روز ورود منکر می‌شود که طفل از من نیست. بعد از آن که تاریخ تولد طفل را دیده و بعضی علامات و آثار او را ملاحظه نموده، یقین حاصل می‌نماید که طفل از اوست. مخارج ایام گذشته را به ضعیفه داده، مجدداً او را عقد نموده، حال مشغول تهیه و تدارک رفتن به اصفهان است.

ـ دیروز کربلایی هاشم‌بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که دوسه پارچه لباس زنانه، عیال حسین نام از من سرقت کرده است. رییس محله مشارالیها را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد.

بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ کلنل انگلیسی قریب هفتاد رأس اسب و قاطر غیر از چند رأس که سابق فرستاده بود، به طرف انگلستان فرستاده است.

ـ یک رأس الاغ بلاصاحب اجزای پلیس دیده، گرفته، به اداره آوردند. بعد از چند ساعت صاحبش آمده، نشانی داده، مسترد داشت.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی احمدتاجر بوده. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب را وعده خواسته بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدحسن‌تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. شب هم چند نفر از بستگانش در خانه او بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی غلام‌علی نام به رییس محله متظلمه می‌شود که شوهرم بلاجهت مرا زده است، رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات معلوم شد که ضعیفه بدون اذن شوهرش به خانه اقوام خود رفته، از آن جا به مجلس تعزیه رفته‌اند، نزاعشان شده است، صلح داده شدند و قرار گذارده شد که ضعیفه بدون اذن شوهرش از خانه بیرون نرود.

عودلاجان

ـ دو روز قبل مشهدی علی‌اکبربزاز عیال مرحوم حاجی محمدحسین جواهری را برای خودش عقد کرده شب چند نفر از اقوام و بستگانش را دعوت نموده، او را به خانه برده، پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ عیال فتح‌علی‌خان نام طفل شیری خود را نزد زن حاجی آقاجان نام‌گذارده، به جایی می‌رود که بعد از مراجعت او را ببرد. طفل بنای گریه راگذارده، بی‌تابی می‌کند. ضعیفه هم جزیی تریاک از قرار مذکور به طفل می‌دهد که ساکت و آرام شود. طفل صبح فوت می‌نماید. فتح‌علی خان به جناب اشرف مشیرالدوله عارض شده، آقاجلال پیشنماز و اهل محله او را مذمت می‌کردند. از اداره پلیس قدغن شد که در این باب تحقیقات کامله به عمل آورند.

ـ آقاسیدمرتضی که از سادات محترم محله بود، بعد از چند روز ناخوشی مرحوم گردید. جنازه او را باکمال احترام برداشتند و در خانه او مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی کثیر از سادات علماء و اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی رضانام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعتی از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب دختر حاجی علی نام با زن‌پدرش نزاعشان شده، دختره جزیی تریاک می‌خورد. کسانش مستحضر گردیده، او را معالجه و مداوا نموده، تا اواخر شب بهبودی حاصل نموده، صلح می‌کنند.

چالمیدان

ـ قربان نام موزیکانچی به رییس محله اظهار می‌دارد که نه‌هزار [دینار] از حاجی علی نام طلب دارم. مطالبه کردم، به من فحاشی کرده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه چون حاجی‌علی منکر بود به محضر شرع انور رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ مشهدی احمد دست‌فروش به رییس محله اظهار می‌دارد که دختر مرا قریب پنج ماه است تقی نام عقد کرده، در خانه من گذارده، مخارج نمی‌دهد. رفتم مطالبه مخارج بکنم با من نزاع نموده است. رییس محله او را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه چون گفتگوی شرعی داشتند، طرفین به محضر شرع انور رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیس‌های گردشی یک رأس قاطر بلاصاحب دیده به قراول‌خانه برده، بعد از ساعتی صاحبش سراسیمه می‌آید که اطلاع بدهد قاطرش گم شده است. قاطر را به او رد می‌نمایند، نهایت امتنان را حاصل کرده، می‌رود.

ـ دیروز حاجی اسدالله تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ شب گذشته عبدالله نام چلوکبابی در دکانش مست بوده، یک نفر سرباز به دکان مشارالیه رفته که چلوکباب بخورد. ملتفت می‌شود که مست است، او را گرفته با اجزای پلیس نزد جناب وزیر

نظام می‌برند. جناب معزی‌الیه او را حبس و تنبیه می‌نمایند.

ـ دیشب عیال استادحسین نام با شوهرش نزاعشان شده، ضعیفه طفل شیرخوار خود راگذارده، قهراً به خانه پدرش می‌رود. مشارالیه رفته، هر قدر اصرار می‌نماید، ضعیفه راضی به مراجعت نمی‌شود. لاعلاج به رییس محله اظهار می‌دارد که طفلم از بی‌شیری تلف خواهد شد. رییس محله یک نفر نایب فرستاده، تحقیقات نموده، ضعیفه را راضی کرده به خانه شوهرش معاودت می‌دهند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی کریم نام بوده، جمعی از اقوامش را حاجی معروض دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ مشهدی رحیم علاف به رییس محله اظهار می‌دارد که سال قبل در خارج شهر یک رأس الاغ از من به سرقت برده‌اند. حالا نزد تقی مکاری دیده‌ام. رییس محله فرستاد مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات چون تقی اظهار می‌کرد که از شخص ورامینی خریده‌ام، اطمینان و ضامن گرفته شد که چند روز دیگر شخص ورامینی فروشنده را حاضر نماید، تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیشب طفل چهار ساله بلاصاحب گریه‌کنان [را] پلیس‌های گردشی دیده، به زحمت خانه پدرش را پیدا کرده، برده، به کسانش می‌سپارند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۳) محرم‌الحرام

محله دولت

ـ موسیو ماکسین، دواساز سفارت انگلیس به نایب محله اظهار می‌دارد که دو قطعه بوقلمون از خانه من بیرون آمده، مفقود شده است. نایب محله بعد از تفحص بسیار بوقلمونها را در خانه

شارل تلگرافچی سراغ کرده، معلوم می‌کند که یک قطعه راکشته‌اند. از نوکر مشارالیه مطالبه کرده، زن شارل بنای داد و فریاد راگذارده. آخرالامر بوقلمونها راکه یکی کشته و دیگری زنده بود، نزد صاحبش فرستاده، عذرخواهی می‌کند.

ـ دیروز نواب اشرف والا رکن‌الدوله و جناب حاجی علاءالملک و جناب عضدالملک، جناب وزیر نظام و جناب اقبال‌السلطنه و جناب امین‌الملک و حاجی محمدحسن امین‌دارالضرب، آجودان باشی کل و نواب والا حاجی بهاءالدوله و ساری اصلان و حسن‌خان سرتیپ اول قزاق با جمعی دیگر به دیدن جناب مخبرالدوله رفته بودند.

ـ چند نفر از سربازهای فوج ششم قراول درب حرمخانه مبارکه به دکان خبازی متعلق به جناب امین‌السلطان رفته، نان بگیرند، با خباز نزاعشان شده، بنای زد و خورد راگذارده، شاطرعلی نام را می‌زنند. اجزای پلیس ایشان را ساکت کرده، خباز دکانش را بسته، نزد جناب امین‌السلطان به تظلم می‌رود.

ـ غلام‌علی نام قزاق با اکبر نام نوکر خودش برای جزیی مواجب گفتگو و منازعه داشتند. پلیس رسیده که آنها را ساکت کند، قزاق معروض می‌گوید این شخص چند پارچه اسباب از من دزدیده است. پلیس هم او را به اداره آورده، بعد از تحقیقات معلوم است که قزاق محض لجاج این حرف را زده. خود او هم بعد از ساعتی از این حرف نادم شده، آمده اظهار رضایت کرده، مشارالیه به دست او سپرده شد.

ـ الکسان نام روسی به رییس محله اظهار می‌دارد که اندریاس مسیحی خیاط به من بی‌احترامی کرده و برای یک تومان طلب، اسباب مرا نگاه داشته است. رییس محله اندریاس راکه در آن حوالی دکان دارد حاضر کرده، بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که الکسان معروض بی‌منزل بوده، اندریاس چند روزی از او در خانه‌اش میهمان‌داری کرده، بعد مشارالیه در خانه او یک بالاخانه کرایه کرده منزل می‌نماید. جزیی کرایه مقروض بوده، چون استطاعت نداشته، حرفشان شده است، رییس محله قرار مسکتی میانه آنها داده، طرفین رضایت حاصل کرده می‌روند.

سنگلج

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته اسدالله نام فراش همایونی لاله به دست، ضعیفه[ای] را همراه داشته می‌رفتند. نایب محله از حال آنها مستبصر می‌شود. اسدالله می‌گوید که این ضعیفه در تکیه مبارکه دولتی غش کرده بود، حاجب‌الدوله حکم کردند او را به منزل برسانم.

ـ دیشب یکی از فراشهای نواب ارفع والا عزالدوله، چهار ساعت از شب گذشته، مست داخل تکیه مبارکه دولتی می‌شود، فراشهای همایونی ملتفت گردیده، او را گرفته، نزد حاجب‌الدوله می‌برند. معزی‌الیه او را تنبیه کرده، محبوس می‌دارند.

ـ دیروز غروب نوکرهای زین‌العابدین خان پسر مرحوم ضیاءالملک، آب به خانه آقایشان می‌بردند، با یکی از خواجه‌های عمیدالملک نزاعشان می‌شود و او را کتک می‌زنند. خواجه تفصیل را به آقایش می‌گوید. از آن طرف هم آنها به زین‌العابدین خان شکایت می‌کنند. مشارالیه فراش می‌فرستد، عمیدالملک به آنها فحش داده می‌روند.

ـ دیروز جناب امین‌الدوله در باغ میهمان جناب قوام‌الدوله بودند. بعد از مراجعت از آن جا در مسجد جناب حاجی شیخ‌هادی، نواب ایلخانی را ملاقات نموده معاودت کردند.

ـ پدر آقامحمدتقی صراف در شیراز مریض بوده، فوت کرده. پسرش در تهران مجلس ختم ترتیب داده، جمعی از تجار و اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند. نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله فراشباشی خود را فرستاده ختم را برچیدند.

عودلاجان

ـ دیشب عیال مشهدی کریم‌بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم به اصفهان رفته. روزی یک‌هزار [دینار] مخارج مرا به برادرش حواله نموده است. امشب رفتم بگیرم زن او با من نزاع کرده. رییس محله فرستاده تحقیقات نموده، معلوم می‌شود که نزاع زنانه جزیی کرده‌اند. آنها را صلح داده، در باب مخارج مشارالیها قراری می‌دهند. رضایت حاصل می‌نمایند.

ـ دیروز حاجی محمدصادق تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیروز استادحیدر سلمانی با شاگردش برای دوهزار دینار نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده، چون منازعه جزیی کرده بودند، طرفین را صلح می‌دهند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی جعفرتاجر بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ نوروز نام هندوانه‌فروش به رییس محله متظلم می‌شود که یک ساعت از شب گذشته به طرف خانه‌ام می‌رفتم، دو نفر نوکرهای میرزامهدی، منشی شهاب‌الملک جلو[ی] مرا گرفته، گفتند که به خانه ما آمده[ای] پهن بدزدی من را زده و سه تومان پول از جیبم برده‌اند. رییس محله فرستاد تحقیقات کرده، معلوم می‌شود که شخصی برای بردن پهن آن جا رفته، او را تعاقب کردند، فرار نموده. مشارالیه از آن جا می‌گذشته اشتباهاً او را گرفته‌اند و مساله سه تومان هم محض ادعا بوده است. قرار می‌دهند که در محضر شرع مطاع طی گفتگوَ نمایند.

ـ پسر حاجی غلام‌حسین نام که مدتی مریض بود مرحوم شده است، کسانش مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ حسین‌خان نام حجار اظهار می‌دارد که مقداری اسباب سه ماه قبل، روز از خانه من سرقت کرده‌اند. مشهدی باقر که قهوه‌چی بوده برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که بعد از عاشورا در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب طفل پنج ساله مشهدی رضا نام برای تماشای تکیه همراه مادرش از خانه بیرون آمده بین راه گم می‌شود. ضعیفه هر قدر گردش کرده او را پیدا ننموده. لاعلاج به رییس محله اظهار می‌دارد. رییس محله چند نفر پلیس فرستاده، جستجو کرده، بعد از ساعتی طفل را پیدا کرده، آورده، به دست مادرش می‌سپارند، با کمال خشنودی و امتنان می‌برند.

محله بازار

ـ صفدرنام سرباز فوج همدان پنج رأس الاغ داشته، با اسمعیل نام که او هم چهار رأس الاغ داشته، قرار می‌دهند که صفدر در شهر باشد و اسمعیل برود بیرون شهر بار بیاورند. رضا نام را هم همراه الاغها می‌کنند. چند روزی می‌گذرد. رضا الاغها را برداشته، فرار می‌نماید. اسمعیل گریبان صفدر را گرفته که من به ضمانت تو الاغها را به رضا سپردم. مشارالیه منکر بوده. آخرالامر قرار می‌دهند که بعد از عاشورا در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز علی‌رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی محمد همسایه‌ام هنگامی که اهل خانه برای استماع روضه از خانه بیرون رفته‌اند، برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر میرزااحمد بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب

داده، جمعی از اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.
ـ دیروز محمدتقی نام می‌رود از دکان علافی قدری هیزم بگیرد. با علاف در سر هیزم حرفشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده صلح می‌دهد.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی اسمعیل کاشانی که برای ادعای علی آقای قناد در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه با مدعی او به محضر شرع انور رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.
ـ شیرمحمد، که برای ادعای عیالش در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۴) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ زن جهانگیر شیره‌چی مسیحی دیشب دو ساعت از شب گذشته به رییس محله متظلمه می‌شود که برادرشوهرم به خانه من آمده به مطالبه ده تومان ادعایی که به برادرش دارد فضاحی و هرزگی می‌کند. می‌خواهم او را از خانه بیرون کنم، نمی‌رود. رییس محله پلیس فرستاد، مشارالیه [راکه] در آن جا نبوده تعاقبش می‌کنند. در خانه نیکلای مسیحی او را دیده، مؤاخذه می‌نمایند که چرا به ضعیفه صدمه زده. مشارالیه منکر شده می‌گوید، ده تومان طلب دارم. هر وقت مطالبه می‌نمایم این وضع مرا متهم می‌کند. بعد چند نفر از ارامنه جمع شده قراری ما بین آنها داده، ایشان را صلح می‌دهند.

کودکان طهرانی - حمل آب با کوزه

ـ در باب میرزامحمد نام که مقداری اسباب از قبیل یراق و غیره از بارون اشتوداخ گرفته در دکان‌های جنب کارخانه چراغ‌گاز می‌فروخت و مقداری اسباب را تفریط کرده، متواری بود، بعد از چند روز او را پیدا کردند و به حساب مشارالیه رسیدگی نمودند. سی‌تومان باقی داشت. فراشباشی وزارت خارجه، [از] شخص عطاری [در مورد] میرزامحمد ضامن می‌گیرد که سه روزه پول را بدهد. میرزامحمد روز وعده فرار می‌نماید. عطار هم از ترس فرار کرده است.

ـ جناب امین‌السلطان از تکیه مبارکه دولتی، عبدالعلی بیگ گماشته خودشان را نزد جناب مخبرالدوله فرستاده، اظهار کرده بودند که باید حکماً امروز احمدآقای سرتیپ به بندر بوشهر روانه شود. هرگاه امروز نرود، مورد مؤاخذه و سی‌تومان جریمه می‌شود.

ـ همه ساله سهام‌الدوله بانی می‌شدند و یکصدوده تومان می‌دادند در تکیه عربها تعزیه می‌خواندند. امسال اول محرم می‌خواستند تعزیه را مبدل به روضه بکنند. اهل محله از این فقره مأیوس و کدر شده بودند. معزی‌الیه روز گذشته مهدی خان، ریش سفید محله عربها راکه همه ساله مباشرت این کار به عهدهٔ او است، احضار نموده، قدغن نموده که تکیه را چادر زده، زینت بکنند و تعزیه بخوانند. دو سه روز هم که تعویق افتاده، بعد از عاشورا بخوانند. اهل محله از این فقره خیلی خوشوقت و شاکر هستند.

سنگلج

ـ دیروز ضعیفه[ای] سارقه به خانه کربلایی‌قاسم کله‌پز رفته، دو بقچه اسباب و لباس سرقت می‌نماید. اهل خانه رسیده، بقچه‌ها را از او گرفته، خودش را می‌خواهند به اجزای پلیس بسپارند. چون واقعه نزدیک تکیه سیدنصرالدین بوده و تعزیه تمام شده بود، ضعیفه به چابکی در میان جمعیت فرار می‌کند.

ـ دیروز علی آقای توپچی مادرزن خودش را برای این که می‌گوید دوسه پارچه اسباب سرقت کرده، کتک زده، دهانش را مجروح نموده، ضعیفه نزد جناب وزیر نظام به تظلم رفته بود.

ـ دیروز کربلایی حسن نام گریبان استادعلی نام راگرفته، مطالبه پنج‌هزار دینارمطلب می‌کرد. مشارالیه منکر بود. به این واسطه نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قرار می‌دهد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب دختر پنج ساله مشهدی علی نام هنگامی که کسانش در خانه نبودند به حوض افتاده، بر حسب اتفاق ضعیفهٔ همسایه در آن موقع رسیده، او را بدون صدمه از حوض بیرون می‌آورد.

عودلاجان

ـ دیروز حسین‌نام، پسر شاطر اسدالله، در تکیه رضاقلی خان در میان مردم مدیحه می‌خوانده، حسین نام که مشهور به حسین‌مشهدی و از الواط است، یکی از نشان‌هایی که نقیب‌السادات به سادات داده، پیدا کرده، به سینه خود نصب نموده، آمده، بنای قصیده خواندن می‌گذارد. می‌خواهند او را منع کنند که مدیحه حسین تمام شود. مشارالیه بنای فضاحی و شرارت را می‌گذارد. اجزای پلیس که می‌رسند، فرار می‌نماید. در آن بین نقیب‌السادات رسیده، تفصیل نشان را به مشارالیه می‌گویند. نقیب‌السادات می‌گوید نشان من به این شخص ندادم. رییس محله پلیس مواظب کرده است که او را دستگیر کنند تنبیه شود.

ـ عیال مرحوم امین‌الصره که به زیارت حضرت معصومه قم مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیها ترتیب داده بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی رضای بقال با زن برادرش نزاعشان شده، مشارالیها به رییس محله متظلمه می‌شود. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده، آنها را صلح می‌دهد.

چالمیدان

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بوده. جمعی از تجار و بستگانش را دعوت کرده، مجلس روضه داشت. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب علی نام می‌رود از دکان علافی قدری زغال بگیرد، با علاف نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده صلح می‌دهد.

ـ دیروز دو نفر زن در سبزی‌کار[ی] بیرون دروازه دولاب بودند. فریدون و فضل‌علی و عباس که دشتبان آن جا هستند، گمان می‌کنند که زنها آمده‌اند بادمجان سرقت نمایند. به آنها فحاشی می‌نمایند. در آن بین حاجی ملاباقر روضه‌خوان رسیده آنها را می‌زند که چرا به زن مردم بد می‌گویید. چند نفر از عابرین هم رسیده، نیز آنها را می‌زنند. اجزای پلیس ایشان را متفرق می‌کنند.

ـ دیروز مشهدی علی‌اکبر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی کریم برادرم سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون گفتگوی ارث پدر در میان داشتند، طرفین به محضر شرع انور رجوع شدند

که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ شکرالله‌خان نام که مکرر به جرم دزدی گرفتار اجزای پلیس شده است و در موقع روز قبل مستخلص گردیده دیشب دو ساعت از شب گذشته برای دزدی داخل خانه علی‌خان پسر مشیرالوزراه شده. نوکرها او را دستگیر کرده، به اجزای پلیس سپرده، به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ دیشب دختر هفت ساله مشهدی رحیم نام از بام کوتاهی افتاده، سر و دستش مجروح شد ولی از مخاطره دور است.

ـ دیروز حاجی صادق نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز یک رأس الاغ بلاصاحب پلیسها دیده، به قراولخانه می‌برند. بعد از ساعتی صاحب الاغ می‌آید که اطلاع بدهد الاغش گم شده، الاغ را به مشارالیه رد می‌نمایند. نهایت امتنان را حاصل می‌کند.

ـ دیروز ضعیفه [ای] به ادعای پنج‌هزار [دینار] طلب، گریبان ضعیفه [ای] را گرفته، داد و فریاد می‌کردند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قرار می‌دهد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ طفل پنج ساله مشهدی هاشم نام به آب انبار افتاده، برادر بزرگ او بر حسب اتفاق می‌رود آب بردارد، مشارالیه را در آب دیده به چابکی، بدون صدمه از آب بیرونش می‌آورد.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی‌اکبر، [را] برای این که آقاعبدالله خواجه، آقایش مدعی است سرقلیان نقره از او دزدیده است، از محله دولت به اداره آوردند، در تحت تحقیقات است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه (۵) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ سیدمحمد نام که در حمام حاجی رجب‌علی واقع در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم دلاکی می‌کند. یک دانه لنگ در خیابان مبارکه شمس‌العماره می‌فروخته، استادکرم حمامی حمام مرحوم وزیر نظام گریبان او را گرفته، مدعی بود که این لنگ از سر تون حمام من سرقت شده و متدرجاً معادل ده تومان لنگ از آن جا برده شده است. پلیس رسیده، سیدمحمد را به اداره آورده، دو دانه لنگ دیگر هم زیر لباس خود پنهان کرده بود و می‌گفت از استاد حسین حمامی گرفته‌ام، در تحت استنطاق است.

ـ دیروز معیرالممالک به خانه مادام بیلو رفته، قریب دو ساعت آن جا بوده، بعد مراجعت کرده. مادام بیلو مقداری اسباب برداشته، به درشکه نشسته به تعاقب معزی‌الیه به خانه ایشان رفته بود.

ـ آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین در خیابان چراغ‌گاز برای رسیدن به مجلس روضه خوانی سواره می‌تاخته، پسره[ای] شاگرد نعلبند عبور می‌کرده است، مشارالیه به او پهلو زده [او را]، انداخته بود. صدرالذاکرین ملتفت گردیده، ایستاده، یک مشت نقل با چند دانه شاهی سفید به او داده و نوازش کرده، و از خود راضیش کرده، برود.

ـ جناب امین‌الدوله به اتفاق جناب ناظم‌الدوله در منزل جناب اشرف مشیرالدوله میهمان بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی غلام‌علی دباغ به رییس محله متظلم می‌شود که شوهرم بلاجهت مرا زده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده. بعد از تحقیقات معلوم شد که ضعیفه بدون اذن شوهرش به مجلس تعزیه رفته به این واسطه نزاعشان شده، صلح داده شدند.

سنگلج

ـ عبدالله‌خان، تفنگدارباشی حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر، وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه، روحی فداه که چند روز مریض بود، دیشب هفت ساعت از شب گذشته مرحوم شده است. جناب وزیر نظام جنازه او را با کمال احترام حرکت دادند.

ـ دیشب عیال مشهدی هاشم نام با شوهرش نزاعشان شده، به رییس محله متظلم می‌شود. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر نمایند. چند نفر از اهل محله جمع گردیده، آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهند.

ـ دیروز قاسم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا عیال شعبان‌علی نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی‌بزاز بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ محمودخان، پسر حاجی محمدرحیم‌خان قاجار، که مدتی قبل به زیارت عتبات عالیات مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ یکی از قاطرچی‌های میرزا عبدالله خان پیشخدمت همایونی با علی نام رعیت مشارالیه نزاع کرده، سر او را مجروح نموده. علی به میرزاعبدالله خان تظلم می‌نماید. ایشان هم فرستاده، قاطرچی را آورده، تنبیه کامل نموده، پنج هزار [دینار] از او گرفته، به علی داده، هر دو را صلح می‌دهند.

ـ حاجی فرج‌الله تاجر که با برادرش مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شدند. کسان مشارالیهما تشریفاتی برای ورود آنها ترتیب داده بودند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته دکان مسگری باز بود. پلیس‌های گردشی رسیده، ملاحظه کرده، معلوم می‌شود که صاحب دکان فراموش نموده، دکانش را باز گذارده، رفته است. فوراً صاحب دکان را حاضر نموده، دکان را بی‌عیب و نقص دیده، بسته، می‌رود.

چالمیدان

ـ حسن نام الاغچی حاجی سیدحسین‌لاریجانی که در ده‌خیر ساکن بود امروز پنج ساعت به غروب مانده چند رأس الاغ جلو انداخته، از میدان جناب امین‌السلطان می‌رفته. یکی از الاغها خربوزه میرزا آقانام میوه‌فروش را که در میدان دکان دارد، دندان می‌زند. به این واسطه نزاعشان شده، میرزاآقا با مشت به پهلوی مشارالیه زده، بعد از ساعتی فوت می‌نماید. نایب نصرالله گماشته جناب امین‌السلطان که نایب میدان است، میرزاآقا را گرفته، نزد معزی‌الیه می‌برد. مراتب در راپورت علیحده به عرض حضور حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر، وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه، روحی فداه رسیده و هم به جناب امین‌السلطان نوشته شد، مرقوم داشتند که قاتل در انبار حبس است.

ـ یک دستگاه چادری که حسب‌الامر سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحی فداه برای امامزاده سیداسمعیل آورده بودند، دیروز به واسطه باد افتاده، به کسی صدمه وارد نیامده ولی چادر پاره شده، مشغول تعمیر آن هستند.

محله بازار

ـ دیروز حاجی عباس‌قلی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه* ترتیب داده بودند.

ـ دیروز ضعیفه‌ای طرف عصر به رییس محله اظهار می‌دارد که طفل پنج ساله من به کوچه آمده، مفقود شده است و زیاد از حد اضطراب و گریه‌زاری داشت. رییس محله چند نفر پلیس فرستاد، جستجو نموده، بعد از ساعتی طفل را پیدا کرده، به دست مادرش می‌سپارند، نهایت امتنان را حاصل می‌نمایند.

ـ دیشب مشهدی هاشم‌بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که حسن نام شاگردم، مقداری اسباب مرا دزدیده، متواری بود. امشب او را پیدا کرده‌ام. رییس محله فرستاده، مشارالیه را آورده، بعد از

---

*. اصل: مشارالیها

تحقیقات قرار گذارده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب عیال آقامحمدعلی نام با دختر شوهرش نزاعشان شده، بنای زد و خورد را گذارده بودند. همسایه‌ها جمع شده، آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهند.

ـ حاجی‌احمد تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده امروز وارد دارالخلافه شده کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ (۶) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ حبیب‌الله خان ساعدالدوله دو سه روز است مریض شده‌اند. جناب دکتر تولزان* ایشان را معالجه می‌کند. دیروز جمعی از اعیان و ارکان به عیادت معزی‌الیه رفته بودند.

ـ میرزامحمدحسین، پیشکار ساعدالدوله چند روز مریض گردیده، دیروز مرحوم شده است. جنازه او را احترام برداشته در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ وزیر مختار اتریش به تمام نوکرها و قراول‌های سفارت خود سفارش کرده که از هر کجا پاکت یا پیغامی می‌آورند یا کسی به دیدن من می‌آید اول به من اطلاع بدهید که از کجا است و کیست اگر صلاح بدانم او را بخواهم والا بگویید در سفارت نیست. روز گذشته پاکتی از سفارت آلمان آورده بودند. قراول اشتباهاً به وزیر مختار اطلاع می‌دهد که از سفارت‌ینگی دنیا پاکت آورده‌اند. وزیر مختار می‌گوید بگو حال موقع [مناسب] نیست. بعد از ساعتی وزیر مختار بیرون آمده که

---

*. اصل: طولزن

سوار شود، نوکر سفارت آلمان پاکت را آورده می‌دهد می‌گوید یک ساعت است معطل هستم، وزیر مختار به قراول تغیر زیاد می‌کند که چرا اشتباهاً خبر دادی که نوکر سفارت آلمان معطل شود. بعد هم پاکت راگرفته، خوانده، جواب نوشته داده است.

ـ زن اسمعیل فراش همایونی چندی قبل با شوهرش نزاعشان شده از قرار تقریر همسایه‌ها، جهت نزاع این بوده که فراش معروض به خانه آمده ملاحظه می‌کند که زنش با یحیی نام، پسرعموی خود نشسته، صحبت می‌دارند و ضعیفه که در حضور شوهرش از مشارالیه حجاب می‌کرده، در غیاب او صورتش را باز کرده است، اسمعیل هم از راه تعصب و غیرت به مشارالیها می‌گوید ترا می‌کشم. ضعیفه از ترس فراراً به حضرت عبدالعظیم رفته، متحصن شده، هر قدر شوهرش اسباب فراهم کرده نیامده، طلاق می‌خواهد.

سنگلج

ـ سعادت‌قلی نام کنگاوری که با استاداصغر نام آمد و رفت داشته، در موقعی سه تومان پول مشارالیه را سرقت می‌نماید. اجزای پلیس مستحضر گردیده، مشارالیه را دستگیر کرده، به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ زن استادخیری نام با شوهرش نزاعشان شده. مشارالیها مقداری تریاک می‌خورد. کسانش مستحضر گردیده، او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیروز جنازه عبدالله خان تفنگ‌دار باشی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا آقای نایب السلطنه، امیرکبیر، وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه روحی فداه را باکمال تجمل و احترام به امامزاده زید حمل کرده، امانت گذاردند که به عتبات عالیات ببرند. سهام‌الدوله، جناب میرزاعیسی، ساری اصلان، میرزاسیداحمد مستوفی، حاجی نصرالله میرزا، جناب میرزاجواد آقای مجتهد با جمعی کثیر از اهل محله و غیره تشییع جنازه کرده بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی محمدعلی نام به رییس محله متظلم می‌شود که مقداری اسباب مرا زن رضانام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیها را حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

عودلاجان

ـ مشهدی ابراهیم خباز که درگذر سرچنبک دکان دارد مقداری گندم از میرزاعبدالله، منشی

اقبال‌السلطنه، گرفته که نان بدهد. دیروز نایب غلامعلی، نایب فراشخانه جناب معزی‌الیه، رفته، نان بگیرد، خباز مهر نان خواسته، به این واسطه نزاعشان شده، نایب غلام‌علی او را می‌زند. او هم رفته، به گماشتگان حکومت عارض شده، مأمور آورده، بعد از تحقیقات آنها را صلح می‌دهند.

ـ از اول ماه محرم حاجی باقرنام طباخ، مخارج شام روضه خوانی جناب اقبال‌السلطنه را از قرار خوانچه[ای] چهارده هزار [دینار] مقاطعه کرده بود. حاجی نام، طباخ خود معزی‌الیه، مدعی مشارالیه بود. از قرار مذکور شاگردهای حاجی محض لجاج و عداوت‌نشادر در برنج ریخته، شام را ضایع کرده بودند. جناب معزی‌الیه حاجی باقر را چند ساعت متوقف داشته و هم تنبیه کرده و حاجی، طباخ خود را آورده، طباخی را به او واگذار کرده‌اند.

ـ عیال مشهدی ابراهیم، متولی تکیه عودلاجان، که در بالاخانه گوشوار تکیه منزل دارد، از بالاخانه بر حسب اتفاق افتاده، اندک صدمه به او وارد آمده ولی از مخاطره دور است.

ـ حاجی فرج‌تاجر که به اتفاق برادرش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها، تشریفاتی برای ورود مشارالیها ترتیب داده بودند.

چالمیدان

ـ حاجی محمدحسین، برادرزاده، حاجی محمدحسن‌امین‌دارالضرب، مریض بود مدتی، دیروز مرحوم شده است، جنازه او را با احترام برداشته و مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از تجار و اهل محله در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ علی‌مراد زنبورکچی با حسین نام نزاعشان شده، علی‌مراد به کارگزاران حکومت عارض شده، مأمور آورده، اهل محله جمع گردیده، آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب مشهدی ابراهیم نام در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم (ع) گریبان تقی نام را گرفته مطالبه ده تومان طلب می‌کرد. مشارالیه انکار داشت. به این واسطه می‌خواستند نزاع کنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قرار می‌دهند که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب طفل پنج ساله عیال رضا نام به کوچه آمده، مفقود می‌شود. مادرش گریه‌کنان نزد رییس محله رفته، اطلاع می‌دهد. رییس محله فوراً چند نفر پلیس فرستاده، جستجو نموده، طفل را بعد از ساعتی پیدا کرده، به دست مادرش می‌سپارند. با کمال امتنان می‌برد.

ـ حاجی اصغر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که رحیم نام پسر من اطاعت مرا نمی‌کند و با

جهال می‌نشیند. خواهش دارم او را تهدید نمایید. رییس محله فرستاد، مشارالیه را آورده، چند ساعت در قراولخانه نگاه داشته و التزام می‌گیرد که من بعد مخالفت پدرش را نکند.

محله بازار

ـ دیروز طفل هشت ساله مشهدی علی نام هنگامی که کسانش به خانه همسایه رفته بودند به حوض افتاده، نزدیک بود خفه شود. ضعیفه‌ای از همسایه‌ها رسیده او را بدون صدمه بیرون می‌آورد.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضای بزاز بود و کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز کربلایی اصغربزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که محمدعلی شاگردم، بعضی اسباب مرا دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازم التزام گرفته شد که طرفین بعد از عاشورا در محضر شرع مطاع حاضر شده، طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب عیال استادرضاقلی بنا به واسطه پسر شوهرش با شوهرش نزاعشان شده مشارالیها به رییس محله متظلم می‌شود، رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر نمایند. چند نفر از بستگان آنها جمع شده، طرفین را صلح می‌دهند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ بشیرسیاه [را] برای ادعای آقاسیدحسین نام از چالمیدان آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۷) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ میرزاملکم خان ناظم‌الدوله به اتفاق وزیر مختار اتریش در سفارت انگلیس میهمان بودند. دیشب اول شب به سفارت رفته، چهار ساعت از شب رفته مراجعت کردند. ماژورولس رییس تلگرافخانه انگلیس با خانمش هم در آن جا بودند.

ـ جناب مخبرالدوله و جناب امین‌حضور و جناب امین‌الحضره و نواب امیرآخور و کشیکچی‌باشی و جناب حاجی میرزاعباس‌قلی، دیروز به عیادت ساعدالدوله رفته بودند.

ـ غلام‌علی بیگ گماشته جناب حکیم‌الممالک مبلغی به مشهدی علی‌اصغر عطار مقروض بود. دیروز مشارالیه گریبان او را گرفته، مطالبه طلب خود را می‌کرده. مشارالیه مدعی را زده، به این واسطه می‌خواستند نزاع نمایند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قرار می‌گذارد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان سقط‌فروشی باز است [و] صاحبش فراموش کرده، دکان را باز گذارده، رفته است. فوراً صاحبش را حاضر نموده، مشارالیه دکان را بسته، نهایت امتنان را حاصل می‌نماید.

ـ دیروز عیال کربلایی غلام‌حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که سه پارچه لباس مرا زن حسین نام همسایه‌ام دزدیده است، در وقتی که به مجلس روضه خوانی رفته بودم. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد، بعد از تحقیقات لازم قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ دیشب طفل پنج ساله حاجی عظیم نام برای تماشای تکیه از خانه بیرون آمده، مفقود می‌شود.

مادر او سراسیمه به رییس محله اظهار می‌دارد. رییس محله چند نفر پلیس فرستاده، جستجو کرده، طفل را به فاصله دوساعت پیدا نموده، آورده به دست مادرش می‌سپارند، با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیروز حاجی محمدعلی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی جوادتاجر بوده. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از بستگان خودش و طلاب را دعوت نموده بودند.

ـ مشهدی حسن بقال از بابت جنس بقالی از میرزاحسن‌نام ادعای طلب می‌کرد. به این واسطه نزدیک بود زدوخورد نمایند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قراری داده، می‌روند.

ـ دیشب طفل شش ساله مشهدی تقی‌دلال، هنگامی که کسانش در خانه نبودند. به حوض افتاده، نزدیک بود خفه شود. بر حسب اتفاق برادر بزرگش رسیده، ملتفت شده، او را از حوض بدون صدمه خارج می‌نمایند.

عودلاجان

ـ محمدزمان‌بیگ، پیشخدمت جناب اقبال‌السلطنه، مبلغ هفت تومان از علی‌محمد کوره‌پز ادعای طلب داشت. به این واسطه نزاعشان شده، نزدیک بود به زدوخورد برسد. میرزاعبدالله، منشی جناب معزی‌الیه، قرار[ی] میان آنها داده، طرفین را ساکت می‌نماید.

ـ حاجی فتح‌الله تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ مشهدی علی نام سمسار به واسطه پریشانی و استیصال مقداری تریاک دیروز خورده، نزدیک به هلاکت بود. کسانش مستحضر گردیده، او را دوا داده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ پسر استاد قاسم‌بنا دیشب از بالای بام خانه مشهدی عبدالحسین بزاز که همسایه او است، به میان حیاط افتاده به بدنش صدمه وارد آمده ولی از مخاطره دور است.

ـ دیشب عیال مشهدی رضا نام با شوهرش نزاعشان شده، ضعیفه به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاده که مشارالیه را بیاورند. چند نفر از بستگان آنها جمع شده، زن و شوهر را صلح می‌دهند.

ـ دیروز کربلایی غلام‌رضای بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که محمدهادی دست‌فروش که پارچه لباس از من گرفته بفروشد، مدتی است به دفع‌الوقت می‌گذراند. امروز مطالبه کردم، با من بنای نزاع را گذارده، رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه ضامن از مشارالیه گرفته شد که قیمت اسباب او را ده روزه بدهد.

چالمیدان

ـ مشهدی حسین‌بقال دیروز به رییس محله اظهار می‌دارد که یک تومان از بابت جنس بقالی از محمدجعفر نام طلب دارم. مطالبه کردم، با من نزاع نموده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب حاجی حسن‌نام، علی نام نوکرش را، نزد رییس محله فرستاده، شکایت می‌کند که به من بی‌احترامی کرده است. رییس محله می‌خواهد او را به اداره بفرستد [تا] تحقیقات به عمل آید. بعد از ساعتی آقایش فرستاده، شفاعت نموده و از تقصیر او می‌گذرد.

ـ دیشب مشهدی کریم نام با زنش نزاعشان شده، بنای قیل وقال و نزاع را می‌گذارند. همسایه‌ها جمع گردیده، آنها را صلح می‌دهند.

محله بازار

ـ دیروز عصر ضعیفه‌ای گریبان زن تقی‌نام همدانی را گرفته، مطالبه پنج‌هزار [دینار] طلب می‌کرد. مشارالیها منکر بود. به این واسطه قیل وقال می‌کردند. اجزای پلیس رسیده، طرفین را ساکت کرده، قرار می‌گذارند که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز مشهدی کریم نام از خانه‌اش که بیرون می‌رفته، به عیالش می‌گوید یک ظرف مس بده بیاورند برای شب قتل روغن بدهم بیاورند. شخص طراری این حرف را شنیده، بعد از ساعتی رفته، به طراری یک ظرف گرفته، می‌رود. مشارالیه هم می‌فرستد و ظرف می‌خواهد. معلوم می‌شود که آن شخص نیرنگ زده است. اجزای پلیس مستحضر گردیده، آن شخص را تعاقب نمودند که دستگیرش کنند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی نام بوده. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۸) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ وزیرمختار فرانسه روز گذشته از ییلاق شمیران به شهر آمده در سفارت‌خانه خود منزل کرده است.

ـ سفیرکبیر عثمانی با شارژدافر خود از شمیران به شهر آمده تا عصر در سفارت بودند. بعد مراجعت نمودند. از قرار مذکور تا اواخر ماه محرم هم در ییلاق خواهند بود.

ـ ولی‌خان سرتیپ، پسر ساعدالدوله، چهار بار تخم درخت جنگلی از تنکابن نزد ساعدالدوله فرستاده است. از قرار تقریر نوکرهای معزی‌الیه، ساعدالدوله ولی‌خان را به تهران احضار نموده است.

ـ پسر بارون اشتوداخ چند شب است که از شمیران به شهر آمده،در خانه قاسم نام، نوکر خودش، منزل کرده است، همه شب آن جا است. اغلب شبها هم قاسم معروض به شمیران می‌رود. چند نفر از اهل محله و همسایه‌ها به نایب محله شکایت می‌کردند که قاسم بی‌غیرت است، فرنگی را آورده، در خانه‌اش منزل داده و خودش به شمیران می‌رود. اداره پلیس در صدد تحقیقات است که این شخص برای چه آن جا می‌رود.

ـ روز گذشته هفته فوت دختر جناب مخبرالدوله بوده، عیال جناب معزی‌الیه میوه و شیرینی زیادی ترتیب داده، با جمعیتی از نسوان محترمه به مقبره آن مرحومه رفته، بعد از مراسم تعزیه‌داری مشارالیها به حدی گریه و زاری کرده بود که بی‌حال شده، می‌افتد، سایر زنها او را به حال آورده، به خانه‌اش می‌برند.

سنگلج

ـ دیشب عیال کربلایی غلام‌رضا نام با شوهرش نزاعشان شده، مشارالیها محض تهدید او جزیی

تریاک می‌خورد. کسانش او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که از دکان علافی دود زیادی بیرون می‌آید. نزدیک رفته، معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری کاه آتش گرفته، نزدیک است سایر اجناس دکان آتش بگیرد. فوراً اقدامات لازمه نموده، آتش را برطرف می‌نمایند.

ـ حاجی رضا نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بوده است. کسانش جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده، مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز مشهدی حسن‌عطار از حسین‌نام مطالبه پنج هزار دینار پول قند و چای می‌کرد. به این واسطه نزدیک بود نزاع و زدوخورد بکنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، قراری داده، می‌روند.

ـ دیروز قاسم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که یک عدد دیگ از خانه من رضا نام، شاگرد علاف، دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ استادعلی‌قلی نام دیروز در بازار گریبان محمدحسین مکاری را گرفته، اظهار می‌کرد که یک رأس الاغ سال قبل در بین راه مشهد مقدس از من سرقت کرده‌اند، پیش تو است. مشارالیه اظهار می‌نمود که الاغ را از یک نفر دلال خریده‌ام. به این واسطه قیل و قال می‌کردند. اجزای پلیس رسیده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که محمدحسین اطمینان بدهد، ده روزه آن دلال را حاضر کند والا خود از عهده برآید.

چالمیدان

ـ دیشب طفل هفت ساله محمدرضا نام با طفل استاد حسین بنا بازی می‌کردند. در بین بازی نزاعشان می‌شود. بنای زدوخورد را می‌گذارند. مادرهای آنها به حمایت اطفال خود برآمده، می‌خواستند مفسده برپا نمایند. نایب محله رسیده طرفین را ساکت کرده به خانه‌های خودشان

معاودت می‌دهد.

ـ دیروز طفل میرزاصادق یزدی هنگامی که کسانش به مجلس روضه همسایه رفته بودند، به حوض افتاده مشرف به هلاکت می‌شود. بر حسب اتفاق یکی از اهل خانه برای حاجتی به خانه معاودت کرده، طفل را از آب بیرون آورده، حکیم حاضر می‌نمایند و او را معالجه می‌کنند.

ـ ضعیفه‌ای به رییس محله متظلمه می‌شود که پسر شوهرم مرا بلاجهت زده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم گردید که شوهر ضعیفه در شهر نیست. دیروز به مجلس تعزیه رفته، پسر شوهرش مؤاخذه نموده، به این واسطه نزاعشان شده، چون منازعه جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

محله بازار

ـ دیشب شب سال فوت برادر میرزامحمدعلی شیرازی بوده، چند نفر از اهل محله و کسبه و طلاب را دعوت کرده، مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز ضعیفهٔ گدایی به خانه استادحیدر نام رفته. هنگامی که اهل خانه به خانه همسایه رفته بودند یک آفتابه مس سرقت کرده، می‌خواسته برود. طفلی او را دیده، بنای داد و فریاد را گذارده تا اهل خانه خبر شده، می‌آیند مشارالیها آفتابه را انداخته فرار می‌نماید. اجزای پلیس مترصد گرفتاری ضعیفه هستند.

ـ دیشب حسن نام از مادرش یکهزار [دینار] پول می‌خواهد، نمی‌دهد. با او نزاع کرده به مادرش فحاشی می‌کند. مشارالیها به رییس محله متظلمه می‌شود. رییس محله می‌فرستد او را حاضر می‌نمایند. بعد از ساعتی خود ضعیفه به توسط آمده، پسرش را می‌برد.

ـ دیشب یک رأس الاغ بلاصاحب پلیسها دیده، به قراولخانه رییس محله می‌برند. بعد از دو سه ساعت صاحب الاغ پیدا شده، نشانی داده، مسترد می‌دارد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۹) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ شیخ مهدی، پدر حسن خان سرهنگ توپخانه قزاق، در تفلیس فوت شده است. روز گذشته خبر فوت او را به سرهنگ معروض دادند. مشارالیه در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب داده، مستوفی نظام، کریم خان سرتیپ ارومیه، علی خان سرهنگ قزاق، اسمعیل خان سرهنگ قزاق با جمعیتی زیاد از اهل محله و غیره در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ دیروز یک ساعت به غروب مانده، جناب آصف‌الدوله، ظهیرالدوله، بشیرالملک به دیدن جناب ناظم‌الدوله رفته غروب مراجعت کردند.

ـ باغبان‌باشی به رییس محله اظهار می‌دارد که یک نفر کنیز دو ماه است از خانه من فرار کرده. در این مدت در تفحص او بودیم تا این که امروز اهل خانه او را در تکیه بربریها میان جمعیت زنها دیده‌اند. خواسته بودند مشارالیها را به خانه ببرند، تمکین نکرده و از چنگ ایشان فرار کرده است و به خانه مصطفی خان سرتیپ رفته. در این مدت هم آن جا بوده. بفرستید کنیز را بیاورند. رییس محله فرستاده، کسان سرتیپ مذکور گفته بودند که این ضعیفه کنیز زرخرید نیست. از اهالی قزوین است. چندی در خانه باغبان‌باشی خدمتکار بوده، به واسطه سختی و صدمه از آن جا بیرون آمده، هر گاه باغبان‌باشی حرفی با او دارد، من هم ضعیفه را حاضر کرده، رفع ادعای مشارالیه را می‌کنم. رییس محله ضعیفه را سپرده تا این که گفتگوی آنها قطع شود.

چالمیدان

ـ نوکر حاجی میرزامحمدعلی رییس گمرک مشهد مقدس به رییس محله اظهار می‌دارد که حاجی محمدنام نزد آقای من نوکر بود. یک عدد سرغلیان نقره برداشته فرار کرده، رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه ضامن از او گرفته شد که بعد از عاشورا

حاضر شده، طی گفتگوی ایشان شود.

ـ حاجی آقای سبزی فروش با حسین انارفروش که هر دو در میدان کاه‌فروشها کسب می‌کنند به واسطه جزیی حسابی که با هم داشتند نزاعشان شده، حسین خود را به مرده‌بازی زده، می‌افتد. حاجی آقا از ترس فرار نموده به حضرت سیداسمعیل رفته، متحصن می‌شود. نایب محله رفته او را آورده و اهل میدان حسین را به حال آورده، معلوم می‌شود که به هیچ‌وجه به او صدمه وارد نشده است. آخرالامر طرفین را صلح می‌دهند.

ـ دیشب زن کریم نام با شوهرش برای این که مشارالیه اجازه نمی‌داد به جهت تعزیه از خانه بیرون برود نزاعشان شده، بنای زد وخورد را می‌گذارند. اهل خانه آنها را ساکت می‌کنند. بعد ضعیفه برای تهدید شوهرش جزیی تریاک می‌خورد. کسانش او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل کرده، آخرالامر شوهرش را مجبور به اجازه دادن رفتن او به تکایا می‌کند.

محله بازار

ـ کریم حداد با عیالش نزاعشان شده. مشارالیه ضعیفه را کتک می‌زند. مشارالیها رفته به ملازین‌العابدین پیشنماز واقع را تظلم می‌کند. ملازین‌العابدین کریم را احضار کرده، در همان مجلس ضعیفه را مطلقه می‌نماید.

ـ دیشب مشهدی عبدالله نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا رسول نام به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که بعد از دهه عاشورا در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

چهارسوق

ـ مناف نام که جوانک دزدی است و سابقاً مکرر به جرم دزدی حبس بوده، دو سه شب قبل تخته دکانی را برای دزدی باز کرده و بعد در میان دسته سینه زن فرار نموده بود. دیشب مشارالیه را که از تکیه مبارکه دولت بیرون آمده بود اجزای چهارسوق دستگیر کرده که به اداره بیاورند. چند نفر از گماشتگان درب حرمخانه مبارکه به حمایت او به چهارسوق آمده، می‌خواستند نزاع و مفسده نمایند. ذوالفقار بیگ نوکر معتمدالحرم رسیده، اجزای چهار سوق به ملاحظه این که نزاع نشود مناف را به او سپرده، نوشته می‌گیرند. از اداره پلیس به معتمدالحرم نوشته شد که او را قدغن نمایند به اداره بیاورند و هم اشخاصی را که حمایت کرده، می‌خواستند نزاع نمایند تنبیه

کنند.

Count De mount forte

امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات شهر
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۱۰) محرم‌الحرام

محله دولت

ـ جناب ناظم‌الدوله وزیر مختار دیروز عصر به سفارت انگلیس رفته، بعد از یک ساعت مراجعت نمودند.

ـ حالت حبیب‌الله خان ساعدالدوله که جناب تولزان معالج ایشان است دو روز است بهتر است.

ـ ابراهیم نام سرباز که در بالاخانه‌های بازارچه جناب وزیرلشکر منزل دارد، به رییس محله اظهار می‌دارد که به تکیه رفته بودم، بعد از مراجعت ملاحظه نمودم که درب منزل مرا باز کرده‌اند و دو ثوب سرداری و عبای مرا برده‌اند و مجدداً در را بسته‌اند و محمدعلی نام عمله که با من هم منزل است برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که شرعاً طی گفتگو نمایند.

ـ نواب ارفع والا رکن‌الدوله حوالی غروب به خانه آقاسیدعلی ناظر خود رفتند. ناظر معروض تشریفاتی از قبیل قربانی و غیره برای نواب معزی‌الیه ترتیب داده بود. بعد از یک ساعت از آن جا مراجعت نمودند.

ـ یک نفر همدانی در وسط روز داخل مدرسه مروی شده به اتاق میرزافتح‌الله نام طلبه می‌رود، بعضی اسباب برمی‌دارد. طلبه معروض خواب بوده، بیدار شده، او را تعاقب کرده، دستگیر نموده، طلاب جمع گردیده، نگاهش می‌دارند. نایب محله رفته، می‌خواهد او را به اداره بیاورد، طلاب جواب می‌دهند که چون شب قتل است ما از تقصیر او گذشتیم، مرخص می‌کنیم. نایب

محله واقعه را به کدخدا راپورت داده، کدخدا می‌فرستد آقاسیدعلی دربندی که مباشر امورات مدرسه است نیز همین جواب را داده که به ملاحظه شب قتل او را رها کردیم. نایب محله در کمین است تا آن شخص را دستگیر نماید تحقیقات لازمه بشود.

سنگلج

ـ مسیوبالغ کالسکه‌ساز تبعه دولت اتریش سوار اسب سرکش بوده، در حوالی دروازه قزوین می‌رفته، اسب او را برداشته، زمین زده، فرار می‌نماید. مشارالیه برخاسته، هر قدر اسب را تعاقب می‌کند نمی‌تواند بگیرد. تا این که به سفارت خود اظهار کرده، از سفارت به اداره پلیس اطلاع دادند. از اداره پلیس به اجزای پلیس محله سنگلج قدغن گردید به فاصله شش ساعت اسب را پیدا کرده، به اداره آوردند، به سفارت مشارالیها فرستاده شد.

ـ در خانه اصلان‌خان سرتیپ توپخانه مبارکه دیشب دوازده دیگ حلیم طبخ کرده‌اند، صبح به توپچی‌ها داده بودند.

ـ دیروز سیدعلی نام خربزه‌فروش با سیدحسین نام بنا به گذر قنات‌آباد رفته، سیدحسین نام نفت‌فروش را محض عداوت کتک زده‌اند تا اجزای پلیس سر رسیده، مشارالیهما به چابکی فرار اختیار می‌نمایند. پلیس‌ها در کمین هستند که آنها را دستگیر نموده، تنبیه شوند.

ـ دیشب حسن نام با رضای سبزی‌فروش برای یک‌صد دینار نزاعشان شده، بنای زدوخورد را می‌گذارند. اجزای پلیس آنها را گرفته، نزد رییس محله می‌برند. چند نفر از اهل محله جمع شده، چون شب قتل بوده، آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیروز عیال مهدی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که دختر حاجی عزیز همسایه من دو سه پارچه لباس مرا سرقت کرده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید، طرفین به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند. که بعد از عاشورا در آن جا حاضر شده، طی گفتگو نمایند.

چهارسوق

ـ در جلوخان مسجد شاه چاه عمیقی حفر کرده‌اند. دیروز دو ساعت ونیم به غروب مانده شخصی که شناخته نشد و قدری از چشم عاجز بوده، از آن جا عبور می‌کرده بغتتاً به چاه افتاده،

نایب چهارسوق با اهالی آن جا اجماع نموده، مشارالیه را به توسط مقنی بیرون می‌آورند. سرش خورد گردیده به اعضایش صدمه کلی رسیده بود. چند دقیقه جان داشته، بعد فوت می‌نماید. جنازه او را برداشته، به بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم می‌برند. تا حال هر قدر تفتیش شده، اسم و رسم این شخص معلوم نشده است.

ـ دیشب ضعیفه [ای] طفل شش ساله‌اش را گم کرده، گریه‌کنان از بازار می‌رفته به چهارسوق که می‌رسد به پلیسها* ملتجی می‌شود. پلیس‌ها با او همراهی کرده که بنای جستجو را گذارده به فاصله دوسه ساعت طفل را در حوالی حضرت عبدالعظیم پیدا کرده، به دست مادرش می‌سپارند، می‌برد.

محله بازار

ـ دیشب نایب حسن، نایب قاطرخانه مبارکه، به رییس محله اظهار می‌دارد که حاجی محمدسمنانی شاگرد خباز همسایه من است. یک رأس الاغ سرقت نموده، به خانه‌اش آورده، بسته است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، حاجی محمد اظهار می‌دارد که پسر من نزد استاد رجب‌علی نعلبند شاگرد است. دیروز استادش به حضرت عبدالعظیم (ع) می‌رفته، دم دروازه به گاری نشسته، الاغ را به پسر من می‌دهد که به خانه‌اش ببرد. پسره چون وقت گذشته بود، الاغ را به خانه من آورده که صبح ببرد. رییس محله فرستاد تحقیقات لازمه به عمل آورده، معلوم می‌شود که مشارالیه صدق گفته و مطلب به نایب حسن معروض مشتبه گردیده است.

ـ دیشب عیال مشهدی رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که پسر شوهرم مرا بلاجهت زده است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را حاضر نمایند. چند نفر از بستگان طرفین جمع شده، آنها را صلح داده، از ضعیفه تحصیل رضایت می‌نمایند.

ـ دیشب طفل هفت ساله مشهدی حسن نام هنگامی که مادرش مشغول طبخ بوده در اتاق بازی می‌کرده، یک مرتبه چراغ لامپ افتاده، آتش گرفته لباس دختر نیز آتش می‌گیرد. کسانش مستحضر گردیده، آمده آتش را خاموش می‌نمایند. اندکی به بدن او جراحت رسیده و از مخاطره دور است.

Count De mount forte

---

*.اصل: پولیسها

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۱۱) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ ابوالقاسم بقال جزیی طلبی از عباس نام پسر حسن‌قره داشته، مطالبه کرده. عباس معروض با او نزاع نموده و قمه کشیده، بنای هرزگی و شرارت را می‌گذارد. نایب محله با پلیس‌های خود مستحضر گردیده، تا می‌رسند، چون منزل مشارالیه نزدیک بود، فرار اختیار می‌نماید. قدغن شد که عباس را دستگیر کنند تنبیه شود.

ـ کاظم نام، قصاب سفارت انگلیس، گریبان نوروزالاغچی را گرفته، اظهار می‌کرد که، هجده رأس گوسفند در خانی‌آباد از من سرقت کرده، به تجریش برده فروخته، نایب محله رسیده، تحقیق کرده، معلوم می‌شود که نوروز و داراب و پنج‌علی نامان به اتفاق گوسفندهای او را برده، در تجریش فروخته‌اند و میرزابابا فراش سفارت فرانسه هم از آنها ضمانت کرده، مبلغی از پول گوسفندها را از آنها گرفته است. نایب محله فوراً آن دونفر را هم حاضر نموده با نوروز به اداره آورده، متوقف و در تحت استنطاق هستند و مراتب به وزارت خارجه نوشته شد که بفرستند از سفارت فرانسه میرزابابا را هم حاضر نمایند تا تحقیقات کامله بشود.

ـ عبدالله خان کردستانی که می‌گوید [از] اجزای وزارت خارجه هستم با محمدرحیم نام کردستانی منازعه می‌کردند. نایب محله رسیده، آنها را به اداره آورد. بعد از تحقیقات معلوم گردید که محمدرحیم کردستانی مذکور هشت تومان از مشارالیه ادعای طلب دارد. به این واسطه منازعه می‌کردند. طرفین به محضر شرع مطاع رجوع شدند. در آن جا عمل آنها ختم شد که پنج تومان عبدالله خان به او بدهد.

ـ دیشب مشهدی حسن نام به رییس محله اظهار می‌دارد که زن تقی حمال مبلغ دوتومان وجه نقد از جعبه عیال من سرقت کرده است. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده چون دزدی او به وجه ثبوت نرسید، قرار داده شد که موافق شرع انور طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ حسین نام شاگرد قصاب در دکانش نشسته بوده، یک مرتبه دیوار دکان روی او خراب شده، سرش اندکی مجروح شده، دیگر صدمه به مشارالیه وارد نیامده است.

ـ دیشب عیال مرحوم ملاعلی‌اکبر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که طفل پنج ساله من اول غروب از خانه بیرون آمده مفقود شده است. هر قدر جستجو کردم او را پیدا نکردم. زیاد گریه و زاری می‌نمود. رییس محله چند نفر پلیس فرستاد تفحص نموده، طفل را بعد از دو ساعت در حوالی دروازه قزوین پیدا کرده، آورده، به دست مادرش می‌سپارند، با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز وقت مغرب جناب آصف‌الدوله با کالسکه به خانه خودشان می‌رفتند. چند نفر از نوکرهای سقاباشی و غیره از اهل گذر سرتخت نشسته بودند. در وقت عبور معزی‌الیه تواضع و حرکتی نمی‌کنند. جناب معزی‌الیه به خانه که وارد می‌شوند، چند نفر از عمله‌جات خودشان را می‌فرستد به اتفاق فراشباشی که آنها را برای این که تواضع و حرکتی نکرده بودند، بگیرند، ببرند، تنبیه نمایند. به این واسطه نزاعشان شده، بنای زد وخورد را می‌گذارند. اجزای پلیس و اهل گذر آنها را ساکت و متفرق می‌کنند.

ـ والده میرزا محمدحسین لشکرنویس نوری که مدتی مریضه بود به رحمت ایزدی پیوسته. در خانه مشارالیه مجلس ختم ترتیب دادند. جناب وزیرلشکر فرستاده، ختم را برچیدند.

ـ دیشب طفل پنج ساله مشهدی هاشم نام به حوض افتاده، نزدیک به هلاکت بوده، کسانش رسیده او را بیرون آورده. حالتش منقلب بوده، حکیم حاضر نموده، او را معالجه و مداوا

می‌نمایند، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب عیال رضا نام به واسطه یک ثوب زیرجامه که از او مفقود شده است، با زن استادحسین همسایه‌اش، نزاع و زدوخورد می‌کردند. اهل خانه جمع شده، آنها را ساکت کرده قرار می‌گذارند که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیس‌های گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده به اداره آوردند. صبح، صاحبش می‌رود، به رییس محله اطلاع بدهد که الاغ او گم شده، پیدا شدن الاغ را به او می‌گویند. مشارالیه آمده، الاغ را گرفته، امتنان حاصل کرده، می‌رود.

ـ دیشب شب چهلم فوت عیال حاجی جعفر نام بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدعلی بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که یک نفر کنیز من به اسم این که به مجلس روضه خوانی می‌روم، از خانه بیرون رفته، دو روز است نیامده است و مفقودالاثر است. رییس محله فرستاده جستجو کرده کنیز را از امامزاده سیداسمعیل پیدا نموده، اطمینان داده، آورده، به دست صاحبش می‌سپارند.

ـ حاجی کریم تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ علی نام مکاری به رییس محله متظلم می‌شود که یک رأس الاغ سال قبل در خارج شهر از من سرقت شده است. حالا نزد مشهدی حیدر علاف دیده‌ام. رییس محله علاف را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازم معلوم شد که مشارالیه، الاغ را از سیدحسن نام خریداری کرده است. التزام و اطمینان گرفته شد که برود، فروشنده را حاضر نماید.

ـ شخص طراری به درب دکان مشهدی محمدحسن نام رفته، از وضع صحبت او با رفقایش از حالت شب که او در خانه‌اش بوده، اطلاع حاصل کرده و خانه او را فهمیده به درب خانه مشارالیه رفته، نشانی داده یک مجموعه گرفته، می‌رود. شب که مشارالیه به خانه می‌رود، معلوم می‌شود

که آن شخص این نیرنگ را زده است. نایب محله مستحضر گردیده، به حدس* آن شخص را شناخته، تعاقبش کرده تا دستگیرش نماید.

ـ میرزا حسن نام به رییس محله اظهار می‌دارد که علی نام، مهتر من بعضی اسباب مرا سرقت کرده، رفته نزد میرزامحمدحسین عموی من نوکر شده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که مشارالیه دزد نیست. قرار داده شد که در محضر شرع مطاع به قید قسم طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۳) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ عباس‌قلی نام ترک قصاب در کوچه گریبان رجب نام قصاب را گرفته به ادعای بیست‌وپنج هزار [دینار] با هم منازعه و قیل وقال می‌کردند. اجزای پلیس آنها را به اداره آوردند. بعد از تحقیقات معلوم شد که سابقاً با هم شریک بودند. شراکت را که فسخ کردند این مبلغ را اختلاف حساب پیدا کردند. طرفین به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب یک ساعت از شب گذشته پلیس‌های گردشی ملاحظه می‌نمایند که در گوشه خیابان شخصی افتاده، ناله می‌کند. نزدیک رفته معلوم می‌شود که جوانک ملایری فقیری است. به واسطهٔ شدت ناخوشی و ضعف زبانش قوه تکلم ندارد. همین قدر گفته بود که چند روز است مریض شدم. رفقایم مرا به دوش کشیده، آورده که به مریضخانه ببرند، در این جا انداخته،

---

*. اصل: حدث

رفته‌اند. پلیس‌ها او را به قراولخانه برده در صدد معالجه برمی‌آیند، حاصلی نکرده، هفت ساعت از شب رفته فوت می‌شود. یکی از نواب کالسکه‌خانه سرکاری رسیده، جنازه او را داده، می‌برند، کفن ودفن می‌نمایند.

مادر زن آقادایی آبدار سرکاری که مدتی مریضه بود، دیروز مرحومه شده است. جنازه او را با کمال احترام برداشتند و در مسجد جناب امین‌السلطان امانت گذاشتند که به عتبات عالیات ببرند.

ـ دختر دوساله وت صاحب، معلم زبان آلمانی که مریضه بود، فوت شده است، نعش او را به کلیسای دروازه قزوین حمل نمودند که از آن جا ببرند، دفن نمایند.

ـ شجاع‌الملک طرف عصر در خانه‌اش مجلس روضه خوانی ترتیب داده بود. چون در تکیه نواب علیه عالیه قمرالسلطنه هم عصر تعزیه می‌خوانند، به این واسطه مردم به تعزیه می‌روند و چندان جمعیتی در خانه معزی‌الیه نبود. به این ملاحظه ایشان هم روضه خوانی عصر را به صبح مبدل نمودند و دیروز در تکیه معروض تعزیه وفات حضرت صدیقه طاهره را خواندند.

ـ در تکیه عربها تعزیه وفات حضرت خدیجه را خوانده بودند. جمع کثیری از مردوزن اهل محله مستمع بودند.

ـ حیدرقلی آقا نایب اول احتساب در خانه‌اش طرف صبح مجلس روضه خوانی دارد. شش نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از مردوزن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

سنگلج

ـ دیروز محمدکریم نام تنباکوفروش فاحشه[ای] را برای ارتکاب عمل شنیع به خانه مرحوم میرزاابوالحسن خان ایلچی که خانه بزرگ مخروبه‌ای است می‌برد. اجزای پلیس مستحضر شده، کمین کرده، که بعد از بیرون آمدن دستگیرش کنند. محمدعلی خان نواده مرحوم میرزاابوالحسن خان که نوکر جناب قوام‌الدوله است با برادرش به پلیس بنای فحاشی راگذارده، او را می‌زنند که چرا درب خانه ما ایستاده‌ای و داخل خانه می‌شوند. به جناب معزی‌الیه اطلاع داده شد که آنها را تنبیه نمایند.

ـ دیشب حاجب‌الدوله با جمعی از مستوفیان عظام و طلاب در مجلس روضه خوانی جناب معاون‌الملک حضور داشتند.

ـ جناب قوام‌الدوله روز قبل طرف عصر در باغ خودشان بودند دو ساعت به غروب مانده

شارژدافر سفارت انگلیس به باغ رفته جناب معزی‌الیه را ملاقات نموده، مراجعت کرده بود.
ـ میرزاعلی محمدخان ناظم‌دارالانطباعه در خانه‌اش شبها مجلس روضه خوانی دارد. دیشب جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ جناب میرزاحسن آشتیانی در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. بعد از ظهر شروع و غروب ختم می‌شود. دیروز نواب ارفع والا رکن‌الدوله، نواب ارفع والا عزالدوله، نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله و جناب حاجی علاءالملک و مؤتمن‌السلطنه با جمعی کثیر از طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند.

عودلاجان

ـ جناب اقبال‌السلطنه دیشب در خانه مشیر خلوت بودند. پنج ساعت از شب گذشته مراجعت کردند.
ـ میرزامحمدعلی بزاز که مدتی قبل با برادرش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیها ترتیب داده بودند.
ـ یوزباشی عبدل، یوزباشی فراشخانه مبارکه، در حوالی محله یهودیها خانه دارد. نهر آبی پشت خانه‌اش هست که یهودیها هم از آنجا آب می‌برند. چون این نهر برای خانه مشارالیه اسباب ضرر بوده، دیروز می‌خواسته نهر را پر کند. چند نفر یهودی آمده، مانع شده، به این واسطه نزدیک بود زدوخورد بکنند. نایب محله آنها را ساکت کرده به اتفاق گماشته وزارت خارجه قرار می‌دهند که موافق تصدیق معمار طی گفتگو نمایند.
ـ در خانه مرحوم قوام‌الدوله دیروز تعزیه دیر سلیمان را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا مستمع بودند.
ـ مهدی خان قاجار شبها در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. دیشب جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ دیشب در خانه حاجی مهدی‌قلی خان قاجار مجلس روضه خوانی بوده است، جمعی از خوانین قاجار و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.
ـ حاجی علی‌اکبر شیرازی تاجر در خانه‌اش مجلس روضه خوانی فراهم کرده است. دیروز سراج‌الملک، جمعی از تجار و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از طلاب مدرسه سعدیه و تجار و اهل محله در مجلس روضه خوانی حاجی سیداسمعیل صراف حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.

چالمیدان

ـ مشهدی نعمت‌الله بقال به رییس محله اظهار می‌دارد که پنج‌هزار دهشاهی از مرادعلی الاغچی طلب دارم، مطالبه کردم، با من نزاع نموده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ جعفر بنا با مشهدی مصطفی نام در دکان خبازی نزاعشان شده، می‌خواستند زدوخورد نمایند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده، روانه می‌کند می‌روند.

ـ در تکیه حمام خانم تعزیه شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی از مردوزن مستمع بودند.

ـ حاجی شکرالله خان تفنگ‌دار همایونی در خانه‌اش روضه خوانی ترتیب داده، پنج نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه آقاسیدجواد حکیم مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از سادات و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی پاشاخان سرتیپ جمعی از صاحب منصبان نظامی و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی ابوالقاسم بزاز بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب جناب حاجی میرزاعباس‌قلی و جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه خوانی نواب ارفع والاحاجی معتمدالدوله حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از تجار کاشانی و طلاب در مجلس روضه خوانی جناب ملامحمدتقی کاشانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدحسین، تاجر کاشی، دویست تومان از محمدرضا و حیدرعلی بزاز که هر دو با هم شریک هستند طلب داشته، مطالبه می‌کند، نزاعشان می‌شود. حاجی معروض به نواب ارفع والا ملک‌آرا عارض می‌شود. نواب معزی‌الیه فرستاده‌اند، آن دو نفر را برده، بعد از تحقیقات حبس می‌نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدرضای تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عیال مشهدی رحیم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا پسر استادعلی نام دزدیده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را آورده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ نوروز و حسین [را] برای فریب دادن کنیز شخصی، از محله دولت به اداره آوردند، در تحت تحقیقات هستند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۱۴) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ وزیر مختار فرانسه هفت روز است با چند نفر قوشچی* که به توسط جناب اشرف مشیرالدوله از نواب امیرآخور خواسته بود به شکار رفته است. کاپیتان ولس رییس تلگرافخانه انگلیس هم روز قبل به عزم شکار از شهر خارج شده است.

ـ بهرام خان غلام کشیکخانه مبارکه به رییس محله اظهار می‌دارد که الله‌کرم نوکر من یک رأس الاغ با چند بار زغال مرا به طور سرقت برده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده

---

*. نگاهدار پرندگان شکاری (لغت‌نامه دهخدا)

با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون الله کرم مقصر بود و تقلب کرده بود، متوقف گردید تا قراری بدهد.

ـ مهترهای اصطبل توپخانه مبارکه که از سیدحسن نام مقداری هندوانه خریده، برده، پاره کرده، آورده، می‌خواسته پس بدهد. مشارالیه قبول نکرده، او را کتک می‌زند. در این بین موکب فیروزی کوکب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه که به حضرت عبدالعظیم تشریف‌فرما می‌شدند، مشارالیه به خاکپای مبارک متظلم گردید. اجزای پلیس او را به اداره پلیس آورده، در باب او شرحی به محمدحسین خان پیشخدمت همایونی رییس اصطبل توپخانه مبارکه، نوشته شد که مهترها را تنبیه نموده از سید تحصیل رضایت نمایند.

ـ جناب لشکر نویس‌باشی، طرف عصر در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. هفت نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه می‌خوانند. دیروز سهام‌الدوله، ناظم خلوت مستوفی نظام، جناب حاجی میرزاعباس‌قلی با جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی حیدرقلی آقا نایب اول احتساب جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی شجاع‌الملک جمعی کثیر از اهل نظام، طلاب و سادات مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ در تکیه نواب علیه عالیه قمرالسلطنه تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه عربها تعزیه شهادت طفلان مسلم را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله حضور داشتند.

سنگلج

ـ دیشب نواب والا سیف‌الملک با جمعی از طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب معاون‌الملک حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ مشهدی حسین و شاطرعباس خباز نزاع و بی‌نظمی می‌کردند. گرفتار اجزای پلیس گردیده، نزد جناب وزیر نظام فرستاده شدند.

ـ زن مشهدی غلام‌رضای حداد هشت ماهه پسر زاییده. طفل شباهت زیاد به گربه داشت و پنجه ندارد. خیلی خلقت عجیبی است بعد از چند ساعت مرد.

ـ حبیب نام نوکر جناب حکیم که به سن ده ساله است سوار اسب بوده، در خیابان فرمان‌فرما، اسب او را برداشته و عنان از دستش گرفته، پسره بر زمین خورده به سرش جراحت زیاد وارد آمده است. اجزای پلیس اسب را گرفته با پسره نزد آقایش می‌برند.

ـ دیروز مشهدی حسن نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رضا نام همسایه‌ام، دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ میرزاعبدالکریم عزب دفتر که چند روز مریض بود دیروز مرحوم شده است. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ دختر حاجی محمدعلی قناد با مادرشوهرش نزاعشان شده، بنای زدوخورد را می‌گذارند. بعد اهل خانه آنها را ساکت می‌نمایند. دختر مقداری تریاک می‌خورد، احوالش منقلب می‌گردد، کسانش طبیب آورده، او را معالجه و مداوا کرده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند و جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کردند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز در خانه مرحوم قوام‌الدوله تعزیه وفات حضرت خدیجه را خوانده بودند. جناب آصف‌الدوله با جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی نواب والا احتشام‌الدوله، جمعی از شاهزادگان عظام و طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی جناب حاجی علاءالملک، نواب شمس‌الشعرا و نواب حشمت‌السلطنه با جمعی از آقایان علما و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه خوانی حاجی آقاجانی تاجر حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ محمدحسین آسیابان، گریبان علی‌محمد نام را گرفته اظهار می‌کرد که دو رأس الاغ به تو امانت سپرده‌ام بده. به این واسطه قیل وقال می‌کردند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده به اداره آوردند.

بعد از تحقیقات علی‌محمد اظهار داشت شخصی در ورامین از من طلب داشت، الاغها را گرو کشیده است. ضامن داد که برود الاغها را چند روزه آورده، به دست صاحبش بدهد.

ـ جناب آقاسیدعبدالله دیروز با چند نفر از آقایان علما به دیدن جناب آقاشیخ موسی رفته بودند.

ـ دیشب جمعی از سادات و طلاب در مجلس روضه خوانی پاشاخان سرتیپ دعوت داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در مجلس روضه خوانی میرزامحمدعلی عزب‌دفتر، جمع کثیر از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی‌محمدعلی تاجر جمعی کثیر از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی محمدرضای حکیم بوده است. کسانش، مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ عیال شاهزاده ابراهیم، پسر مرحوم حاجی عبدالکریم هراتی، دیروز به حمام متعلق به نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله می‌رود. لباس خود را به ضعیفه حمامی می‌سپارد. بعد از بیرون آمدن دست‌بند طلای مشارالیها مفقود می‌شود. به رییس محله اظهار کردند. رییس محله فرستاد حمامی را آورده، التزام گرفته که دوسه روزه یا دست‌بند را بدهد یا از عهدهٔ غرامت آن برآید.

ـ در خانه نواب سلطان‌حسین میرزا، مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب مؤتمن السلطنه، ملک‌الشعرا، نواب حاجی بهاءالدوله، شهاب‌الملک، نواب والا حسام‌السلطنه با جمعی دیگر از طلاب و سادات در مجلس روضه خوانی نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله حضور داشتند.

ـ دیشب نواب احتشام‌الملک و زنبورکچی‌باشی و جناب حاجی میرزاجواد آقای مجتهد با جمعی از آقایان علما و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب ملامحمدتقی کاشانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سردرخیابان چراغ گاز از میدان توپخانه

ـ دیروز مشهدی حسن بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا، رضا نام شاگردم دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز جمعی از آقایان علما و اهل محله در مجلس روضه خوانی حاجی میرزاابوطالب مجتهد خمسه حضور داشتند.

ـ حاجی احمدتاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ [....]* برای ادعای یک نفر غلام از محله دولت به اداره آوردند، در تحت تحقیقات و استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۲۴) شهر محرم‌الحرام

محله دولت

ـ دوسه نفر از موزیکانچی‌های شهرستانکی به ادعای شش تومان طلب نوروزعلی سلطان، خودشان گریبان حاجی حسن‌عرب مکاری را در خیابان چراغ‌گاز گرفته، قاطر او را می‌خواستند ببرند. اجزای پلیس طرفین را ساکت کرده به قراولخانه می‌برند. در آن جا تحقیقات شده، معلوم

---

*. در اصل سند جای خالی است.

می‌شود که چندی قبل حاجی حسن یک رأس قاطر از سلطان مذکور خریده، شش تومان باقی مانده تمسک سپرد. مکاری انکار داشت و در آن بین خود سلطان رسیده، می‌گوید سابقاً این مطلب نزد اجزای حکومت گفتگو و مذاکره شده است. اجزای پلیس آنها را به حکومت می‌برند که در آن جا قراری داده شود.

ـ یک نفر از مکاریهای شیرازی که از معدن زغال سنگ برای کارخانه چراغ‌گاز می‌آورد، معادل سه‌هزار دینار از سلطان‌علی نام علاف کاه نسیه گرفته، دیروز پول او را نداده، می‌خواسته برود. علاف ممانعت کرده به این واسطه حرفشان می‌شود. استاد یوسف مسیحی که کارخانه سپرده به اوست، از مکاری حمایت کرده علاف را به کارخانه کشیده کتک می‌زند و نهایت شرارت و بی‌نظمی را می‌کند. رییس محله خودش رفته مشارالیه را خلاص می‌نماید. از اداره پلیس به جناب امین‌السلطان اطلاع داده شد که او را تنبیه نمایند.

ـ کالسکه‌چی جناب امین‌الدوله در حوالی دروازه‌شمیران کالسکه خالی عبور می‌داده. مهدی نام که شاگرد حمامی است می‌خواسته از جلو کالسکه فرار کند، زمین می‌خورد، چرخ کالسکه از روی پای او گذشته ولی به حمدالله چندان صدمه به او وارد نیامده، کسانش آمده او را می‌برند.

ـ دیروز عصر نواب ارفع والا، ملک‌آراء به سفارت انگلیس رفته بودند، تمام اجزای سفارت به استقبال آمده، نهایت احترام را به عمل آورده بودند. یک ساعت نواب معزی‌الیه در آن جا بودند. بعد مراجعت نمودند.

ـ دیشب جمعیتی زیاد از فقرا و سادات در مجلس روضه خوانی امین‌السلطنه حضور داشتند. شش ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز جمعی از محترمین و طلاب و سادات در مجلس روضه خوانی سهام‌الدوله حضور داشتند.

سنگلج

ـ دیشب یک ساعت از شب رفته یک نفر فاحشه از دکان قصابی گوشت کبابی خریده، با کمال بی‌حفاظی می‌رفته. پلیس او را تعاقب می‌کند که دستگیرش نمایند. درب خانه آقاسیدابوطالب، صدرالذاکرین که می‌رسند، مشارالیها خود را به خانه ایشان می‌اندازد. پسر آقاسیدابوطالب هم درب را بسته، بعد از طرف دیگر بیرونش می‌کند.

ـ کربلایی رجب‌علی نام دیشب با زنش نزاعشان شده، بنای زدوخورد را گذارده، به رییس محله

اظهار می‌نماید. رییس محله تحقیقات کرده، آخرالامر قرار می‌دهند که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ نورمحمد نام کرمانی یک هزارتومان از شهاب‌الملک ادعا دارد. دیروز به محضر جناب حاجی شیخ‌هادی به ترافع رفته بودند. مشارالیه می‌خواهد شهاب‌الملک را قسم بدهد.

ـ دیروز صاحب اختیار و عمیدالملک و جلال‌الملک با جمعی کثیر از فقرا و سادات و غیره در مجلس روضه خوانی مجدالدوله حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدهادی نام بود. کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ همشیره استاد غلام‌علی صباغ با زن پدرش نزاعشان شده، اهل خانه آنها را ساکت می‌نمایند. دختره مقداری تریاک به قصد مرگ می‌خورد. کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌نمایند.

ـ حاجی محمدحسین تاجر و حاجی حبیب‌الله تاجر که به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود آنها ترتیب داده بودند.

ـ دیشب آقاعبدالباقی تاجر جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمانی کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

دیروز آقاشیخ علی پیشنماز، آقاسیدجلال پیشنماز و حاجی شیخ عباس پیشنماز و جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله در مجلس روضه خوانی پسر آقای مرحوم معزالدوله حضور داشتند.

ـ دیروز حسین‌علی خان سرتیپ، آقاسیدعبدالله، آقاشیخ موسی و آقاشیخ جعفرپیشنماز با جمعی از طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی آقاشیخ علی پیشنماز حضور داشتند.

ـ در خانه نواب مستطاب علیه عالیه شکوه‌السلطنه دامت شوکتها مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. قریب پانزده نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. دیروز نواب ایلخانی و علی‌اکبر خان سرتیپ و زین‌العابدین خان سرتیپ و جناب حاجی میرزاعباس‌قلی و امین‌نظام با جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه نواب والا حاجی بهاءالدوله، طرف عصر روضه و تعزیه می‌خوانند. جناب مؤتمن‌الدوله با جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله دیروز در آن جا مستمع بودند.

چالمیدان

ـ مشهدی آقانام قصاب دیشب سه ساعت از شب رفته مست بوده، با محمود خربزه فروش نزاع می‌نماید. اجزای پلیس می‌خواهند او را دستگیر نمایند. چون خانه‌اش نزدیک بوده فرار می‌کند. رییس محله، پلیس مواظبت کرده است که او را دستگیر کنند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی نایب خدامراد، نایب شترخانه مبارکه، جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه آقامحمد نام مجلس روضه خوانی ترتیب داده‌اند و دیروز جمعی سادات و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب چند نفر از تجار در خانه حاجی محمدهادی نام میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که محمدعلی برادرم مرا کتک زده است، رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که به واسطه ارث پدر منازعه جزیی کرده‌اند، صلح داده شدند و قرارگذارده شد که در محضر شرع مطاع حاضر گردیده، ترافع نموده، طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه خوانی محمدعلی تاجر حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی محمدحسن تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، وارد دارالخلافه شده است، کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ دیروز سه ساعت به غروب مانده، جناب حاجی میرزاجواد آقا مجتهد به دیدن، حاجی خازن‌الملک رفته، بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی پسر آقای مرحوم حاجی آقامحمدشال‌فروش، حاجی ملک‌التجار با جمعی از سادات و طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی هاشم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم بلاجهت مرا زده است، رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی عباس‌تاجر بوده است، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ حاجی محمدکریم تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شد. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

چهارسوق

ـ دیشب علی‌آقا پسر استاد اسمعیل معمارباشی با اسمعیل نام در کاروانسرای شاه به منزل میرزا هدایت نام رفته، مست کرده، در آخر شب بنای عربده و نزاع را گذارده، جمعی به هم می‌ریزند. علی آقا قمه کشیده و سر خود را مجروح نموده و در میان آن هنگامه دو سه نفر اعضایشان صدمه خورده. خبر به اجزای چهارسوق رسیده، پلیس‌ها رفته، مشارالیه را که منشاء مفسده بودند، دستگیر کرده، به اداره آوردند. امروز با راپورت واقعه نزد جناب وزیرنظام فرستاده شدند که تنبیه سخت کردند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت مجالس روضه‌خوانی و تکایا
به تاریخ جمعه(۲) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ دیشب نواب ارفع والا عزالدوله و امیرزاده پسرش و جناب امین‌لشکر و امین‌خلوت نواب سیف‌الملک با جمعی از اعیان و اشراف در مجلس روضه خوانی جناب امین‌السلطان حضور

داشتند. جمعیت کثیری از دراویش و فقرا آمده، شام کاملی به مردم داده و هم مبلغی پول دادند. شخص فقیری به جناب امین‌السلطان متظلم شد که پانزده روز قبل زیر کالسکه نواب مستطاب علیه امین‌اقدس ماندم. کتف من صدمه خورده، چیزی ندارم. جناب معزی‌الیه وعده دادند که فردا بیاید. شخص دیگر شال خود را یک سر به گردن و یک سر به دیرک چادر بسته، می‌گفت عارض هستم. امسال از سایر سالها در این مجلس جمعیت زیادتر است.

ـ نواب هندی در خانه‌اش مجلس روضه ترتیب داده، هفت نفر ذاکر روضه می‌خوانند. چهار ساعت به غروب مانده شروع می‌شود، غروب تمام می‌گردد. امروز جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دایی ابراهیم، ناظر درب حرمخانه مبارکه در خانه‌اش مجلس روضه دارد. یازده نفر از سادات روضه می‌خوانند. پنج به غروب مانده شروع و غروب ختم می‌شود. جمعی از کسبه و اهل محله در آن جا بودند.

ـ حاجی بابا، یساول نقاره‌خانه صبح اول آفتاب مجلس روضه خوانی دارد. پنج شش نفر ذاکر روضه می‌خوانند و قبل از ظهر ختم می‌شود.

ـ در تکیه حیاط شاهی تعزیه وفات حضرت پیغمبر (ص) را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ در صحن امامزاده روح‌الله واقع در ارک مبارک اهل محله بانی شده تعزیه می‌خوانند. تعزیه وفات حضرت پیغمبر را خوانده بودند.

ـ در خانه مرحوم ادیب‌الملک مجلس روضه خوانی است. دو ساعت به غروب مانده ابتدا می‌نمایند، غروب ختم می‌شود. هفت نفر ذاکر روضه می‌خوانند.

ـ در مسجد جناب میرزاعیسی وزیر، که جناب حاجی شیخ‌هادی نماز می‌خوانند، مجلس روضه خوانی شبها منعقد است. شیخ زین‌العابدین با دو سه نفر دیگر ذاکر هستند. محمدقلی خان سرتیپ با جمعی دیگر در آن جا بودند.

ـ از بعدازظهر در خانه جناب عضدالملک مجلس روضه خوانی است. نه نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. جمعی کثیر در آن جا حضور داشتند.

ـ ساری اصلان اول آفتاب در خانه‌اش مجلس روضه دارد. جمعیت زیاد می‌شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. علی‌الرسم هر یک از اهل مجلس را دو دانه نان لواش و چای می‌دهند.

ـ در خانه مرحوم آقاسیدصاق کمافی‌السابق صبح‌ها مجلس روضه است. هفت هشت نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. آقاسیدمحمدرضا صاحب مجلس است و چای و غلیان به قاعده به مردم می‌دهند.

ـ دیشب شب اول روضه خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین بوده. سی نفر از طلاب را دعوت کرده بودند. مخارج شام و غیره را جناب وزیر نظام می‌دهند.

ـ در خانه حاجی میرزاشفیع لشکرنویس مجلس روضه خوانی زنانه فراهم است. جمعی از زنهای اهل محله جمع می‌شوند.

ـ دیشب جمعی کثیر از فقرا و اهل محله در مجلس روضه خوانی نواب امیرآخور حضور داشتند. به تمام آنها شام دادند.

ـ در تکیه درب خونگاه تعزیه عبدالله زبیر بود. دسته کاشی‌ها تعزیه می‌خوانند. جمعی کثیر زن و مرد آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه سلیمان خان صاحب اختیار تعزیه وفات حضرت پیغمبر(ص) را خوانده بودند جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ از سه ساعت به غروب مانده در خانه مرحوم حاجی میرزاشفیع مستوفی شیرازی مجلس روضه فراهم است. هفت نفر ذاکر روضه می‌خوانند. مجلس منظمی است. جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه مرحوم آقاداداش شیروانی مجلس روضه ترتیب داد[ه‌اند] چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. جمعی از آقایان علما و غیره مستمع بودند.

ـ در تکیه پای‌منار تعزیه عبدالله زبیر خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن در آن جا بودند.

ـ شبها در خانه جناب اقبال‌السلطنه مجلس روضه خوانی دارند. اول شب شروع و چهار ساعتی [بعد] ختم می‌شود. اجزای مجلس و مستمعین جمعی از توپچی و قورخانچی و متفرقه بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند گویا یک عدد سرغلیان از آن جا مفقود شده بود. خدام مجلس هر کس از آن جا خارج می‌شد او را می‌کاویدند. و به مردم از این حرکت خیلی بد گذشته بود.

ـ مشهدی شعبان‌علی حریرفروش شبها مجلس روضه خوانی خوبی دارد. ذاکرین معتبر می‌خوانند و در چهار اتاق شام می‌دهند و پذیرایی* به قاعده از مردم می‌شود. جمعی کثیر از

---

*. اصل: پزیرایی

تجار و غیره در آن جا بودند.

ـ میرزاعلی‌اصغر یاور توپخانه مبارکه شبها روضه خوانی دارد و خرج هم می‌دهند. چند نفری از اهل محله و غیره را دیشب دعوت کرده بودند.

ـ در خانه ناظم‌خلوت اول آفتاب شروع به روضه می‌شود و قریب به ظهر ختم می‌گردد. بسیار مجلس منظم خوبی است. خود ناظم خلوت ناظم آن جا است. به فقرا و مساکین پول می‌دهند. دیروز بشیرالملک و سقاباشی با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه سقاباشی تعزیه شهادت حضرت امام‌رضا (ع) را خوانده بودند. جمعی کثیر از زن و مرد اهل محله در آن جا بودند.

ـ دیشب در خانه مشهدی‌حیدر بزاز جمعی از طلاب و اهل محله مستمع روضه‌خوانی بودند در وقت شام قدری ظرف شکسته بود.

ـ شبها در خانه عبدالرحیم‌خان سرهنگ قورخانه مبارکه مجلس روضه خوانی فراهم است. سه ساعت از شب گذشته ختم می‌شود. دیشب طلاب مدرسه پای‌منار را در آن جا دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ اول آفتاب در خانه جناب حاجی میرزاعباسقلی مجلس روضه خوانی است. چند نفر ذاکر معروف روضه می‌خوانند. جمعیت زیاد می‌شود. دیروز امین‌نظام با چند نفر از خوانین قاجار در آن جا بودند.

ـ در خانه حاجی محمدرضای تاجر از اول آفتاب مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی کثیر از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه حبیب‌الله خان پیشکار جناب صاحب دیوان مجلس روضه خوانی منظمی بوده، جمعی از خوانین قاجار و علما مستمع بودند.

ـ در خانه میرزامسیح مازندرانی صبح شروع به روضه خوانی می‌نمایند. سه ساعت بعد ختم می‌شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. آقامیرزاسیدکاظم مستوفی و میرزازکی مستوفی و جمعی از علما و طلاب در آن جا حضور داشتند.

ـ حاجی حسین‌علی تاجر که در سرچشمه خانه دارد وقت اذان صبح مجلس روضه را ترتیب می‌دهند جمعی کثیر از زن و مرد اجماع دارند. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند بسیار مجلس خوبی است و خوب از مردم پذیرایی می‌نمایند.

ـ در تکیه امامزاده سیداسمعیل (ع) تعزیه وفات حضرت صدیقه طاهره را خوانده بودند. جمعی

کثیر از مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه زرگرها تعزیه وفات حضرت پیغمبر (ص) را خواندند در بین تعزیه دو سه نفر زن نزاعشان شده بود سایر زنها آنها را ساکت کرده بودند.

ـ در تکیه ابوالقاسم شیرازی شهادت حضرت موسی‌بن‌جعفر را خوانده بودند جمعی از اهل محله حضور داشتند.

ـ حاجی محمدآقای خرازی‌فروش صبح در خانه‌اش مجلس روضه خوانی فراهم کرده. دیروز جمعی از تجار معتبر و اهل محله حضور داشتند. پنج شش نفر ذاکر روضه می‌خوانند.

ـ در خانه ابوالحسن معمارباشی دیروز صبح مجلس روضه خوانی ترتیب دادند بسیار مجلس منظم بی‌ریای خوبی است جمعی کثیر از اهل محله مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه خوانی خوبی فراهم بود میرزامحمدرضای واعظ با چند نفر از ذاکرین معتبر روضه می‌خوانند جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند شام به قاعده به همه کس داده بودند.

ـ در تکیه چهل تن تعزیه وفات حضرت پیغمبر(ص) را خوانده بودند جمعی از مرد و زن اهل محله حضور داشتند دسته میرزاباقر تعزیه می‌خوانند و بانی حاجی ابوطالب است.

ـ آقامیرمحمدعلی تاجر طرف عصر مجلس روضه خوانی در خانه‌اش ترتیب داده، چند نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه می‌خوانند. مستمعین از تجار و طلاب هستند.

ـ نادعلی خرازی‌فروش طرف صبح روضه خوانی دارد. چهار پنج نفر روضه می‌خوانند. چند نفر از کسبه و اهل محله دیروز در آن جا حضور داشتند.

ـ صبح در خانه میرزامحمدعلی منشی پست‌خانه مبارکه مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ در خانه محمودخان تفنگدار همایونی طرف صبح مجلس روضه خوانی دارند. چند نفر از اهل محله و طلاب در آن جا جمع می‌شوند.

ـ چهار ساعت به غروب مانده در خانه جناب حاجی ملاعلی مجلس روضه خوانی است. قریب بیست نفر از ذاکرین معروف و غیرمعروف روضه می‌خوانند. جمعیت زیادی می‌شود. از هر طبقه مردم در آن جا حضور داشتند. چای و غلیان وافر به مردم می‌دهند.

ـ آقاسیدحسین پیشنماز صبح در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. شش نفر ذاکر روضه می‌خوانند. اهل مجلس طلاب و کسبه بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ شیخ‌رضای کتاب‌فروش طرف صبح در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. هفت نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه می‌خوانند. جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند.

ـ در خانه آقاشیخ‌جعفر پیشنماز مجلس روضه فراهم کردند. صبح شروع می‌شود و قبل از ظهر ختم می‌کنند. دیروز سه نفر زن به واسطه چای نزاعشان شده، می‌خواستند زد وخورد بکنند. خدام آنها را ساکت کرده، از آن جا خارج می‌نمایند.

ـ دیروز صبح در خانه میرزااحمدپیشنماز مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. چهارپنج نفر از ذاکرین معروف روضه خواندند با این که روز اول بود رقت زیادی برای مردم دست داده بود به طوری که در موقع روضه حاجی میرزالطف‌الله یکی دو نفر زن غش کرده بودند.

ـ در تیمچه حاجی استادعلی معمار که در بین‌الحرمین واقع است، صبح مجلس روضه ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. قبل از ظهر ختم شد.

ـ در مسجد حاجی خازن‌الملک طرف صبح مجلس روضه خوانی است. صاحب مجلس خود حاجی خازن‌الملک است. چای و غلیان به مردم می‌دهند. بسیار مجلس منظم خوبی است. اهل مجلس از تجار و طلاب و اهل محلهٔ هستند.

ـ دیشب در خانه حاجی رضای تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چند نفر از ذاکرین معروف روضه خواندند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت مجالس روضه و تکایای محلات شهر
به تاریخ شنبه (۳) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ نواب اشرف والارکن‌الدوله، نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله، جناب اشرف مشیرالدوله،

صاحب اختیار معاون‌الملک، حشمت‌السلطنه، جلیل خان سرتیپ با جمعی کثیر از هر طبقه دیشب در مجلس روضه خوانی جناب امین‌السلطان حضور داشتند.

ـ در خانه شیخ‌الاطباء چهار ساعت به غروب مانده شروع به روضه خوانی کرده، غروب ختم شده بود. هفت نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه خواندند. جمعی از مردوزن اهل محله مستمع بودند. پذیرایی خوبی از مردم می‌کردند.

ـ در تکیه حیاط شاهی تعزیه شهادت امام‌موسی کاظم را خوانده بودند. قریب سیصدنفر زن و مرد در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه بربریها تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام را خوانده بودند. جمعیتی زیاد از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی آقاسیدعلی ناظر درب حرمخانه مبارکه جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه جناب عضدالملک چهار ساعت به غروب مانده شروع به روضه خوانی کرده، غروب ختم شد. جناب امین‌لشکر، امین‌نظام، ناظم خلوت و جمعی کثیر از خوانین قاجار و سادات و طلاب و مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند. آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین اظهار کرده بود که هر چیزی از مرتبه بالاتر خود کسب عزت می‌نماید. مثلاً ایام هفته از روز جمعه کسب عزت می‌کند. بهترین روزها روز جمعه و بهترین شبها شب جمعه است. چنان چه کسی شب جمعه تا اول آفتاب مشغول عبادت بشود و هنگام طلوع آفتاب یک شیشه گلاب در مقابل ستاره زهره نگاه دارد و هفت مرتبه سوره حمد بخواند به آن بدمد و تا جمعه دیگر هر روز قدری از آن گلاب در آب ریخته، وضو بسازد، بدون شک از شر شیاطین و اجنه حفظ و نزد مردم محترم و معزز است. قدری از این مقوله حرف زده و روضه خوانده بود. بسیار مجلس منظم خوب بی‌ریایی است. چای و شربت و غلیان وافر به مردم می‌دهند. خود جناب عضدالملک بعد از ختم روضه به حضار گلاب می‌دهند و نهایت عزت و احترام را به عمل می‌آورند.

ـ دیروز در تکیه سیدنصرالدین تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام بوده. قبل از تعزیه قریب بیست نفر از ذاکرین معروف روضه خواندند ولی اهل تکیه به واسطه انتظار تعزیه چندان ملتفت نبودند. شهاب‌الملک و حاجی امین‌الصره با جمعی از مردم و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه صاحب اختیار تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام را خوانده بودند. نصرالملک با

جمعی از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه درب خونگاه تعزیه شهادت امام‌موسی علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعیت زیاد بود به طوری که راه عبور نبود.

ـ در تکیه قورخانه کهنه تعزیه شهادت عبدالله زبیر خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه جناب صدیق‌الملک مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. شش نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی خانه مرحوم آقاسیدصادق جمعی کثیر از طلاب و کسبه مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین طلاب مدرسه مرحوم نظام‌الدوله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در مجلس روضه خوانی ساری اصلان جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. به هر یک از آنها دو نان لواش و چای می‌دادند.

ـ دیشب چهل نفر از طلاب را در خانه جناب مستوفی‌الممالک دعوت کرده بودند. جناب قوام‌الدوله، جناب وزیر دفتر با جمعی از مستوفیان عظام هم حضور داشتند. بعد از استماع روضه صرف شام کرده، متفرق گردیدند. به هر یک از طلاب یک‌هزار [دینار] نقد داده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی میرزایوسف خان پسر حاجی مشیرلشکر سی‌نفر از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه وکیل لشکر مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه میرزاعبدالرحیم آشتیانی صبح مجلس روضه خوانی ترتیب داده بودند. جمعی کثیر از طلاب و اهل محله مرد و زن مستمع بودند. قبل از ظهر مستمعین متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی کثیر از اجزای قورخانه مبارکه و طلاب مدرسه مرحوم حاجی سعدالدوله در مجلس روضه خوانی جناب اقبال‌السلطنه حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه خوانی مشهدی شعبان‌علی حریرفروش حضور داشتند. شب هم چند نفر از طلاب را دعوت کرده، آقاشیخ‌علی قزوینی پیشنماز و

آقاشیخ‌محمد پیشنماز نیز در آن جا دعوت داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ حاجی اسمعیل صراف طرف عصر در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد.نه نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از کسبه و اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه مسجد حوض دیروز تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح حاجی مهدی‌قلی خان قاجار، حسن‌خان قاجار، حاجی حبیب‌الله‌خان قاجار با جمعی از اهل محله و طلاب و غیره در مجلس روضه خوانی جناب حاجی میرزاعباس‌قلی حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ در خانه حاجی حسین‌علی پیشکار امین‌السلطنه مجلس روضه‌خوانی دارند. اول آفتاب شروع و قبل از ظهر ختم می‌شود. هفت هشت نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز امین‌السلطنه و حاجی میرزاعبدالرحیم نهاوندی و ملاعلی‌اصغر پیشنماز و جمعی از تجار و اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز صبح جمعی از خوانین قاجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی امین نظام حضور داشتند.

ـ در خانه نواب علیه‌عالیه عزت‌الدوله طرف صبح مجلس روضه و تعزیه دارند. اول چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. بعد دسته میرزاباقر معین‌البکا تعزیه می‌خوانند. دیروز تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام بوده. سهام‌الدوله، اسمعیل خان سرتیپ، اعتمادالملک، سعدالملک، میرزاجواد خان سرتیپ با جمعی از خوانین و اهل محله مستمع بودند. بسیار مجلس منظم خوبی است. درب خانه دو نفر زن نزاعشان شده، بنای زدوخورد راگذارده بودند. پلیسهایی که در آن جا مواظب هستند آنها را ساکت کرده بودند.

ـ در تکیه رضاقلی خان تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. بانی مجلس حاجی محمدابراهیم سقط‌فروش است جمعی کثیر از اهل محله مستمع بودند. مخارج تعزیه از موقوفات تکیه است.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی حبیب‌الله خان پیشکار جناب صاحب دیوان جمعی از خوانین قاجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در خانه میرزامسیح مازندرانی میرزاسیدکاظم مستوفی با جمعی کثیر از اهل محله و طلاب مستمع روضه خوانی بودند.

ـ دیروز در تکیه پای‌منار تعزیه شهادت طفلان مسلم را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل

محله مستمع بودند. دو نفر زن نزاعشان شده، بنای زد و خورد را گذارده، لباس یکدیگر را پاره کرده بودند. اجزای پلیس آنها را ساکت و از تکیه بیرون می‌نمایند.

ـ در خانه آقاسردار پسر مرحوم سپهدار طرف صبح مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. قریب ده نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. دیروز چند نفر از علما و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز صبح در خانه ناظم خلوت نواب والا سیف‌الملک و جلال‌الملک و جناب علاءالملک با جمعی از اهل محله و غیره مستمع روضه خوانی بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی میرزاعلی پسر مرحوم وزیرلشکر جمعی از مستوفیان عظام و طلاب حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی معمارباشی طلاب مدرسه کاظمیه را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی حاجی محمدآقای خرازی‌فروش جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ در تکیه حمام خانم تعزیه عبدالله زبیر را خوانده بودند. جمعی کثیر از زن و مرد اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه عباس‌علی تعزیه شهادت حضرت امام‌رضا علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی حاجی ملاحسن‌ناظم‌التجار جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در تکیه زرگرها تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی از زن و مرد اهل محله مستمع بودند.

ـ آقاشیخ‌مهدی پیشنماز در خانه‌اش طرف صبح مجلس روضه خوانی ترتیب داده است. جمعی از علما و کسبه دیروز در آن جا حضور داشتند. هفت نفر از ذاکرین معروف در آن جا روضه می‌خوانند.

ـ دیروز عصر جمعیت زیاد از هر طبقه در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی محمودخان، تفنگدار همایونی جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه چهل‌تن تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله و کسبه مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس میرزا حسین‌پیشنماز جناب صدرالعلماء با جمعی از طلاب و اهل محله حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ در مدرسه مرحوم امین‌الدوله مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. پنج شش نفر ذاکر روضه می‌خوانند. جمعی از طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی مسجد حاجی خازن‌الملک دیروز جمعی از زن و مرد اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه میرزاجعفرخان حاکم سابق کاشان مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. پنج شش نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از کسبه و طلاب در آن جا حضور داشتند.

ـ در تیمچه حاجی استادعلی معمار جمعی از تجار و اهل محله مستمع روضه خوانی بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی حاجی شیخ‌رضای کتاب‌فروش جمعی کثیر از کسبه و طلاب حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

Count De mounte forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت تکایا و مجالس روضه خوانی شهر
به تاریخ یکشنبه (۴) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ در مجلس روضه خوانی جناب امین‌السلطان نواب والا حسام‌السلطنه، نواب حاجی بهاءالدوله، نواب والا احتشام‌الدوله، نواب احتشام‌الملک، نصرالملک، مؤتمن‌السلطنه حضور داشتند. جمعیتی زیاد از فقرا و مساکین آمده، جمعی هم قورخانه‌چی حاضر شده، به شام دعوت داشتند. به همه آنها شام خوبی دادند. درشکه نصرالملک را اسبها برداشته، در خیابان لاله‌زار، می‌بردند، درشکه‌چی خود را به زیر انداخته، به او صدمه نرسید ولی فنرهای درشکه شکسته می‌برند، درشکه دیگری می‌آوردند، معزی‌الیه سوار شده، می‌رود.

ـ زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان شب‌ها مجلس روضه خوانی دارد. دوازده نفر ذاکر معروف روضه می‌خوانند. هر شب جمعی از فوج منصور و فوج مخبران را دعوت به شام می‌کنند. جمعیتی زیاد هم از اهل محله و متفرقه حاضر می‌شوند، به همه شام به قاعده می‌دهند.

ـ جناب امین‌الدوله در پارک خود طرف عصر مجلس روضه خوانی دارند. چهارپنج نفر ذاکر روضه می‌خوانند، جمعی از اهل محله در آن جا جمع می‌شوند.

ـ عبدالله خان تفنگدار همایونی طرف صبح در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. چهار نفر ذاکر روضه می‌خوانند. چند نفر مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند. دو ساعت از روز گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز در تکیه بربری‌ها تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی مرد و زن از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه نواب ابوتراب میرزا طرف عصر مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. چهار نفر روضه می‌خوانند. جمعی از اهل محله و طلاب دیروز در آن جا بودند.

ـ دیروز میرزاسیداحمد مستوفی، میرزاعلی مستوفی، میرزارضاقلی مستوفی، میرزامحمدخان منشی باشی نظام، جناب صدیق‌الملک، نواب جهاندار میرزا با جمعی کثیر از خوانین قاجار و طلاب و غیره در مجلس روضه خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند. یکی از ذاکرین که سید مازندرانی است در منبر می‌گفت با این که خرمن‌ها هنوز جمعی نشده نان را گران کردند.

کباب پزی در محلات طهران

اسمش یک من سه عباسی است ولی نهصددینار به فروش می‌رسد. قدری از این قبیل گفتگو کرده و روضه خوانده، مردم متفرق شدند.

ـ دیشب نواب ایلخانی و جناب امین‌الدوله با جمعی از اهل محله در مسجد جناب حاجی شیخ‌هادی مستمع روضه بودند. بعد از روضه از خانه معزی‌الیه آش ماست آوردند، حضار صرف نموده، متفرق شدند.

ـ نواب محمدکاظم میرزا شبها در خانه‌اش مجلس روضه خوانی دارد. دیشب طلاب مدرسه حاجی رجب‌علی را دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق گریدند.

ـ دیروز در تکیه سیدنصرالدین تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی کثیر در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب سی‌نفر از طلاب را در مجلس روضه‌خوانی جناب مستوفی‌الممالک دعوت کرده بودند. جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله هم حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی نواب محمدحسین‌میرزا امیرآخور جمعی از فقرا و سادات را دعوت کرده بودند، به تمام آنها شام داده، به خانه‌های خود بردند. جناب وزیردفتر، جناب معاون‌الملک، منشی‌الممالک هم در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی کثیر از طلاب و غیره در مجلس روضه خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی میرزایوسف‌خان پسر حاجی مشیرلشکر، سی نفر از طلاب و سی نفر از اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در خانه نواب محمدتقی میرزا طرف صبح مجلس روضه خوانی دارند. دیروز آقازاده پسر مرحوم حاجی محمدکریم‌خان با جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه قورخانه کهنه تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه در بخونگاه تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه سلیمان‌خان صاحب اختیار تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی وکیل‌لشکر جمعی از غلام پیشخدمت‌های همایونی و اهل محله

مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه میرزاولی مستوفی قریب چهل نفر از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز صبح اعتمادالملک امین‌نظام با جمعی از خوانین قاجار در مجلس روضه خوانی جناب حاجی میرزاعباس‌قلی حضور داشتند.

ـ دیروز صبح حاجی ملاعلی‌اصغر پیشنماز و حاجی ملاشکرالله پیشنماز با جمعی از تجار و غیره در مجلس روضه خوانی حاجی حسین‌علی پیشکار امین‌السلطنه حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی حبیب‌الله‌خان پیشکار جناب صاحب دیوان جمعی از خوانین قاجار و طلاب و تجار حضور داشتند.

ـ میرزاباقر مستوفی، آقاشیخ‌محمدعلی امام جمعه مازندران، میرزاهادی مستوفی، میرزامحمدحسین مستوفی با جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه خوانی میرزامسیح مازندرانی حضور داشتند.

ـ دیروز در خانه نواب علیه‌عالیه عزت‌الدوله تعزیه مسلم را خوانده بودند. جمعی از اعیان و اشراف و مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه حیات شاهی تعزیه وفات حضرت فاطمه‌علیهاسلام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله حضور داشتند.

ـ در تکیه رضاقلی خان تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی مرحوم حاجی میرزاشفیع مستوفی شیرازی پسرهای مرحوم معزالدوله و جمعی از خوانین قاجار حضور داشتند.

ـ دیشب شجاع‌السلطنه و جناب حکیم‌الممالک با جمعی کثیر از اهل محله و قورخانه‌چی در مجلس روضه خوانی جناب اقبال‌السلطنه حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی آقاشعبان‌علی حریرفروش جمعی کثیر از تجار و علما و غیره حضور داشتند. شام به قاعده خوبی به مردم دادند.

ـ در خانه آقاشیخ جعفرمجتهد مجلس روضه خوانی دارند. هفت نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب بحرالعلوم و جمعی از طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی بشیرالملک حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در خانه مصطفی‌قلی‌خان پیشخدمت همایونی مجلس روضه ترتیب دادند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه حمام‌خانم تعزیه شهادت حضرت‌امام موسی علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه امام‌زاده سیداسمعیل تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند. دو سه نفر زن در بین تعزیه نزاعشان شده. اهل تکیه آنها را ساکت کرده بودند.

ـ در تکیه عباس‌علی تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه ابوالقاسم شیرازی دیروز تعزیه شهادت طفلان حضرت مسلم را خوانده بودند، جمعی کثیر از زن و مرد مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعیتی زیاد از تجار و طلاب در مجلس روضه خوانی معمارباشی حضور داشتند. قبل از ظهر حضرات متفرق گردیدند.

ـ در خانه حاجی اسمعیل نام مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب طلاب مدرسه معمارباشی را با جمعی از فقرا و اهل محله در مجلس روضه خوانی حاجی ملاحسن ناظم‌التجار دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ در خانه حاجی حسن‌تاجر مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. جمعی از اهل محله و تجار مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی جمعیت زیاد از مرد و زن حضور داشتند. شورش و رقت زیادی برای مردم پیدا شده بود.

ـ حاجی محمداسمعیل زرگر در خانه‌اش طرف عصر مجلس روضه خوانی دارد. جمعی کثیر از تجار و اهل محله حضور داشتند. هفت هشت نفر از ذاکرین معروف روضه خوانی می‌کنند.

ـ در مسجد حاجی خازن‌الملک جمعی کثیر از طلاب و اهل محله مستمع روضه خوانی بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ در تکیه چهل تن تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جناب امین‌خلوت با جمعی

کثیر از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه محمودخان، تفنگدار همایونی جمعی کثیر از طلاب و تجار حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ جمعی از تجار مرد و زن اهل محله در مجلس روضه خوانی تیمچه حاجی استادعلی معمار حضور داشتند. زنها برای چای بنای نزاع راگذارده بودند. خدام مجلس آنها را ساکت و از مجلس خارج می‌کنند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه خوانی میرزاجعفرخان حاکم سابق کاشان جمعی از کسبه و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از علما و اهل محله در مجلس روضه خوانی آقاشیخ‌مهدی پیشنماز حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه خوانی آقامحمدعلی تاجر تبریزی حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت تکایا و مجالس روضه خوانی شهر
به تاریخ دوشنبه (۵) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ دیشب جناب آصف‌الدوله و جناب امین‌حضور، وزیر بقایا، و نواب والا حسام‌السلطنه و کشیکچی‌باشی در مجلس روضه خوانی جناب امین‌السلطان حضور داشتند. دو دسته سرباز مازندرانی و جمعی از فقرا و طلاب را شام داده بودند.

ـ آقاسیدهاشم ذاکر در خانه‌اش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، چند نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی جناب صنیع‌الدوله قریب سیصدنفر مرد و زن جمعیت بود. بعد از ختم روضه به زنها هر یک یک دانه شاهی سفید می‌دادند.

ـ رضاقلی خان سرتیپ عرب طرف صبح در خانه‌اش مجلس روضه خوانی زنانه دارد. جمعیت زیاد از زنهای اهل محله و متفرقه در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز سراج‌الملک و نواب والا سیف‌الدوله و امین‌همایون و نواب والا حاجی بهاءالدوله با قریب دویست نفر جمعیت در مجلس روضه خوانی جلال‌الملک حضور داشتند.

ـ دیشب نواب والا حاجی بهاءالدوله، صاحب اختیار، جناب وزیردفتر، شجاع‌الدوله، میرزا محمودمستوفی و نواب والا سیف‌الدوله و جمعی کثیر از طلاب و غیره در مجلس روضه خوانی وزیرلشکر حضور داشتند. بعد از ختم روضه به هر یک از طلاب دوهزار دینار وجه نقد داده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان دو دسته سرباز مذکور با جمعی از اهل محله و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام حضرات، متفرق گردیدند.

ـ دیشب جناب قوام‌الدوله با جمعی از مستوفیان عظام و سی‌نفر طلاب در مجلس روضه خوانی جناب مستوفی‌الممالک حضور داشتند. بعد از ختم روضه به هر یک از طلاب یک هزار [دینار] پول داده بودند.

ـ طرف عصر شاهزاده خانم، عیال مرحوم فرمان‌فرما، مجلس روضه خوانی ترتیب دادند. ملامحمدتقی جناب صاحب مجلس است. جمعی از طلاب و اهل محله دیروز در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز جمعی از خوانین قاجار، طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند. بعد از روضه به زنها یکی پنج شاهی پول می‌دادند. زنها به واسطه پول ازدحام* کرده، روی هم ریخته، نزدیک بود بعضی صدمه بخورند، آنها را متفرق کردند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی جناب صدیق‌الملک جمعی از اجزای وزارت خارجه و طلاب و اهل محله حضور داشتند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی ساری‌اصلان جمعی کثیر از طلاب و اهل محله مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

---

*. اصل: اذدهام

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین سی‌نفر از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاولی مستوفی سی‌نفر از طلاب و جمعی از فقرا را در مجلس روضه خوانی خود دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی اسمعیل خان کشیکچی‌باشی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی فدا، جمعی از طلاب مدرسه حاجی خازن‌الملک را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز در تکیه سیدنصرالدین تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی کثیر مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه درب خونگاه تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه قورخانه کهنه تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز صبح نواب نورالدهرمیرزا و حاجی مهدی‌قلی خان قاجار و حاجی حبیب‌الله خان قاجار با جمعی دیگر از خوانین قاجار و غیره در مجلس روضه خوانی جناب حاجی میرزا عباس‌قلی حضور داشتند.

ـ دیروز در خانه نواب علیه‌عالیه عزت‌الدوله تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. نواب والا امیرآخور، نواب والا حسام‌السلطنه، بشیرالملک، مشیرالسلطنه، شهاب‌الملک، جناب صدیق‌الملک، جلال‌الملک، اعتمادالملک با جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله آقاجلال پیشنماز با جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه پای‌منار تعزیه وفات حضرت فاطمه‌علیهاسلام را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز جمعی کثیر از خوانین قاجار و طلاب در مجلس روضه خوانی حبیب‌الله خان پیشکار جناب صاحب دیوان حضور داشتند.

ـ دیروز حاجی محمدمهدی پیشنماز و حاجی شیخ‌عباس پیشنماز و ملاغلام‌حسین پیشنماز و

حاجی ملاعلی‌اصغر پیشنماز و حاجی علی مستوفی و میرزاولی مستوفی با جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله در مجلس روضه خوانی خانه حاجی میرزاشفیع شیرازی مرحوم حضور داشتند. حاجی ملاباقر واعظ در منبر اظهار کرده بود که در زمان سابق پادشاهی بود ظالم و جبار و در سر او درد شدیدی ظاهر شده بود که آرام نداشت. خداوند عالم محض هدایت آن پادشان به پیغمبران [آن] عهد حکم فرمود که برو به پادشاه بگو اگر می‌خواهی درد سرت خوب شود، باید یک طفل شیرخوار را در حضور پدر و مادرش سر ببری و از خون او به سرت بمالی، خوب می‌شوی. پیغمبر این مطلب را به پادشاه گفت. شاه امر کرد طفل را آورده، خواسته بودند در حضور پدرومادرش بکشند. طفل به قدرت خدا به زبان آمده، گفت ای پادشاه به من رحم کن. شاه از این واقعه ساعتی غش کرده، بعد به هوش آمده، از ظلم و جوری که به مردم می‌کرد نادم شده، توبه کرده، درد سرش خوب شد. پس باید هر سلطان عدل و انصاف را از دست ندهد.

ـ دیروز صبح سقاباشی با جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس روضه خوانی ناظم خلوت حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی میرزاعلی پسر مرحوم وزیر لشکر، میرزاعبدالله مستوفی و جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه سقاباشی تعزیه شهادت حر خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی کثیر از اجزای قورخانه مبارکه و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب اقبال‌السلطنه حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه رضاقلی خان تعزیه آب آوردن حضرت علی‌اکبر و شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعیت زیاد بود.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی آقاسیدجعفر که از سادات اخوی است، طلاب مدرسه سعدیه را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه حمام‌خانم تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ در صحن امام زاده‌سیداسمعیل تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی کثیر مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه زرگرها تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی از زن و مرد اهل محله

مستمع بودند.

ـ در تکیه ابوالقاسم شیرازی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی ملاحسن‌ناظم‌التجار جمعی کثیر از طلاب و تجار مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی حاجی محمدآقای خرازی‌فروش جمعی از اهل محله و تجار حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی معمارباشی جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در تکیه چهل تن تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. مرد و زن زیاد در آن جا مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی محمودخان تفنگدار همایونی، ملامحمدتقی کاشی و آقاسیدمحمد پیشنماز با جمعی از اهل محله حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی آقاشیخ‌رضای کتاب‌فروش جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ آقاشیخ‌مهدی پیشنماز در خانه‌اش مجلس روضه خوانی ترتیب داده است. جمعی از تجار و آقایان علما دیروز در آن جا حضور داشتند.

ـ جمعی از تجار و کسبه بازار دیروز در تیمچه حاجی استادعلی معمار، مستمع روضه خوانی بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ در مسجد حاجی خازن‌الملک جمعی از طلاب و اهل محله اجتماع نموده، بعد از استماع روضه متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه خوانی میرزاحسین پیشنماز جمعی از طلاب و اهل محله حضور داشتند.

ـ دیروز مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی به حدی جمعیت شده بود که درب خانه را بسته بودند.

ـ در خانه خالوعلی تاجر مجلس روضه خوانی دارند. دیروز عصر جمعی کثیر از تجار و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ در مجلس روضه خوانی میرزاجعفرخان حاکم سابق کاشان جمعی از تجار و اهل محله مستمع

بودند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت تکایا و مجالس روضه خوانی شهر
به تاریخ سه‌شنبه (۶) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ دیشب جناب قوام‌الدوله، جناب آصف‌الدوله، جناب وزیردفتر، جناب امین‌لشکر، جناب امین‌خلوت، نواب ایلخانی، ناظم خلوت، حاجی میرشکار و حسن‌خان سرتیپ اول قزاق در مجلس روضه خوانی جناب امین‌السلطان حضور داشتند. یکصدوپنجاه‌نفر هم از سربازهای جمعی شجاع‌السلطنه [را] دعوت کرده بودند. جناب معزی‌الیه از سرشب تا وقتی که مردم متفرق می‌شوند، ایستاده، سرکشی به شام فقرا می‌کنند و مواظبت در پذیرایی اهل مجلس دارند.

ـ در گذر درب خانه جناب صارم‌الدوله اهل محله بانی شده، سقاخانه بسته، شبها دوسه نفر روضه می‌خوانند و اهل گذر سینه می‌زنند. شب گذشته هنگامی که سیداصغر ذاکر بالای منبر بوده، پسر کوچک مشهدی حبیب قزاق با یک نفر دیگر نزاعشان شده، دادوفریاد می‌کردند. مشهدی عبدالله قزاق، عموی پسره، برخاسته کشیده به صورت او می‌زند که ساکتش کند. مادر پسره به حمایت پسر خود برآمده، نزاعشان شده، بنای زدوخورد را می‌گذارند. اهل مجلس متفرق شده. روضه‌خوانها می‌روند. نایب محله آنها را ساکت و متفرق می‌نماید.

ـ در تکیه بربریها دیروز تعزیه شهادت حر خوانده بودند.جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ نواب حشمت‌السلطنه، شجاع‌السلطنه، جناب لشکرنویس‌باشی و جناب مجدالملک با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در مجلس روضه خوانی جناب امین‌الدوله حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی جناب وزیر لشکر نواب والا سیف‌الدوله و میرزاعلی‌خان

سرتیپ با جمعی از لشکرنویسان حضور داشتند. چند نفر از طلاب را هم دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام به هر یک دوهزار دینار پول دادند.

ـ دیروز جمعی کثیر از مرد و زن در مجلس روضه خوانی جناب صنیع‌الدوله حضور داشتند. بعد از روضه به زنها یکی پنج شاهی پول دادند.

ـ در مجلس روضه خوانی جلال‌الملک جمعی کثیر از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب محمدقلی خان سرتیپ و میرزاشفیع لشکرنویس با جمعی کثیر از طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی مسجد جناب حاجی شیخ‌هادی حضور داشتند.

ـ دیروز جناب امین‌حضور، محمدقلی‌خان، مشیرالسلطنه میرزااسحق‌خان پیشخدمت همایونی با جمعی کثیر از خوانین قاجار و غیره در مجلس روضه خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند.

ـ دیروز جمعی از اجزای وزارت خارجه و طلاب در مجلس روضه خوانی جناب صدیق‌الملک حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی ساری‌اصلان جمعی از طلاب و کسبه و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی آقاسیدمحمدرضا، پسر مرحوم آقاسیدصادق، جمعی کثیر از سادات و طلاب مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی خانه مرحوم آقامیرصالح که جناب آقاسیدعبدالله صاحب مجلس است، اعتماد لشکر با جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین که جناب وزیرنظام مخارج می‌دهند، یکصدوچهل نفر از کسبه بازار را دعوت کرده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی میرزایوسف خان، پسر حاجی مشیرلشکر، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی نواب محمدکاظم میرزا جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح امین‌نظام با جمعی از خوانین قاجار و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب حاجی میرزاعباس‌قلی حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیشب جناب حکیم‌الممالک و جناب معاون‌الملک و مشیرالسلطنه و سیف‌السلطنه با جمعی کثیر از قورخانچی و توپچی و طلاب در مجلس روضه خوانی جناب اقبال‌السلطنه

حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی مشهدی شعبان‌علی حریرفروش جناب امام جمعه و میرزاحسن‌خان شوکت و میرزاسیدکاظم مستوفی اصطبل مبارکه با جمعی کثیر از تجار و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز در خانه نواب علیه‌عالیه عزت‌الدوله، تعزیه شهادت حر خوانده شد. جناب امین‌السلطان، جناب صنیع‌الدوله، شهاب‌الملک، نواب حشمت‌السلطنه و ملک‌الشعرا و جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله، جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ محمودخان، سرتیپ کشیکخانه مبارکه و میرزامحمدحسین مستوفی و عباس‌قلی خان یوزباشی* با جمعی از خوانین قاجار و آقایان علما و اهل محله در مجلس روضه خوانی خانه مرحوم حاجی میرزاشفیع مستوفی شیرازی حضور داشتند.

ـ جناب امین‌حضور، جناب اقبال‌السلطنه، سقاباشی، حسن‌خان پیشخدمت همایونی، امین‌همایون، با جمعی از علما و اهل محله در مجلس روضه خوانی ناظم خلوت حضور داشتند.

ـ در تکیه سقاباشی دیروز تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی از اهل محله و غیره حضور داشتند.

ـ دیروز عصر در خانه آقاسیدجعفر که از سادات اخوی است آقاشیخ‌محمد پیشنماز و ملاشکرالله پیشنماز با جمعی از سادات و اهل محله حضور داشتند. بعد از استماع ذکر مصیبت متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی حاجی سیدیحیی که از سادات محترم اخوی است جمعیت زیاد از هر طبقه بود. طلاب مدرسه سعدیه را هم دعوت کرده بودند و شام زیادی به مردم دادند.

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی جلیل‌خان سرتیپ جمعی کثیر از طلاب، فقرا و مساکین حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند. خود مشارالیه با نهایت دقت ایستاده به شام مردم سرکشی می‌کرد و همه با کمال امتنان می‌رفتند.

---

*. یوزباشی: رییس فراشان (لغت‌نامه دهخدا)

ـ دیشب در مجلس روضه خوانی بشیرالملک جمعی از طلاب مدرسه آقامحمود و مدرسه صدر را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه خوانی مصطفی‌قلی خان پیشخدمت همایونی، جمع کثیری از اهل محله و غیره حضور داشتند.

ـ در تکیه امامزاده سیداسمعیل تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمع کثیری از مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه عباس‌علی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه حمام‌خانم تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند. چند نفر زن نزاعشان شده بود. آنها را ساکت کرده متفرق می‌نمایند.

ـ در تکیه زرگرها، تعزیه حجت‌الوداع را خوانده بودند. جمعیت زیاد از مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه ابوالقاسم شیرازی تعزیه شهادت حضرت امام‌رضا(ع) را خوانده بودند. جمع کثیری از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی حاجی محمدحسن امین‌دارالضرب حضور داشتند. بسیار مجلس منظم خوبی است. پول زیاد به فقرا و مساکین می‌دهند.

ـ در مجلس روضه خوانی حاجی ملاحسن ناظم‌التجار دیشب طلاب مدرسه دارالشفا را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در تکیه چهل تن تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعیت زیاد از مرد و زن حضور داشتند.

ـ اسدالله بیگ نایب قورخانه مبارکه مجلس روضه خوانی دارد. جمعی از اهل محله و اجزای قورخانه مبارکه در آن جا حضور داشتند.

ـ شیخ مقدس و امام جمعه بارفروش با جمعی کثیر از اهل محله در مجلس روضه خوانی محمودخان، تفنگدار همایونی، حضور داشتند.

ـ جناب صدرالعلما و آجودان‌باشی توپخانه مبارکه با جمعی از مرد و زن اهل محله در مجلس روضه خوانی آقاشیخ‌مهدی پیشنماز حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی، جمعیت زیاد از هر طبقه حضور داشتند.

غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس روضه خوانی شیخ‌رضای کتاب‌فروش جمعی از کِسبه و اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه خوانی خالواغلی، جمعیت زیاد از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ در مدرسه مرحوم‌امین‌الدوله جمعی از طلاب و مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در مسجد حاجی خازن‌الملک جمعی از طلاب و اهل محله مستمع روضه خوانی بودند. برای چای دو سه نفر زن نزاعشان شده بود. خدام آنها را ساکت کرده بیرون می‌نمایند.

ـ در تیمچه حاجی استادعلی معمار جمعی از تجار و اهل محله حضور داشتند و مستمع روضه خوانی بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ در خانه حاجی اسدالله تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. پنج نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز جمعی کثیر از تجار و طلاب در این جا مستمع بودند.

ـ در خانه حاجی بابانام دیروز مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعیت زیاد از مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت تکایا و مجالس روضه‌خوانی شهر
به تاریخ (۷) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ دیشب جناب مخبرالدوله، نواب والا حاجی سیف‌الدوله، جناب حکیم‌الممالک، کشیکچی‌باشی زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌السلطان حضور داشتند. جمعیت زیادی از فقرا و غیره در آن جا بودند. شام به قاعده خوبی به همهٔ آنها داده بودند.

ـ دیروز صبح کشیکچی‌باشی*، محقق‌الملک، زین‌العابدین‌خان سرتیپ فوج همدان، مهدی‌خان سرهنگ با قریب دویست‌وپنجاه نفر جمعیت در مجلس روضه‌خوانی جناب صنیع‌الدوله حضور داشتند.

ـ دیشب جمع کثیری از طلاب و سرباز و متفرقه در مجلس روضه‌خوانی زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ نواب والا حشمت‌السلطنه، جناب لشکرنویس‌باشی معیرالممالک و جمعی از مرد و زن در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌الدوله که در پارک خودشان ترتیب دادند حضور داشتند.

ـ نواب والا سیف‌الدوله میرزاعلی‌خان سرتیپ با جمعی کثیر از طلاب و اهل محله دیشب در مجلس روضه‌خوانی جناب وزیرلشکر حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند. به طلاب مدرسه مروی که در آن جا حضور داشتند هر یک را دوهزار [دینار] پول داده بودند.

ـ دیروز جناب عضدالملک، نواب سیف‌الملک، معتمدالحرم، نایب ناظر، بشیرالملک، جناب اقبال‌السلطنه، آقابهرام‌خان، حاجی‌آقاسرورخان و جمعی کثیر از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی جلال‌الملک حضور داشتند.

ـ در مجلس نواب هندی جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بسیار مجلس ختم خوبی است واز مردم خوب پذیرایی می‌کنند.

ـ دیشب جناب قوام‌الدوله، صاحب اختیار، جناب امین‌حضور و جناب وزیردفتر و سی‌نفر از طلاب در مجلس روضه‌خوانی جناب مستوفی‌الممالک حضور داشتند. بعد از صرف شام به هر یک از طلاب یک‌هزار دینار پول داده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی امیرآخور چهل نفر از طلاب را دعوت کرده بودند و جمعی کثیر از فقرا و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در خانه میرزاعبدالرحیم آشتیانی مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی کثیر از طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه حاجی میرزارضا، مشرف اصطبل مبارکه طرف عصر مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی آقاعلی‌اکبر تاجر جمعی از طلاب و تجار دیشب حضور داشتند. بعد از

---

*. کشیکچی‌باشی: رییس قراولان (لغت‌نامه دهخدا)

صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی کشیکچی‌باشی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعداعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر، وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه روحی فداه، دسته شاه حسینی را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از کسبه و طلاب در مجلس روضه‌خوانی خانه آقاسیدابوطالب صدارالذاکرین حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی شاهزاده‌خانم، عیال مرحوم فرمان‌فرما، جمعی از شاهزادگان عظام و طلاب حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزایوسف‌خان پسر حاجی مشیرلشکر، سی‌نفر از طلاب را دعوت کرده بودند.

ـ دیروز در تکیه سیدنصرالدین تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ در خانه صاحب اختیار تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. نواب ارفع والا ملک‌آرا، نواب امیرآخور، محمدقلی‌خان سرتیپ، محمدتقی خان سرتیپ توپخانه، با جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه دربخونگاه تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. پسرهای مرحوم آقاسیدصادق با جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی ابوالقاسم تاجر جمعی کثیر از طلاب و تجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزاعباس‌قلی نواب ارفع والا ملک‌آرا، نواب والا سیف‌الدوله، شهاب‌الملک، اعتمادالملک، امین‌نظام با جمعی کثیر از خوانین قاجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ ملانظرعلی پیشنماز، محمودخان سرتیپ، صمصام‌الدوله و جمعیتی زیاد از هر طبقه دیروز در مجلس روضه‌خوانی آقا سردار پسر مرحوم سپهدار، حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله، احمدعلی‌خان سرتیپ با جمعی از اهل محله و شاهزادگان عظام حضور داشتند.

ـ در خانه نواب علیه‌عالیه عزت‌الدوله، تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جناب

صدیق‌الملک و دبیرالملک و جمعی کثیر از مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه‌خوانی میرزامسیح وزیر مازندرانی، آقاشیخ‌علی پیشنماز آقاسیدمحمد شیخ‌الاسلام مازندران، میرزازکی مستوفی، میرزامحمد مستوفی و جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ نواب والا حسام‌السلطنه، ظهیرالدوله با جمعی از آقایان علما و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ جعفر مجتهد حضور داشتند.

ـ در تکیه سقاباشی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب میرزانصرالله مستوفی، میرزامحمود مستوفی و میرزاحسین‌علی مستوفی با جمعی از علما و سادات در مجلس روضه‌خوانی آقاشعبان‌علی حریرفروش حضور داشتند. هنگامی که باد شدیدی می‌آمد، چند نفر رفته بودند طناب چادر خانه مشارالیه را محکم بکنند. میرزاعلی نام شاگرد آقاشعبان‌علی از بام افتاده به هیچ وجه به او صدمه وارد نشد. آقا شعبان‌علی هم گوسفند ذبح نموده به فقرا داده بود.

ـ دیشب طلاب مدرسه آقامحمود و جمعی از کسبه و غیره در مجلس روضه‌خوانی بشیرالملک حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب عمله‌جات مخزن با جمعی از طلاب و سادات و متفرقه در مجلس روضه‌خوانی جلیل‌خان سرتیپ حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسن‌امین دارالضرب، دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه حمام خانم تعزیه جعفرطیار را خوانده بودند. جمعیتی زیاد از مرد و زن اهل محله حضور داشتند.

ـ در تکیه امامزاده سیداسمعیل تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. چند نفر زن هنگام خواندن تعزیه برای نشستن نزاعشان شده بود. خدام تکیه آنها را ساکت نموده بودند.

ـ در تکیه عباس‌علی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی از اهل محله حضور داشتند.

ـ در تکیه زرگرها تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله حضور داشتند.

ـ جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره دیروز در مجلس روضه‌خوانی حاجی ابوالحسن معمارباشی حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمداسمعیل تاجر کاشانی جمعی از اهل محله و تجار مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی از آقایان علما و تجار و فقرا را در مجلس روضه‌خوانی حاجی ملاحسن ناظم‌التجار دعوت کرده بودند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین پیشنماز جناب صدرالعلما، آقاسیدابراهیم لواسانی، آقاسیدحسین کاشی و آقا شیخ‌علی پیشنماز و جمعی کثیر از طلاب و غیره مستمع بودند.

ـ آقاشیخ جعفر پیشنماز، آقاسیدعبدالله و جناب صدرالعلما با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی میرزااحمد پیشنماز حضور داشتند.

ـ دیروز نواب والا حسام‌السلطنه، ظهیرالدوله و معاون لشکر با جمعی دیگر از طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ‌مهدی پیشنماز حضور داشتند. جمعیتی زیاد از تجار و طلاب و غیره، دیروز در مجلس روضه‌خوانی خالواغلی تاجر حضور داشتند.

ـ در تکیه چهل تن دیروز تعزیه درةالصدف را خوانده بودند. جناب امین‌خلوت با جمعی از خوانین و مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملاعلی، جمعیتی زیاد از هر طبقه مستمع بودند.

ـ جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ‌رضای کتاب‌فروش حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ جمعی مرد و زن اهل محله و طلاب دیروز در مجلس روضه‌خوانی تیمچه حاجی استادعلی معمار حضور داشتند.

ـ در مدرسه حاجی خازن‌الملک دیروز جمعیتی زیاد از طلاب و اهل محله مستمع روضه‌خوانی بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی محمودخان، تفنگدار همایونی، جمعی از مرد وزن اهل محله و طلاب حضور داشتند.

ـ در خانه نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیشب آقاشیخ‌مهدی پیشنماز با جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته

متفرق شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت تکایا و مجالس روضه‌خوانی شهر
به تاریخ پنجشنبه (۸) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ دیشب جناب ناظم‌الدوله و جناب مخبرالدوله، جناب صنیع‌الدوله، جناب نیرالملک، جعفرقلی‌خان ناظم مدرسه مبارکه دارالفنون با جمعی کثیر از هر طبقه در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌السلطان حضور داشتند. با این همه جمعیت و ازدحام مردم مجلس در کمال نظم بود و به تمام مردم شام داده، از آنها پذیرایی کرده بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه‌خوانی جناب صنیع‌الدوله جمعی کثیر از زن و مرد مستمع بودند. علی‌الرسم به زنها هر یک پنج‌شاهی پول داده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی جناب وزیرلشکر جمعیتی زیاد از طلاب و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام به طلاب نفری دوهزار دینار پول داده بودند.

ـ دیروز در تکیه بربریها تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی جلال‌الملک جمعی از اهل محله و گماشتگان دربخانه حضرت مستطاب والا ظل‌السلطان در آن جا حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوان نواب هندی جمعی کثیر از اهل محله و طلاب مستمع بودند. بسیار مجلس منظم خوبی است و خوب از مردم پذیرایی می‌کنند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی ملانظرعلی پیشنماز جمعی از آقایان علما و اهل محله حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی میرزایوسف خان پسر حاجی مشیرلشکر بیست نفر از طلاب را با جمعی از اهل محله دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در تکیه قورخانه کهنه تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی میرزارضا، مشرف اصطبل مبارکه، میرزاسیدحسین مستوفی و میرزا اسمعیل لشکرنویس با جمعی از اهل محله و غیره حضور داشتند.

ـ نواب جهاندار میرزا، میرزااسحق‌خان پیشخدمت همایونی، جناب حکیم‌الممالک، میرزاعلی خان سرتیپ، پسر مرحوم صدراعظم، با جمعی کثیر از خوانین قاجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند.

دیروز طرف عصر جمعی از طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی میرزاداود قزوینی حضور داشتند.

دیروز طرف عصر جمعی کثیر از هر طبقه در مجلس روضه‌خوانی ساری‌اصلان حضور داشتند قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی آقاسیدمحمدرضا، پسر مرحوم آقاسیدصادق، به حدی جمعیت شده بود که حیاط دیگر گنجایش نداشت و مردم حالت حزن غریبی داشتند، به طوری که سه‌چهار نفر زن به حالت ضعف افتاده بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی مرحوم آقامیرصالح عرب جمعی کثیر از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حیدر خاصه‌تراش[1] جمعی کثیر از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی آقاسیدابوطالب صدرالذاکرین که متعلق به جناب وزیرنظام است قریب یکصدنفر از کسبه و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی وکیل‌لشکر، مجدالاشراف و جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

۱.خاصه‌تراش: سلمانی و دلاک مخصوص شاه و بزرگان (لغت‌نامه دهخدا)

ـ در خانه صاحب اختیار تعزیه شهادت حضرت قاسم را خوانده بودند. جمعی از خوانین و مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه سیدنصرالدین تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند.

ـ دیشب جناب قوام‌الدوله، جناب میرزاعیسی، میرزاسیداحمد مستوفی، میرزارضاقلی مستوفی، منشی‌الممالک با جمعی کثیر از مستوفیان عظام و طلاب و فقرا در مجلس روضه‌خوانی جناب مستوفی‌الممالک حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی نواب امیرآخور، جناب وزیردفتر، با جمعی از خوانین و طلاب و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی عیال مرحوم فرمان‌فرما جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح امین‌نظام، جناب میرزاعیسی، اعتمادالملک با جمعی از اهل محله و خوانین قاجار در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی میرزاعباس‌قلی حضور داشتند. وقت ناهار جناب مخبرالدوله و نصرالملک هم آن جا رفته بودند.

ـ دیروز صبح جناب امین‌السلطان، جناب امین‌الملک، صاحب جمع، امین‌السلطنه، محمدابراهیم خان پسر مرحوم امین‌الدوله، با جمعی کثیر از خوانین و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌علی حضور داشتند. جناب امین‌السلطان قبل از رفتن به خانه مشارالیه به خانه حاجی سیدیحیی که از سادات اخوی است رفته، قدری توقف نموده، بعضی [را] هم در آن جا انعام داده بودند.

ـ دیروز در خانه نواب علیه عالیه عزت‌الدوله، تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر و شهادت طفلان حضرت زینب را خوانده بودند. میرزاجواد خان سرتیپ اول قزاق، میرزاسیدمحمد هندی، جناب آصف‌الدوله، نواب والا ایلخانی، معیرالممالک، جناب مخبرالدوله، جناب حاجی علاءالملک، نواب والا حاجی بهاءالدوله با جمعی از خوانین و مرد و زن اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب جناب معاون‌الملک، میرزازکی خان سرتیپ، زین‌دارباشی با جمعی کثیر از اجزای قورخانه و توپخانه در مجلس روضه‌خوانی جناب اقبال‌السلطنه حضور داشتند.

ـ دیشب جناب بحرالعلوم و جناب حکیم‌الممالک با جمعی از اهل محله و طلاب در مجلس روضه‌خوانی بشیرالملک حضور داشتند.

ـ دیروز صبح جمعی از شاهزادگان عظام و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه حیاط شاهی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر و طفلان حضرت زینب را خوانده بودند.

ـ دیروز جناب لشکرنویس‌باشی، میرزازکی مستوفی، میرزامحمد مستوفی با جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی خانه مرحوم حاجی میرزاشفیع شیرازی حضور داشتند.

ـ دیروز مستوفی نظام و میرزاحسین‌علی مستوفی با جمعی دیگر در مجلس روضه‌خوانی میرزاعلی پسر مرحوم وزیرلشکر حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه سقاباشی تعزیه وفات رقیه را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین‌امین دارالضرب ازدحام و جمعیتی زیاد از هر طبقه بود.

ـ در مجلس روضه‌خوانی معمارباشی دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب و مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدآقای‌باقر جمعی کثیر از تجار و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ در تکیه حمام‌خانم دیروز تعزیه وفات رقیه را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه بازار زرگرها تعزیه عبدالله‌عفیف را خوانده بودند. جمعیتی زیاد از زن و مرد در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه عباس‌علی تعزیه زن نصارا را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه امامزاده سیداسمعیل تعزیه عبدالله زبیر را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه چهل‌تن ورود اهل بیت را به مدینه خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز صبح امیرزاده نواب ارفع والا عزالدوله و میرزاعبدالرحیم نهاوندی با جمعی از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ‌مهدی پیشنماز حضور داشتند.

ـ آقاشیخ‌مهدی پیشنماز با جمعی کثیر از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی خالواغلی تاجر مستمع بودند.

ـ دیروز عصر جناب وزیرلشکر با جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملاعلی حضور داشتند.

ـ دیشب نواب والا احتشام‌الدوله و میرزااحمد پیشنماز با جمعی از طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله حضور داشتند.

ـ دیروز صبح جمعی از مرد و زن اهل محله در مجلس روضه‌خوانی محمودخان، تفنگدار همایونی، حضور داشتند.

در مدرسه مرحوم امین‌الدوله دیروز جمعی از طلاب و اهل محله مستمع روضه‌خوانی بودند.

ـ حاجی صفرعلی معمار در خانه‌اش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده است. پنج نفر ذاکر روضه می‌خوانند. جمعی از اهل محله و طلاب دیروز در آن جا حضور داشتند.

ـ در خانه میرزاجعفرخان حاکم سابق کاشان، دیروز جمعی کثیر از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزاحسین پیشنماز جمعی از علما و طلاب و اهل محله مستمع روضه‌خوانی بودند.

ـ دیروز طرف صبح جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی تیمچه حاجی استادعلی معمار حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت مجالس روضه‌خوانی و تکایای شهر
به تاریخ جمعه (۹) شهر محرم‌الحرام
۱۳۰۴

ـ در مجلس روضه‌خوانی نواب هندی دیروز جمعی از طلاب و سادات و اهل محله با جناب امام‌جمعه حضور داشتند.

ـ دیروز جناب امین‌الملک و جناب معاون‌الملک و سقاباشی و میرزاعلی‌خان سرتیپ با جمعی از اهل محله در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌الدوله حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی جناب وزیرلشکر پنجاه نفر از سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام به هر یک دوهزار دینار پول داده بودند.

ـ دیشب محمدتقی‌خان سرتیپ با جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان حضور داشتند. دسته بروجردیها که همه برهنه هستند و خودشان راگل‌آلود کرده بودند، آن جا رفته پنج تومان انعام گرفته مراجعت نمودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌السلطان جمعی کثیر از فقرا و سادات و غیره حضور داشتند. یکصد نفر سرباز را هم دعوت نموده بودند. یک دسته از دراویش با بوق به وضع مخصوصی آمده، سینه زده، دوتومان انعام گرفتند و هم دوسه دسته دیگر با کمال نظم آمده، سینه زده، انعام گرفته، مراجعت کردند.

ـ نواب والا حسام‌السلطنه دوسه شب است در خانه خودشان مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده‌اند. دیشب ظهیرالدوله در آن جا بود. جمعی کثیر از طلاب و فقرا هم حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی جلال‌الملک جمعی کثیر از طلاب و سادات و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی ملانظرعلی پیشنماز جمعی کثیر از علما و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب نواب والا ایلخانی و محمدقلی خان سرتیپ با جمعی از سادات و طلاب در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی شیخ‌هادی که در مسجد ترتیب داده بودند حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی جناب صدیق‌الملک جمعیتی زیاد از اجزای وزارت خارجه و

غیره حضور داشتند. دو سه نفر از اهل مجلس هنگام روضه‌خوانی نقیب‌السادات سیگار می‌کشیدند. مشارالیه در منبر مذمت زیاد از فرنگی‌مآب‌ها کرده، من جمله اظهار داشته بود که مردم حیا نمی‌کنید، همه عیسوی شده‌اید، دین خودتان را از دست داده‌اید. چیزی [که] از مسلمانی باقی بود، همین چهار روز تعزیه‌داری بود، آن را هم می‌خواهید برطرف نمایید.

ـ در خانه منشی‌باشی نواب ارفع والا ملک‌آرا مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی کثیر از هر طبقه در آن جا حضور داشتند.

دیشب جناب آصف‌الدوله و جناب وزیردفتر و جناب حاجی علاءالملک با جمعی از طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی محمدحسین میرزا امیرآخور حضور داشتند.

ـ دیشب چهل نفر از طلاب را در خانه جناب مستوفی‌الممالک دعوت کرده بودند. جناب قوام‌الدوله هم با نصرالملک در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزایوسف‌خان پسر حاجی مشیرلشکر، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در تکیه سیدنصرالدین تعزیه شهادت امام‌رضا علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی کثیر مستمع بودند.

ـ در تکیه قورخانه کهنه تعزیه وفات رقیه را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مرد و زن مستمع بودند.

ـ در تکیه دربخونگاه تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه سلیمان‌خان صاحب اختیار، تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاالسلام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز صبح امین‌نظام و نصرالملک و اعتمادالملک با جمعی کثیر از خوانین قاجار و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی میرزاعباس‌قلی حضور داشتند.

ـ دیروز جمعی از آقایان علما و مستوفی‌های عظام و تجار و طلاب در مجلس روضه میرزامسیح مازندرانی حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حبیب‌الله خان پیشکار جناب صاحب دیوان جمعی از خوانین قاجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه نواب علیه عالیه عزت‌الدوله تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی کثیر از

خوانین و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز نواب سام‌میرزا، میرزاحسن مستوفی، میرزامحمود مستوفی، میرزاعلی مستوفی و میرزاحسین‌علی مستوفی با جمعی از اهل محله در مجلس روضه‌خوانی خانه مرحوم حاجی میرزاشفیع شیرازی حضور داشتند.

ـ دیروز جمعی از شاهزادگان عظام، طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله حضور داشتند.

ـ دیروز و دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدیحیی اخوی به حدی جمعیت شده بود که مافوق ندارد.

ـ دیشب جناب امین‌الدوله، نواب والا حشمت‌السلطنه، میرزاعلی‌خان سرتیپ پسر مرحوم صدراعظم با جمعی کثیر از اجزای قورخانه مبارکه و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب اقبال‌السلطنه حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی مشهدی شعبان‌علی حریرفروش جمعیتی زیاد از تجار و طلاب مستمع بودند.

ـ مؤتمن‌السلطنه و سقاباشی با جمعی از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی ناظم خلوت حضور داشتند.

ـ در تکیه سقاباشی تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله مستمع بودند. جناب امین‌الملک و صاحب جمع هم در آن جا بودند.

ـ در تکیه پای‌منار تعزیه شهادت حضرت سیدسجاد بود. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه حاجی محمدحسن امین دارالضرب جمعیت زیادی از هر طبقه حضور داشتند. مشارالیه به فقرا و ضعفا پول زیادی داده بود.

ـ دیروز در تکیه امامزاده سیداسمعیل تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی کثیر از اهل محله مرد و زن در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه عباس‌علی تعزیه ورود اهل بیت را به کوفه خوانده بودند. جمعیتی زیاد از هر قسم مردم در آن جا حضور داشتند.

ـ در تکیه ابوالقاسم شیرازی تعزیه شهادت حضرت امام‌رضا علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه زرگرها تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعیتی زیاد از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی محمدحسین‌خان رییس اصطبل توپخانه مبارکه جمعی از علما و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی کثیر از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی ملاحسن ناظم‌التجار حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدعلی تاجر جمعی از تجار و اهل محله مستع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ در تکیه چهل‌تن دیروز تعزیه ورود اهل بیت را به مدینه خوانده بودند. جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح ملامحمدتقی کاشی و آقاسیدمحمد پیشنماز با جمعی از طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی محمودخان، تفنگدار همایونی، حضور داشتند.

ـ جمعی از آقایان علما و اهل محله دیروز در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ مهدی پیشنماز حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه حاجی قاسم سقط‌فروش دیروز جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی جناب حاجی ملاعلی، جناب میرزاجواد آقای مجتهد، جناب بحرالعلوم، حاجی آغاسرورخان، آغابهرام خان با جمعی کثیر از طلاب و سادات و تجار حضور داشتند.

ـ آقاشیخ حسین و آقاشیخ علی پیشنماز با جمعی از اهل محله مرد و زن دیروز در مجلس روضه‌خوانی مدرسه مرحوم امین‌الدوله حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از آقایان علما و سادات و طلاب در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله حضور داشتند.

ـ جمعی کثیر از تجار و طلاب و اهل محله دیروز در مجلس روضه‌خوانی خالواغلی تاجر حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی اسدالله بیک، نایب قورخانه مبارکه جمعی از اجزای قورخانه مبارکه و اهل محله مستمع بودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی شیخ‌رضای کتاب‌فروش جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.
ـ در مدرسه حاجی خازن‌الملک جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله مستمع روضه‌خوانی بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.
ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی حاجی بابا نام جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند. زنها به واسطه چای بنای نزاع را گذارده بودند. اهل مجلس آنها را ساکت نموده از مجلس خارج می‌نمایند.
ـ در مجلس حاجی صفرعلی معمار مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. شش هفت نفر ذاکر روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از طلاب و اهل محله در آن جا حضور داشتند.
ـ در مجلس روضه‌خوانی آقامیرمحمدعلی تاجر جمعیتی زیاد از تجار و طلاب مستمع بودند.
ـ در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ‌علی پیشنماز جمعی از آقایان علما و اهل محله حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.
ـ در مجلس روضه‌خوانی حاجی ابوالقاسم بزاز جمعی از تجار و مرد و زن اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۲) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز جناب وزیرلشکر، جناب وزیردفتر، جناب امین‌حضور، جناب مخبرالدوله و نواب والا ایلخانی در سفارت عثمانی به ناهار موعود بودند. بعد از صرف ناهار و عصرانه متفرق گردیدند.

ـ دیروز نواب ارفع والا عزالدوله و نواب ارفع والا ملک‌آرا دو ساعت به غروب مانده سفارت اتریش رفته، فرداً فرد از آن جا بعد از ساعتی بیرون آمده، رفته بودند. نواب والا عزالدوله از آن جا به سفارت فرانسه هم رفته بودند.

ـ میرزاعلی نام به رییس محله متظلم می‌شود که چند روز برای طهماسب‌قلی خان یوزباشی سواران قرداغی طباخی کردم، ناظر او اجرت مرا نداده، بیرونم کرده است و نیز به من فحاشی نموده. رییس محله یک نفر نایب برای تحقیقات فرستاده، ناظر معروض اجرت او را داده از مشارالیه تحصیل رضایت می‌کند.

ـ آرشح‌بیگ نوکر سفارت روس به رییس محله اظهار می‌دارد که با ضعیفه [ای] ننه‌احمد نام چندی قبل در یک خانه نشسته بودم یک دیگ و یک ثوب ارخالق زری زنانه با بعضی چیزهای دیگر از من به سرقت بردند. این اوقات دو پارچه از آن اسباب را نزد ضعیفه دیدم. از او مؤاخذه کردم. گفت از ننه احمد است، پیش من گرو گذارده است. رییس محله فرستاده ننه‌احمد را آورده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات مشارالیها اظهار کرد که شوهرم تب و لرز می‌کرد. شخصی طالقانی دعانویس گفت که باید یک پارچه اسباب از همسایه سرقت کنی و گرو بگذاری، خرما بگیری، به مریض بدهی، خوب می‌شود. من هم چنین کردم. اکنون ضعیفه معروضه در تحت استنطاق است.

ـ در تکیه ظهیرالدوله از دیروز تعزیه‌خوانی بنا کردند. جمعی از اهل محله، مرد و زن، در آن جا حضور داشتند. تعزیه وفات حضرت پیغمبر(ص) را خوانده بودند.

ـ در تکیه زرگرآباد حسین‌خان نوکر جناب حاجی علاءالملک بانی شده دیروز تعزیه ورود اهل بیت را به مدینه خوانده بودند.

ـ در تکیه جناب مخبرالدوله که همه ساله تعزیه می‌خواندند امسال روضه‌خوانی می‌نمایند. دیروز اول طبل و شیپور زده بودند. مردم به گمان تعزیه اجماع نمودند بعد روضه‌خوان زیاد آمده، روضه خوانده، مردم متفرق شدند. جناب معزی‌الیه به آقامحمدحسین، مباشر مجلس روضه قدغن کردند که از امروز زیاده از هشت نفر ذاکر روضه نباید بخوانند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی امین‌السلطنه جمعیت زیاد از هر طبقه حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز ختم مجلس روضه‌خوانی شجاع‌السلطنه بود، جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا مستمع بودند.

سنگلج

ـ دیروز میرزاعبدالحسین نام با ضعیفه، ننه اسمعیل [نام] نزاعشان شده می‌خواستند در کوچه زدوخورد بکنند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده صلح می‌دهند.

ـ دیروز علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا زن حسین نام دزدیده است. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا ترافع کرده طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه کربلایی عباس‌علی مجلس روضه بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدتاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از طلاب و تجار و اهل محله در آن جا مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر میرزاحسن‌نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیشب مشهدی خیرالله قناد جمعی از همکاران و بستگانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ از خانه نواب حاجی محمدمیرزا به رییس محله اظهار می‌دارند که بعضی اسباب از خانه ما سرقت شده. رییس محله یک نفر نایب زیرک فرستاده تحقیق کرده و رد زده، رد را به خانه

محمدحسن عطار برده و یک دستگاه ساعت مسروقه را هم از خانه او به دست می‌آورند و مشهدی علی نام سلمانی که در آن خانه منزل دارد و مظنون به این سرقت است حاضر کرده در تحت استنطاق است.

ـ دیروز جناب حاجی علاءالملک، جناب آصف‌الدوله، نواب والا سیف‌الدوله، محمودخان سرتیپ با جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و مرد و زن اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب والا حاجی بهاءالدوله حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی نواب مستطاب علیه عالیه شکوه‌السلطنه دامت شوکتها جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند. چون روز آخر بود حاجی محمدخان پیشکار نواب معزی‌الیها دم در ایستاده به مردم پول می‌داد. زنها اجماع کرده با هم نزاع می‌کردند و روی هم می‌ریختند که به زحمت آنها را متفرق نمودند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ علی پیشنماز جمعی کثیر از آقایان علما و غیره مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ عزیزالله خان قاجار با مهدی بقال برای دوهزار دینار طلب حرفشان شده، می‌خواستند زدوخورد بکنند. نایب محله رسیده آنها را ساکت می‌نماید.

ـ صفرعلی نام با زنش که حامله بوده، نزاعشان شده، بنای زدوخورد را می‌گذارند. بعد همسایه‌ها آنها را صلح می‌دهند. دیروز مشارالیها بچه سقط کرده و هر دو از منازعه[ای] که کردند نادم هستند.

ـ دیشب آقا سیدحسین پیشنماز با چند نفر دیگر در خانه حاجی محمدعلی صراف میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ عیال محمدقلی نام به رییس محله اظهار داشته، متظلم می‌شود که شوهرم بلاجهت مرا زده و مخارج به من نمی‌دهد. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی اسدالله نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز غروب مشهدی تقی گماشته نواب مستطاب علیه عالیه زینت‌السلطنه دامت شوکتها یک بقچه که یک ثوب عبا با جزیی اسباب در آن بوده بغل داشته از حضرت عبدالعظیم(ع) مراجعت کرده در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم حسن قاطرچی سرکاری با هاشم و یوسف شاگرد خباز با چند نفر قاطرچی دیگر که بعضی مست هم بودند با او بنای نزاع راگذارده، بقچه را از میان می‌برند. اجزای پلیس رسیده هاشم راکه مست بود با یوسف گرفته به اداره آوردند در تحت تحقیقات هستند و سایرین فرار می‌نمایند. از اداره پلیس به صاحب جمع نوشته شد.

ـ آقاسیدعلی‌اکبر برادر آقاسیدعبدالکریم خان پیشخدمت همایونی زمانی که تکیه درب مسجد جامع قهوه‌خانه بود، هفتاد تومان مخارج تکیه کرده، که از بابت اجاره بردارد. همان اوقات قهوه‌خانه بسته شده، آقاسیدعلی‌اکبر از آقاسیدنصرالله که موقوفه تکیه با او است مطالبه کرده، مشارالیه اجاره چند باب دکان وقف را به او وامی‌گذارد که اجاره دکاکین را عوض طلب خود بردارد. دیروز مطالبه وجه اجاره یکی از آن دکاکین راکه عطاری است و مستأجر آن کریم یساول فراشخانه مبارکه است، می‌کند. با مشارالیه نزاعشان شده در آن بین محمدحسن‌خان پیشخدمت همایونی رسیده با چند نفر که همراه ایشان بوده، کریم را قدری تادیب نموده، می‌روند.

ـ طرف عصر در خانه نواب والا احتشام‌الملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، دیروز جمعی کثیر از اهل محله در آن جا مستمع بودند.

ـ طرف عصر در خانه محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند.

ـ دیروز جناب امین‌السلطان، جناب امین‌حضور، جناب اقبال‌الدوله، جناب امین‌خلوت با جمعی کثیر از طلاب و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی محمدعلی تاجر و حاجی محمدحسن امین‌دارالضرب و میرزاولی مستوفی و میرزاعلی مستوفی و میرزا ربیع مستوفی با جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی پسرهای مرحوم حاجی آقامحمدشال‌فروش حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدرضای بلورفروش حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه(۳) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ لردکاستلتون انگلیسی با یک نفر کلنل کاردار انگلیسی آمده، شب به دارالخلافه وارد شده در سفارت انگلیس منزل نمودند. شارژدافر سفارت تا دم در آنها را استقبال کرده بود. از قرار مذکور مشارالیها برای شکار به دارالخلافه آمدند.

ـ نایب کاظم‌سرایدار عمارت جناب اعتضادالدوله، شب برای گردش عمارت بیرون آمده، ضعیفه[ای] دیده از او جویا می‌شود که در این جا چه می‌کنی؟ می‌گوید که نوکرهای کاپیتان قزاق روسی مرا آوردند حال فهمیدم که روسی هستند، پشیمان گردیدم. آمدم این جا پنهان شدم که صبح بروم. نایب کاظم ضعیفه را به منزل خود می‌برد. نوکر کاپیتان مطلع گردیده، آمده که با مشارالیه نزاع کند. اعتمادالسلطنه فهمیده، چند تعلیمی به نوکر کاپیتان می‌زند. این مطلب را صبح به سفارت روسیه اظهار می‌دارند. از سفارت به وزارت خارجه اطلاع می‌دهند. محمداسمعیل خان، فراشباشی وزارت خارجه مأمور شده، بعد از تحقیقات قرار به صلح داده کاپیتان به منزل اعتمادالسلطنه رفته، دیدن کند. بعد معزی‌الیه به منزل او برود. نوکرها هم صلح می‌نمایند.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله، جناب حاجی علاءالملک و شجاع‌السلطنه، به شام در منزل جناب ناظم‌الدوله میهمان بودند.

ـ چندی قبل در وسط روز از خانه یعقوب مسیحی شیره‌چی بعضی اسباب سرقت می‌نمایند. دو روز قبل برگه اسباب خود را نزد دونفر سرباز قراول درب‌خانه دکتر ترانس که جمعی شجاع‌السلطنه هستند، دیده به وزارت خارجه و سفارت فرانسه اظهار کرده، از سفارت به

دوا فروش دوره گرد

حکومت جلیله دارالخلافه اظهار داشتند. مأمورین حکومت سربازها را به حکومت برده، مشارالیهما گفته بودند که شخصی نزد ما گرو گذارده است و مشغول تحقیقات هستند.

ـ دیشب جمعیت کثیری از سادات و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی امین‌السلطنه حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب عیال مشهدی کاظم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که برادرشوهرم مرا بلاجهت زد است. رییس محله فرستاده، تحقیقات کرده معلوم می‌شود که مشارالیها شوهرش به سفر رفته، دیروز به خانه اقوام خود می‌رود. برادرشوهر او مؤاخذه نموده، به این واسطه حرفشان شده، چند نفر از بستگان آنها جمع شده طرفین را صلح می‌دهند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی کربلایی عباس‌علی جمعی از سادات و طلاب و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ قنبرنام قزاق در کوچه افشارها منزلی گرفته، مجلس تریاک‌کشی ترتیب داده است از اداره پلیس قدغن گردید که مرتکبین را دستگیر نمایند و به رییس قزاق اطلاع داده شد که او را تنبیه کنند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی کثیر از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی حبیب‌الله بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا کریم‌شاگرد بقال دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ در خانه جناب مجدالملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جناب امین‌حضور و جناب لشکرنویس‌باشی و بشیرالملک با جمعی از شاهزادگان عظام و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی آقاشیخ‌علی پیشنماز جناب مؤتمن‌الدوله و اسمعیل‌خان سرتیپ با جمعی از آقایان علما و تجار و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیشب جعفرنام شاگرد خیاط که طفل امردی است از نزدیک تکیه ملاآقارضا می‌رفته

سیدیوسف نواده حاجی سیداحمد تهرانی که از الواط است با دوسه نفر از الواط سر راه بر او گرفته، متعرضش شده بودند. اجزای پلیس که می‌رسند حضرات فرار می‌نمایند. رییس محله چند پلیس مواظب کرده است که آنها را دستگیر نمایند تنبیه شوند.

ـ ضعیفه [ای] حاجیه‌خانم نام در گذر مسجد حوض، خانه داشت. مشارالیها از بدو سن تا حال که قریب هشتاد سال است چندین شوهر کرده و مبالغ گزاف به وسایل عدیده پول جمع نموده و هرگز نان سیر نمی‌خورد تا این که این اوقات مریض شده دیروز فوت کرده وارثی نداشت مگر یک خواهر که او را هم در این مدت به خانه خود راه نمی‌داد و مشارالیها به تکدی و خدمتکاری گذران می‌کرد. خوشبختانه یک مرتبه از ذلت به دولت رسید. مبلغی اسباب مردم نزد او گرو دارند که حالا با اطلاع جناب آقاسیدعبدالله از ضعیفه معروضه می‌گیرند.

ـ دیشب عیال آقامحمدعلی عطار به واسطه این که شوهرش زن دیگر هم دارد با شوهرش نزاع کرده، بعد مقداری تریاک خورده، کسانش مستحضر شده او را مداوا و معالجه نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ حاجی سیداحمد تاجر تهرانی که با برادرش مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شدند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیهما ترتیب دادند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین تاجر جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ پسر میرزااسدالله نام با پسر سیدحسین خباز که هر دو ده دوازده ساله هستند بازی می‌کردند، نزاعشان شده، زد و خورد می‌کنند. پای چشم پسر میرزااسدالله قدری کبود می‌شود. مشارالیه به اداره تظلم کرد. طرف مقابل او را حاضر کرده، بعد از تحقیقات چون طرفین طفل بودند با رضایت پدر آنها صلح داده شدند.

ـ دیشب غلام نام موزیکانچی توپخانه مبارکه مست بود. هنگامی که آقاشیخ‌ابوالقاسم پیشنماز در مسجد نماز می‌خواند شرارت و عربده می‌نمود. اجزای پلیس می‌خواهند او را بگیرند. چون

خانه‌اش نزدیک بود فرار می‌کند. به رییس او اطلاع داده شد که تنبیه شود.*

ـ دیروز در امامزاده یحیی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. بانی آن جا نواب علیه عالیه عزت‌الدوله هستند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی مشهدی احمدتاجر جمعی از تجار و آقاشیخ‌عبدالوهاب پیشنماز حضور داشتند.

ـ در خانه حاجی میرزامصطفی تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند.

محله بازار

ـ زن باباقنبر نام عیال عبدالله بی‌غم قاطرچی می‌شود. چندی قبل مشارالیه او را طلاق داده، عبدل نام میرغضب او را می‌گیرد. بعد از چندی مشارالیه هم ضعیفه را طلاق می‌گوید. عبدالله مجدداً برای خودش عقد می‌کند. شب قبل در خانه عبدالله و عبدل نزاعشان شده برای یکدیگر چاقو کشیده، عبدالله به عبدل جزیی جراحتی وارد می‌آورد، همسایه‌ها جمعی شده آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهند. دیروز باز نزاعشان شده به جناب وزیر نظام عارض می‌شوند. جناب معزی‌الیه مأمور برای تحقیق و تنبیه آنها فرستاده بودند.

ـ دیروز جمعی از آقایان علماء و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب والا احتشام‌الملک حضور داشتند.

ـ محمدنام زهتاب دیشب در حوالی خانه‌اش مست بوده با رمضان نام زنبورکچی‌باشی نزاع می‌کرده. حسن درشتی گماشته جناب امین‌خلوت می‌خواهد او را منع کند، به او هم بی‌احترامی می‌نماید. اجزای پلیس که در صدد گرفتاری او برمی‌آیند، فرار نموده داخل خانه‌اش می‌شود. رییس محله چند نفر پلیس مواظب کرده که او را دستگیر نمایند [تا] تنبیه کامل بشود.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی صادق‌تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی محمدنام به رییس محله اظهار می‌دارد که دو پارچه ظرف مس را رحیم نام شاگردم دزدیده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات به محضر

---

*.[در حاشیه آمده]: غلام موزیکانچی [را] فرستاد حاضر نمایند تنبیه نظامی سخت خواهم نمود.

شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ یعقوب قورخانه‌چی که دیشب شدیداً مست بود در محله دولت با یک نفر سرباز فوج مخصوص نزاع نموده بود، گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند. نزد جناب اقبال‌السلطنه فرستاده شد که تنبیه گردد.

Le Counte De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۵) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز در تئاتر* مدرسه مبارکه دارالفنون جناب اشرف مشیرالدوله، جناب ناظم‌الدوله، معتمدالملک، مهندس‌الممالک، زین‌العابدین خان سرتیپ فوج همدان، مهدی‌خان سرهنگ فوج همدان، نواده جناب فرمانفرما، سفیرکبیر عثمانی با چهار نفر اجزای سفارت خود، وزیرمختار فرانسه با زنش و یک نفر خدمه و موسیو وبر، وزیر مختار اتریش با زنش و شارژدافر و یک نفر اجزای سفارت خود، شارژدافر سفارت انگلیس با پنج نفر اجزای سفارت و لرد کاستلتون و کلنل انگلیسی که تازه آمده‌اند، شارژدافر سفارت آلمان با حکیم و دونفر اجزای سفارت، عرب صاحب و زنش، مسیوکراوس با زنش و مادام فیلیپ صاحب و مادام شلکنوف، ماژرولس با زنش، برادرکتابچی با زن و پسر کتابچی، موسیوکون دندانساز با زنش، موسیو فلمر

---

*. اصل: تهاتر

با زنش، حکیم‌بیکر، موسیوشارل با زنش، حکیم عثمانی، موسیو ماتیاس* با زنش، موسیوبواتال** با زنش، دکتر آلبو با دخترش، یساول قزاق با خانمش، کاپیتان قزاق، کایزلر تلگرافچی با هشت نفر از تلگرافچی‌های انگلیسی و جمعی از صاحب منصبان تلگرافخانه مبارکه و مدرسه دارالفنون و غیره حضور داشتند. شش نفر موزیسین فرنگی، سه مرتبه از پشت پرده ظاهر شده، ساز زده، آواز خواندند برای ایرانی‌ها چندان تماشایی نبود چنانچه اغلب در دفعه دوم که حضرات ساز می‌زدند و آواز می‌خواندند، رفته بودند.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله، معتمدالملک، جناب ناظم‌الدوله، شارژدافر سفارت آلمان با حکیم سفارت، وزیرمختار اتریش با زنش، جناب دکتر تولزان، حکیم بیکر، موسیوکراوس، موسیو کونت، ماژرویس با زنش، بارون ودل در سفارت انگلیس میهمان بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب موسیو بواتال با زنش و موسیو اندرنی با زنش در منزل جناب وزیرمختار حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب جمعیت کثیری از هر قبیل در مجلس روضه‌خوانی امین‌السلطنه حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته صرف شام کرده متفرق شدند. صبح هم شله‌زر[د] زیاد طبخ نموده به فقرا و غیره دادند.

سنگلج

ـ دیشب هشت ساعت از شب گذشته پلیسها گردشی ملاحظه می‌نمایند که علی نام یک عدد مجموعه*** زیر شولای خود گرفته، خفیتاً می‌رود. او را تعاقب نموده، دستگیرش کرده، به اداره آوردند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که از دکان دیزی‌پزی سرقت کرده است، مجموعه به صاحبش رد شد و مشارالیه تحت استنطاق است.

ـ دختر مشهدی‌هادی نام که به خانه عمویش می‌رفته در حوالی یخچال حاجی ملاعلی به چاه افتاده. اجزای پلیس و عابرین ملتفت گردیده، او را از چاه بیرون می‌آورند. به کمر مشارالیها قدری صدمه وارد آمده است.

---

*. ماطیاس

**. اصل: بواطال

***. مجموعه: مجمعه، سینی بزرگ

ـ دیشب جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی کربلایی عباس‌علی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی حسین‌نام بود. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌حسین نام بود، کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ عزیزالله نوکر نواب محمدحسن‌میرزا پسر مرحوم اسدالله میرزا چند روز قبل از طرف آقای خود به قریه نصیرآباد مأمور می‌شود که غله جمع کند. در آن جا گویا شب دزد دیده، تعاقب کرده با تفنگ او را زده بودند. چند دانه ساچمه به سفیدران او خورده، مشارالیه را به شهر آوردند. در این مدت معالجه و مداوا می‌نمودند، سودی نکرده، دیروز فوت شد.

ـ جناب حاجی میرزاجواد آقای مجتهد به اتفاق حاجی ملک‌التجار به دیدن جنابان آقا سیدعبدالله و آقاشیخ موسی رفته بودند.

ـ میرزامحمدنام دیشب به خانه حکیم‌الیو یهودی رفته می‌گوید یک قلمدان بدهید می‌خواهم کاغذ بنویسم. یک قلمدان با اسباب که پنج‌شش تومان ارزش داشته گرفته، به وسایل عدیده ایشان را سرگم کرده قلمدان را برداشته فرار می‌نماید. به نایب محله اطلاع دادند. در صدد دستگیری مشارالیه است.

ـ دیروز جناب امین‌الدوله، نواب والا حاجی بهاءالدوله، جناب اشرف مشیرالدوله، امین‌نظام، جناب ناظم‌الدوله با جمعی از خوانین و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب مجدالملک حضور داشتند.

ـ دیروز نواب روح‌الله‌میرزا و عبدالحسین‌میرزا سرهنگ و محمدحسن‌خان یوزباشی و آقاشیخ‌عباس پیشنماز و آقامیرمحمدعلی پیشنماز با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در مجلس روضه نصرالله‌خان سپهسالاری حضور داشتند. نقیب‌السادات در منبر اظهار کرده بود در خانه ظهیرالدوله در حضور بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه عرض کردم که مردم، مگر این مردنها را ملاحظه نمی‌کنید که به مختصر وجهی می‌میرند. از این دنیاداریها دست بردارید و این عروسک‌بازی را کنار بگذارید. رندان در گوشه و کنار گفتگو می‌نمایند که شراب را

اگر کم بخورند حرام نیست. دیگر نمی‌دانند که حضرت امیرالمؤمنین فرمودند هر کس شراب بخورد مثل این است که سر مرا بریده باشد تمام کارها خراب و ضایع شده است. مثل این که هر بقال و سبزی‌فروش بی‌فهم و سواد خود را روضه‌خوان کرده است. می‌روند بالای منبر هر چه می‌خواهند می‌گویند. قدری از این مقوله گفتگو کرده و روضه خوانده، مردم متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجارکاروانسرای امیر و سرای حاجب‌الدوله و طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین لاریجانی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه‌خوانی اعتمادالدوله نواب حشمت‌السلطنه، نواب روح‌الله‌میرزا، نواب احتشام‌الملک، نواب شمس‌الشعرا با جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیروز عصر جمعی از خوانین قاجار و طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی نواب شمس‌الشعرا حضور داشتند.

چالمیدان

ـ محمدعلی سلطان‌آبادی با زنش نزاعشان شده به رییس محله شکایت می‌نمایند و رییس محله تحقیقات کرده، چون منازعه جزیی کرده بودند. آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب شب چهلم فوت عیال حاجی سیدحسین خباز بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز در صحن امامزاده یحیی تعزیه شهادت قاسم ثانی را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدعلی تاجر جمعی کثیر از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال کربلایی هادی نام با شوهرش نزاع کرده جزیی تریاک می‌خورد، کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا کرده بهبودی حاصل می‌نمایند.

ـ دیروز مشهدی حسین زرگر به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا تقی‌نام شاگردم دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید و هم ادعای مبلغی مزد از او می‌کرد، طرفین به محضر شرع

مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ علی‌اکبرخان یاور توپخانه مبارکه ضعیفه فاحشه را به خانه خود برده بود. اجزای پلیس مستحضر گردیده در صدد دستگیری ضعیفه برمی‌آیند. اهل خانه ملتفت شده او را فرار می‌دهند. پلیسها مشارالیها را تعاقب نمودند که دستگیرش کنند.

ـ دیروز در تکیه ملک‌آباد تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. زن حاجی محمدحسین جواهری بانی تعزیه است. جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی جناب امین‌الملک و جناب امین‌خلوت با جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیروز عصر جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب احتشام‌الملک حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدحسن تاجر بود. کسانش جمعی از سادات و طلاب را دعوت کرده، مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ قوجه نام، نوکر حاجی ابوالفتح تاجر که برای ادعای آقایش در اداره بود، بعد از تحقیقات با رضایت مشارالیه از اداره خارج گردید.

Le Counte De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۶) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ چون جناب امین‌السلطان هنگام عبور و مرور از خیابان مبارکه لاله‌زار بی‌مضایقه پول به فقرا می‌دهند، همه روزه صبح در خیابان معروض اجتماعی است از گدا. دیروز وزیر مختار اتریش و زنش و مادام اندرنی با چهارپنج نفر از زن و مرد فرنگی اجزای سفارت اتریش پیاده از خیابان می‌رفتند. دوسه‌نفر از گداها، تکدی کردند. وزیر مختار قدری پول به آنها داد. عده گداها زیاد شده وزیرمختار و سایرین مبلغی پول سیاه در خیابان پاشیدند. گداها هجوم آورده، مثل یک دسته وحوش که طعمه دیده باشند بر سر هم ریخته، پولها را جمع نمودند. مجدداً حضرات پول ریخته آنها به همان وضع جمع می‌کردند. وزیر مختار و سایرین می‌خندیدند. آخرالامر گداها ایشان را محاصره کردند. اجزای پلیس به زحمت گداها را متفرق و از هم پاشیده، خیابان را خالی نمودند.

ـ شاهزاده ابوالخیرمیرزا از بستگان نواب شیخ‌سیف‌الدین میرزا چندی قبل همشیره سیدعلی و سیدحسین نامان را به جهت خود عقد کرده، برده، مبلغی نقد و جنس داده و در این مدت دختر را تصرف نکرده، دیشب دو ساعت از شب رفته مادر و برادرهای دختر به خانه شاهزاده رفته، بی‌احترامی زیاد به مشارالیه کرده ضعیفه را عنفاً از آنجا می‌برند. رییس محله مستحضر شده، فرستاده، یکی از برادرهای دختر راگرفته به اداره فرستاد و پلیس گذارده است که آن یک نفر دیگر را هم بگیرند تا تحقیقات لازمه به عمل آمده تنبیه شوند.

ـ اسمعیل نام غلیان‌فروش در ارک به واسطه آتش منقل، لباسش آتش گرفته باد وزیده مشتعل شده، بدن او سوخته. حاجب‌الدوله پنج تومان به مشارالیه داده. او را به مریضخانه مبارکه فرستاده‌اند که معالجه شود. در آن جا بعد از چند ساعت فوت نموده است.

ـ دیروز وزیرمختار روس دوساعت به غروب مانده به دیدن جناب ناظم‌الدوله رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بود.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله و جناب امین‌حضور و نواب سیف‌الملک در منزل جناب

ناظم‌الدوله میهمان بودند. سازو آواز هم داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب چهار ساعت از شب گذشته حسن‌لش قورخانه‌چی که از الواط و اشرار است، با چند نفر قورخانه‌چی به شدت مستی کرده، عربده‌کنان به قمه از بازار گلوبندک عبور می‌کردند. در آن بین مجدالدوله به خانه‌اش می‌رفته. حسن معروض قمه به طرف اسب معزی‌الیه می‌اندازد. دو نفر پلیس او را از عقب می‌گیرند. قورخانه‌چی‌هایی که همراه او بودند با چند نفر مهتر او را از دست پلیس گرفته فرار می‌دهند. از اداره پلیس به جناب اقبال‌السلطنه نوشته شد که آنها را تنبیه سخت نمایند.*

ـ دیشب طفل پنج ساله مشهدی علی نام از خانه بیرون آمده. مفقود می‌شود. مادر طفل مضطربانه و سراسیمه به رییس محله اظهار می‌دارد. رییس محله چند نفر پلیس فرستاده جستجو کرده، طفل را به فاصله ساعتی پیدا [کرده]، آورده، به دست ضعیفه می‌سپارند با کمال امتنان می‌برد.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدعلی تاجر حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده، متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز امین‌حضور، ناظم خلوت، نصرالملک، عباس‌قلی‌خان سرتیپ کشیکخانه مبارکه، جناب حاجی میرزاعباس‌قلی، محمودخان سرتیپ کشیکخانه مبارکه، میرزاعلی‌خان سرتیپ پسر مرحوم صدراعظم با جمعی از خوانین قاجار و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب مجدالملک حضور داشتند.

ـ دیروز نواب احمدمیرزا و جناب حاجی شیخ‌محمود پیشنماز با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی نصرالله خان سپهسالار حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین لاریجانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

---

*. در حاشیه آمده است: حسن‌قورخانچی و [ ] را فرستادم حاضر نمایند سخت تنبیه بشوند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی نواب شمس‌الشعرا جمعی از شاهزادگان عظام و طلاب و سادات حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین جوهری حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ حاجی محمدتاجر پسر دوازده ساله دارد. دیشب مقداری آتش‌بازی خریده، آتش می‌زند. یک موشک آتش زده، لباسش آتش گرفته، مشتعل می‌شود. مشارالیه مضطرب گردیده به این طرف و آن طرف می‌دود. تا کسانش رسیده در صدد خاموش کردن لباس طفل برمی‌آیند، بدنش سوخته مجروح گردیده، جراح آورده، مشغول معالجه هستند.

ـ آقاسیدجعفر که از سادات اخوی است پسری نوجوان داشت. چند روزی مریض و فوت می‌شود. مشارالیه از غصه و صدمه این حادثه رفته رفته رنجور تا این که مریض [و] بستری شده، دیروز جهان فانی را وداع کرده است. کسانش جنازه او را با احترام برداشته در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب داده‌اند. جمعی از سادات و طلاب و غیره در مجلس حضور داشتند.

ـ حاجی محمدابراهیم تاجر که مدتی قبل با عیال و اطفالش به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود حضرات ترتیب داده بودند.

چالمیدان

ـ دونفر از مهترهای حسین‌قلی خان سرتیپ، دیشب یک جوال جو سرقت کرده، هشت ساعت از شب رفته می‌بردند که پنهان کنند. اجزای پلیس آنها را تعاقب نموده، مشارالیهما جوال را انداخته به طویله آقای خودشان فرار می‌نمایند. صبح کدخدای محله جو را نزد سرتیپ فرستاده، تفصیل را اطلاع می‌دهد. مشارالیه اظهار امتنان نموده، مهترها را تنبیه می‌کند.

ـ خواهر سیدحاجی نام با ضعیفه حمامی نزاعشان شده بنای زد و خورد را در کوچه می‌گذارند. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهد.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی شخصی راکه بدون اسم شب و بلیط بوده دیده، نزد رییس محله می‌برند. معلوم می‌شود که مشارالیه آقامحمدجعفر کدخدای شماعها*

---

*. شماع: شمع‌ساز

است و در خانه بستگانش میهمان بوده. به منزل می‌رسانند و قدغن می‌کنند که من‌بعد بدون اسم شب و بلیط از خانه خارج نشود.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی اسدالله تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز جمعی کثیر از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین یزدی حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی محمدکریم تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب عیال مشهدی کریم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم بلاجهت مرا زده است، رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که ضعیفه بدون اذن او از خانه بیرون رفته است، جزیی نزاعی کرده‌اند. صلح داده شدند.

ـ دیروز عصر جمعی از شاهزادگان عظام و طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی نواب احتشام‌الملک حضور داشتند.

ـ دیروز جناب اقبال‌الدوله و جناب امین‌خلوت و آجودان مخصوص و حاجی میرزا زمان خان با جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی محمدابراهیم خان، پیشخدمت همایونی حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی اسدالله تاجر حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیس‌های گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان شخص بقالی باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل نکرده، رفته است. صاحب دکان را حاضر نموده، دکانش را بسته امتنان حاصل نموده می‌روند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی علی، محمد [را] برای تحقیقات و استنطاق سرقتی از محله سنگلج آوردند. در تحت

استنطاق هستند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۷) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز محمدعلی نوکر حسن‌خان، سرتیپ اول قزاق می‌رود از دکان خبازی نان بگیرد، با رحیم نام شاگرد بقال نزاعشان شده، چون استاد رحیم مستأجر امین‌السلطنه است، چند نفر از نوکرهای معزی‌الیه به حمایت او برآمده، از آن طرف هم نوکرهای حسن‌خان حمایت کرده نزدیک بود زد وخورد نمایند. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده متفرق می‌نمایند.

ـ علی‌محمد مکاری مهتری داشته از نزد او رفته، در طویله ابراهیم خان قوشچی‌باشی مهتر می‌شود و یک رأس الاغ علی‌محمد راگرو می‌کشد. علی‌محمد می‌رود الاغ را بیاورد او راکتک می‌زند. رییس محله پلیس‌ها را مواظب نموده است که مشارالیه را دستگیر نمایند تا تنبیه شود.

ـ زن الش‌بیگ کالسکه‌چی سفارت انگلیس متصل خاکروبه می‌برده، پشت خانه میرزامحمد نام همسایه‌اش می‌ریخته. دیروز هم برده بود بریزد. مشارالیه ممانعت کرده، حرفشان شده به انگشت ضعیفه صدمه جزیی وارد می‌شود و میرزامحمد به خانه‌اش می‌رود. قدغن شد که او را حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیروز در خانه ظهیرالدوله تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. نواب والا حسام‌السلطنه با جمعی کثیر از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ در تکیه جناب مخبرالدوله جمعی کثیر از مرد و زن مستمع روضه‌خوانی بودند. زنهای گدا برای این که جناب مخبرالدوله پول به آنها می‌دهند اجماع کرده، وقت گرفتن پول بنای نزاع و زد

و خورد راگذارده بودند. خدام مجلس آنها را ساکت و متفرق می‌نمایند.
ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ صادق‌بختیاری دزد معروف مشهور که به کرات در انبار مبارکه دولت و حکومت و اداره پلیس حبس بوده و به وسایل عدیده مستخلص گردیده، دیده نمی‌شد. دیشب در حوالی باغ جنت و گلشن در حالی که می‌خواست دستبرد به خانه‌های آن نقاط بزند، نایب زیرک آن گذر مشارالیه را دیده و شناخته، دستگیرش کرده به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.
ـ دیروز در تکیه سر سنگلج تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی کثیر مرد و زن مستمع بودند. علی‌الرسم تفنگی در تکیه خالی کرده بودند. به واسطه تفنگ چادر آتش گرفته بود. مردم اجماع کرده چادر را خاموش نمودند.
ـ دیشب جمعی کثیر از طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی کربلایی عباس‌علی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق گردیدند.
ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رستم تاجر بوده، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.
ـ دیشب حاجی علی‌نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ حاجی حسین نام منتظری عیالی دارد که مشارالیها به مرض غش مبتلا است. اغلب اوقات غش می‌کند و به زحمات به هوش می‌آید. روز گذشته به مطبخ می‌رود که غذا طبخ کند اتفاقاً غش کرده از آتش اجاق [به] لباسش گرفته و غلطیده تا این که آب انبار کوچکی که در مطبخ است می‌افتد، نزدیک به هلاکت بوده کسانش رسیده او را از آب بیرون می‌آورند. قریب دو ساعت به طوری مدهوش بوده که گمان کرده بودند مرده است. طبیب حاضر نموده، در صدد

معالجه بر می‌آیند. بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیروز جناب اشرف مشیرالدوله، جناب آصف‌الدوله، جناب اقبال‌السلطنه، میرزازکی خان سرتیپ، حسین‌علی خان سرتیپ با جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس ختم مرحوم سیدجعفر اخوی حضور داشتند. مخارج مجلس ختم را از هر جهت نواب علیه عالیه عزت‌الدوله داده‌اند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌خان سرهنگ پسر مرحوم صمصام‌الدوله جمعی کثیر از طلاب و سادات و غیره مستمع بودند.

ـ دیروز جناب امین‌الدوله، معیرالممالک، دبیرالملک با جمعی کثیر از طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب مجدالملک حضور داشتند.

ـ دیروز جناب سراج‌الملک و امین‌الصره و حاجی شیخ‌محمد پیشنماز با جمعی کثیر از اهل محله و طلاب در مجلس روضه‌خوانی نصرالله خان سپهسالار حضور داشتند.

ـ دیشب طلاب مدرسه سعدیه با جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین لاریجانی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده متفرق شدند.

ـ دیروز جمعی از شاهزاده‌گان عظام و طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی نواب شمس‌الشعرا حضور داشتند.

چالمیدان

ـ جنازه مرحوم قائم‌مقام را که در موقع سلام فجاء* کرده بود در دیوانخانه مبارکه، به امامزاده یحیی برده امانت گذاردند. اطباء گفته بودند که تا بیست‌وچهار ساعت باید بماند، اگر زنده شد فبها والا دفنش کنند.

ـ دیشب جناب آقاسیدعبدالله مجتهد در خانه آقامحمدعلی صراف میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی باباخان نام جمعی کثیر از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ کربلایی غلام‌علاف به رییس محله اظهار می‌دارد که هشت تومان از میرزامهدی نام طلب

---

*. فجاء: بناگاه در آمدن برکسی و گرفتن او را. (لغت‌نامهٔ دهخدا) در این جا به معنی سکته و مرگ ناگهانی است.

دارم، مطالبه کردم به من فضاحی کرده است، رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز در امامزاده یحیی تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب آقامحمداسمعیل ضرابی جمعی از اهل تجریش را در خانه‌اش میهمان کرده بود.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی صادق تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ مشهدی هادی نام تنباکوفروش قریب هزارتومان ورشکست شده است. چند روز قبل به حضرت عبدالعظیم رفته متحصن می‌شود چند نفر از تجار رفته او را اطمینان داده آورده، دیشب جمعی از تجار در خانه مشارالیه رفته، اجلاس کرده، قراری در کار او داده بودند.

ـ دیروز در تکیه ملک‌آباد تعزیه شهادت حضرت مسلم را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز جناب صدرالعلما و ملامحمدتقی کاشانی با جمعی از خوانین و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی حضور داشتند.

ـ دیروز جمعی از شاهزادگان‌عظام و طلاب و سادات در مجلس روضه نواب احتشام‌الملک مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدصادق تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه مسجد جامع مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی کریم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم بلاجهت مرا زده است.

خیابان مریضخانه

رییس محله فرستاد مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات صلح داده شدند.

Le Counte De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۱۰) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیشب وزیرمختار فرانسه با موسیو دبر و دفتر سفارت و سفیر کبیر عثمانی کاپیتان یساول قزاق و موسیو لمر و عرب صاحب در سفارت اتریش میهمان بودند. هشت ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت دختر مخبرالدوله بود. جمعی کثیر از طلاب و غیره را دعوت کرده، مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده‌بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ سیف‌السلطنه بیست‌وپنج بار انار از ساوه برای چند نفر از امناء و وزرای عظام تعارف فرستاده بود. دیروز تقسیم کردند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی میرزاعلی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله و غیره را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی تقی همسایه‌ام سرقت کرده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدحسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از

اهل محله و غیره مستمع بودند. غروب متفرق گردیدند.

ـ از سفارت آلمان به اداره پلیس اظهار داشتند که علی، مهتر سفارت از جلودار خود مبلغی نقد و بعضی اسباب برداشته فرار کرده است. از اداره قدغن شد اجزای پلیس جستجو نموده مشارالیه را پیدا کرده به اداره آوردند. متوقف و در تحت استنطاق است.

سنگلج

ـ دیروز حسین‌علی خان نوایی غلام خودش را نزد رییس محله فرستاده، اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا سرقت کرده است. رییس محله او را به اداره فرستاد، بعد از تحقیقات معلوم شد که مشارالیه می‌خواسته او را تنبیه کند، این حرف را زده است. نزد خودش فرستاده شد او هم اظهار رضایت می‌نماید.

ـ رضانام شاگرد استادعلی معمار به خانه‌اش آمده ملاحظه می‌کند درب صندوقی راکه خودش قفل کرده، که زنش به جایی نرود، مشارالیها باز کرده لباسهای فاخر خود را پوشیده، می‌خواهد به میهمانی برود. مشارالیه مؤاخذه نموده نزاعشان می‌شود بنای زدوخورد را می‌گذارند و مادر ضعیفه دامادش راکتک می‌زند به رییس محله شکایت می‌کنند رییس محله فرستاده تحقیقات کرده، چند نفر از بستگان طرفین جمع شده آنها را صلح می‌دهند.

ـ علی‌رضاخان حاکم گروس دیروز وارد دارالخلافه شد حاجب‌الدوله کالسکه فرستاده او را با احترام به خانه برده، محمدجعفر نایب فراشخانه مبارکه با چند نفر فراش که مأمور بودند دم در دروازه همراه مشارالیه بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی تقی تاجر جمعی از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال حاجی محمدنام با شوهرش نزاعشان شده. مشارالیها به رییس محله شکایت می‌کند رییس محله فرستاده تحقیقات کرده، چون منازعه جریی کرده بودند صلح داده شدند.

عودلاجان

ـ حاجی امیدعلی تاجر که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. دیشب جمعی از تجار در خانه مشارالیه بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ در خانه حاجی محمدصادق تاجر یزدی مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. در آن جا چادر می‌زدند. محمدحسن بقال بالای بام رفته چادر می‌زده از بام افتاده به مشارالیه صدمه وارد نمی‌آید.

ـ مشتاق‌علی‌شاه که یکی از دراویش معروف است در خانه حاجی رجب‌علی تاجر منزل دارد. دیشب حاجی معروض جمعی از دراویش را دعوت کرده دیگ جوشی به آنها داده تا هشت ساعت از شب گذشته مشغول ذکر بودند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی نواب شمس‌الشعرا جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و طلاب و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه میرزاحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده متفرق شدند.

چالمیدان

ـ در دروازه قدیم حضرت عبدالعظیم (ع) نهری می‌کندند. یک مرتبه چاه عمیقی پیدا شده، فرو رفته که به واسطه آن چاه، سه طاق بازار شکسته، خراب می‌شود و به حمدالله به احدی صدمه وارد نمی‌آید.

ـ دیروز علی، موزیکانچی توپخانه مبارکه در حوالی امامزاده سیداسمعیل مست بوده، هرزگی می‌کرد. اجزای پلیس او را گرفته به وکیلهای توپخانه می‌سپارند می‌برند در توپخانه تنبیه می‌شود.

ـ دیشب جمعی از نواب اصطبل توپخانه مبارکه در خانه محمدحسین خان رییس اصطبل توپخانه بودند. چهار ساعت از شب رفته مراجعت نمودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی رحیم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که یک‌تومان از بابت کرایه دکان از حسن نام بزاز طلب دارم مطالبه کردم. با من نزاع کرده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات قرار داده شد که ده روزه طلب او را بدهد. اظهار رضایت کرد.

محله بازار

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسن‌تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزامهدی تاجر جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه هفت‌تن تعزیه شهادت حضرت قاسم را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ کربلایی هادی نام دیشب چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی رجب‌علی بزاز مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ استادحیدربقال به رییس محله اظهار می‌دارد که حسین‌نام دامادم دختر مرا بلاجهت زده است و اغلب به او صدمه وارد می‌آورد. رییس محله فرستاده تحقیقات نموده معلوم می‌شود که دختر او بدون اذن شوهرش از خانه بیرون رفته جزیی نزاع کردند. آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدتقی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر پلیسهای گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده به اداره آوردند. بعد از ساعتی صاحبش پیدا شده، آمده نشانی داده مسترد داشت.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی برای این که یک دانه خورجین از روی الاغ شخص طوافی سرقت کرده و آن شخص مستحضر شده، گریبان او را گرفته مشارالیه، طواف را زده گرفتار اجزای پلیس چهارسوق شده به اداره آوردند. در تحت استنطاق و تحقیقات است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۲) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ سه نفر فرانسوی دیشب اول شب دونفر و دوساعت از شب رفته یک نفر به دارالخلافه آمده به سفارت فرانسه رفتند. از اداره پلیس قدغن شد که اسامی و شغل آنها و جهت آمدن ایشان را به دارالخلافه معین نمایند.

ـ یک رأس اسب خوب، ساعدالدوله برای جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امور خارجه فرستاده از قرار مذکور دویست تومان قیمت دارد، دیروز نزد جناب معزی‌الیه بردند.

ـ حسن‌خان سرتیپ اول قزاق یک تخته قالیچه به رسم تعارف برای پولکونیک فرستاده، مشارالیه پنج تومان به آقاحسین کالسکه‌چی حامل قالیچه داده بود.

ـ دیشب عیال حاجی محمد نام مکاری با شوهرش نزاع کرده به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاده، تحقیقات نموده، همسایه‌ها شهادت می‌دهند که ضعیفه بدون اذن شوهرش از خانه بیرون رفته به این واسطه منازعه کردند و چند نفر واسطه شده، طرفین را صلح می‌دهند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی تکیه جناب مخبرالدوله جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. امروز ختم روضه معزی‌الیه بود. آنچه باید به ذاکرین و خدام دادند.

ـ علی‌رضاخان گروسی را حسب‌الامر بندگان اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی روحی روح‌العالمین له‌الفداه با کالسکه و به احترام به انبار مبارکه دولتی برده بعد از پذیرایی مغلولاً محبوس داشتند.

ـ دیروز ختم مجلس تعزیه‌خوانی ظهیرالدوله بود. پنج طاقه شال و مبلغی وجه نقد به ذاکرین و تعزیه‌خوانها داده بودند.

ـ دیشب حاجی محمدحسین تاجر چند نفر از تجار و بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین خان نوکر جناب امین‌الدوله جمعی از اهل محله حضور داشتند. ذاکرین روضه خوانده، مجلس را ختم کردند، یکی از آنها عقب مانده بود بعد می‌رسد ملاحظه می‌کند که مردم بیرون می‌روند به اصرار زیاد اغلب را مراجعت داده، مختصر مجلس منعقد کرده به منبر رفته، روضه خوانده، بعد اهل مجلس متفرق می‌شوند.

ـ دیشب هشت ساعت از شب گذشته پلیس‌های گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان بزازی باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل نکرده رفته است. صاحب دکان را خبر کرده، آمده [دکان را] بسته می‌رود و کمال اطمینان را حاصل می‌نماید.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین‌نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی حسین‌علی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را میهمان کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ رفیع‌خان قاجار دیروز از استاد حسن‌بنا مطالبه کرایه‌خانه می‌کرد. به این واسطه حرفشان شده، دوسه‌نفر از طرفین به حمایت برآمده نزدیک بود که زدوخورد بکنند. نایب محله رسیده، آنها را ساکت کرده قراری داده، می‌روند.

ـ آقامحمدتقی ارباب که یکی از ریش‌سفیدهای محله بود، چندی مریض شده دیروز مرحوم گردیده است. کسانش مجلس ختم ترتیب داده، جنازه او را به احترام برداشتند.

ـ آقاشیخ‌محمدعلی پیشنماز که چندی قبل خانه‌اش را به قیمت گزاف به یهودیها فروخته بود و همسایه‌ها از این مسأله شکایت داشتند که سابقاً واقعه آنها مشروحاً در راپورت معروض گردیده، دیروز بعد از چندی ناخوشی فوت شده است. جنازه او را با احترام برداشتند.

ـ دیشب حاجی محمدتاجرتهرانی جمعی از تجار را در خانه‌اش دعوت کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دختر هشت ساله آقاسیداسحق نام می‌رود از بالای آب‌انبار آب بردارد، پایش لغزیده به آب افتاده برادر بزرگش ملتفت شده به پدر و مادرش می‌گوید آنها سراسیمه از اتاق بیرون دویده دختر را از آب بیرون می‌آورند. چند ساعت مدهوش بوده، به زحمت و مداوا به حالش آورده

بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ در خانه استاد ذوالفقار حداد عبدالله نام عمله با دوسه‌نفر دیگر پی می‌کندند زیر اتاق. یک مرتبه اتاق خراب شده، حضرات به چابکی فرار نموده، عبدالله زیر آوار مانده، به پایش صدمه وارد آمده، سایرین از زیر آوار بیرونش می‌آورند.

ـ حاجی محمدعلی تاجر که با برادرش مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. تشریفاتی کسان آنها برای مشارالیهما ترتیب داده بودند.

ـ دیروز شجاع‌الملک با جمعی از خوانین اهل محله و طلاب در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌قلی‌خان پسر مرحوم صمصام‌الدوله حضور داشتند، غروب متفرق شدند.

ـ دیشب طلاب مدرسه کاظمیه با جمعی از سادات و فقرا در مجلس روضه‌خوانی میرزاابوالقاسم بلور حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب قریب یک‌صد نفر از طلاب و سادات را در مجلس روضه‌خوانی مستوفی نظام دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب طلاب مدرسه پای‌منار را در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین لاریجانی دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز محمودخان سرتیپ کشیک‌خانه و عباس‌قلی خان سرتیپ، نواب والا حاجی بهاءالدوله، آقاسردار پسر مرحوم سپهدار، با جمعی کثیر از آقایان علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب مجدالملک حضور داشتند.

چالمیدان

ـ پسر مؤیدالملک که چندی قبل به شیراز رفته بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. جمعی از اقوام و بستگانش او را استقبال نموده، به احترام وارد دارالخلافه نمودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی موسی نام بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که پسرم اطاعت مرا نمی‌کند و با جهال و الواط می‌نشیند. رییس محله فرستاده، مشارالیه را آورده، در قراولخانه نگاه داشته که به اداره بفرستد. عموی او آمده شفاعت نموده، مشارالیه را ملتزم می‌سازند که من بعد نافرمانی

پدرش را نکند او را می‌برند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسن تاجر جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. حضرات بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ رستم‌خان سرهنگ در تکیه منوچهرخان ده روزه تعزیه می‌خواند. دیروز تعزیه شهادت حر خواندند. ابراهیم‌نام جزو مخالفین بوده، در وقت نزاع میرزاغلامحسین که شبیه حر بوده با شمشیر می‌زند بدست ابراهیم مجروح می‌شود. مشارالیه می‌خواسته برود عارض شود تعزیه‌خوانها مانع شده جراح آورده جراحت او را هفت بخیه می‌زنند و قرار می‌گذارند که میرزاغلامحسین روزی یک‌هزار [دینار] به مشارالیه بدهد تا جراحت او خوب شود.

ـ دیشب چند نفر قاپوچی در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم (ع) مست کرده هرزگی می‌نمودند. اجزای پلیس که می‌رسند حضرات فرار می‌نمایند. رییس محله به کاظم‌خان باشی اطلاع می‌دهد. مشارالیه فرستاده آنها را گرفته تنبیه می‌کنند.

ـ دیروز عصر جمعی از خوانین و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی حضور داشتند.

ـ دیروز عصر جناب آصف‌الدوله و نواب عبدالله‌میرزا با جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب والا احتشام‌الملک حضور داشتند غروب متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سید، غلام نواب والا حسام‌السلطنه که دیشب در حوالی خانه جناب مخبرالدوله مست کرده هرزگی و شرارت می‌نمود گرفتار پلیس شده، به اداره آوردند. نواب معزی‌الیه به اداره نوشته تنبیه او را به عهده گرفته نزد ایشان فرستاده شد تنبیه کردند.

ـ حسین پلیس به جرم غفلت از خدمت هشت روز محبوس خواهد بود تا این که از خدمت خود غفلت نکند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۱۳) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز وزیرمختار فرانسه و سه نفر فرانسوی که تازه آمده‌اند به سفارت انگلیس رفته وزیرمختار روس و وزیر مختار اتریش هم آن جا بودند. بعد از ساعتی حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز در خانه دانیال صاحب، اسباب زیاد از هر قبیل حراج می‌کردند. اسبابها متعلق به برادر میرزاجوادخان سرتیپ، سعدالدوله و خود دانیال صاحب بود.

ـ دیشب وزیرمختار اتریش با زنش و شارژدافر سفارت آلمان و پولکونیک و موسیو وت و موسیو لمر و پروشنگ در منزل یساول قزاق میهمان بودند. وزیر مختار روس هم دعوت داشت، نیامده بود.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی‌رضای تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی مصطفی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسن‌نام نوکرم دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات معلوم شد که مشارالیه از پیش او رفته است و جای دیگر نوکر شده است این ادعا را می‌کند. به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب چند نفر از تجار در خانه حاجی عبدالله‌تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی حاجی عباس‌قلی تاجر حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی احمد نام می‌رود از دکان بقالی قدری روغن بگیرد، با شاگرد بقال حرفشان شده، دوسه‌نفر به حمایت طرفین برآمده نزدیک بود نزاع و زدوخورد نمایند. اجزای پلیس رسیده آنها را ساکت کرده، صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیشب عیال مشهدی رحیم نام دوساعت از شب رفته با کمال اضطراب به رییس محله اظهار می‌دارد که طفل پنج سالهٔ من از صبح از خانه بیرون آمده، مفقود شده است. هر جا گشتم* او را پیدا نکردم. رییس محله به اتفاق او چند نفر پلیس فرستاده، دوسه ساعت جستجو کرده، طفل را پیدا نموده آورده به دست مادرش می‌سپارند. اعلی درجه امتنان را حاصل کرده، او را می‌برند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدعلی تاجر جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین‌بزاز جمعی از طلاب و غیره مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی غلام نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

عودلاجان

ـ در خانه ارفع والا ملک‌آرا مجلس روضه‌خوانی منعقد است چهار ساعت به غروب مانده شروع و غروب ختم می‌شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله جناب حاجی علاءالملک، نصرالملک، سهام‌الدوله، جناب حاجی میرزاعباس‌قلی با جمعی از آقایان علما و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیروز نواب والا حسام‌السلطنه و ظهیرالدوله، معیرالملک و آجودان‌باشی کل و جناب مؤتمن‌الدوله و میرزاعباس خان سرتیپ با جمعی طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب مجدالملک حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین لاریجانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ در خانه جناب امین‌الملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده‌اند. دیروز جناب امین خلوت و ناظم خلوت با جمعی از طلاب و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیشب عیال مشهدی رحیم نام با شوهرش برای زنی که شوهرش تازه گرفته است، نزاعشان

---

*. اصل: گردیدم

شده، مشارالیها قدری تریاک می‌خورد. اهل خانه ملتفت شده او را معالجه و مداواکرده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیروز حاجی محمدعلی تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. دیشب هم جمعی به دیدن او رفته، بعد از صرف شام مراجعت کردند.

چالمیدان

ـ افراسیاب‌خان یاور ملایری که چندی قبل به ولایت خود رفته بود، مراجعت کرده است. شب حالتش بر هم خورده فوت می‌نماید. جنازه او را با کمال احترام حرکت دادند.

ـ دیروز حاجی میرزاجوادآقای مجتهد تبریزی به دیدن حاجی محمدحسین تاجر تبریزی رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی جوادتاجر که سال قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز مشهدی مرتضی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مراکربلایی رحیم نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چهارسوق

ـ دیروز نزدیک اذان صبح یکی از اجزای چهارسوق ملاحظه می‌نماید که دکانی آتش گرفته شعله‌ور است. فوراً به سایر اجزاء اطلاع داده، جمعی رفته به زحمت آن حریق را برطرف می‌نمایند. چنانچه اندکی دیر رسیده بودند، خسارت زیاد وارد می‌آمد.

محله بازار

ـ دیشب در خانه حاجی حسین‌تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزامحمدعلی تاجر شیرازی حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیشب چند نفر از قاطرچیهای سرکاری مست کرده عربده و شرارت می‌کردند. اجزای پلیس گردشی که می‌رسند، حضرات فرار می‌نمایند. به رییس آنها اطلاع داده شد که تنبیه شوند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین بزاز جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز حاجی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا رحیم نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ حاجی صادق نام تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند. دیشب هم جمعی از تجار به دیدن او رفته بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ احمد [و] علی که در محله دولت مست کرده، هرزگی می‌کردند گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند. در دیوان‌خانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ مرتضی نام عطار برای این که دو مرتبه اظهار کرده است که اسباب از دکان من سرقت شده است و به اصرار و حمایت چند نفر نه تومان غرامت گرفته است و بعد به شهادت پدرش و تحقیقاتی که به عمل آمده معلوم و محقق شد که ابداً دزد به دکان او نرفته و سرقتی نشده و محض جلب منفعت این ادعا را کرده و به اصرار پول گرفته است، حبس شد. باید تنخواهی که گرفته، رد کند و در دیوان‌خانه حکومت تنبیه کامل بشود تا سایرین عبرت نمایند.

ـ رضا [و] یوسف که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بودند، بعد از تحقیقات به رییس محل چالمیدان سپرده شدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۱۴) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیشب عرب صاحب با زنش و یساول قزاق با زنش و کاپیتان قزاق با زنش و نظام‌الملک رییس پلیس با چند نفر فرنگی در سفارت آلمان میهمان بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز وزیر مختار آلمان و سفیر کبیر طرف عصر به سفارت انگلیس رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ در خانه نواب شیخ‌سیف‌الدین‌میرزا مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز مخبرالملک و جلال‌الملک و تقی‌خان سرتیپ با جمعی کثیر از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ در خانه باقرخان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی زنانه فراهم کردند. دیروز جمعی از زنهای محترمه در آن جا بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی عباس‌قلی تاجر جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت عیال میرزاحسین‌قلی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عیال مشهدی ابراهیم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا زن رحیم نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله فرستاده مشارالیها را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسیده بود به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

سنگلج

ـ نایب سهراب که یکی از سوزافیه‌های زیرک پلیس است و چندین دزد معتبر تا حال گرفته است یک دانه صد دیناری در دست ضعیفه دیده، از فرط هوش ملتفت می‌شود که قلابی است و در

ضرابخانه مبارکه ضرب نشده است. این فقره را دنبال نموده تا این که معلوم می‌نماید که ابراهیم و احمد نامان همدانی در خانه خودشان مشغول این عمل هستند. به رییس محله خبر داده، مشارالیه با چند نفر پلیس رفته هر دو را با کوره و دم و سایر لوازم سکه قلبی از قبیل درجه و بوته و غیره و غیره دستگیر کرده به اداره آوردند. عجالتاً در تحت استنطاق مشارالیهما اقرار کردند که قریب بیست روز است متصل شغل آنها این بوده که مس شکسته و غیره از قرار یک من پنج شش هزار [دینار] می‌خریدند و با درجه صد دیناری می‌ریختند و روزی تا سه چهارمن مس را پول کرده، خرج می‌نمودند. هر دو در حبس و در تحت استنطاق کامله هستند. فی‌الواقع مشارالیهما عجب تدبیری کرده بودند. زیراکه یک من مس را به شش هزار [دینار] می‌گرفتند و شش هزار هم مخارج می‌نمودند. به همه جهت دوازده هزار تمام می‌شد و یک [من] سه تومان و دوهزار [دینار] به خرج می‌دادند، در حالتی که احدی نمی‌توانست در پول آنها ایرادی بگیرد.

ـ میرزاتقی‌خان لشکرنویس مدتی مریض بود. اندکی بهبودی حاصل کرده، دیروز غروب به خانه رضاخان حکیم می‌رفته، اشتباهاً داخل خانه راغی نام مسیحی می‌شود. مشارالیه آمده، مؤاخذه کرده بنای دادوفریاد را می‌گذارند. اجزای پلیس آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیشب حسن نام با مادرزنش نزاعشان شده هفت ساعت از شب رفته دم در آمده قیل و قال می‌کردند. نایب محله رسیده میانه آنها را التیام داده به خانه روانه می‌کند.

عودلاجان

ـ دیروز جناب حاجی علاءالملک، ظهیرالدوله، معتمدالملک، جناب میرزاولی مستوفی با جمعی از شاهزادگان عظام و علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا رکن‌الدوله حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌قلی‌خان سرتیپ پسر مرحوم صمصام‌الدوله، احمدخان سرتیپ، غلام‌حسین‌خان سرهنگ و نواب والا حاجی بهاءالدوله با جمعی کثیر از اهل محله و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلامحسین تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ شیخ حسین پسر حاجی ملاعلی‌اصغر تهرانی که مدتی قبل برای تحصیل علوم به کربلای معلا مشرف شده بود، مراجعت کرده، کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند. از قرار

مذکور مشارالیه خوب تحصیل کرده است.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی محمدحسین تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ استادمحمد طباخ به رییس محله اظهار داشته که شش عدد بشقاب مس نزد محمدجعفر نام امانت گذاردم. مطالبه کردم نمی‌دهد و با من فحاشی و هرزگی کرده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزااحمد، منشی‌باشی جناب امین‌السلطان مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه نواب نصرالله میرزا مجلس روضه‌خوانی بوده، جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز عصر جمعی از خوانین قاجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی حسین‌خان قاجار حضور داشتند.

ـ دیروز در امامزاده یحیی تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر هراتی حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدعلی‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و تجار را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیشب جناب امام‌جمعه با چند نفر از طلاب در خانه حاجی میرزامحمدعلی تاجر میهمان

بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه ملک‌آباد تعزیه کوه احد را خوانده‌بودند. جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزامحمدعلی تاجر شیرازی حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش حضور داشتند قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی عبدالله‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ مصطفی‌خان یاور در خانه‌اش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده است. دیروز جمعی از اهل محل مستمع بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمدعلی که طفل است برای این که یک جفت کفش از شخصی برداشته، از چهارسوق آوردند تا تحقیقات شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

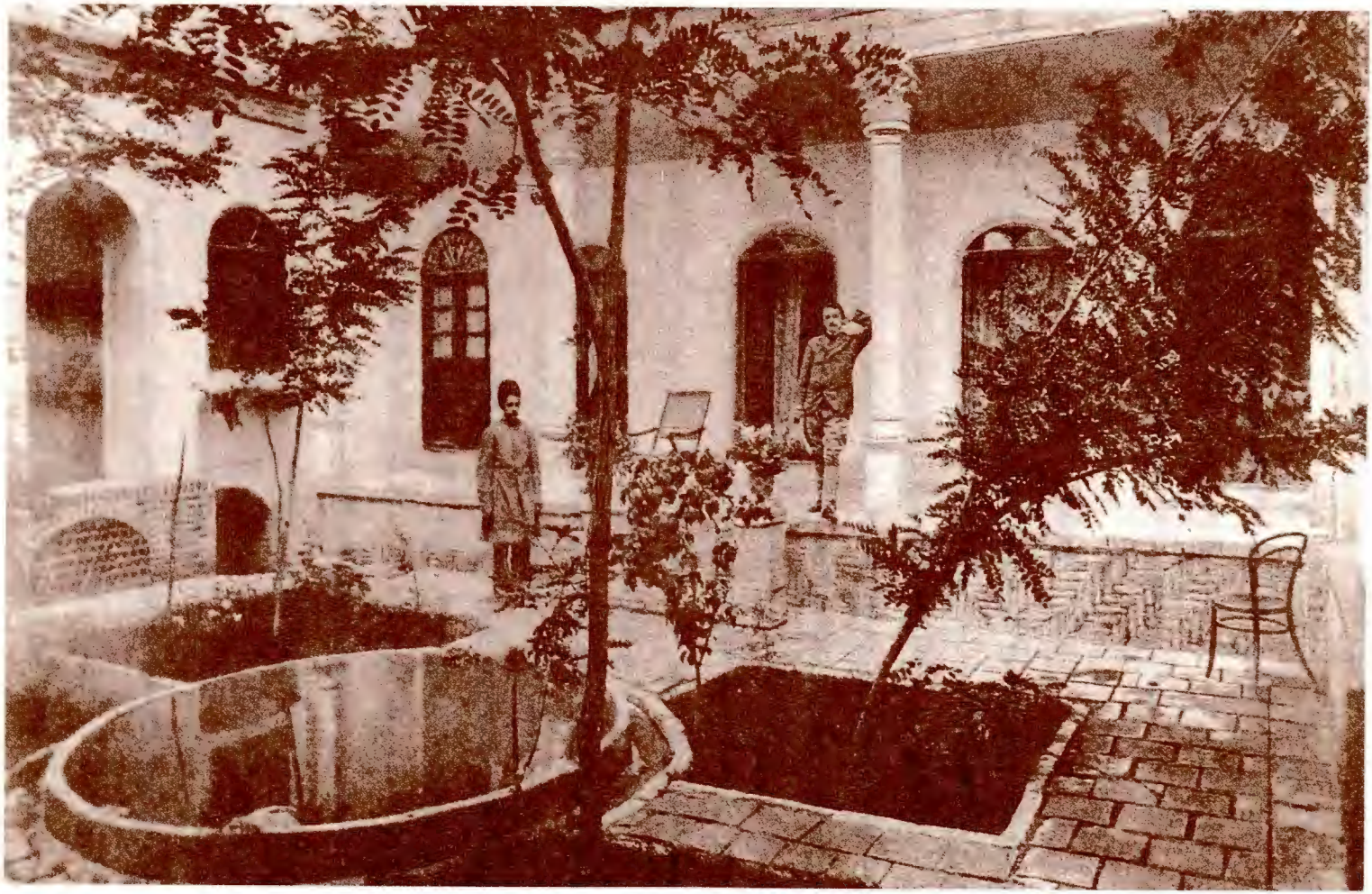

داخل خانه‌ای درطهران

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۱۵) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ نصرالله‌خان، سرهنگ فوج سوادکوه که چندی مریض بود دیروز مرحوم شده است جنازه او را به احترام برداشته امانت گذاردند که به حضرت عبدالعظیم(ع) ببرند.

ـ دیروز وزیرمختار روس با پالکونیک و کاپیتان قزاق به سفارت فرانسه رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند. نواب والا حسام‌السلطنه هم به آن جا رفته بودند.

ـ سفیرکبیر عثمانی دیروز طرف عصر به سفارت انگلیس رفته، بعد از ساعتی مراجعت نمود.

ـ دیروز نواب ارفع رکن‌الدوله و تقی‌خان سرتیپ با جمعی کثیر از طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب شیخ‌سیف‌الدین‌میرزا حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدنام بوده است جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی عباس تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیروز کربلایی مهدی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا زن حسین نام ناوه‌کش* دزدیده است. رییس محله فرستاده، مشارالیها را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب میرزاحسن نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ عباس نام توپچی دوتومان و پنج‌هزار [دینار] از ضعیفه ادعای طلب می‌نمود. در کوچه قیل و

---

*. ناوه‌کش: ناوه: چوب میان خالی، که گل‌کاران بدان گل کشند. حمل‌کنندهٔ گل. (لغت‌نامهٔ دهخدا)

قال می‌کردند. نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده قرار می‌دهد که در محضر شرع انور طرفین طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه جناب میرزاولی مستوفی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی محمدتاجر در خانه‌اش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از تجار و طلاب را دعوت کرده بود. بعد از شام حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی اسدالله تاجر جمعی از تجار و طلاب حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدحسین تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب عیال غلام‌علی نام با شوهرش نزاعشان شده مشارالیه قدری تریاک می‌خورد کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

عودلاجان

ـ دیشب پلیسهای گردشی چهار ساعت از شب رفته ملاحظه می‌نمایند که از دکان علافی دود زیادی بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقل مقداری کاه آتش گرفته مشتعل شد است. فوراً صاحب دکان را حاضر کرده حریق را برطرف می‌نمایند.

ـ دیروز نواب ضیاءالدوله و نواب شعاع‌الدوله و نصرالملک و سهام‌الدوله با جمعی کثیر از شاهزادگان عظام و طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا رکن‌الدوله حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه مستوفی نظام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب قریب سیصدنفر از طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی میرزاابوالقاسم بلور حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌قلی‌خان سرتیپ پسر مرحوم صمصام‌الدوله جمعی از خوانین و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی میرزامحمدبزاز بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی

ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ مشهدی عبدالله‌عطار به رییس محله اظهار می‌دارد که پنج روز است عیال من مبلغ بیست وپنج‌هزار [دینار] پول مرا برداشته فرار کرده رفته است. از قراری که فهمیده‌ام ضعیفه دلاله از او خبر دارد، رییس محله فرستاده، ضعیفه دلاله را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه التزام از مشارالیها گرفته شد که برود پنج روزه آن ضعیفه را پیدا کند.

ـ دیشب جناب امام‌جمعه با چند نفر از سادات و طلاب در خانه حاجی قاسم تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده مراجعت کردند.

ـ مادر آقاشعبانعلی بزاز که مدتی مریضه بود مرحومه شده است کسانش مجلس ختم ترتیب دادند دیروز جمعی از تجار و طلاب در مجلس ختم حضور داشتند جناب آقاسیدعلی پیشنماز رفته ختم را برچیدند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر هراتی حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین‌تاجر تبریزی حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی میرزااحمدبزاز جمعی از سادات و طلاب حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر جمعی از خوانین قاجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حسین‌خان قاجار حضور داشتند. غروب حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ پسرهای آقامحمدرضای کاشانی چند باب خانه متصل به هم دارند. مقداری اسباب در اتاقهای آن جا ریخته‌اند. دیروز به رییس محله اطلاع دادند که چند پارچه اسباب متدرجاً از اتاق برده‌اند و کار نوکرها است. رییس محله فرستاده است که تحقیقات لازمه در این باب به عمل آورند.

ـ دیروز در تکیه هفت‌تن تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعی از آقایان علما و اهل محله و تجار در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزامحمدعلی تاجر حضور داشتند.

ـ دیروز عصر جمعی از صاحب منصبان نظامی و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌خان یاور مستمع بودند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از کسبه و طلاب در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیشب پسرهای مرحوم میرزارضای گل‌سرخی در خانه خودشان که در حوالی حمام چال است مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی محمد [را] برای این که چند دانه سیخ از دکان کبابی سرقت کرده است از چهارسوق به اداره آورده‌اند در تحت تحقیقات است.

ـ هاشم برای این که مقداری اسباب دزدی از دزد گرفته است متوقف شد تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۱۶) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز عصر جناب اشرف مشیرالدوله و نواب ارفع والا ملک‌آرا و جناب ناظم‌الدوله به سفارت فرانسه رفته بودند. بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیروز نوکر میرزاآقاخان منشی سفارت اتریش می‌رود از دکان قصابی گوشت بگیرد. در سر قیمت گوشت با قصاب نزاعشان شده، می‌خواستند زدوخورد بکنند نایب محله رسیده آنها را صلح می‌دهد.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله و جناب حاجی علاءالملک و معتمدالملک در منزل جناب ناظم‌الدوله میهمان بودند.

ـ سیدحسین نام که یکی از سادات محترم محله بود بعد از چند روز ناخوشی مرحوم شد. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، ختم گذاردند.

ـ ناظر موسیوکون چند روز قبل یک حمام آهنی ازکربلایی هاشم حلبی‌ساز به هفت تومان‌ونیم خریداری کرده سه تومان داده، بعد خودش به مأموریت گیلان می‌رود. دیروز که حمام ساخته شده بود. مشارالیه حمام را می‌برد که بقیه قیمت آن را بگیرد. موسیوکون می‌گوید که من تمام پول حمام را دادم باید از ناظر وقتی که می‌آید بگیرید و سوار شده می‌رود. کربلایی هاشم هم حمام را برداشته می‌آورد، غروب موسیوکون مراجعت کرده مستحضر شده به دکان مشارالیه آمده دوسه‌چوب به شاگردهای او می‌زند می‌رود. کربلایی هاشم هم رفته مراتب را به جناب اشرف مشیرالدوله عارض می‌شود جناب معزی‌الیه مأمور برای تحقیقات می‌فرستد.

ـ دیروز معتمدالحرم، مخبرالملک، عباس‌قلی خان سرتیپ با جمعی از طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب شیخ‌سیف‌الدین میرزا حضور داشتند.

سنگلج

ـ یاغچی‌آقا که سابقاً نایب اصطبل مبارکه بود و دو روز است به طویله جناب معاون‌الملک رفته

است محض لجاجتی که با مشهدی زین‌العابدین رییس داشته غلامرضا آدم او راگرفته به طویله برده کمال هرزگی را نموده و مشارالیه را زده. مشهدی زین‌العابدین نزد جناب معزی‌الیه رفته تفصیل را گفته ایشان هم یاغچی‌آقا را تهدید کرده به مشهدی زین‌العابدین یک ثوب سرداری خلعت داده، طویله‌اش را به او می‌سپارد.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌تاجر جمعی از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب عیال کربلایی حیدربزاز به رییس محله متظلم می‌شود که شوهرم بلاجهت مرا زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات معلوم شد که ضعیفه بدون اذن شوهرش به خانه اقوام خود رفته است. به این واسطه حرفشان شده صلح داده شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی عباس‌قلی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و غیره را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ حاجی محمدحسین تاجر که مدتی قبل به زیارت عتبات عالیات مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب چند نفر از جهال گذر سرتخت و سرچشمه به واسطه سابقه عداوتی که با هم داشتند نزاعشان شده بنای زدوخورد را می‌گذارند. در میانه دست رضا نام نوکر نواب روح‌الله میرزا مجروح می‌شود. اجزای پلیس آنها را ساکت و متفرق می‌نمایند. قدغن شد که مقصرین را دستگیر نمایند، تنبیه شوند.

ـ دیروز نواب ارفع والا ملک‌آرا جناب قوام‌الدوله، جناب حاجی علاءالملک، جناب حاجی میرزاعباس‌قلی، جناب آقاسیدعبدالله با جمعی از آقایان علما و شاهزادگان عظام و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا رکن‌الدوله حضور داشتند.

ـ در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌قلی‌خان سرتیپ پسر مرحوم صمصام‌الدوله دیروز جمعی کثیر از خوانین و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی مستوفی نظام طلاب مدرسه کاظمیه و مدرسه ملاآقارضا و غیره را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ در مسجد تکیه دانگی مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی کثیر از طلاب و غیره

در آن جا مستمع بودند. میرزامحمدرضای واعظ در منبر اظهار کرده بود که من نمی‌دانم چرا این قدر مردم از خدا بی‌خبر هستند و دین و مذهب خودشان را از دست داد[ه‍ا]ند. اغلب نوکر مآب‌ها ملبس به لباس فرنگی شده‌اند چون حالا رسم این شده، عجالتاً حق دارند ولی سایر مردم چرا لباس فرنگی می‌پوشند و خود را فرنگی‌مآب ساخته‌اند. مذمت زیاد از وضع فرنگی مآبها کرده و قدری از عقاید آنها ذکر کرده و روضه خوانده. مردم متفرق شدند. شیخ زین‌العابدین واعظ در ضمن تنطقات خود تمجید و تعریف از وضع وظایف و مواجب و استمراری که از طرف قرین‌الشرف دولت ابد مدت به مردم مرحمت می‌شود، می‌نمود.

چالمیدان

ـ باباعلی نام که از جیب‌برهای معروف بود و چندین مرتبه به دست اجزای پلیس گرفتار و محبوس شد اخیراً در موقع روز قتل مستخلص گردیده، متواری بود مریض و فوت شد.

ـ مشهدی علی بقال به رییس محله اظهار نموده که عیال من یک‌هزار دینار از ضعیفه[ای] طلبکار است، مطالبه کرده، او را کتک زده است. رییس محله فرستاده ضعیفه ضاربه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که مشارالیها مجنونه شده و به این واسطه این حرکت را کرده است. قدغن شد دیگر متعرض نشود.

ـ دیشب در خانه میرزاهدایت خزانه، مجلس روضه‌خوانی منعقد کرده بودند. جناب معاون‌الملک و سهام‌الدوله با جمعی از تجار و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدتقی‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام نموده، حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز صبح جناب حاجی میرزاجوادآقا مجتهد تبریز به دیدن آقامیرزا صادق برادر حاجی ملک‌التجار رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزامحمدعلی تاجر حضور داشتند.

ـ دیروز صبح شیخ‌مقدس و ملامحمدتقی کاشانی با جمعی از تجار و غیره در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش حضور داشتند.

ـ سیداحمد بقال قدری نان از دکان مشهدی محمدخباز می‌گیرد. جزیی کم بوده. مشارالیه می‌خواهد برود به جناب وزیرنظام عارض شود. اهل گذر نگذاشته، آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیروز عصر میرزامحمدعلی خان سرتیپ اول فوج مخصوص با جمعی از صاحب‌منصبان نظامی و غیره در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌خان یاور حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی پسرهای مرحوم حاجی میرزارضای گل‌سرخی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ عبدالرحیم [را] برای ادعای یک نفر کباب‌فروش از محله بازار آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ هاشم خرازی‌فروش که برای تحقیقات اسباب مسروقه در اداره بود ضامن داده از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۱۷) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز شارژدافر دولت ایتالیا سه ساعت به غروب مانده با کمال احترام وارد دارالخلافه

گردیده، شب هم در سفارت فرانسه میهمان بود.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی کل محمدنام را در خیابان بدون اسم شب و بلیط دیده به اداره آوردند. تحقیقات لازمه به عمل آمده مشارالیه اظهار کرد که من نوکر اسمعیل خان طالش هستم، امشب آقای من با برادرش نزاع می‌کردند. من رفتم میانجی شوم مرا هم زده‌اند، فرار کردم، چون صدق گفته بود و تقصیری نداشت رها گردید.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی نواب شیخ‌سیف‌الدین میرزا جمعی کثیر از طلاب و سادات و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی میرزامحمدعلی صراف جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز عیال مشهدی حسین‌بزاز به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا برادر شوهرم به طور سرقت برده، رییس محله فرستاده، مشارالیه را آورده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان بزازی باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل نکرده رفته است. فوراً صاحب دکان راکه در آن حوالی بوده حاضر نموده دکانش را بسته و امتنان حاصل کرده می‌رود.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی عباس‌تاجر بوده. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیروز رضاخان یاور نظام جدید نوکرش را همراه خود [به] بازار می‌برد که برای او سرداری بگیرد. او را در بین راه می‌فرستد به منزلش که پول سیاه بیاورد. مشارالیه به منزل آمده، مبلغی پول با بعضی اسباب برداشته فرار می‌کند. یاور معروض به اداره اطلاع داد. از اداره به اجزای پلیس قدغن شد که جستجو نموده او را پیدا کنند.

ـ دیشب شش ساعت از شب رفته محمدعلی نام بزاز مست کرده در خانه و بالای بام عربده و شرارت می‌کرده. آقامحمدابراهیم تاجر کاشی خواسته او را منع کند به او هم فحاشی می‌نماید. رییس محله قدغن کرده است که مشارالیه را دستگیر نمایند تنبیه شود.

ـ دیروز در خانه حاجی علی‌خان نوایی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از مرد و زن

مستمع بودند. دوسه نفر زن نزاعشان شده بنای زدوخورد را می‌گذارند. نزدیک بوده یک طفل کوچک زیر دست وپا هلاک شود. سایر زنها آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی خان‌نام جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ در تکیه مرحوم حسام‌السلطنه چادر زده تعزیه می‌خواندند. دیروز تعزیه وفات حضرت پیغمبر(ص) را خوانده بودند.

ـ در مسجد دانگی دیروز جمعی کثیر از طلاب و غیره مستمع روضه‌خوانی بودند. حاجی میرزامحمدعلی محتاج در منبر مذمت زیاد از تعزیه‌خوانی می‌کرد و می‌گفت چقدر خوب است که از طرف قرین‌الشرف فرمان اعلیحضرت اقدس همایونی روحنافداه این فقره منع شود.

ـ حاجی اسدالله تاجر که مدتی قبل با برادرش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیهما ترتیب داده بودند.

ـ جناب آقاسیدریحان‌الله مجتهد بروجرد که به مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروزوارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیها ترتیب داده بودند.

ـ عیال حاجی محمدصباغ که مخبط* شده است دیروز مقداری تریاک می‌خورد و بدحال می‌شود. کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا کرده بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی افراسیاب نام جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ قلی نام به رییس محله متظلم می‌شود که دختر هشت ساله ملامحمدعلی نام را که بسته من است ابوطالب نام مدعی است که زن من است و متعرض اوست، رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو

---

*. مخبط = کسی که به مرض دماغی مبتلا شده و عقل سالم نداشته باشد. (فرهنگ عمید)

نمایند.

ـ عباس‌قلی فال‌باز که یکی از قمارباز[ها] و الواطهای معروف کهن سال بوده، مقداری عرق خورده فوت کرده است.

ـ دیروز جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر هراتی حضور داشتند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدعلی عطار حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی حسین‌خان قاجار جمعی از خوانین قاجار و طلاب و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی از گماشتگان جناب امین‌السلطان و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی آقاهدایت صراف حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دونفر پسرهای جناب امام‌جمعه برای تحصیل علم عزیمت زیارت کربلای معلا نموده از شهر خارج شدند. جناب معزی‌الیه با جمعی از طلاب و غیره تا حضرت عبدالعظیم مشارالیهما را مشایعت کردند.

ـ جناب حاجی میرزاجواد آقای مجتهد دیشب در خانه حاجی محمدحسین جواهری میهمان بود. پنج ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

ـ دیروز عصر جمعی از طلاب و اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌خان یاور حضور داشتند.

ـ در تکیه هفت‌تن دیروز تعزیه شهادت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی از خوانین و طلاب در مجلس روضه‌خوانی پسرهای مرحوم حاجی میرزارضای حکیم حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه خداآفرین تعزیه شهادت حضرت امام رضا(ع) را خوانده بودند. جمعی مرد و

زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز صبح در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی حسین بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سیداحمد که مست بود در چالمیدان گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آورده‌اند. برای تحقیقات سرقتی در اداره است بعد از تحقیقات در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

ـ علی‌آقای پلیس به جرم غفلت از خدمت حبس شد تا حکم ثانوی دربارهٔ مشارالیه بشود.

ـ الله‌کرم که برای ادعای شخصی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با رضایت طرف مقابل او از اداره [خارج] شد.*

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه (۱۸) صفرالمظفر

محله دولت

ـ میرزاآقا شاگرد مدرسه مبارکه دارالفنون در خانه‌اش چاهی حفر می‌نمود. یک نفر مقنی در ته چاه بوده که مقداری آوار روی او آمده. مشارالیه در چاه هلاک شده، نعش او را بیرون می‌آورند.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله و جناب امین‌الدوله و سهام‌الدوله در منزل جناب ناظم‌الدوله میهمان بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

---

*. امضا ندارد.

ـ دیشب شارژدافر سفارت ایتالیا و زنش با نایب خود در خانه موسیواندرنی سرتیپ میهمان بودند.

ـ دیروز جناب ناظم‌الدوله بعد از ظهر به سفارت انگلیس رفته بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلامرضای تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و تجار را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا محمدنام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر کردند. بعد از تحقیقات معلوم شد که چندی قبل نزاعی مابین آنها واقع شده، احتمال می‌رود که حاجی محمدعلی او را متهم کرده باشد. طرفین به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیشب اسدالله نام به رییس محله اظهار می‌دارد که دوشب است عیال من طفل کوچک خود راگذارده، به خانه مادرش رفته است. هر چه اصرار کردم نمی‌آید. رییس محله فرستاده مشارالیها را حاضر نموده، بعد از تحقیقات معلوم شد که اسدالله معروض عیالی جدید گرفته است به این واسطه نزاعشان شده، قراری در میان آنها داده صلح کرده می‌روند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین بزاز مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیروز ظهر طفل مشهدی هاشم نام هنگامی که کسانش در خانه نبودند حوض افتاده بر حسب اتفاق ضعیفه همسایه رسیده او را از حوض بیرون می‌آورد. دوسه ساعت بی‌حال بوده بعد او را معالجه کرده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدعلی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی میرزامحمدعلی نام جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز جناب مستوفی‌الممالک جناب حاجی علاءالملک، نصرالملک، شجاع‌الملک، جناب وزیردفتر، جناب لشکرنویس‌باشی با جمعی از شاهزادگان عظام و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا ملک‌آرا حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی مستوفی نظام جمعی کثیر از طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار و علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی ابوالقاسم‌بلور حضور داشتند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی نصرالله‌تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب عیال حیدر نام با شوهرش نزاع کرده، مقداری تریاک می‌خورد. کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا نموده، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدحسن‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ نایب عبدالله خراسانی که چند سال قبل از خانه شهاب‌الملک آقای خود مبلغی اسباب سرقت کرده و هم از سایر نقاط دستبرد زده گرفتار شده حبس بود، دیشب داخل خانه میرزامهدی خان گماشته حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه روحی فداه شده مقداری اسباب جمع نموده که برود اهل خانه او را گرفته بنای دادوفریاد را گذارده. اجزای پلیس رسیده مشارالیه را به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات لازمه است تا حالش مکشوف شود.

ـ دیشب حاجی ملاحسن ناظم‌التجار طلاب مدرسه معمارباشی را در خانه‌اش دعوت کرده بود. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدجعفر تاجر حضور داشتند.

ـ دیروز در امامزاده یحیی تعزیه شهادت حضرت علی‌اکبر را خوانده بودند. جمعی مردو زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی میرزاهدایت صراف حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی مشهدی علی سقطفروش جمعی از کسبه و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چهارسوق

به داروغه اطلاع می‌دهند که حاجی ابراهیم نام را دو روز است چند نفر در شیره‌پزخانه نزدیک چهارسوق برده، حبس کرده‌اند، و کتک زده‌اند. داروغه فرستاده مشارالیه را آورده معلوم می‌شود که علی‌آقا نام سرباز، با حسین و ملاعلی‌اکبر نامان نطنزی با هم [برای] این که مشارالیه برای دستبرد به شیره‌پزخانه رفته است کتک زیاد به او زده به طوری که آثار صدمه در بدن او است و دو روز هم حبسش نمودند. اجزای چهارسوق حسین و ملاعلی‌اکبر را دستگیر کرده به اداره آوردند با راپورت واقعه نزد جناب وزیرنظام فرستاده شدند که تنبیه سخت بشوند.

محله بازار

ـ محمودقصاب با تقی قورخانه‌چی شوخی و مزاح می‌نمودند. رفته رفته نزاعشان شده، می‌خواستند زدوخورد بکنند. اجزای پلیس و اهل گذر آنها را ساکت نموده صلح می‌دهند.

ـ آقامحمداسمعیل تاجر تنباکوفروش دیشب جمعی از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز در تکیه هفت‌تن تعزیه بازار شام را خوانده بودند. جمعی مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه خداآفرین تعزیه وفات حضرت فاطمه علیهاسلام را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ در خانه حاجی محمدحسن جواهری طرف صبح مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. دیروز جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب سی‌نفر از طلاب را در مجلس روضه‌خوانی پسرهای مرحوم حاجی میرزارضای

گلسرخی حکیم دعوت نموده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر جمعی از صاحب‌منصبان نظامی و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی مصطفی‌خان یاور حضور داشتند. غروب حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ عبدالرحیم که برای ادعای شخصی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با رضایت طرف مقابل اواز اداره خارج شد.*

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۹) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله و جناب امین‌الدوله و جناب مخبرالدوله و معتمدالملک در منزل جناب ناظم‌الدوله میهمان بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز شارژدافر ایتالیا بعد از آن که از حضور مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه مراجعت کرده بود. معادل هفتاد تومان به فراش، شاطر و کالسکه‌چی و غیره انعام داده است.

ـ دیروز جمعی از علما و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی نواب شیخ‌سیف‌الدین میرزا حضور داشتند. خود شیخ هم بعد از روضه‌خوانها موعظه می‌نمایند.

---

*. امضا ندارد.

دروازه دولت - ازبیرون شهر

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز کربلایی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که دوثوب سرداری ماهوت مرا محمدعلی برادر زنم به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ مشهدی حسین تبریزی در حوالی برج‌نوش خانه گرفته مجلس قمار و تریاک‌کشی ترتیب داده، همه قسم مردم را برای ارتکاب این عمل به آنجا می‌برد. قدغن شد که به موقع مرتکبین و صاحب مجلس را دستگیر کنند.

ـ دیشب عیال رضانام با شوهرش نزاعشان شده، مشارالیها به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله می‌فرستد که شوهر او را بیاورند. چند نفر از بستگان آنها جمع شده طرفین را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیشب شخصی از عابرین در خیابان گمرک عبور می‌کرده، یک مرتبه به یکی از چاه‌هایی که در آن جا است افتاده. اجزای پلیس رسیده ملتفت گردیده به زحمت او را از چاه بدون عیب و نقص بیرون می‌آورند.

ـ دیشب جناب وزیرنظام از درب خانه میرزاحسین‌علی عکاس عبور می‌کردند. ملاحظه می‌نمایند که درب خانه آب جمع شده. به یکی از فراشها می‌گویند که صبح صاحب خانه را مجبور نمایید درب خانه‌اش را سنگفرش کند. صبح یک نفر فراش به درب خانه مشارالیه رفته. آقایوسف، همشیره‌زاده میرزاحسین‌علی بیرون آمده، حرفشان شده، فراش راکتک می‌زنند. او هم به جناب معزی‌الیه عارض گردیده. چند نفر فراش مأمور شده، آقایوسف را به درب خانه می‌برند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی عباس‌قلی تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام نموده، متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی حیدرعلی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی

ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز عیال و اطفال علی‌خان که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شدند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود حضرات ترتیب داده بودند.

ـ حاجی امین‌الصره یک رأس اسب خوب از حاجی علی‌اکبر تاجر به مبلغ یک‌صدتومان خریداری کرده، دیروز اسب را دهنه کرده بیرون می‌آورد. از طویله بر حسب اتفاق چاهی باز شده اسب به چاه فرو رفته. به زحمت زیاد اسب را از چاه بیرون می‌آورند.

ـ دیشب اعتمادلشکر، میرزاباقرمستوفی، میرزاسیدکاظم مستوفی، میرزاعلی مستوفی با جمعی کثیر از طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی مستوفی نظام حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزانصرالله مستوفی برادر مرحوم دبیرالملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. جمعی از شاهزادگاه عظام و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب نواب شمس‌الشعرا و آقا سیدعیسی پیشنماز با جمعی از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی میرزاابوالقاسم بلور حضور داشتند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین تاجر، جمعی از تجار و طلاب و غیره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ چند نفر از کلفتهای جناب صاحب دیوان که در شیراز بودند مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. دوسه رأس گوسفند جلو آنها قربانی کردند.

ـ مشهدی آقانام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب دادند. جمعی از بستگان او به دیدن مشارالیه رفته، شب صرف شام کرده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدابراهیم تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدنام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا حسین‌علی نام مکاری سرقت کرده است، رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسیده بود به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین نام بزاز حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب آقاشیخ محمد پیشنماز با چند نفر از طلاب در خانه آقاسیدابراهیم لواسانی میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ عیال حاجی میرزامحمدرضای شربت‌دار می‌رود حمام. پسره غلام‌بچه که به سن هفت هشت ساله است بقچه لباس خانم خود را که معادل سی تومان قیمت داشته از عقب می‌برده. ضعیفه طراره‌ای به پسره برخورده می‌گوید چرا این قدر دیر آمدی؟ خانم مرا دنبال تو فرستاده است. بقچه را بده به من برو خانه. به زبان بازی بقچه را گرفته مفقوالاثر می‌شود. عیال حاجی میرزامحمدرضا مدتی در حمام معطل شده، بعد بیرون آمده به خانه رفته واقعه را مستحضر می‌شود. نایب محله مطلع گردیده با پلیسهای خود در جستجو است که ضعیفه طراره را دستگیر نمایند.

ـ آقامحمدباقر تحویلدار درب حرمخانه مبارکه دیروز سه ساعت به غروب مانده از دوشان‌تپه به شهر آمده، یک پیاله چای خورده، احوالش منقلب می‌شود، می‌افتد. می‌گویند سکته کرده و مشغول معالجه او هستند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ دیروز صبح جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسن تاجر حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه خداآفرین تعزیه شمعون یهودی را خوانده بودند. جمعی از اهل محله مرد و زن مستمع بودند. بعد از ظهر متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین‌تاجر حضور داشتند. چهار

ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسین [و]محمد برای تحقیقات و استنطاق یراق نقره که پیدا کرده و فروخته‌اند از سنگلج آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۲۰) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز ظهر کالسکه جناب حاجی علاءالملک را در حالی که چند نفر زن در آن کالسکه بودند از خیابان دروازه شمیران عبور می‌دادند. دختر هفت ساله[ای] همراه مادرش می‌رفته زیر چرخ کالسکه مانده، پایش جزیی مجروح گردیده، مادرش او را به خانه حاجی علاءالملک می‌برد.

ـ دیشب حاجی حسین‌نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده بود و مجلس روضه ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز سراج‌الملک، مخبرالملک، عباس‌قلی خان سرتیپ با جمعی کثیر از طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب شیخ‌سیف‌الدین میرزا حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه عباس‌قلی خان تفنگدار همایونی مجلس روضه‌خوانی فراهم کرده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا کربلایی غلامحسین نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا گفتگو نمایند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌کنند که دود از دکان علافی بیرون می‌آید. نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطه آتش منقلی که در آن جا بوده، مقداری کاه آتش گرفته است. [نزدیک است] به سایر اجناس دکان و سایر دکاکین سرایت نماید. فوراً صاحب دکان را که در آن حوالی بوده اطلاع داده، آمده، به هر قسم بود حریق را به زحمت از آن جا برطرف می‌کنند.

سنگلج

ـ دیشب حسن‌خان سرهنگ توپخانه مبارکه در خانه‌اش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از سادات و طلاب را دعوت کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ چند نفر از سربازهای فوج پنجم شقاقی مبلغی از محمدتقی بقال طلب دارند. مشارالیه ورشکست شده، در خانه امام جمعه متحصن گردیده است. سربازها دیروز پسر مشارالیه را دیده، گرفته می‌کشیدند می‌بردند. چند نفر پسره را از دست آنها خلاص کرده، می‌روند درب خانه امام جمعه که قرار طلب خودشان را بدهند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسن‌معمار مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ ابوطالب نام صراف الاغی از شخصی کرایه کرده، زن خود را که مریضه بوده، به خانه حکیم برده و الاغ را درب خانه بسته، اندرون می‌روند. ضعیفه [ای] از محکمه حکیم بیرون آمده، الاغ را سوارش شده می‌رود. بعد از ساعتی که ابوطالب زنش را بیرون می‌آورد معلوم می‌شود که الاغ را برده‌اند. به اجزای پلیس اطلاع رسیده، در جستجو و تفحص مشارالیها هستند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مرحوم میرزازین‌العابدین خان پسر مرحوم ضیاءالملک بوده. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ میرزارحیم طبیب یهودی به رییس محله اظهار می‌دارد که جواد نام طباخ میرزاعلی، پسر مرحوم قوام‌الدوله مبلغی وجه اجاره به من مقروض است، مطالبه کردم به من فضاحی کرده، رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده، قراری داده، طرفین رضایت حاصل نموده، می‌روند.

ـ حاجی محمداسمعیل تاجر تهرانی که مدتی قبل با عیال و اطفال خودش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود حضرات ترتیب داده بودند.

ـ دیروز عصر نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله، جناب حاجی علاءالملک، جناب امین‌لشکر، جناب قوام‌الدوله نواب والا حسام‌السلطنه، ظهیرالدوله، جناب امین‌الدوله، جناب امین‌خلوت مؤتمن‌السلطنه با جمعی از آقایان علماء و غیره در مجلس روضه‌خوانی نواب ارفع والا رکن‌الدوله حضور داشتند.

ـ والده نواب حاجی محمدمیرزا که به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود، در آن جا مرحومه شده است. خبر فوت او را آوردند. مجلس ختم ترتیب دادند. دیروز جمعی از شاهزادگان عظام و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب سال فوت برادر حاجی صادق تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب عیال حاجی ابراهیم نام به رییس محله متظلم می‌شود که برادر شوهرم مرا بلاجهت کتک زده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات معلوم شد که شوهر ضعیفه در شهر نیست. برادر شوهرش چون مشارالیها از خانه بیرون رفته منازعه جزیی کرده‌اند، صلح داده شدند.

ـ دیروز عصر جمعی از اهل محله و طلاب در مجلس روضه‌خوانی میرزامهدی خان حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیروز عصر جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی جوادتاجر حضور داشتند.

غروب متفرق گردیدند.

دیشب در مجلس روضه‌خوانی میرزارجبعلی تاجر جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی حسین‌بزاز بوده است. کسانش جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ آقامحمدباقر تحویلدار در بحرمخانه مبارکه که دیروز در راپورت عرض شد از دوشان‌تپه مراجعت کرده، یک فنجان چای خورده، حالتش منقلب شده، مدهوش گردیده و گفته بودند سکته کرده است، فوت شد. جنازه او را با احترام برداشته امانت گذاردند که به قم ببرند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزامحمدعلی تاجر جناب حاجی میرزاجوادآقا مجتهد تبریز، حاجی ملک‌التجار با جمعی کثیر از آقایان علما و تجار و غیره حضور داشتند.

ـ دیروز صبح جمعی کثیر از تجار و طلاب و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب امام‌جمعه حضور داشتند. قبل از ظهر متفرق شدند.

ـ دیروز صبح جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالحسین بلورفروش حضور داشتند.

ـ دیروز عصر آقامیرمحمدعلی پیشنماز و شیخ مقدس با جمعی از اهل محله و متفرقه در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدرضای شربت‌دار حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ نعمت‌الله بیگ نام به رییس محله اظهار می‌دارد که ضعیفه[ای] از بستگان من در رباط کریم مرده است. عبدالحسین نام شوهرش اسبابهای او را برداشته، بلاجهت به تهران آمده است. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام که شخص پیرمردی است به رییس محله اظهار می‌دارد که پسرم نافرمانی مرا می‌کند و با جهال و اوباش مرافقت می‌نماید. بفرستید او را بیاورند، و تنبیه نمایید. رییس محله فرستاده، مشارالیه را حاضر کرده، می‌خواسته به اداره بفرستد دوسه نفر از بستگان آنها آمده، از مشهدی حسین تحصیل رضایت کرده و رییس محله پسر او را تهدید نموده التزام می‌کرد که از اطلاعت پدرش خارج نشود، رهایش می‌نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محبوب سیاه [را] برای این که آقایش مدعی است که مرا فریب داده است از محله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۲۲) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دیروز موسیو تف* با یک نفر تلگرافچی انگلیسی به اداره پلیس اظهار داشتند که دیشب در تلگرافخانه کشیک ما بود ساعت هشت فرنگی رفتیم صبح که آمدیم به خانه، دیدیم دزد آمده، با زور دهان و پای حسن نام نوکر ما را محکم بسته در اتاق انداخته و درب اتاق و صندوق را شکسته، معادل هفتاد تومان نقد و یک دستگاه ساعت نود تومانی با دو شلوار و یک جلیقه سرقت کرده رفته‌اند. با زور پای حسن را باز کردیم. از اداره پلیس رییس محله با چند نفر مأمور شده به خانه آنها رفته هر قدر تفتیش نمود ردپایی مشاهده نمی‌کنند. حسن مذکور را برای تحقیقات به اداره آوردند. مشارالیه اظهار کرد که ساعت ده فرنگی سه نفر سرباز آمده کت مرا با دهان و پایم بسته‌اند انداختند و درب اتاق و صندوق را شکسته پول و اسباب را بردند. از وضع تقریرات و بیانات او یکی از اجزای پلیس بدگمان شده حسن را شب نگاه می‌دارد. در ظرف سه چهار ساعت به زبان مشارالیه را به اقرار می‌آورد که خودش این نیرنگ را زده. محمدعلی نام برادر کوچک خود را شب نگاه داشته، همین که تلگرافچی‌های معروضه می‌روند درب صندوق

---

*. اصل: طف

و اتاق را شکسته از دو کیف قرمز و سیاه مبلغ چهل‌وهشت تومان و دوهزار [دینار] سفید و نهصددینار سیاه و یک دستگاه ساعت و دوشلوار و یک جلیقه و یک زوج کفش با دو عدد تکمه طلا سرقت کرده به برادرش داده به خانه زین‌العابدین بیگ نوکر ظهیرالدوله که با او نسبتی دارد برده، بدون اطلاع اهل خانه در جعبه چوبی گذارده و مراجعت نموده، کت و پا و دهان او را محکم بسته، انداخته برای این که رد گم کند می‌رود فوراً شبانه به خانه زین‌العابدین بیگ رفته خود سارق را هم برده تمام وجه و ساعت و اشیاء معروضه را نه ساعت از شب رفته در اداره حاضر می‌نمایند. امروز صبح پول و ساعت با اسباب به سفارت انگلیس نزد شارژدافر فرستاده و تفصیل نوشته شد. شارژدافر و اجزای سفارت حیرت کرده بودند که چگونه می‌شود واقعه به این مهمی در ظرف بیست ساعت کشف شود. و سارق به دست آید. پول و اسباب را ضبط نموده، قبض دادند و سارق در تحت تحقیقات کامله است.

ـ کاظم نام پادو دکان خبازی واقع در محله عربها چند روزی در حواسش اختلالی پیدا شده و مصروع می‌شود. محمدنام برادرش می‌خواسته او را به مریضخانه مبارکه برده معالجه شود. مشارالیه دیروز از دکان قصابی که صاحبش نبوده کارد برداشته بر شکم خود زده می‌افتد. فوراً اجزای پلیس دونفر جراح حاضر نموده، زخم او را بخیه می‌زنند. مشارالیه در مخاطره است.

ـ شب قبل سفیرکبیر عثمانی با دونفر اجزای سفارت خود در سفارت فرانسه میهمان بودند.

ـ عزیزنام طباخ سفارت آلمان به دکان خبازی رفته نان بگیرد. خداقلی نام نوکر سفارت فرانسه هم نان می‌گرفته، نزاعشان می‌شود. اجزای سفارت فرانسه عزیز را کتک می‌زنند. از سفارت آلمان هم چند نفر آمده می‌خواستند نزاع نمایند. اجزای پلیس مانع شده آنها را متفرق می‌کنند. از سفارت آلمان به سفارت فرانسه شکایت کرده بودند. سفارت فرانسه اشخاصی [را] که مقصر بودند تنبیه نموده است.

سنگلج

ـ میرزامحمود پسر مرحوم میرزامحمدتقی که از گماشتگان مرحوم صدراعظم است قمار و هرزگی می‌کرده، مادرش به مختارخان شکایت می‌کند. مشارالیه فرستاده، او را آورده تنبیه نموده.

ـ شعبان نام قناد دو زن داشته یکی را طلاق می‌دهد. زن مطلقه‌اش به نواب ارفع والا ملک‌آرا عارض شده برای مهریه، نواب معزی‌الیه مشارالیه را احضار نموده. بعد از تحقیقات حبسش

نمودند که سی‌تومان مهریه او را بدهد.

ـ پسر شیخ مکتب‌دار که عطار است مبلغی مقروض شده از ترس طلبکار به خانه جناب صدرالعلما رفته، متحصن شده است.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی عمیدالملک جمعی از خوانین و طلاب مستمع بودند. وکیل لشکر و مجدالاشراف هم در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز در تکیه دباغخانه تعزیه وفات حضرت پیغمبر را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ در مسجد دباغ‌خانه میرزاابوالقاسم خان منشی سفارت روس ده روزه روضه می‌خواند. دیروز جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ عیال استاد عبدالحسین سلمانی با زن پدرش نزاعشان شده، مشارالیها قدری تریاک می‌خورد. کسانش او را معالجه و مداوا نموده، بهبود حاصل می‌کند.

ـ حاجی محمدحسین تاجرتهرانی که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. جمعی از تجار او را استقبال نموده بودند.

ـ در خانه آقاسیدصادق فرش‌فروش چادر می‌زدند که تعزیه‌داری بکنند. عبدالله نام از بام افتاده به حمدالله صدمه به مشارالیه وارد نیامده است.

ـ نوروزعلی نام سرباز فوج پنجم شقاقی یک هزار [دینار] از میرعلی‌قلی پلیس ادعای طلب می‌کرده. مشارالیه انکار داشته. به این واسطه نزاعشان می‌شود. آنها را ساکت می‌نمایند. سرباز معروض رفته. جمعی سرباز به حمایت خود آورده پلیس را زده سرش را می‌شکنند و هرزگی و شرارت می‌کنند. از اداره پلیس به شجاع‌السلطنه نوشته شد که آنها را تنبیه نمایند.

ـ در نزدیک تکیه عودلاجان نهر آب را بازکرده که پاک کنند. مشهدی محمد نام در تاریکی از آن جا می‌رفته در نقطه که سه چهار ذرع عمق داشته افتاده، نزدیک بود صدمه زیاد به او وارد آید. پلیسهای گردشی رسیده، او را بدون صدمه از آن جا بیرون می‌آورند.

ـ آقاشیخ‌محمود نام در نزدیک حمام نواب خانه می‌سازد. دیواری کشیده بودند. یک مرتبه دیوار

خراب شده چند نفر عمله آن جا بودند. حسین نام زیر آوار مانده، چندان صدمه به او وارد نیامده است.

ـ دیشب جمعی کثیر از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدحسین تاجر حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ حسن‌خان خوانساری که چند روز مریض شده بود، دیروز جهان فانی را وداع کرده است.

ـ نوری نام فراش همایونی که نزد جناب اقبال‌السلطنه بود و از طرف جناب معزی‌الیه مأمور دهات ایشان شده بود دیروز خبر آوردند که در ده او را مقتول نمودند. جناب معزی‌الیه مأمور برای تحقیقات فرستادند.

ـ محمدابراهیم خان لواسانی به رییس محله اظهار می‌دارد که دونفر از رعیتهای من مبلغی مساعده گرفته‌اند که برای من کار بکنند. پول را برداشته به این محله آمده‌اند. رییس محله آن دونفر را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌بزاز جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته صرف شام کرده، متفرق شدند.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی حاجی اسدالله تاجر جمعی از طلاب و سادات حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی صادق‌تاجر جمعی از تجار و طلاب حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ در خانه حاجی خازن‌الملک مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. چند نفر ذاکر معروف روضه می‌خوانند. دیروز جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ در تکیه خلج‌ها دیروز تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی نصرالله‌خان سرتیپ جمعی از خوانین و طلاب مستمع

بودند.

دیروز در مجلس روضه‌خوانی جناب میرزاحسن‌مستوفی وزیر درب حرمخانه مبارکه جمعی از مستوفیان عظام و طلاب مستمع بودند.

ـ دیروز جناب صدرالعلما و جمعی از اهل محله در مجلس ختم آقامحمدباقر تحویلدار حضور داشتند.

ـ در تکیه خداآفرین دیروز تعزیه شهادت حضرت عباس را خوانده بودند. جمعی مرد و زن مستمع بودند.

ـ نواب سلطان حسین‌میرزا به رییس محله اظهار می‌دارد که یک نفر کنیز کرد داشتم، دونفر کنیز و غلام آزاد* من او را فریب دادند. رییس محله فرستاده، آنها را آورده، بعد از تحقیقات لازمه التزام دادند که بروند کنیز را پیدا کنند. بعد از دو روز کنیز از جای دیگر پیدا می‌شود.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

اسماعیل شاگرد بنا برای استنطاق و تحقیقات اسبابی که استادش مدعی است او برده، از محله بازار آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۲۸) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ امروز یک دسته از اطفال در جلوخان سفارت روس یا عباس یا عباس می‌کردند. در آن بین

---

*. اصل: آزادی

یکی از سربازهای فوج لاریجانی از آن جا عبور می‌کرده، اطفال کلاه او را برداشته تمسخرش می‌نمایند. سرباز مذکور برگشته باقر نام شاگرد طباخ سفارت روس راکه در میان اطفال بوده کتک می‌زند. نوکرهای سفارت به حمایت مشارالیه برآمده سرباز را می‌زنند. از آن طرف جمعی از سربازهای فوج معروضه خبردار شده آمده، بنای زدوخورد راگذارده باقر راکه به طرف سفارت فرار نموده بود دنبال کرده، قدری سنگ و چوب به طرف درب سفارت انداخته بودند. اجزای پلیس به زحمت حضرات را متفرق می‌نمایند. مراتب و راپورت علی‌حده به حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ، حکمران دارالخلافه روحی فدا عرض شد.

ـ چون در موقع روز قتل حضرت امام حسن علیه‌السلام به روسای محلات قدغن شد التزام گرفته شد که دستجات از محله[ای] به محله دیگر با علامت نروند، روسای محلات هم به اجزای خود قدغن می‌نمایند اهالی گذر حیاط شاهی خواسته بودند علامت آن گذر راکه متعلق به سیدمحمدجان لاریجانی است حرکت بدهند و در شهر گردش کنند. نایب آن محله مانع می‌شود. رحیم آقای قاجار با یک دسته از رفقا و بستگان خود آمده، به اجزای پلیس کمال فحاشی و بی‌احترامی کرده خواسته بودند او را بزنند. مراتب به جناب عضدالملک نوشته شد.

ـ دیشب پترس* مسیحی سر شب به شدت مست کرده عربده‌کنان به خیابان چراغ‌گاز آمده فحاشی و فضاحی می‌کرده، به طوری که جمعیتی از عابرین اجماع نموده، نزدیک بود که به مشارالیه صدمه زیاد وارد آورند. اجزای پلیس مردم را متفرق کرده او را به اداره آوردند. با راپورت حالش نزد جناب اشرف مشیرالدوله فرستاده شد که تنبیه شود.

ـ شب قبل شارژدافر ایتالیا با زن و نایبش و شارژدافر انگلیس با سه نفر از اجزای سفارت دو نفر از صاحب‌منصبان سفارت آلمان ماژورولس با زنش، موسیو اندرنی با زنش، کاپیتان پروشنگ در سفارت اتریش میهمان بودند.

سنگلج

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی حسین‌تاجر جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

---

*. اصل: پطرس

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسین نام سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب حاجی محمدحسین تاجر در خانه‌اش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بود. جمعی از طلاب و سادات و اهل محله را دعوت نموده بود. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

ـ حاجی محمدحسن تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

عودلاجان

ـ دیروز جناب مؤتمن‌السلطنه و نواب ارفع رکن‌الدوله با جمعی کثیر از تجار و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب آصف‌الدوله حضور داشتند. حاجی میرزالطف‌الله ذاکر در منبر بنای خواندن اشعار و حرکات مخصوص خود را گذارده بود. جناب آصف‌الدوله قلمدان خواسته به مشارالیه نوشته بودند که شعر لازم نیست بخوانی. درست روضه بخوان. مشارالیه هم متغیر شده گفته بود اطاعت می‌کنم و روضه را ختم نموده بود.

ـ دیروز در مجلس روضه‌خوانی میرزانصرالله مستوفی جمعی از مستوفیان عظام و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب جمعی از طلاب و تجار در مجلس روضه‌خوانی آقاسیدمحمود جواهری حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

ـ حاجی کریم بزاز و حاجی عبدالله خرازی‌فروش که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه گردیده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیهما ترتیب داده بودند.

چالمیدان

ـ عیال عبدالحسین نام به رییس محله متظلم می‌شود که شوهرم نفقه و کسوت* به من

---

*. اصل: کسوة. لباس، جامه

نمی‌دهد و مرا زده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب آقاسیدعلی پیشنماز با جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی اسدالله نام حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته صرف شام کرده. متفرق گردیدند.

ـ دیشب محمدحسین خان رییس اصطبل توپخانه مبارکه با جمعی از اهل محله و غیره در مجلس روضه‌خوانی لسان‌الملک حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزاعبدالرحیم امین‌الصره حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی غلامحسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب زن مرا عیال لطف‌الله نام حمامی که همسایه من است سرقت کرده است. رییس محله مشارالیها را فرستاد حاضر کرده، با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی اسدالله‌تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی میرزاحسین‌تاجر جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز یک ساعت به غروب مانده یک نفر الاغچی چند بار خاک از درب خانه نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله عبور می‌داده یکی از الاغها پهلو زده از دکان بقالی دو کیسه افتاده می‌ریزد. مشارالیه گریبان الاغچی را می‌گیرد. نزاعشان می‌شود. دو نفر از نوکرهای نواب معزی‌الیه به حمایت بقال برآمده الاغچی را می‌زنند. او هم رفته به کارگزاران حکومت عارض شده، مأمور آورده بقال را می‌برند. نوکرهای نواب معزی‌الیه مانع شده تفضیل را به شاهزاده عرض می‌کنند. نواب معزی‌الیه هم فیض‌الله بیگ گماشته خود را همراه بقال نزد جناب وزیر نظام می‌فرستند.

ـ دیشب یکی از فراشان نواب ارفع والا عزالدوله می‌رود از دکان خبازی گذر پای‌چنار نان بگیرد با اسدالله‌بیگ نایب قورخانه مبارکه نزاعشان شده. چند نفر به حمایت طرفین برآمده

می‌خواستند نزاع نمایند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده، متفرق می‌نمایند.

ـ دیروز عصر جناب حاجی میرزاجواد آقای مجتهد به دیدن آقای محمدعلی تاجر تبریزی رفته، بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیروز در تکیه خداآفرین تعزیهٔ بازار شام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن مستمع بودند.

ـ دیروز معاون لشکر و شیخ مقدس با جمعی از طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی زنبورکچی‌باشی حضور داشتند.

ـ دیروز به واسطه آتش منقل دکان مشهدی قلی‌پالاندوز که در حوالی دروازه‌نو است آتش گرفته، نزدیک بود به دکاکین اطراف سرایت کرده، خسارت زیاد وارد آورد. اجزای پلیس با اهالی آن نقطه اجتماع کرده، حریق را برطرف می‌نمایند. معادل بیست تومان به مشارالیه ضرر وارد آمده بود.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدتقی تاجر اصفهانی قریب سی‌نفر از طلاب و جمعی از تجار را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات صرف شام کرده، متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی علی‌اکبر بلورفروش جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران

راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه

۱۳۰۴

به تاریخ جمعه (۲۹) شهر صفرالمظفر

محله دولت

ـ دونفر صاحب‌منصب فرانسوی که چند روز قبل وارد دارالخلافه شده، در سفارت فرانسه

صحن مسجد سپهسالار در ماه رمضان

بودند. دیروز عزیمت گیلان کرده، از شهر خارج شدند.

ـ آجودان‌باشی کل دیروز به امامزاده حسن رفته بودند. در آن جا اسبهای کالسکه معزی‌الیه رم کرده کالسکه را شکسته به زحمت زیاد اسبها را گرفته به شهر آوردند.

ـ حاجی میرزاعبدالرحیم امین‌الصره آجودان‌باشی کل را در مجلس روضه‌خوانی خود به شام دعوت کرده بود. معزی‌الیه به کسالت مزاج متعذر شده، حسن‌خان سرتیپ پسر خود را به خانه مشارالیه فرستاده بودند.

ـ وزیرمختار روس و عرب صاحب و وزیرمختار اتریش و شارژدافر سفارت انگلیس و لردکاستلتون و شارژدافر ایتالیا به دیدن وزیر مقیم‌ینگی‌دنیا رفته بودند.

ـ دیشب هشت ساعت از شب گذشته از خانه جناب امین‌حضور وزیر بقایا صداهای دزدهای دزد بلند می‌شود. اجزای پلیس رفته، کسی را نمی‌بیند. چون جناب معزی‌الیهٔ روضه‌خوانی دارند گویا کسی خود را در گوشه و کنار پنهان کرده بود و در آن موقع او را دیده بودند. فریاد کردند فرار کرده است. اجزای پلیس در صدد تحقیقات لازمه هستند.

ـ دیروز جناب اشرف مشیرالدوله، جناب امین‌الدوله، نواب ایلخانی، صاحب اختیار، مؤتمن‌السلطنه، امین‌السلطنه و آقا سیدعبدالله مجتهد با جمعی کثیر از خوانین و غیره در مجلس روضه‌خوانی جناب امین‌حضور وزیر بقایا حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از سادات و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی سیدحسین‌تاجر حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده، متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز عبادالله نام قزاق مهاجر به حضرت عبدالعظیم(ع) مشرف شده بود. در بین راه از اسب زمین خورده، سرش شکسته، دوسه نفر قزاق او را به شهر آورده، در صدد معالجه هستند. مشارالیه زیاد حالتش مغشوش است.

ـ دیشب علی نام کفشدوز در خانه‌اش مست کرده با زنش نزاع نموده و شرارت و هرزگی می‌کرده و به یک نفر شیخ همسایه‌اش بی‌احترامی نموده. رییس محله پلیسها را مواظبت کرده است که او را دستگیر کنند تا تنبیه سخت شود.

ـ دیروز اهل خانه جناب قوام‌الدوله به امامزاده حسن رفته بودند. در آن جا اسب قزل جناب معزی‌الیه که اسب خوبی است و تازه مصطفی‌قلی‌خان میرپنجه برای ایشان تعارف فرستاده

است، جلودارها اسب را به پسر ده دوازده ساله می‌سپارند می‌روند زیارت. بعد از مراجعت آن پسره و اسب را نمی‌بینند. هر قدر او را جستجو کردند ندیدند و از ترس به جناب قوام‌الدوله هم نگفته‌اند.

ـ دیروز جمعی از خوانین و طلاب و سادات در مجلس روضه‌خوانی تقی‌خان سرتیپ حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدرضای تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز وزیر مقیم‌ینگی دنیا به خانه جناب امین‌الدوله رفته، یک ساعت به غروب مانده مراجعت کرد.

ـ دیروز مجدالدوله و بشیرالملک با جمعی کثیر از خوانین و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی میرزانصرالله مستوفی حضور داشتند.

ـ دیشب جناب امین‌الدوله، مجدالدوله، جناب لشکرنویس‌باشی، جناب سراج‌الملک، نصرالملک، جناب حاجی علاءالملک با جمعی کثیر از علما و غیره در مجلس روضه‌خوانی آقاعبدالباقی ارباب حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از طلاب و تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی آقاسیدمحمودجواهری حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسن‌نام پسر زنم سرقت کرده است، رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی‌تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت نموده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند. دیشب هم جمعی از تجار و اهل محله به دیدن او رفته بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ علی‌نام به رییس محله اظهار می‌دارد که یک بار آرد از ده به شهر می‌آوردم تقی و شاه‌محمدنامان جلو مرا گرفته کتک به من زده‌اند. رییس محله فرستاده مشارالیهما را حاضر کرده بعد از تحقیقات چون در عبور ومرور منازعه جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

ـ دیروز عصر در مجلس روضه‌خوانی جناب محمدحسین تاجر تبریزی جمعی کثیر از سادات و طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق شدند.

ـ دیشب در مجلس روضه‌خوانی حاجی میرزااحمدتاجر جمعی از طلاب مدرسه حاجی ابوالحسن‌معمارباشی در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدابراهیم تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی خداداد نام با شوهرش نزاعشان شده، مشارالیها جزیی تریاک می‌خورد. کسانش در صدد معالجه برآمده، بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیروز حاجی محمدجعفرتاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ آقاخان غلام پیشخدمت همایونی در کمال صحت نشسته شله‌زرد می‌خورد یک مرتبه افتاده، فوت می‌کند. از قرار مذکور سکته کرده بود.

ـ دیروز عصر امین‌السلطنه و معاون لشکر با جمعی از طلاب و سادات و غیره در مجلس روضه‌خوانی زنبورکچی‌باشی حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار و طلاب در مجلس روضه‌خوانی حاجی محمدتقی‌تاجر اصفهانی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب ملامحمدتقی کاشانی و ملازین‌العابدین پیشنماز با جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی علی‌اکبربلورفروش حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز در تکیه کوچه غریبان تعزیه شهادت حضرت امام را خوانده بودند. جمعی از مرد و زن اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز در تکیه خداآفرین تعزیه شهادت حضرت امام‌حسن‌علیه‌السلام را خوانده بودند. جمعی کثیر از مرد و زن اهل محله حضور داشتند.

ـ دیروز مجلس روضه‌خوانی محمدتقی خان وزیر نواب ارفع والا رکن‌الدوله جمعی از اهل محله و جناب امین‌خلوت و محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی و غیره حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی میرزامحمدحسن‌نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ علی آقانام برای این که با زنش نزاع کرده و مشارالیها بعضی ادعا با او دارد از محله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه غره‌جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ کایزلر، تلگرافچی روسی، به توسط علی‌نام نوکرش، یک رأس اسب کرایه کرده به شکار رفته، بعد از مراجعت علی مذکور مطالبه کرایه اسب را کرده، مشارالیه او را کتک زیاد زده، گفته بود اسب بد بوده من کرایه نمی‌دهم. علی هم به وزارت جلیله خارجه عارض شده. از طرف وزارت خارجه قرار دادند که کایزلر در مجلس حاضر شود [تا] در این باب رسیدگی و تحقیقات بشود.

ـ دیروز یکی از گماشتگان جناب امین‌السلطان مکتب‌خانه‌های این محله را گردش کرده و اسامی مکتب‌دارها را پرسیده و اطفال را شمرده، ثبت برداشته و رفته بود.

ـ حق نظر مسیحی نوکر پولکونیک، برای مولودی که خدا به او داده است یک دسته مطرب یهودی آورده و جمعی از ارامنه را دعوت کرده، دو شبانه روز مشغول تعیش بودند.

ـ ضعیفه [ای] از کلفتهای خانه آجودان‌باشی کل که مدتی مریض بود مرحوم شده است. جنازه او را دیروز برداشتند.

ـ دیشب وزیرمختار اتریش با زنش، سفیرکبیر عثمانی [و] بارون‌ودل کاپیتان قزاق در سفارت انگلیس میهمان بودند. پنج ساعت‌ونیم از شب گذشته حضرات از آن جا متفرق گردیدند.

ـ استاداسدالله، طباخ جناب مخبرالدوله، دیشب جمعی از اقوام و آشنایان خود را به شام فرنگی میهمان کرده بود. عباس نام، امیر آخور سفارت آلمان هم که شخص مسخره‌ایست در آن جا بوده تا پنج ساعت از شب رفته شوخی و مزاح و لودگی می‌کردند.

ـ دیشب در خانه حاجی غلام‌علی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب محمدعلی بیگ، برادر نایب علی‌اکبر، مباشر قصاب‌خانه، چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و یک دسته مطرب یهودی آورده بودند.

ـ دیشب شاطر اسدالله نام چند نفر از رفقای خود را در خانه‌اش دعوت کرده و مجلس شرب هم داشتند. حضرات تا صبح آن جا بودند و هیچ کدام خارج نشدند.

ـ عباس‌قلی خان، سرتیپ سوار منصور که در عراق بود، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

ـ دیشب مشهدی علی‌اکبر ارسی‌دوز جمعی از همکارانش را دعوت کرده و یک نفر آوازه‌خوان آورده بود.

ـ دیشب آقاخان بیگ غلام چند نفر از کردبچه‌ها را دعوت کرده و اسباب طرب هم داشتند.

ـ دیروز عصر حاجب‌الدوله به دیدن میرزااسحق‌خان پیشخدمت همایونی رفته، غروب مراجعت کردند.

ـ شب قبل موسی‌خان ولیعهد امیرایوب‌خان می‌خواسته از بام فرار کند و از قرار مذکور خیال داشته برود در سفارت انگلیس متحصن شود. خود امیرایوب خان بیدار شده، فهمیده او را به اندرون برده چوب زیاد زده است.

ـ دیشب حاجی غلامحسین نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ آقاعبدالرسول پسر مرحوم حاجی علی که این اوقات دختر مرحوم مصطفی‌خان امیرتومان را برای خود عقد و عروسی کرده بود، گویا حالات و حرکات آنها با هم موافق نبوده. دیروز مشارالیه او را مطلقه کرده و از قراری که خودش اظهار داشته بود در مدت سه‌چهار ماه قریب هزاروپانصد تومان به مشارالیه خسارت وارد آمده تا این که لابداً او را مطلقه نموده است.

ـ حاجی محمدحسن تاجر تهرانی که مدتی قبل به مکه معظمه مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده و جمعی از تجار او را استقبال نموده بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مرحوم حاجی میرزامحمدتاجر بوده است. کسانش مجلس روضه

ترتیب داده، جمعی از طلاب و تجار در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی کریم‌خرازی‌فروش، جناب ملاغلامحسین پیشنماز را با جمعی از تجار در خانه‌اش میهمان کرده بود. بعد از صرف ناهار متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی حسن بزاز جمعی از بستگانش را دعوت کرده بود و مطرب آورده بود برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است. شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب عید پسر عرب صاحب بوده است. موسیوکتابچی با زنش و نایب اول سفارت اتریش و نایب اول و نایب دوم سفارت فرانسه با جمعی از صاحب‌منصبان فرنگی را مشارالیه دعوت کرده بود. شش ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب حاجی ملاحسن ناظم‌التجار در خانه حاجی محمدحسین‌تاجر تبریزی میهمان بوده. شش ساعت از شب گذشته مراجعت کرده بود.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی علی نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب میرزاعلی‌محمدتبریزی دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیس‌های گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان سقط‌فروشی باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل نکرده رفته است. فوراً او را حاضر نموده دکانش را بی‌عیب و نقص دیده، بسته و با کمال امتنان می‌رود.

چهارسوق

ـ دیشب علی و اسماعیل، سربازان فوج عرب، که سه‌چهار روز قبل یک عبا از ترک اسب تفنگدار نواب والا سیف‌الملک در بازار سرقت کرده بودند، چند نفر از الواط و اشرار را برداشته برده، مست نموده، به بازار آمده، نهایت شرارت و هرزگی را به عمل آورده بودند. اجزای [پلیس]

چهارسوق یکی از آن الواط را دستگیر می‌نمایند که از عقب حضرات با قمه و چوب به چهارسوق ریخته، نایب داروغه و سه چهار نفر از اجزاء را زده، او را می‌برند، مراتب به نواب سیف‌الملک نوشته شد.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته به واسطه آتش منقل، دکان حاجی ابراهیم‌کلاهدوز در بازار کلاهدوزها آتش گرفته، چون اجناس دکان کاغذ و مقوا و چوب بوده، یک مرتبه مشتعل شده است. اجزای [پلیس] چهارسوق به چابکی مقداری کاه و اسباب دکان را نسوخته از آن جا خارج کرده و حریق را برطرف نموده، نمی‌گذارند به سایر دکاکین سرایت کند.

محله بازار

ـ شیخ‌محمد ماهوت‌فروش سه چهار ماه قبل زن مرحوم حاجی محمدباقر نام را برای خودش عقد کرده، به خانه می‌برد، چون با ضعیفه سلوکشان نمی‌شد، مهریه او را به علاوه پنجاه تومان داده، مطلقه‌اش می‌کند. ضعیفه بعد آمده هر قدر اصرار می‌نماید که مجدداً او را نگاه دارد، مشارالیه قبول نمی‌کند. ضعیفه می‌گوید حامله هستم که شاید او را نگاه دارد. شیخ محمد می‌گوید هر وقت وضع حمل تو شد طفلم را می‌گیرم به دایه می‌دهم. دیروز مشارالیها یک طفل از ضعیفه[ای] گرفته به درب خانه او رفته، بنای دادو فریاد را گذارده که زاییده‌ام. شیخ‌محمد هر قدر می‌گفته که زن چگونه سه چهار ماهه وضع حمل می‌کند، ضعیفه زیادتر فضاحی می‌نموده. تا این که همسایه‌ها او را ساکت و روانه می‌کنند، می‌رود. خبر به رییس محله رسیده. پلیس مواظب کرده است که هر گاه ضعیفه درب خانه او برود بی‌جهت رسوایی کند او را به اداره بیاورند.

ـ دیشب پسرهای جناب حاجی ملاعلی و آقامیرزاحسین پیشنماز با جمعی از تجار و اهل محله در مجلس روضه‌خوانی حاجی علی کاشانی که تازه از مکه معظمه مراجعت کرده، حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی باقر نام بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ ضعیفه فاحشه موسوم به خانمی برای تحقیق سرقت گرفتار اجزای پلیس شده در تحت استنطاق است.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ کاکاباقر نام که مست بود و مظنون به سرقت است گرفتار پلیس شده، از محله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۲) جمادی‌الاول

محله دولت

ـ نواب والا عمادالدوله دیروز عصر به دیدن نواب والا معزالدوله رفته بودند. اسبهای معزی‌الیه به واسطه غفلت جلودار فرارکرده به خیابان کامرانیه رفته. جلودار آنها را تعاقب کرده نمی‌توانست بگیرد و نزدیک بود که به عابرین صدمه وارد آورد. اجزای پلیس امداد کرده، اسبها را گرفته، جلودار می‌برد.

ـ دیروز عصر وزیرمختار آلمان و شارژدافر سفارت انگلیس و وزیرمختار فرانسه و عرب صاحب به دیدن جناب اشرف مشیرالدوله رفته بودند.

ـ دیشب موسیواندرنی با زن و دخترش و موسیوکفسن تاجر ایتالیایی و محمدآقای سرتیپ جدیدالاسلام در سفارت ایتالیا میهمان شارژدافر بودند. شش ساعت از شب رفته متفرق گردیدند. یک صاحب منصب توپخانه ایتالیایی که تازه از سیام آمده نیز آن جا بود.

ـ دیشب سفیرکبیر عثمانی در سفارت فرانسه میهمان بود. قمار هم می‌کردند. هنگام ورود به سفارت فرانسه پنجاه تومان پول از ناظر خود گرفته همراه برده بود.

ـ دیروز جناب امین‌السلطان می‌خواستند به دیدن شارژدافر ایتالیا بروند کالسکه‌چی اشتباهاً کالسکه را به درب سفارت اتریش برده، جناب معزی‌الیه به نوکرهای سفارت پیغام می‌دهند که

شارژدافر را می‌خواهم دیدن بکنم. آنها خبر برده، بعد آمده اظهار کرده بودند که وزیرمختار هم هست. معلوم می‌شود. که کالسکه‌چی اشتباهاً آمده، مراجعت کرده بودند.

ـ دیشب در خانه ملاغلامحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و تجار در آن جا حضور داشتند.

ـ جلیل‌بیگ توپچی که در کاروانسرای سراج‌الملک منزل دارد جمعی از اقوام و همشهریهای خودش را در منزلش میهمان کرده بود.

ـ میرزانصرالله مذهب دیشب به رییس محله اظهار می‌دارد که ولی‌خان برادر زنم در خانه مست کرده، شرارت و هرزگی نموده مقداری اسباب مرا شکسته است. رییس محله می‌فرستد که مشارالیه را دستگیر کنند. زنهای خانه او را پنهان کرده نمی‌گذارند بیاورند. پلیس‌ها هم در کمین هستند که او را دستگیر نمایند [تا] تنبیه شود.

سنگلج

ـ دیروز امیرایوب خان به دیدن جناب اشرف مشیرالدوله رفته بودند و کالسکه هم از جناب معزی‌الیه بود. بعد از مراجعت پنج تومان به کالسکه‌چی‌ها انعام داده بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلامرضا نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاعلی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا مشهدی علی نام همسایه‌ام به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، با او به اداره فرستاد، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب حاجی میرزاحسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه میرزاحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیشب حاجی حبیب‌الله خان، فتح‌الله‌خان قاجار، میرزامحمود منشی، محمودخان قاجار، خلیل‌خان قاجار، حسن‌خان قاجار، حاجی آقاعلی پسر مرحوم حاجی علی در خانه سیدآقای صراف میهمان بودند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز ضعیفه فاحشه هاجر [نام که] برای ارتکاب عمل شنیع به منزل حاجی قنبر نام سیاه رفته بود، گرفتار اجزای پلیس شده، مشارالیها را به اداره آوردند. قدغن شد که او را نفی بلد نمایند.

ـ برادر ناظم خلوت مدتی است مریض بستری شده. دیروز حالتش زیاد منقلب گردیده که کسانش از او مأیوس شده بودند. جناب دکتر تولوزان با چند نفر طبیب دیگر آورده، اندکی حالتش بهتر می‌شود.

ـ دیشب محمدجعفربیگ گماشته جناب امین‌السلطان خواهرزن علی‌رضابیگ نوکر سقاباشی را برای خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی آقاموسی پسر مرحوم حاجی علی یک رأس گاو در خانه خود ذبح نموده به فقرا تقسیم کرده بود.

ـ دیشب حاجی محمدابراهیم تاجر دختر حاجی میرزاحسین‌تاجر را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از علما و تجار و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب حاجی بهرام‌نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاحسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا محمدنام برادرزنم دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی رضانام مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی علی نام تاجر شیرازی با عیال و اطفالش که به زیارت مشهد مقدس مشرف شده

بودند، مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند، کسان ایشان تشریفاتی برای ورود آنها ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ یک طاقه لحاف ترمه در خانه معاون لشکر مفقود شده بود. چندی قبل از این روزها هم یک تخته قالی از آن جا برده‌اند. یاقوت نام خانه‌زاد خود راگرفته در خانه حبس کرده و هر روز او را چوب می‌زده تا این که مشارالیه اقرار می‌نماید که برده به سیدحسن نام کالسکه‌چی شیخ‌الاطباء به دوتومان گرو گذارده. نوکرها جمع شده خواسته بودند که یک قالی خریداری کرده، عوض بدهند، خانه‌زاد را از حبس آزاد نمایند. معاون لشکر قبول نکرده بود. آنها هم مشارالیه را فرار می‌دهند.

ـ حاجی عبداللطیف تاجر که مدتی مریض شده بود، دیروز مرحوم شده است. کسانش مجلس ختم ترتیب دادند. جمعی از تجار و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی علی‌رضا نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسین و هاشم که در محله عودلاجان و محله بازار مست بودند، گرفتار پلیس شده به اداره آوردند. در دیوان‌خانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ رجب‌علی که برای استنطاق و تحقیقات سرقت در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۸) شهر جمادی‌الاول

محله دولت

ـ دیشب وزیرمختار آلمان با شارژدافر خود، سفیرکبیر عثمانی با مستشار خود، شارژدافر سفارت انگلیس با زنش، پولکونیک و جنرال واگنر در سفارت اتریش میهمان بودند. شش ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ میرزاعلی‌اکبر ناظر سفارت ینگی‌دنیا برای تقصیر که از او به ظهور رسیده است، به وزارت خارجه فرستاده و خواهش نموده مشارالیه را در آن جا حبس کرده‌اند.

ـ ساعدالدوله دیروز به سفارت فرانسه رفته بعد از یک ساعت از آن جا مراجعت نمودند.

ـ آجودان‌باشی کل چند ثوب نیم‌تنه پوستی بر حسب نذری که کرده است خریداری نموده، شش ثوب از آن را نزد حسن‌خان حکیم فرستاده و بقیه را به نوکرهای خود داده که در میان فقرای مستحق تقسیم نمایند.

ـ نواب والا معزالدوله یک ساعت به غروب مانده به دیدن فخرالملک رفته، بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ نواب ایلخانی دیروز یک ساعت به غروب مانده به دیدن جناب امین‌حضور وزیر بقایا رفته، یک ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

ـ دیشب حاجی میرزاعلی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام به رییس محله متظلمه می‌شود که برادر شوهرم بدون جهت مرا زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که شوهر ضعیفه شهر نیست و مشارالیها به دیدن اقوام خود رفته بود. برادر شوهرش از او مؤاخذه کرده به این واسطه نزاع جزیی کرده‌اند، صلح داده شدند.

سنگلج

ـ دیروز عصر قاپوچی میرزاتقی‌خان، سرتیپ یوزباشی غلامهای مهدیه چپق می‌کشیده، حاجی حسین‌جلودار میرزاعبدالله خان پسر جناب قوام‌الدوله، می‌خواهد چپق را از دست او بگیرد، نمی‌دهد. نزاعشان می‌شود. قاپوچی مذکور به خانه سرتیپ رفته دادوفریاد کرده، میرزاآقاجان نام که از اقوام سرتیپ است از خانه بیرون آمده بنای نزاع را گذارده از آن طرف مهتر و نوکرهای میرزاعبدالله خان به حمایت برخاسته می‌خواستند مفسده برپا نمایند، اجزای پلیس رسیده آنها را ساکت و متفرق می‌کنند و میرزاتقی‌خان تفصیل را نموده، میرزا عبدالله خان می‌نویسد.

ـ دیشب استاد رستم‌مسیحی جمعی از ارامنه را در خانه‌اش میهمان کرده، مطرب آورده بود. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز غلامحسین پسر مرحوم ابراهیم‌خان جوانکی را به حمام چاله حصار برده، از قرار مذکور می‌خواسته با او مرتکب عمل شنیع شود. دو سه نفر از جهال آن نقطه فهمیده به جناب وزیرنظام عارض شده، جناب معزی‌الیه فرستاده آنها را می‌برند.

ـ دیشب در خانه حاجی غلامحسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله، جناب امین‌السلطان، نواب ارفع والا ملک‌آراء، جناب قوام‌الدوله، جناب وزیرلشکر، نواب عمادالدوله، نواب حاجی بهاءالدوله، جناب اقبال‌السلطنه و میرزاولی مستوفی با جمعی دیگر از علما و غیره در مجلس ختم مرحوم آصف‌الدوله حضور داشتند.

ـ میرزاعبدالله شیخ‌الاسلام دماوندی مدت سه ماه مریض بوده، کسانش او را به دارالخلافه آورده بودند که معالجه نمایند. چند نفر حکیم او را معالجه می‌کردند، سودی نکرده، دیروز مرحوم شده است.

ـ دیروز از سفارت روس مثل هر ساله به جمعی از فقرا به هر یک، یک من نان و نیم‌من ذغال داده بودند.

ـ دیروز چند نفر گماشتگان جناب وزیرنظام رفته بودند که غلامعلی دستگاه‌دار دکان خبازی متعلق به محمدحسن خان پیشخدمت همایونی را نزد معزی‌الیه ببرند. نوکرهای

محمدحسن‌خان ممانعت کرده، آخرالامر او را فرار داده به خانه آقای خود می‌برند.

ـ دیروز در خانه حاجی حسین‌نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب مشهدی حسن سمسار جمعی از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز آقامحمدابراهیم تنباکوفروش دختر میرزارفیع‌خان را برای برادرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه استادعلی‌اکبر نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا تقی نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ علی‌محمدبیگ یاور زنبورکخانه مبارکه که مدتی مریض بود، دیروز مرحوم شده است. جنازه او را با احترام برداشته و در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ چند نفر از طبق‌کشها میهمانی دوره دارند.دیشب در خانه مشهدی ابوالقاسم طبق‌کش میهمان بودند و تا شش ساعت [از] شب [گذشته] کتاب اسکندرنامه می‌خواندند.

ـ دیروز صبح شخصی یک کوزه شیر در دست داشته می‌فروخته، یک مرتبه کوزه از دستش افتاده می‌شکند. مشارالیه گریه و زاری می‌کرد و می‌گفت تمام مایه من همین کوزه بود. آقاسیدمرتضی نام رسیده، دلش به حال او سوخته مبلغی پول به مشارالیه می‌دهد.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی ابوالقاسم نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرد است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق

شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی نام بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ اسماعیل و رضا را برای استنطاق و تحقیقات سرقت جزیی از ارک مبارک به اداره آوردند. در تحت استنطاق هستند.

ـ سلمان نام سیاه را برای ادعای آقایش از محله عودلاجان به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ محمدحسن که برای ادعای زنش در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه(۹) شهر جمادی‌الاول

محله دولت

ـ دیشب جناب امین‌حضور وزیر بقایا و میرزامحمدخان پیشخدمت همایونی، ملک‌التجار و زنبورکچی‌باشی، آقامردک و جنرال واگنر، علی‌خان پسر میرشکار و دکتر فرانک و حکیم ترانس در سفارت انگلیس میهمان شارژدافر بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز دختر امین‌همایون را برای برادر جناب امین‌السلطان عقد کردند. مجلس زنانه در خانه امین همایون و مجلس مردانه را در خانه امین‌السلطنه ترتیب داده بودند در خانه امین‌السلطنه جناب اشرف مشیرالدوله، جناب امین‌الدوله، جناب قوام‌الدوله، جناب مخبرالدوله، نواب

منظره دروازه دولت و مناطق پیرامون آن درداخل شهر

سیف‌الملک، علاءالدوله، نواب سیف‌الدوله، کشیکچی‌باشی، میرشکار، نواب حاجی بهاءالدوله، حاجب‌الدوله، مخبرالملک، جناب امین‌حضور، ناظم‌خلوت، سقاباشی، امین‌خلوت، جناب اقبال‌الدوله، محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی، جناب امین‌السلطان، امین‌الملک، صاحب جمع و محقق‌الملک حضور داشتند. عصر متفرق شدند.

ـ یکی از نوکرهای مجدالدوله دیروز نزد حاجی محمدباقر، همقطار خود که دکاکین مجدالدوله سپرده به اوست رفته مطالبه تنخواهی که به مشارالیه حواله داشته کرده، او قبول نکرده، به این واسطه نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد نمایند. اجزای پلیس ایشان را ساکت کرده قراری داده صلح می‌دهند.

ـ قنبربیگ قراول کارخانه چراغ گاز یک هزار دینار از سیدمراد نام طلب داشته، مطالبه کرده نزاعشان شده بنای زد و خورد را گذارده بودند که نایب محله رسیده آنها را ساکت نموده صلح می‌دهند.

ـ دیشب در خانه حاجی مرادعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز دختر کربلایی محمدعلی نام را برای مشهدی مراد نام عقد کردند. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند. غروب حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب حیدرخان قزاق دختر یکی از بستگانش را برای برادرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ دیروز ابراهیم نام پسر مرحوم یوزباشی جهانگیر را، رشیدخان نام حلوافروش برده [باالو] مرتکب عمل شنیع شده. کسانش به کارگزاران حکومت عارض شده‌اند. فراش آمده که او را دستگیر کند فرار کرده قدغن شد پلیسها مواظب باشند تا مشارالیه را دستگیر کنند در دیوان‌خانه حکومت تنبیه شود.

ـ دیشب در خانه حاجی بهرام نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله نواب احتشام‌الدوله، جناب امین‌السلطان، جناب عضدالملک، جناب امین‌الدوله، امیرایوب‌خان، جناب میرزاعیسی وزیر، نواب ایلخانی، جناب امین لشکر، جناب امام‌جمعه، جناب حاجی میرزاجواد آقا، نواب حسام‌السلطنه، نواب ارفع والا عزالدوله، مؤتمن‌السلطنه، ناظم خلوت با جمعی کثیر از خوانین و طلاب و غیره در مجلس ختم مرحوم آصف‌الدوله حضور داشتند. بعد از صرف ناهار نواب ارفع والا ملک‌آرا مجلس ختم را برچیدند.

ـ دیروز دختر میرزانصرالله مستوفی را برای پسر میرزاسیدکاظم، مستوفی اصطبل مبارکه عقد کردند. جناب وزیردفتر، جناب میرزاعیسی وزیر، وکیل‌لشکر، معاون‌الملک، حاجی‌میرزا نصرالله مستوفی با جمعی از مستوفیان عظام و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی محمدحسین تاجر تهرانی دختر عبدالحسین شال‌فروش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته عروس را به خانه داماد برده، متفرق گردیدند.

ـ برادر ناظم خلوت که چند روز مریض شده بود دیشب مقارن اذان صبح مرحوم شده است. جنازه او را در مسجد امانت گزاردند.

ـ حاجی ملاهادی تاجر که مدتی قبل به مکه معظمه مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. جمعی از تجار او را استقبال نموده با احترام واردش کردند و کسان مشارالیه نیز تشریفات خوبی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز حاجی نصرالله شجاع دخترزاده مرحوم حاجی حکیم آوازخوان را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ ابراهیم نام سلمانی کرمانشاهی که دوازده روز قبل در نزاع سهواً زخمی به مراد نام کرمانشاهی زده بود به واسطه غفلت کسان، مجروح بعد از دوازده روز زخمش سیم کشیده دیشب فوت کرده است. اگر چه جراحت عمدی نبوده ولی حسب‌الامر حضرت مستطاب امجد ارفع اشرف والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی‌فداه او را گرفته محبوس داشته‌اند.

ـ دیروز در خانه حاجی حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی میرزاحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات از آنجا متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی نام بوده، کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز میرزااسمعیل پسر مرحوم حاجی میرزارضا دختر مرحوم میرزاعباس پروسکی را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز پسرهای زنبورکچی‌باشی و آقاسیدحسین پیشنماز با جمعی از اهل محله و غیره در مجلس ختم مرحوم علی‌محمدبیگ یاور زنبورکخانه مبارکه حضور داشتند.

ـ دیروز در خانه اسدالله بیگ نایب قورخانه مبارکه مجلس روضه‌خوانی بوده. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب میرزاحسین نام دختر حاجی علی‌بزاز را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه ملاعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز میرزاعزیزالله نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از طلاب و اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند. عصر متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

اسدالله برای این که می‌خواسته از سر حمام بعضی اسباب سرقت نماید در سنگلج گرفتار

پلیس شده به اداره آوردند. در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۱۰)شهر جمادی‌الاول

محله دولت

ـ ناظم خلوت برای فوت برادرش در خانه خود مجلس ختم ترتیب داده بود جناب اشرف مشیرالدوله، جناب امین‌السلطان، جناب امین‌الدوله، جناب وزیر بقایا، امین‌الملک، نواب معزالدوله، جناب وزیرنظام، نواب سیف‌الدوله، مشیرخلوت، معاون‌الملک، عبدالله‌خان والی، جناب اعتضادالدوله، معیرالممالک، شهاب‌الملک، حاجی غلام‌حسین‌خان سرتیپ با جمعی دیگر در آن جا حضور داشتند طرف عصر هم حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی‌فداه معزی‌الیه تشریف برده بودند.

ـ دیشب جناب اشرف مشیرالدوله، وزیر مختار اتریش با زنش، سفیر کبیر عثمانی، وزیرمختار آلمان، شارژدافر انگلیس با زنش، شارژدافر روسیه، موسیو ادبیر در سفارت ایتالیا میهمان بودند پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ زن وزیرمختار فرانسه که حامله بود دختری وضع حمل نموده است.

ـ کاپیتان فوکس قونسول سفارت اتریش پسره حسین نام امرد نوکر خود را اخراج کرده به علی‌اکبر پیشخدمت وزیرمختار اتریش، برادر حسین گفته بود که برادرت هرزه است و به درد من نمی‌خورد و نوشته رضایت‌نامه به او می‌دهد که هر نقطه بخواهد برود نوکری کند.

ـ دیروز جهاز دختر میرزاسیداحمد منشی‌باشی جناب امین‌السلطان را که چند روز قبل برای

میرزاآقاخان منشی سفارت اتریش عقد کردند به خانه داماد بردند چهل خوانچه با چند رأس قاطر اسباب از هر قبیل به آن جا برده بودند.

ـ سه نفر از سربازهای فوج ششم مبلغ هشت تومان از مشهدی محمدقندانی‌ساز طلب داشتند. شیخ حسین منسوب مشهدی محمد از مشارالیه ضمانت تن می‌کند دیروز ضمانت او منقضی شده آمده مطالبه وجه از شیخ حسین می‌کردند و هنگامی که او می‌خواسته به حمام برود مشارالیه راگرفته فضاحی و فحاشی می‌کردند نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده از اداره پلیس به شجاع‌السلطنه نوشته شد.

سنگلج

ـ دیشب میرزامحمد، محرّر مجدالدوله دختر کریم نام هرسینی را برای خودش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ حاجی غلام‌حسین خباز دو ریال از حسن‌آقا پسر مرحوم محمدعلی‌بیگ امیرآخور مرحوم صدراعظم طلب داشته دیروز مطالبه کرده حسن‌آقا منکر می‌شود مشارالیه به کنایه به او می‌گوید خدا آن مرحوم تازه را بیامرزد طلب مردم را بده به این واسطه نزاعشان شده می‌خواستند زد و خورد نمایند اجزای پلیس رسیده آنها را ساکت نموده در باب طلب حاجی غلام‌حسین معروض قراری می‌دهند.

ـ حسینقلی آقای مهاجر از بام افتاده از کمر به پایین او افلیج شده علاوه بر این حبس‌البول هم گردیده کسانش مشغول معالجه هستند ولی از قرار معلوم در مخاطره است.

ـ دیشب میرزارضاقلی مشرف اصطبل مبارکه و پسرهای ابراهیم‌خان رییس کالسکه‌خانه مبارکه و پسرهای حاجی نایب اصطبل مبارکه و چند نفر از جلودارهای سرکاری در خانه کریم‌بیگ نایب اصطبل مبارکه میهمان بودند پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز جنازه مرحوم آصف‌الدوله را به حضرت عبدالعظیم حمل نمودند از اداره پلیس به رؤسای محلات قدغن شد اسباب و لوازمات تشیع جنازه را از قبیل سینه‌زن و یدک‌های زیاد و

کتل و غیره به طور اکمل فراهم نمودند از طرف جناب وزیرنظام هم سواره قزاق و یدک‌های زیاد و سایر ملزومات دیگر فراهم کرده بودند که به اعلی درجه تجمل و احترام جنازه را حمل نمودند نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله، نواب احتشام‌الدوله، نواب احتشام‌الملک، نواب حسام‌السلطنه، نواب عمادالدوله، جناب وزیرنظام، دبیرالملک، میرزا محمودمستوفی، مؤتمن‌السلطنه، معتمدالسلطنه، میرزاولی مستوفی، امین‌الصره با جمعی کثیر از هر قبیل در تشیع جنازه آن مرحوم حضور داشتند.

ـ دیروز عصر در خانه جلیل‌خان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از علما و تجار و غیره در آن جا مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه مشهدی غلام‌رضای بلورفروش مجلس روضه‌خوانی بوده جمعی کثیر از طلاب و سادات و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزایوسف نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز نواب عمادالدوله که از تشیع جنازه مرحوم آصف‌الدوله مراجعت کردند در خیابان کامرانیه پاهای اسب جلودار به چرخ کالسکه معزی‌الیه افتاده نزدیک بود که اسب سقط شده کالسکه بشکند که اجزای پلیس به زحمت پای اسب را از چرخ خارج نموده نواب معزی‌الیه می‌روند.

ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق شدند.

ـ دیروز جناب امام‌جمعه به دیدن حاجی محمدحسین تاجر تبریزی رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیشب در خانه حاجی ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از تجار و طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند بعد از صرف شام حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل

محله و غیره مستمع بودند بعد از صرف شام حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ مادر محسن‌بیک، کالسکه‌چی سفارت اتریش که مدتی مریضه بود دیروز مرحومه شده جنازه او را با احترام برداشته و در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب داده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس ختم حضور داشتند.

ـ مشهدی علی‌اکبر علاف مبلغی از بابت قیمت کاه و جو از میرزامحمدرضای مشرف پستخانه مبارکه طلب داشته دیروز مطالبه کرده نزاعشان شده می‌خواستند زد و خورد نمایند اجزای پلیس آنها را ساکت کرده قراری می‌دهند طرفین رضایت حاصل می‌نمایند.

ـ دیروز در خانه مرحوم علی‌محمدبیگ یاور زنبورکخانه مجلس روضه‌خوانی بوده زنبورکچی‌باشی با پسرهایش و جمعی دیگر در آن جا حضور داشتند بعد از صرف ناهار جنازه آن مرحوم را به احترام برداشته در بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم امانت گذاردند.

ـ ملاقاسم بقال دیروز با نوکر نواب جمال‌الدین میرزا منازعه کرده بود آنها را ساکت نموده بودند. بعد نواب معزی‌الیه از درب دکان بقال عبور می‌کرده مشارالیه حرف بی‌ادبانه می‌زند ایشان هم به نوکرهای خود حکم کرده او را فوری زده بعد به نواب ارفع والا عزالدوله می‌نویسند معزی‌الیه فراش فرستاده بقال را برده حبس می‌کنند. بعد برادرهای بقال معروض رفته از جمال‌الدین میرزا تحصیل رضایت کرده او را مستخلص می‌نمایند.

ـ دیروز در خانه مشهدی نادعلی خرازی‌فروش مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. عصر حضرات مستمعین متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی ابوالقاسم نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ میرزاحسین که در محله سنگلج مست بود گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند در دیوان‌خانه حکومت تنبیه می‌شود.

ـ از قراری که رجب‌علی خان برادرزاده نواب مستطاب علیه عالیه انیس‌الدوله دامت شوکتها

اظهار و ادعای رؤیت می‌کرده چهار نفر غلام از شهریار آمده به حضرت عبدالعظیم که می‌رسند از شدت سرما بی‌حال گردیده و بیضهٔ آنها را یخ زده آنها را به حمام می‌برند سه نفر هلاک گردیده یک نفر جان به در برده است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۱۱) شهر جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیروز طرف عصر معیرالممالک به سفارت انگلیس رفته با شارژدافر ملاقات نموده، زود مراجعت نمودند.

ـ دیشب دختر میرزاسیداحمد منشی جناب امین‌السلطان را برای میرزاآقاخان منشی سفارت اتریش عروسی کردند. جمعی از اجزای سفارت اتریش و چند نفر از صاحب‌منصبان افواج شجاع‌السلطنه و منشی سفارت آلمان و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. یک دسته مطرب یهودی آورده تا هفت ساعت از شب رفته مشغول تعیش بودند. آن وقت عروس را به خانه داماد بردند. حسن‌بیگ ناظر سفارت اتریش از فرط مستی در مجلس قریب پنج تومان به رقاص به رسم انعام داده بود.

ـ محمدجعفربیگ، لله‌باشی ظهیرالدوله یکی از کلفتهای اندرون خانه معزی‌الیه را برای خودش عروسی کرده است. عروس را از خانه ظهیرالدوله به خانه جعفرقلی‌خان پسرعموی معزی‌الیه بردند. شش ساعت از شب رفته با کالسکه و موزیک به خانه معزی‌الیه آورده بودند.

ـ دیشب نواب والا معزالدوله و فضل‌الله میرزا و سایر برادرها و بستگانش در خانه میرزانصرالله خان سپهسالار میهمان بودند.

ـ دیشب جنرال واگنر و کاپیتان قزاق و باران ودل و کینس ویس قونسول انگلیس در منزل ماژورولس میهمان بودند. شش ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

سنگلج

ـ امروز صبح خلیل نام خاک‌کش به خانه‌اش رفته نزد کس و کارش گریه و زاری نموده، شکایت می‌کند که قرض زیاد دارم چه بکنم بعد خفیتاً مقداری تریاک خورده حالتش منقلب شده، کسانش حکیم آورده، مشغول معالجه هستند. ولی از مخاطره دور نیست.

ـ دیشب ملاعبدالله و شیخ موسی نامان قاری که در مسجد حاجی شیخ‌هادی سر نعش الهوردیخان قرائت قرآن می‌کنند به واسطه دو سیر تنباکو نزاع کرده بنای زد و خورد را می‌گذارند. ملاعبدالله که شخص قوی هیکلی است شیخ‌موسی را که آدم پیرمرد ناتوانی است زده سرش را به ارسی می‌زند به طوری که زیاد مجروح، بی‌حال گردیده، می‌افتد. کسانش به رییس محله شکایت می‌نمایند. مشارالیه فرستاده ملاعبدالله را به اداره آوردند با راپورت حالش نزد جناب وزیرنظام فرستاده شد. جناب معزی‌الیه را به توسط اجزای اداره نزد جناب حاجی شیخ‌هادی فرستادند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی در بازار گلوبندک یک دستمال که مقداری تنباکو در آن بوده دیده برداشته نزد رییس محله می‌برند. رییس محله تنباکو را به دکانی سپرده تا صاحبش پیدا شود.

ـ دیشب در خانه حاجی قاسم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی اسدالله تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. غروب متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز جنازه برادر ناظم خلوت را با تجمل و تشریفات زیاد از قبیل یدک و سینه‌زن و غیره به حضرت عبدالعظیم حمل نمودند.

ـ دیروز حاجی ملاشکرالله پیشنماز و جمعی از تجار در خانه حاجی غلام‌رضای بلورفروش به ناهار میهمان بودند. عصر متفرق شدند.

ـ حاجی علی تاجر و حاجی محمدتاجر که مدتی قبل به مکه معظمه مشرف شده بودند، مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. شب جمعی از علما و اهل محله در خانه آنها بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی ابوالقاسم نام دختر مشهدی یوسف نام را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عقد حضور داشتند. غروب حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی صادق نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضای تاجر بوده است. جمعی از طلاب و سادات را کسانش دعوت کرده و مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ محمدهاشم نام نمدمال به رییس محله اظهار می‌دارد که عیالش چند روز است به تحریک پدرش از خانه او رفته در خانه پدر خود منزل کرده است. رییس محله فرستاده عیال او را حاضر نموده، چون حرف شرعی داشتند طرفین به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دختر مشهدی علی نوکر جناب اقبال‌الدوله عیال حاجی آقانام بقال مستأجر دکان مشیر خلوت است. ضعیفه چهار روز قبل قهراً به خانه پدرش رفته. دیروز حاجی آقا می‌رود که عیالش را به خانه معاودت بدهد نزاعشان شده یک نفر دندان مشهدی علی معیوب گردیده، به کارگزاران حکومت عارض شده، مأمور آورده طرف مقابل او را به حکومت جلیله می‌برند.

ـ آقاسیدابوالقاسم فراش خلوت همایونی به رییس محله اظهار داشته که ضعیفه شیرین نام معادل سی‌تومان از بستگان ایشان سرقت کرده، رییس محله فرستاده، جستجو نموده، مشارالیه را آورده، متوقف است تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ عیال رضا نام دیزی‌پز دو ریال از ملاابراهیم اعمی طلب داشته، دیروز می‌رود مطالبه می‌کند با زنهای خانه نزاعشان شده، لباسش پاره می‌شود به خانه آمده به حسین نام برادر خود شکایت

می‌نماید. او هم برخاسته به خانه ملاابراهیم رفته مؤاخذه می‌کند که چرا خواهر او را زده‌اند، با پسر ملاابراهیم نزاعشان شده، سر پسر ملاابراهیم را حسین مجروح می‌کند. کسانش به کارگزاران حکومت عارض شده، مأمور آورده بعد از تحقیقات آنها را صلح داده و ملاابراهیم هم اظهار رضایت می‌نمایند.

محله بازار

ـ دیروز دختر میرزامحمدعلی تفرشی را ملامحمدتقی برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله و طلاب در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ شیرعلی‌خان نام دیروز از مشهد مقدس وارد دارالخلافه شده است. مبلغی از مکاری قرض کرده بود. مکاری آمده مطالبه می‌کرد و داد و فریاد می‌نمودند. اجزای پلیس آنها را ساکت کرده، قرار مسکتی می‌دهند.

ـ دیروز صبح در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در خانه آقامیرمحمدعلی پیشنماز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی تقی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی رضانام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی محمدرضا، اکبر و سیدابوالقاسم را برای استنطاق و تحقیقات سرقت از محله دولت آورده‌اند، در تحت استنطاق هستند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۱۲) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب وزیرمختار آلمان، سفیرکبیر عثمانی، پولکونیک کاپیتان قزاق در خانه جناب وزیر صنایع میهمان بودند. هفت ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی حسن نام دختر حاجی رضا نام را برای پسر خودش عروسی کرده. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیروز شخص حمالی یک صندوق قند به دوش داشته از خیابان چراغ‌گاز عبور می‌کرده، یک دسته قاطر از مکاری شهرستانکی زغال بار داشته، می‌گذشتند. قاطرها پهلو زده، حمال افتاده، سرش مجروح می‌شود. پلیسها قاطر راگرفته نگاه داشته که حالت حمال معلوم گردد. چند نفر از موزیکانچی‌های شهرستانکی که بسته مکاری هستند آمده از حمال مضروب تحصیل رضایت کرده می‌روند.

ـ دیروز نزدیک غروب جناب اعتضادالدوله به خانه مادام بیلو رفته، دو ساعتی از شب رفته مراجعت کرده بودند.

ـ وزیرمختار اتریش جنرال واگنر دیروز ظهر به دیدن جناب وزیر صنایع رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ حسین نام کالسکه‌چی ظهیرالدوله دیروز در دکان عطاری قند می‌گرفته. به واسطه قند با محمد مهتر کالسکه‌خانه مبارکه نزاعشان شده چند نفر از عملجات کالسکه‌خانه به حمایت محمد مذکور برآمده نزدیک بود نزاع و زدوخورد کنند که اجزای پلیس و سایر نوکرهای ظهیرالدوله آنها را ساکت کرده روانه می‌نمایند، می‌روند.

ـ دیشب حاجی عبدالحسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیروز حاجی میرزاعلی‌نقی مشیرلشکر که چندی قبل به قزوین رفته بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. نزدیک قراولخانه باغ جنت و گلشن که می‌رسد درشکه مشارالیه شکسته، نوکرهایش اسب برده، سوارش نموده به خانه برده بودند.

ـ در راپورت دیروز عرض شده است که خلیل نام خاک‌کش [که] به واسطه پریشانی و فرض به قصد هلاک خود مقداری تریاک خورده، بدحال شده بود کسانش در صدد معالجه برآمده بهبودی حاصل کرده است.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی نصرالله نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عیال مشهدی اکبر نام بدون اذن شوهرش به خانه یکی از اقوام خود رفته بود. بعد از مراجعت شوهرش از او مؤاخذه کرده نزاعشان شده بنای زدوخورد را گذارده بودند که همسایه‌ها آنها را ساکت می‌نمایند. بعد ضعیفه مقداری تریاک می‌خورد. اهل خانه ملتفت شده او را معالجه و مداوا نموده تا این که بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده، متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب در خانه ناظم خلوت مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جناب امین‌الملک، جناب امین‌الحضره سقاباشی با جمعی در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ حاجی رمضان‌علی تاجر تهرانی با حاجی عباس‌قلی برادرش که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بودند، مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود ایشان ترتیب داده بودند.

ـ دیشب میرزاحسین نام دختر یکی از اقوامش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب پسر مرحوم نظرعلی‌بیگ نام دختر مرحوم حاجی عبدالخالق را برای خودش عروسی

کرده است. جمعی از کسبه و اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی محمدصادق تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. غروب متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی غلامحسین تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز حاجی محمدحسین تاجر دختر حاجی محمدآقا را برای پسرش عقد کرده، جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عقد حضور داشتند. غروب حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده، برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی میرزاعلی نام دختر حاجی رضا نام را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا محمد نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی ملامحمدعلی طلبه مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز نواب ارفع والا ملک‌آرا به دیدن نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله رفته، بعد از ساعتی مراجعت نمودند.

ـ دیروز جناب صدرالعلما و جمعی از طلاب و تجار در مجلس ختم مرحوم مشهدی حسین سمسار حضور داشتند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان بقالی باز است و

صاحبش فراموش کرده، دکانش را قفل نکرده، رفته است. فوراً مشارالیه را که در آن نزدیکی بوده حاضر کرده دکانش را بسته و امتنان حاصل نموده می‌رود.

ـ دیشب عیال حسین نام سراسیمه به اجزای پلیس اظهار می‌دارد که طفل پنج ساله من از خانه بیرون آمده مفقود شده است. اجزای پلیس در مقام جستجو برآمده، بعد از ساعتی طفل را پیدا کرده به مشارالیه می‌سپارند، با کمال امتنان می‌برد.

ـ حاجی حسین نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مشهدی حسین حمامی برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از سنگلج به اداره آوردند. در تحت تحقیقات است.

ـ محمد، ملک و رحیم که قمار می‌کردند و در محله دولت گرفتار اجزای پلیس شده، به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ محمداسمعیل‌بیگ که برای ادعای محمداسمعیل‌بیگ نام در اداره بود بعد از تحقیقات با رضایت مشارالیه از اداره خارج گردید.

ـ نعمت‌الله که یک نفر حمامی مدعی بود که چند دانه لنگ از حمام او برده، بعد از تحقیقات با رضایت مشارالیه از اداره خارج گردید.

ـ محمدخان [و] چراغعلی، پلیسهای محله عودلاجان که به جرم غفلت از خدمت حبس بودند بعد از هشت روز مرخص شدند.

ـ حبیب که برای سرقت جزیی در اداره بود، بعد از تحقیقات ضامن داده، از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه (۱۳) شهر جمادل‌الاولی

محله دولت

ـ عبدالعلی‌خان سرهنگ لرستانی که این اوقات به تظلم به دارالخلافه آمده است با پانزده نفر عیال و اطفال به حالت فلاکت افتاده یک رأس اسب خود را نزد مهترهای اصطبل توپخانه مبارکه به مبلغ پنج تومان گرو گذارده، خرج عیال و اطفالش کرده، دو رأس اسب عربی دیگر دارد که می‌گوید هر یک از هزارتومان متجاوز قیمت دارند، از گرسنگی خیلی لاغر شده و از صورت بازار افتاده‌اند. شب گذشته با کمال اضطراب و وحشت اظهار می‌نموده که دو شب است این چند نفر عیال من گرسنه مانده‌اند و قریب به هلاک شده‌اند.

ـ دیشب شارژدافر سفارت آلمان دکتر فرانک، موسیو ماتیاس با زنش، بشرین با زنش، دندانساز، میهمان دکتر آلبو بودند. شش ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ میرزا آقاخان منشی سفارت اتریش به کالسکه‌چی‌های حسن‌خان سرتیپ اول قزاق و میرزاسید محمدخان اجزای وزارت خارجه که شب عروسی او کالسکه برای عروس آورده بودند به هر یک دو ذرع ماهوت و مبلغی پول داده است.

ـ قربان‌علی‌بیگ غلام سفارت روس سواره از خیابان چراغ‌گاز عبور می‌کرده، دست و پای اسب روی یخ لغزیده اسب او بر زمین افتاده، پای مشارالیه شکسته و دماغش مجروح شده او را به زحمت به خانه رسانده مشغول معالجه هستند.

ـ دیشب در خانه ملاابوطالب نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز میرزاحسین نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند.

سنگلج

ـ دیشب دسته گوهر خماری مطرب را به خانه امیرایوب‌خان برده مشغول طرب بودند مطربها

مجلس روضه خوانی

هم آن جا بوده صبح مراجعت نمودند.

ـ علی‌خان نوکر پسر آقای تیمورمیرزا که به اتفاق آقایانش به خارج شهر برای شکار رفته بود پاهایش را سرما زده، دیروز تفنگ بر دوش داشته در حوالی تکیه دربخونگاه تکیه به دیوار داده بود که همان جا فوت می‌نماید. از قرار مذکور به واسطه همان سردی هوای خارج شهر مرده است.

ـ دیشب دو ساعت از شب رفته زن فتح‌الله نام جگرکی از کوچه به خانه‌اش می‌رفته، جلیل‌میرزا پسر نادر میرزا که در شرارت معروف است و اغلب مصدر بی‌نظمی شده شدیداً مست به او برخورده می‌خواسته عنفاً به خانه‌اش بکشد که اجزای پلیس و اهل محله رسیده مشارالیه او را رها کرده فرار می‌نماید. مراتب به جناب وزیرنظام نوشته شد.

ـ امروز صبح نایب حسین قزاق به رییس محله اظهار می‌دارد که دو شب قبل سنگ به خانه من انداختند. رفتم بالای بام داد و فریاد کردم، موقوف نمودند تا این که دیشب در قزاقخانه بودم باز سنگ انداختند و دیوار خانه مرا قدری خراب کردند و تپانچه به خانه من خالی کردند. رییس محله نایب خود را برای تحقیق فرستاده معلوم می‌شود که هدایت نام قزاق که نزد نایب حسین است با زن مهتر محمدخان مجدالدوله که با او همسایه است رابطه مخصوص دارد. نوکرهای محمدخان مستحضر گردیده از قراین آنها این کار را کرده‌اند. پلیس مواظب می‌نمایند که درست تحقیقات لازمه به عمل آورده مرتکب را دستگیر کنند.

ـ دیشب میرزاحسین داروغه میدان محمدیه جمعی از کسبه را در خانه‌اش میهمان کرده بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز دختر جناب وزیر دفتر را برای پسر جناب اقبال‌السلطنه شیرینی‌خوران کرده‌اند. جمعی از اهل خانه جناب معزی‌الیه به خانه جناب وزیردفتر رفته عصر مراجعت کردند.

ـ ارزانی نام یهودی یک عدد طاس به حسن‌نام مسگر داده بود که سفید کند. در سر اجرت طاس دیروز نزاعشان شده به رییس محله شکایت می‌نمایند. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیروز آقاشیخ‌محمد پیشنماز و ملاغلامحسین پیشنماز با چند نفر از طلاب در خانه حاجی عبدالکریم خرازی‌فروش میهمان بودند. عصر متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی حسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.
ـ دیشب حاجی عبدالله نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.
ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضا نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات از آن جا متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ آقاسیدآقابزرگ نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شش تومان به محمدباقر سمسار مقروض بودم چهار تومان دادم. دو تومان باقی است ندارم بدهم. مشارالیه درب خانه من آمده فضاحی می‌کند. رییس محله فرستاده، قراری داده او را ساکت می‌کند.
ـ دیشب جناب آقاسیدعبدالله مجتهد در خانه آقامحمدعلی صراف میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته مراجعت کردند.
ـ پسر کوچک حاجی محمدحسن‌امین دارالضرب که مریض بود دیروز فوت کرده است.
ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی تقی‌بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه ترتیب داده، جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.
ـ دیشب میرزامحمدعلی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.
ـ دیروز مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رضا نام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ زن مهدی نام به رییس محله شکایت می‌کند که شوهرم به من نفقه و کسوت نمی‌دهد و مرا کتک زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور

رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ میرزامرتضی نام تارزن به رییس محله اظهار داشته بود که پسر علی‌اکبر نام مقداری اسباب مرا برداشته رفته است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات قراری مابین آنها داده طرفین رضایت حاصل می‌نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی احمدبزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله در آن جا حضور داشتند، غروب متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب طفل پنج ساله [ای را] پلیسها در کوچه بلاصاحب گریه‌کنان دیده او را به قراولخانه می‌برند. در آن بین مادرش رسیده طفل را به دست او می‌سپارند با کمال امتنان می‌برد.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ میرزاابراهیم برای این که در محله یهودیها یک کمر مطلا می‌خواسته بفروشد به قیمت طلا اجزای پلیس او را به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ آقاجان برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله سنگلج به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ سلمان، غلام، میرزاداود، که برای ادعای آقایش در اداره بود، بعد از تحقیقات با رضایت مشارالیه از اداره خارج شد.

ـ عباس که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود، بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج گردیده به دست داروغه سپرده شد که او را در تحت مراقبت خود داشته باشد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۴) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب بشرین دواساز با زنش، دندانساز با زنش، دکتر فرانک در منزل موسیو ماتیاس میهمان بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ نواب ایلخانی دیروز عصر به سفارت انگلیس رفته بعد از ساعتی از آن جا مراجعت کردند.

ـ دیشب چهار ساعت از شب گذشته تیرهای اتاق خانه میرزاسیدمحمدخان نایب وزارت خارجه به واسطه آتش بخاری آتش گرفته، مشتعل شده اهل خانه ملتفت گردیده بنای دادوفریاد راگذارده. نایب پلیس آن گذر مستحضر شده فوراً چند نفر جمع کرده، آتش را خاموش می‌کنند. به حمدالله خسارت زیاد وارد نگردیده و دو سه تیر سوخته بود.

ـ دیروز محمودنام اره‌کش به ادعای سی‌شاهی طلب به اتفاق غفور نام در خیابان چراغ‌گاز گریبان استادمحمد اره‌کش راگرفته بعد از افتضاح زیاد او راکتک می‌زنند. یکی از عمله‌جات کارخانه چراغ‌گاز خواسته بود میانجی واقع شود. با او هم نزاع می‌کنند. چند نفر از اجزای چراغ‌گاز به حمایت مشارالیه آمده نزدیک بود مفسده برپا نمایند. اجزای پلیس آنها را ساکت و متفرق کرده، محمود را دستگیر نموده به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود و غفور در میان جمعیت فرار نموده قدغن شد که او را نیز دستگیر کنند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی رضانام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز میرزاعلی اکبر نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقدکرده. جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

سنگلج

ـ کربلایی ابراهیم نام در یکی از پس‌کوچه‌ها* و توی طویله چای طبخ کرده و وضع قهوه‌خانه ترتیب داده بود. اجزای پلیس مستحضر گردیده رفته وضع قهوه‌خانه او را برهم زد، قدغن می‌نمایند که این کار را نکند.

ـ نایب نوروز نام که نایب کوره‌پزخانه است به نایب محله اظهار می‌دارد که یوسف نام کارگر کوره‌پزخانه قریب هزاروپانصد دانه آجر دزدیده آمده در این محله پنهان شده است رییس محله فرستاده جستجو کرده او را پیدا نموده می‌آورند که تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیشب محمداسمعیل‌بیگ فراش دفتر، دختر مشهدی لطف‌علی نام فراش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی علی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده، متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه میرزاعلی‌محمد نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب میرزاحسین نام دختر حاجی اسمعیل نام را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که شوهرم بلاجهت مرا زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده. بعد از تحقیقات چون منازعه جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

ـ دیروز حاجی محمدکریم نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

---

*. اصل: کوچها

ـ دیشب حاجی‌صفرعلی نام چند نفر از تجار را در خانه‌اش دعوت کرده بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی‌حسین نام بقال به رییس محله اظهار می‌دارد که عباس نام شاگردم مقداری اسباب مرا سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ حسین‌علی نام حداد به خانه آمده، زنش غذای آب‌گوشتی که برای او طبخ کرده بود آورده. مشارالیه قدری خورده، حالتش بر هم خورده گمان می‌کند که ضعیفه در آب‌گوشت سم ریخته است که او را هلاک کند. آب‌گوشت را نزد حکیم برده مشارالیه دیده می‌گوید دوا در آن ریخته‌اند. شب را صبح کرده، صبح به کارگزاران حکومت عارض گردیده مأمور آورده ضعیفه را می‌برند و چند ساعت حالت مشارالیه بد بوده، معالجه‌اش می‌کنند، بهبودی حاصل می‌کند.

ـ محمدمهدی حداد شب گذشته به خانه‌اش آمده، افتاده، حالتش برهم خورده، کسانش دهان او را بوییده معلوم می‌شود که تریاک خورده، هر قدر معالجه و مداوا می‌نمایند سودی نکرده هلاک می‌شود و جهت تریاک خوردن او معلوم نشده است.

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدعلی عزب‌دفتر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز مشهدی اسمعیل نام دختر* مشهدی‌ابوالقاسم نام را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

ـ کریم نام که باشی عمله طرب گیلان است تازه به دارالخلافه آمده است دیشب در خانه آقاجان ساوجی آوازه‌خوان میهمان بود چند نفر مطرب هم آورده بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ نوکر استادکاظم خیاط باشی مخزن به رییس محله اظهار می‌دارد که آقایم چند روز قبل می‌خواست دختر حاج‌غلام‌حسین نام شیرازی را برای خودش بگیرد. بعضی ملبوس و اسباب

---

*. اصل: پسر

داده حالا پشیمان شده مرا فرستاده که اسباب و ملبوس او را بگیرم. نمی‌دهد و به من فحاشی نمودند. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده چون حرف شرعی داشتند قرار می‌دهد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ مشهدی علی نام غلام با زنش به واسطهٔ نفقه و کسوت نزاعشان شده بعد از دو روز [که] ضعیفه، طفل وضع حمل کرده طفل فوت می‌نماید. مشارالیه مدعی شده بود که ضعیفه محض عداوت طفل را صدمه زده است، مرده. آنچه تحقیق شده است مشارالیه می‌خواسته ضعیفه را مطلقه کند بهانه‌جویی می‌کرد. بعد صلح می‌نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه علی‌محمدخان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدحسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند، چهار ساعتی از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ دیروز حاجی محمد نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عقد کرده جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ غلام و ابوالقاسم که در محله عودلاجان و بازار مست بودند گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ محمد [را] برای ادعای شخصی از محلهٔ دولت به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ حسین پلیس به جرم غفلت از خدمت حبس شد تا حکم ثانوی درباره مشارالیه شود.

ـ راغی نام برای این که مقداری اسباب از خانه یک نفر ارمنی دزدیده بود گرفتار اجزای پلیس شده در تحت استنطاق است.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفهٔ محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
چهارشنبه (۱۵) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب پولکونیک کاپیتان قزاق یساول با زنش، جنرال کراوس با زنش، دکترفرانک، موسیوماتیاس با زنش و باران ودل حکیم سفارت روس در منزل بشرین دواساز میهمان بودند. شش ساعتی از شب گذشته حضرات از آن جا متفرق گردیدند.

ـ دیشب دختر یکی از شاطرهای سرکاری را برای حسین نام، طباخ سهام‌الدوله عروسی کرده پنج ساعتی از شب گذشته عروس را با درشکه معزی‌الیه به خانه داماد می‌برند در خیابان چراغ‌گاز کسان عروس درشکه را نگاه داشته که باید داماد به استقبال عروس بیاید. کسان داماد نیز می‌کشیدند که بیشتر ببرند. در کشمکش درشکه افتاده، بعضی از اسبابش شکسته و عروس وینگهٔ او نیز بر زمین خورد تا این که عروس را پیاده می‌برند و درشکه را شکسته معاودت می‌دهند.

ـ آقاسیدهاشم ذاکر اظهار کرده بود که چند روز قبل ضعیفهٔ دلاله یهودیه در کوچه سراغ خانه مرا می‌گرفته نوکرهای عبدالله‌خان سرتیپ سواره جمعی نواب سیف‌الملک ضعیفه را به خانه خود راهنمایی کرده همین که مشارالیها داخل خانه می‌شود می‌خواستند او را صدمه بزنند و اسبابی که همراه داشته از دستش بگیرند ضعیفه داد و فریاد نموده همسایه‌ها جمع شده او را رها می‌نمایند. دیروز هم ضعیفه مسلمان دلاله نیز سراغ خانه مرا می‌گرفته با او نیز همین قسم رفتار کردند مراتب را به کارگذاران حکومتی عرض خواهم کرد.

ـ حسین نام اباغچی حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه روحی‌فدا دیشب می‌رود از دکان خبازی ملکی جناب امین‌السلطان نان بگیرد با شاطر اصغر خباز نزاعشان شده عملجات دکان خبازی حسین را کتک زیاد می‌زنند مشارالیه هم به کارگذاران حکومتی عارض شده دو سه نفر فراش آورده که خباز را ببرند در حوالی درب حرمخانه مبارکه که می‌رسند جمعی از گماشتگان درب حرمخانه مبارکه از مقصر معروض حمایت کرده او را فرار می‌دهند، فراش‌ها هم مراجعت می‌نمایند.

سنگلج

ـ رضا نام پسر مرحوم آقاشعبان‌علی با شعبان نام نزاعشان شده رضا به کارگذاران حکومت عارض شده مأمور آورده بعد از تحقیقات آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب آقاجعفر پسر حاجی نایب اصطبل مبارکه، عبدالله‌بیگ جلودار و کربلایی حسین جلودار و محمدابراهیم بیگ نوکر نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله را در خانه خودش دعوت کرده بود ساز و اسباب طرب هم داشتند و چند نفر دیگر از اجزای اصطبل مبارکه نیز در آن جا بودند.

ـ دیشب حسین‌شاه میرزای غلام، پیشخدمت میرزاآقاخان منشی وزارت خارجه جلیل‌میرزا پسر نادرمیرزا و چند نفر دیگر را در خانه‌اش میهمان کرده ساز و اسباب طرب هم داشتند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام بوجار چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی رمضان نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب استادمحمود کفش‌دوز جمعی از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعتی از شب رفته متفرق شدند.

ـ چند روز قبل در راپورت عرض شده است که همت‌علی نام از بام افتاده صدمه کلی به او وارد آمده است دیروز مرحوم گردیده است.

عودلاجان

ـ دیشب فراشباشی نواب ارفع والا رکن‌الدوله دستهٔ حاجی اسمعیل بزاز را آورده و جمعی از اجزای درب حرمخانه مبارکه و همقطارانش را میهمان کرده بود.

ـ دیروز آقاعبدالباقی ارباب، چهل خوانچه اسباب و شیرینی ملزومات مجلس عقد به خانه آقامحمد شال‌فروش فرستاده دختر مشارالیه را برای آقامحمدتقی برادرش عقد کرده. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ حاجی محمدجعفر تاجر دیشب دختر مشهدی آقاجان نام را برای پسرش عروسی کرده دو دسته مطرب آورده و جمعی از تجار و اهل محله را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانهٔ حاجی علی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره در

آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته حضرات از آن جا متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله تاجر بود، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از اهل محله و غیره را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی محمدعلی نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود، چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ زن حاجی مبارک، غلام‌آقاسیدالحسین مجتهد دو سه پارچه رخوت مستعمل در میدان مال‌فروشها می‌فروخته عیال علی‌خان نوکر مرحوم حکیم‌الهی دیده مدعی شده که متعلق به او است و مقداری اسباب هم با آن اسباب به سرقت رفته است به اجزای پلیس اطلاع می‌دهد پلیسها او را حاضر نموده در تحت استنطاق است.

ـ دیشب میرزامحمود عطار دختر مشهدی علی نام را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام به رییس محله متظلمه می‌شود که شوهرش او را کتک زده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نمود بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

ـ دیروز حاجی محمدعلی نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

محله بازار

ـ حاجی هاشم نوکر مرحوم امین‌الدوله بعد از چند روز ناخوشی دیروز مرحوم شده محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی پول داده جنازه او را برداشته کفن ودفن کردند.

ـ دیشب پلیسهای گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده می‌گیرند، بعد از ساعتی صاحبش آمده نشانی داده مسترد داشته امتنان حاصل می‌نماید.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی احمد نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضا تاجر بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا حسین نام برادر زاده‌ام به سرقت برده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ تقی برای این که مبلغ دو تومان از استادش برداشته از محلهٔ سنگلج به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ رضا برای این که پنج عدد پیالهٔ چینی از خانهٔ ناظم خلوت دزدیده است از محله عودلاجان به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ مشهدی رضا که در محله بازار مست بود گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند در دیوانخانهٔ حکومت تنبیه می‌شود.

ـ صادق برای این که در محلهٔ بازار برای دزدی داخل خانه شده بود اهل خانه داد و فریاد کرده اجزای پلیس او را گرفته به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ محمد که برای ادعای شخصی در اداره بود بعد از تحقیقات ضامن داده یا رضایت طرف متقابل او از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۱۶) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب دربال سفارت انگلیس جناب اشرف مشیرالدوله، وزیرمختار آلمان با شارژدافر و دکتر فرانک، وزیرمختار اتریش با زنش و شارژدافر خود و موسیو فوکس، سفیرکبیر عثمانی، وزیر مقیم ینگی‌دنیا، موسیواوپر، شارژدافر سفارت روس با حکیم سفارت، عرب صاحب با زن و خواهرزنش، شلکنف صاحب، موسیوپلیپف با زنش، پوکلونیک، موسیو بلومر یساول قزاق با زنش، ماژورولس با زنش، فلمر صاحب با زنش، موسیو استاتیو با زنش، موسیو اندرنی با زنش و دخترش، موسیو کتابچی، موسیو لمر، دندانساز بروغلی، دانیال صاحب، فای صاحب، وت صاحب، جنرال واگنر، مادام بواتال، موسیو کباور، باران ودل، موسیو ماتیاس با زنش، حکیم بیکر، دفتردار تلگرافخانه و نظم‌الملک دعوت داشتند موزیک هم آورده تا دو ساعتی به صبح مانده در آن جا بودند و رقص می‌کردند.

ـ مانکی حداد فرنگی خانه کربلایی شعبان نام را از قرار ماهی چهار تومان و هشت هزار اجاره کرده مشروط بر این که دو ماه به دوماه پیش بدهد، هر گاه نداد صاحبخانه اختیار فسخ داشته باشد. حال مبلغی از وجه اجاره باقی مانده و عقب افتاده دیروز زن صاحبخانه مطالبه وجه کرده و او را از خانه‌اش موافق قرارنامه جواب داده مشارالیه نهایت فضاحی و فحاشی را نموده و لگد به سینهٔ ضعیفه می‌زند. از اداره پلیس مراتب به جناب اشرف مشیرالدوله نوشته شد، فرنگی مذکور اغلب در خانه خود تیراندازی و شرارت می‌نماید که همسایه‌ها شاکی هستند.

ـ مجدالدوله دیروز نزدیک ظهر به سفارت انگلیس رفته بعد از ساعتی از آن جا مراجعت نمودند.

ـ دیشب در خانه حاجی افراسیاب نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز عصر محمدابراهیم نوکر نواب جهاندار میرزا با زنش به خانه آقای خودشان می‌روند، عبدالعظیم نام برادر مشارالیه به خانه او آمده کلید درب اتاق را در دست بچه برادرش دیده گرفته درب اتاق را باز کرده جعبه را که از قرار مذکور پول نقد و طلاآلات و غیره در آن بوده برداشته به خانه فقیر نام که در آن جا منزل دارد برده اسباب جعبه را برداشته جعبه را در آن جا می‌گذارد. سیدعلی‌اکبر نام که در خانه محمدابراهیم بیگ منزل دارد، ملتفت شده مشارالیه اطلاع داده به اتفاق به خانه عبدالعظیم رفته ملاحظه می‌کنند که اسباب جعبه را برده جعبه خالی را برداشته آمده [به] رییس محله اطلاع می‌دهند رییس محله چند نفر پلیس مأمور می‌کند که عبدالعظیم را دستگیر کنند، مشارالیه مستحضر شده، خفیتاً رفته برادرش را دیده اسباب جعبه را بـه او رد می‌کند قدغن شد که عبدالعظیم معروض را به اداره پلیس حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ دیشب در خانه حاجی اسکندر نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته حضرات صرف شـام کـرده مـتفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی تقی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

عودلاجان

ـ از قرار راپورتی که رسیده است احمدبیگ نوکر مرحـوم احـتساب‌الملک اغـلب اوقـات در خانه‌اش مجلس قمار دارد و هر قسم مردم برای ارتکاب این عمل به خانهٔ او رفت‌وآمد دارنـد قدغن شد، اجزای پلیس مواظب بوده به موقع مرتکبین را دستگیر کنند.

ـ دیشب شب چهلم فوت عیال مرحوم اردشیر میرزا بوده کسانش مجلس روضه تـرتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی عبدالحسین تاجر دختر حاجی عبدالله تاجر را بـرای پسـرش عـروسی کـرده جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ حاج‌محمدعلی تاجر که مدتی قبل با برادرش حاجی عبدالصمد به مکهٔ معظمه مشرف شده بودند مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند. جمعی از تجار آنها را استقبال کرده، تشریفاتی برای ورود آنها ترتیب داده بودند. شب هم جمعی از اهل محله و غیره در خانه مشارالیها بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

دیشب شب سال فوت برادر حاجی اسدالله تاجر تبریزی بوده کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیشب در خانه حاجی ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.

ـ مشهدی محمدرضای عطار به رییس محله اظهار می‌کند که کربلایی علی‌سلمانی در خانه من یک اتاق کرایه کرده منزل نموده مدت اجاره او منقضی شده است هر چه می‌خواهم اتاق مرا تخلیه کند نمی‌کند و فضاحی و فحاشی می‌نماید. رییس محله فرستاده تحقیقات کرده قرار مسکتی میانه آنها می‌گذارند.

ـ دیروز عصر در خانه استادغلام‌رضای خیاط مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از کسبه و اهل محله در آن جا حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزاعبدالله نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرد. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا زن برادرم به سرقت برده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چهارسوق

ـ دیشب پلیسهای چهارسوق ملاحظه می‌نمایند که از دکان شیخ‌محمد صراف دود زیاد بیرون می‌آید نزدیک رفته معلوم می‌شود که به واسطهٔ آتش منقل مقداری کرباس و غیره آتش گرفته

نزدیک است اجناس که در دکان است آتش بگیرد و به سایر دکاکین سرایت نماید فوراً در حضور جمعی از کسبهٔ بازار دکان را باز کرده حریق را برطرف نموده و صاحب دکان را حاضر نموده، دکانش را بدون عیب و نقص مشاهده کرده و کمال امتنان را حاصل می‌نماید.

محله بازار

ـ حاجی رحیم خان نایب فراشخانهٔ مبارکه که مدتی قبل به مکهٔ معظمه مشرف شده بود مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده است، کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز مشهدی غفارسمسار جمعی از همکارانش را در خانه‌اش دعوت کرده بود عصر متفرق گردیدند.

ـ دیروز در مجلس ختم مرحوم حاجی هاشم نوکر مرحوم امین‌الدوله جناب آقاشیخ موسی مجتهد و آقامیرزاحسین پیشنماز و آقاسیدمحمدپیشنماز با جمعی دیگر حضور داشتند. آقاشیخ موسی ختم را برچیدند و محمدابراهیم خان پیشخدمت همایونی یک ثوب پالتو ماهوت به پسر آن مرحوم خلعت دادند و جناب میرزاعیسی وزیر هم یک ثوب سرداری به عظیم نام پسر دیگر آن مرحوم که نزد معزی‌الیه نوکر است خلعت دادند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند، چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مختار نام [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محلهٔ بازار به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ اسمعیل [و] رضا که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه ضامن داده از اداره خارج شدند.

ـ مشهدی‌حسین که برای استنطاق و تحقیقات هفت تومان پول مسروقه در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج گردید.

ـ مشهدی‌رضا [را] که مست بود به اداره آوردند. امین‌نظام اظهار داشتند که توپچی است. نزد

معزی‌الیه فرستاده شد که تنبیه شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۱۷) شهر جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب پولکونیک، موسیو بلومر یساول قزاق با زنش، دکتر آلبو با زنش، بشرین دواساز با زنش، جنرال واگنر [و] موسیو وت در منزل باران‌ودل میهمان بودند، شش ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ آقافرج خواجه حرم‌سرای همایونی دیشب در منزل خود یک دسته مطرب آورده و مشغول عیش بودند.

ـ شاهسواربیگ مهاجر که مدتی مریض بود دیروز دو ساعت به غروب مانده مرحوم شده است. دو نفر طفل دارد که کوچک هستند و مادر آنها سال گذشته نیز فوت شده است، چند نفر از مهاجرین و اهل محله امداد کرده جنازه او را برداشته برده کفن ودفن نموده‌اند. تمام مایملک او یک پارچه حصیر کهنه و یک لحاف کهنه بوده. اکنون دو نفر طفل مشارالیه بی‌پرستار و سرگردان و گرسنه هستند.

ـ اسدالله مکاری و تقی قصاب دو سال قبل خواهرهای خود را به یکدیگر داده بودند. در این مدت همیشه میان آنها بدسلوکی و نزاع بوده تا این که زن اسدالله روز گذشته اسبابهای خود را جمع نموده در غیاب شوهرش به خانه مادر خود می‌برد. اسدالله وقتی به خانه می‌آید مستحضر شده به خانه مادرزنش رفته که او را بیاورد، مشارالیها تمکین نکرده و زنها جمع شده او را کتک می‌زنند. به رییس محله شاکی می‌شود رییس محله طرف مقابل او را حاضر نموده بعد از

بانوان طهرانی دربیرونی

تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی محمدعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند چهار ساعتی از شب رفته حضرات صرف شام نموده متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیشب عیال مشهدی محمد نام با شوهرش نزاعشان شده به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند، صلح داده شدند.

ـ حاجی محمدحسین تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است، کسانش تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. شب هم جمعی از تجار در خانه او بودند، بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده، جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند غروب متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه ابراهیم‌تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند غروب متفرق شدند.

ـ مشهدی رحیم نام به رییس محله اظهار داشت که مقداری اسباب مرا علی نام برادر زنم از من سرقت کرده است، رییس محله مشارالیه را حاضر نموده، بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ حاجی‌محمدحسین تاجرتهرانی که مدتی قبل با عیال و اطفالش به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود مراجعت کردند، کسان آنها تشریفاتی برای ورود مشارالیه ترتیب داده بودند. شب هم جمعی از تجار و اهل محله در خانه او بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌غلام‌رضای بلورفروش مجلس روضه بوده، جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی‌علی نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت

فرموده است شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانهٔ حاجی محمدعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عیال مشهدی‌حسین نام حمامی به رییس محله اظهار می‌دارد که مقداری اسباب مرا شوهرم به طور سرقت برده است، رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات قرار داده شد که شرعاً طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزاخلیل نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

چالمیدان

ـ دیروز مشهدی حسین مکاری دختر یکی از بستگانش را برای خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عقد حضور داشتند، غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه مشهدی‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از کسبه و اهل محله در آن جا حضور داشتند، غروب متفرق شدند.

ـ دیروز عصر امام‌جمعه خمسه با دوسه نفر دیگر از علما به دیدن جناب آقاشیخ‌موسی رفته بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌حیدرعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز میرزامحمدعلی نام دختر برادرش را برای پسرش عقد کرده است جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

محله بازار

ـ دیروز پهلوان‌ولی فراش همایونی دختر نایب نوروزعلی نایب قاطرخانه مبارکه را برای خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مرحوم حاجی‌میرمعصوم تاجر تبریزی بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از علما و غیره را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزاامام‌قلی لشکرنویس مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانهٔ حاجی‌غلامعلی تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزارضا نام، دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانهٔ حاجی‌میرزاحسین‌علی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و طلاب و تجار در آن جا مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسن [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت بعضی اسباب از سر حمام‌گذر سرچشمه به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ چراغ‌علی [و] اسمعیل برای این که ضعیفه [ای] فاحشه را به منزل خود برده اسباب بی‌نظمی ترتیب داده بودند [و] صاحبخانه او که نوکر جناب امین‌حضور است مؤاخذه نموده با او نزاع کرده و دست مشارالیه را مجروح نموده‌اند از محلهٔ دولت به اداره آوردند، در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ شعبان بقال برای این که یک نفر غلام کشیک‌خانهٔ مبارکه مدعی است که یراق نقرهٔ اسب او را سرقت کرده است از مجله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات شود.

ـ حسن [را] برای ادعای شخصی از محلهٔ بازار آوردند تا تحقیقات بشود.

ـ حسین‌علی برای این که در خارج شهر یک رأس اسب شخصی را دزدیده است از چاله‌میدان آوردند تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ میرزاابراهیم که برای استنطاق و تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات از اداره خارج شد.

ـ تقی که برای ادعای استادش در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با رضای استادش از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۱۸) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیروز وزیر مقیم ینگی‌دنیا و جناب اقبال‌الدوله و ناظم خلوت و شجاع‌السلطنه در پارک جناب امین‌الدوله به ناهار میهمان معزی‌الیه بودند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته از خانه مانکی نام، حداد فرنگی صداهای هو و داد و فریاد بلند گردید اجزای پلیس به درب خانه رفته بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که مانکی تا خانه نیست و یک نفر فرنگی دیگر موسیو رود نام در آن خانه منزل دارد به خیال آن که با زن مانکی رابطهٔ مخصوصی پیدا کند داد و فریادهای دزدهای دزد نموده که مشارالیها را بترساند و به این وسایل به مقصد خود برسد. اجزای پلیس هر قدر در اطراف گردش و جستجو و تحقیقات کرده بودند ابداً معلوم نمی‌شود که کسی به خانه مذکور رفته باشد.

ـ چند روز قبل از کارخانه نواب مستطاب علیه، عالیه خانم دامت شوکتها اطلاع دادن که بعضی مسینه‌آلات به سرقت برده‌اند. اجزای پلیس در مقام جستجو و تحقیقات برآمده تا این که برکه‌های مس‌ها را از دکان استادمهدی مسگر که در بازارچه مسگرها دکان دارد و دکان او متعلق به جناب حاجی‌ملاعلی است پیدا کردند. قدغن شد که مسگر را حاضر کنند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ شب گذشته نایب و پلیسهای گردشی خیابان میدان مشق در آن نقاط گردش می‌کردند. قفل دکان سیدجعفرصباغ را باز دیده معلوم می‌شود که فراموش کرده دکان را قفل نکرده رفته است. مشارالیه را حاضر می‌نمایند دکانش را بسته می‌رود. صبح ادعا می‌کند که چند پارچه اسباب مرا سرقت کردند از او و شاگردش استنطاق و تحقیقات لازمه به عمل آمده، آخرالامر اقرار می‌نماید که به هیچ‌وجه از او سرقتی نشده و واضح می‌گردد که برای گرفتن غرامت و جلب منفعت این ادعا را کرده است. قدغن شد مشارالیه را حاضر کنند تا تنبیه و تهدید شود.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌حسین تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

سنگلج

ـ دیروز طرف عصر نواب ایلخانی به مسجد جناب حاجی‌شیخ هادی رفته از جناب معزی‌الیه دیدن کرده بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیروز در خانه میرزاعلی نام به واسطه آتش کرسی لحاف و فرش اتاق آتش گرفته نزدیک بود به سایر اسباب اتاق سرایت کرده حریقی واقع شود که اهل خانه ملتفت شده آتش را خاموش می‌نمایند.

ـ دیشب به واسطهٔ آتش منقل در بالاخانه اعتمادلشکر یک قالی و بعضی اسباب دیگر آتش گرفته سوخته و نزدیک بود که به سایر اتاقها سرایت نماید اهل خانه ملتفت گردیده خاموش کرده بودند.

ـ دیشب یک ساعت از شب رفته حسین نام فراش همایونی و اکبرقزاق مست کرده از خیابان جلیل‌آباد به بازار گلوبندک آمده از دکان خبازی قدری نان گرفته با خباز نزاعشان شده، قمه کشیده هرزگی و شرارت نموده بودند به رؤسای آنها اطلاع داده شد که ایشان را تنبیه نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی محمدعلی تاجر بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند و جمعی از طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیشب میرزاعبدالرسول پسر مرحوم حاجی علی‌تاجر کربلایی، عباس‌علی گمرکچی و چند نفر دیگر را دعوت کرده و مطرب آورده بودند.

ـ دیشب در خانه حاجی حیدرعلی بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی‌حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا تقی نام همسایه‌ام دزدیده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب مشهدی‌ابراهیم نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ حاجی‌بهرام‌علی نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده،

دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.
ـ دیشب شب سال فوت برادر میرزاحسین بزاز بود، کسانش مجلس روضه ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند، بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه‌خوانی بوده، جمعی از طلاب و تجار در آن جا حضور داشتند، غروب متفرق گردیدند.
ـ عیال جوهر نام سلمانی به رییس محله متظلمه می‌شود که شوهرم نفقه و کسوت به من نمی‌دهد و مرا اذیت می‌کند. رییس محله شوهر او را حاضر کرده، بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن طی گفتگو نمایند.
ـ دیروز خواهرزن نورمحمدخرقانی که ضعیفهٔ فقیره بی‌بضاعتی است از اتاق خود به خانه همسایه می‌رود. دختره کوچکی رفته از زیر کرسی او آتش بیرون بیاورد، لحاف کرسی آتش گرفته به سایر اسباب اتاق سرایت نموده تماماً می‌سوزد. همین که ضعیفه مراجعت می‌کند اتاق خود را به آن وضع دیده ضعف می‌کند. همسایه‌ها او را به حال می‌آورند.
ـ دیشب در خانه حاجی‌رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.
ـ دیشب حاجی‌رضا نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ حاجی‌خازن‌الملک مریض شده است، دیشب میرزامحمدعلی منشی معزی‌الیه مبلغی پول نزد آقامیرمحمدعلی پیشنماز برده تقدیم کرده که آقا در میان فقرا تقسیم نمایند.
ـ میرزاعلی‌اکبر زردوز* به رییس محله اطلاع داده که کنیز شانزده ساله کردستانیه او مقداری اسباب برداشته از خانه‌اش فرار کرده. رییس محله چند نفر پلیس مواظب نموده است که جستجو کرده مشارالیها را پیدا کنند.

---

*. زردوز: کسی که با تارهای زر نقش و نگار بر جامه می‌دوزد.

ـ دیشب شنبه نام دختر زن رستم‌خان نام را برای خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه رستم‌خان یاور قزاق مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا مستمع بودند. غروب حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌غلام‌حسین خیاط مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از تجار و اهل محله مستمع بودند غروب متفرق شدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی محمدعلی تاجر بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام نموده متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ ابراهیم [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله سنگلج آوردند. در تحت استنطاق است.

ـ علی [را] برای این که چند پارچه مس از خانه استادابراهیم نام سلمانی سرقت کرده از سنگلج به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ قاسم آقا سوزافیه پلیس، مجرم غفلت از خدمت، تنبیه شده محبوس گردید [تا] حکم ثانویه درباره او بشود.

ـ باقر که برای ادعای شخصی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه به رضایت طرف مقابل او از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۱۹) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیشب شش ساعت از شب گذشته سه باب دکان کفش‌دوزی و خیاطی واقع در خیابان جبه‌خانه که یک طرف آنها رو به بازار شترگلو است خراب گردیده به کسی صدمه وارد نیامده اجزای پلیس مواظبت نموده تا صاحبان دکاکین معروضه حاضر شده، اجناس دکاکین خود را بی‌عیب و نقص دیده کمال امتنان را حاصل می‌نمایند.

ـ در راپورت دیروز عرض شده است که چند روز قبل از آشپزخانه نواب مستطاب علیه، عالیه خانم دامت شوکتها چند پارچه مس سرقت شده اجزای پلیس در مقام جستجو برآمده تا این که برکه آن مس‌ها را در دکان استادمهدی مسگر مستأجر دکان جناب حاجی‌ملاعلی دیده بودند مشارالیه را به اداره حاضر کردند در تحت استنطاق است.

ـ میرزاآقاخان منشی سفارت اتریش به نایب محله اظهار داشته که برادرش یک قلمدان کار چین در جیب داشته بیرون آورده در صحن حیاط گذارده پی کاری رفته بعد از چند دقیقه مراجعت کرده قلمدان را ندیده است. نایب محله به خانه مشارالیه رفته تحقیقات لازمه به عمل آورده معلوم می‌شود که دزد خارجی نیامده، بنای تحقیقات داخله را می‌گذارند. اهل خانه مهلتی می‌گیرند که جستجو نموده قلمدان را پیدا کرده رد کنند.

ـ ضعیفهٔ فاحشه موسومه به حاجیه خانم دیشب برای ارتکاب عمل شنیع به خانه یک نفر تاجر مسیحی رفته بود. اجزای پلیس مواظبت نموده مشارالیها را دستگیر کرده به اداره آوردند بعد از تنبیه، نفی‌بلد می‌شود و به جناب اشرف مشیرالدوله اطلاع داده شد.

ـ دیشب در خانه حاجی اسدالله بزاز مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی‌رضا نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود. بعد از صرف شام متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیشب معین‌السلطنه در خانه مشیرالسلطنه میهمان بودند، چهار ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

ـ ضعیفه مشهوریه به ننه‌سکینه زن صادق نوکر شیخ‌الاطبا، پنج‌شش روز قبل با اسم این که می‌خواهم به خانه همشیره‌ام بروم از خانه شوهرش بیرون رفته مفقود شده است به اجزای پلیس اطلاع دادند، پلیسها در جستجو هستند که مشارالیها را پیدا نمایند.

ـ دیروز ضعیفه [ای] خدیجه نام در گذرقلی به حمام معیرالممالک رفته چند پارچه از رخوت زنانه سرقت کرده بود حمامی او را گرفته اسباب را دریافت داشته خودش را به اجزای پلیس سپرده به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ دیشب میرزاعلی‌رضا نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی حسین تاجر بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز غروب اسب کالسکه نواب ارفع والا ملک‌آرا در جنب مسجد خیابان حاجی‌شیخ هادی مجتهد لگد به مشهدی‌میرزا نام مؤذن مسجد معزی‌الیه زده سرش شکسته کسانش او را به خانه برده بودند از قرار مذکور نواب معزی‌الیه ده تومان برای او مخارج فرستاده‌اند.

ـ دیشب میرزاحسین داروغه میدان دروازه محمدیه جمعی از کسبه میدان را دعوت کرده بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب استادعلی معمار جمعی از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ مشهدی‌ابراهیم نام دختر مشهدی‌عبدالله بزاز را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ حاجی‌لطف‌علی تاجر که مدتی قبل با عیال و اطفالش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده

بودند مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده‌اند. کسان آنها تشریفاتی برای ورود ایشان ترتیب داده بودند. شب هم آقاسیدابراهیم پیشنماز و آقاشیخ‌علی پیشنماز و آقاشیخ‌محمد پیشنماز با جمعی از تجار در خانه او بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی‌آقابزرگ تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌حسین نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده. جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز آقاعبدالله عطار دختر استادفتح‌الله معمار را برای پسرش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عقد حضور داشتند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاج‌احمد بزاز دختر یکی از اقوامش را برای پسرش عروسی کرد. جمعی از اهل محله و طلاب را دعوت کرده بودند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی‌کریم نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا مشهدی‌علی مکاری همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی صادق نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و طلاب و غیره در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ عباس‌خان پسر حاجی حبیب‌الله‌خان مبلغ هزاروپانصد تومان از میرزاحسن مستوفی وزیر درب حرمخانه مبارکه طلبکار است. دیروز به درب خانه مشارالیه رفته به سختی و فضاحی مطالبه می‌کرده میرزا حسن بیرون او را ساکت کرده به خانه برده و قرار داده که پانصد تومان به مشارالیه بدهد.

ـ جناب حاجی‌میرزا جوادآقای مجتهد جزیی نقاهت پیدا کرده‌اند. روز قبل جناب وزیر صنایع با جمعی دیگر به دیدن جناب معزی‌الیه رفته بودند.

ـ حاجی‌حسین تاجر بروجردی که به مکه معظمه مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد

دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌تقی بزاز بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز عصر حاجی‌هدایت نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند. غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی‌رضای عطار دختر میرزاحسین نام را برای پسرش عروسی کرده. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعتی از شب رفته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ شعبان نام بقال که برای ادعای یک نفر غلام کشیکخانه مبارکه در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که طرفین در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ حسن که برای تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه (۲۰) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دیروز نزدیک غروب شارژدافر ایتالیا از کالسکه پیاده شده داخل سفارت خود می‌شود. مهتر آمده که جل روی اسب کالسکه بیندازد. اسب رم کرده کالسکه را حرکت داده، مهتر زیر کالسکه مانده صدمهٔ سختی به او وارد می‌آید. شارژدافر مستحضر شده بیرون آمده با زنش فوراً طبیب حاضر کرده در صدد معالجه او برآمده بودند و حالت مهتر زیاد مغشوش بود.

ـ قلی نام کالسکه‌چی سفارت روس پسره امردمیرزارضا نام را نزد خود نگاه داشته. شب گذشته پنج ساعت از شب رفته پسره به منزل او می‌رود، مشارالیه سؤال می‌کند که تا این وقت در کجا بودی می‌گوید در حمام قیصریه نزد علی نام جامه‌دار بودم دیروز صبح قلی معروض درب حمام رفته علی را صدا زده از او مؤاخذه می‌کند که چرا میرزارضا را شب در حمام نگاه داشتی. مشارالیه قسم یاد می‌کند که من او را نگاه نداشتم به این واسطه نزاعشان شده بود که نایب محله رسیده آنها را ساکت می‌کند.

ـ مشهدی‌حسین نام با استادحسن به واسطهٔ دکان حدادی نزاعشان شده زدوخورد می‌کردند پلیسها هرقدر خواسته بودند آنها را ساکت کنند ممکن نشده تا این که هر دو را دستگیر کرده که به اداره بیاورند. میرزاحسن مشهور به زرین‌قلم که از الواط و به درب اندرون نواب مستطاب علیه عالیه عفت‌السلطنه دامت شوکتها است رفته چند نفر از نوکرهای درب اندرون نواب معزی‌الیها را آورده که این دو نفر با من منسوب هستند به شرارت و هرزگی خواسته بودند آنها را ببرند. پلیسها مشارالیهما را از دست نداده به اداره آوردند که بعد از تحقیقات در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند و به سراج‌الملک نوشته شد که حضرات باید تنبیه شوند.

ـ میرزاآقای عکاس چهارتومان از مانکی نام، حداد فرنگی طلبکار بوده، دیروز مانکی معروض تغییر منزل داده اسباب‌کشی می‌کرده، میرزاآقا آمده مطالبه طلب خود کرده. زن مشارالیه جواب مهملی می‌دهد. میرزاآقا به نایب محله اظهار داشته و جلو اسباب مانکی را می‌گیرد. به این واسطه با زن مانکی حرفشان شده بنای نزاع را می‌گذارند نایب محله قرار می‌دهد که یک حلقه آهن نزد میرزاآقا باشد تا عمل آنها ختم شود. زن مانکی راضی نشده می‌گوید آهن در قراولخانه باشد. در آن بین مانکی رسیده بنای دادوفریاد را گذارده آهن را گرفته می‌برد. شرح حال مانکی معروض به جناب اشرف مشیرالدوله نوشته شده است.

ـ دیشب وزیر مقیم ینگی‌دنیا در سفارت انگلیس میهمان بوده، شش ساعت از شب رفته مراجعت کرده بودند.

سنگلج

ـ دیروز میرزاحسن منشی و میرزامهدی منشی با چند نفر دیگر در خانه شیخ‌الاسلام قزوین میهمان بودند. عصر متفرق گردیدند.

ـ دیشب سیدزمرد پسر مرحوم سیدمهدی در خانه خودش به شدت مست کرده در حیاط راه

می‌رفته از شدت مستی به چاهی که در حیاط است افتاده، اهل خانه ملتفت گردیده او را به زحمت از چاه بیرون می‌آورند و صدمه به مشارالیه وارد نیامده بود.

ـ مصطفی‌قلی‌خان امیرتومان در اردبیل مرحوم شده است. کسان مجدالدوله تهیه و تدارک برای مجلس ختم می‌بینند.

ـ دیشب حاجی‌یحیی نام دختر میرزاحسن نام را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیشب حاجی سیدکاظم صراف جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ کربلایی اسمعیل بقال مبلغی از خانه میرزاعلی مستوفی پسر مرحوم قوام‌الدوله طلبکار است، دیروز رفته مطالبه می‌کرده و دادوفریاد می‌نموده، میرزاعلی معروض از خانه بیرون آمده، می‌خواستند او را بزنند. مشارالیه فرار کرده بود.

ـ عیال مشهدی‌جمعه بروجردی با مادرشوهر خود نزاعشان شده مشارالیها مقداری تریاک خورده که خود را هلاک کند کسانش مستحضر گردیده او را معالجه [و] مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌رضا نام بوده است، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌علی نام دختر یکی از اقوامش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ علی‌اکبر عطار یک تومان از همشیره محمد نام سرباز طلب دارد مطالبه کرده، دیروز نزاعشان شده بود. اجزای پلیس گردشی رسیده آنها را ساکت نموده صلح می‌دهند.

ـ هاشم‌خان خراسانی مدتی مریض بوده دیروز مرحوم گردیده است مهدی‌خان صاحب جمع

شترخانه مبارکه به واسطه رفاقتی که با آن مرحوم داشته مبلغی مخارج کرده جنازه او را با احترام برداشته بود.

ـ حسین نام، سرایدار خانه جناب صاحب دیوان به رییس محله اظهار داشته که مبلغی به ضعیفه[ای] برای مخارج دادم که عده او منقضی شود برای خودم عقد کنم، رفته به دیگری شوهر کرده است. رییس محله ضعیفه را حاضر کرده بعد از تحقیقات قرار داده شد که در محضر شرع انور طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ابوالقاسم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ ادعا و گفتگوی رحمت‌الله‌خان برادر حسین‌قلی‌خان سرتیپ با مشارالیه ختم، از قرار مذکور در محضر جناب حاجی‌ملاعلی مصالحه شده و قرار دادند که حسین‌قلی‌خان هشت‌هزار تومان نقد و یک پارچه ده به رحمت‌الله‌خان بدهد.

محله بازار

ـ آقامیرزامهدی، ملاباشی نواب ارفع والا حاجی‌معتمدالدوله دیشب سه ساعت از شب رفته به رییس محله اظهار می‌دارد که علی‌اکبر نام منسوب من که جوان مریضی است، شرب کرده به خانه آمده خواهش دارم بفرستید او را تنبیه نمایند رییس محله نایب خود را همراه او فرستاده، خواسته بودند. مشارالیه را به اداره می‌آورند. به ملاباشی ملتجی شده. اهل خانه از او شفاعت می‌کنند، در همان جا او را تنبیه نموده توبه می‌کند که دیگر مرتکب این حرکات نشود. ملاباشی معروض نهایت امتنان را حاصل می‌نماید.

ـ دیشب محمدرضای بزاز، ابراهیم‌خان پسر ابوالقاسم خان نایب فراشخانه مبارکه را با میرزاعلی‌اکبر که لباس سفارتی در بر دارد با یکی دونفر دیگر در خانه‌اش دعوت کرده مجلس شرب ترتیب داده در آخر شب بنای نزاع و شرارت و بی‌نظمی راگذارده سر رحیم نام راکه پیرمرد است شکسته نهایت هرزگی را نموده بودند، به طوری که همسایه‌ها شاکی بودند. اجزای پلیس، ابراهیم‌خان و میرزاعلی‌اکبر و یک نفر دیگر را گرفته به اداره آوردند مراتب به جناب اشرف مشیرالدوله و حاجب‌الدوله نوشته شد.

ـ دیشب در خانه حاجی غلام نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی‌بهرام نام دختر یکی از اقوامش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ سیدحسن نوکر شیخ‌الاطبا برای این که یاقوت نام خانه‌زاد معاون لشکر اقرار کرده است که مقداری اسباب آقایش را دزدیده به مشارالیه داده از محله دولت به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ یعقوب برای این که مشهدی قنبر قصاب مدعی است که مقداری اسباب او را دزدیده است از محله بازار به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ شیرعلی [را] برای تحقیقات سرقت از محله بازار آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۲۸) شهر جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ وزیرمختار آلمان، وزیر مقیم ینگی‌دنیا، وزیر مختار اتریش با زنش، شارژدافر سفارت اتریش، شارژدافر انگلیس با زنش، ماژورولس، جنرال واگنرخان، باران ودل، موسیو ادبیر نایب سفارت فرانسه و پولکونیک دیشب در سفارت عثمانی میهمان بودند. شش ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز نواب والا معزالدوله به بازدید نقیب‌السادات رفته بودند مشارالیه در خانه نبوده، قدری در آن جا زیست کرده بود، سوار شده مراجعت می‌نمودند. در بین راه پای اسب لغزیده، ایشان را

بر زمین زده. اگر چه صدمه به اعضای نواب معزی‌الیه وارد نیامده ولی سرتاپا گل‌آلوده شده بودند.

ـ یک باب اتاق قراولخانه محله عربها به واسطه ازدیاد بارندگی خراب شده و به کسی صدمه وارد نیامده است.

ـ بهرام درجزینی دزد معروف که از چندین خانه اسباب به سرقت برده، من‌جمله مبالغی گزاف از خانه پسر میرزا جعفر، منشی جناب امین‌السلطان و غیره سرقت کرده و به درجزین برده به غلامعلی‌خان یاور فوج در جزین داده که تفصیل حال او و غرامتهای مسروقه که اداره پلیس داده و اشخاصی که اکنون هم مطالبه اموال مسروقه خود را می‌نمایند به خاکپای مبارک عرض شده و حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد اعظم والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه روحی‌فداه حکم به احضار غلامعلی‌خان فرمودند. این اوقات مریض گردید، به مریض‌خانه مبارکه فرستاده شد، در آن جا فوت کرده است.

ـ دیشب حاجی‌تقی نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ملاعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و اهل محله مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز طرف عصر وزیر مقیم ینگی‌دنیا با دکتر ترانس به باغ جناب قوام‌الدوله رفته، از جناب معزی‌الیه دیدن کرده و از آن جا به خانه نواب ارفع والا ملک‌آرا رفته، بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیشب میرزاکاظم‌خان منشی وزارت خارجه، میرزاشیخ‌علی منشی سفارت انگلیس، میرزاعبدالله خان پسر جناب قوام‌الدوله، پسرهای مرحوم نواب شیرازی، میرزامرتضی‌خان پسر مرحوم میرزازین‌العابدین البرز با جمعی از تجار و کسبه ارامنه و غیره در تئاتر* مدرسه ارامنه حضور داشتند. دیشب از شب پیش جمعیت کمتر بود. شش ساعت [از شب رفته] متفرق گردیدند.

---

*. تهاتر

تکیه دولت

ـ دیشب به واسطه بارندگی دیوار خانه میرزامهدی‌خان گل‌کار خراب شده است و به کسی صدمه وارد نیامده است.

ـ در خانه احمدنام یک اتاق و دو زیرزمین و یک دیوار خراب شده و به کسی صدمه وارد نیامده است.

ـ حسین‌علی نام مهاجر به رییس محله اظهار کرده که زنش طلاقنامه جعلی ساخته رفته شوهر کرده است. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شده که شرعاً طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ والده نواب والا عمادالدوله که در کرمانشاهان* مرحومه شده است خبر فوت آن مرحومه را برای نواب معزی‌الیه آوردند، مشغول تعزیه‌داری و ترتیب مجلس ختم می‌شوند.

ـ دیروز عصر یوسف‌بیگ نام، همشیره مشهدی‌باقر نام را برای خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌کریم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات در آن جا مستمع بودند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی‌حسین نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا تقی نام همسایه‌ام دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده، بعد از تحقیقات لازمه قرار داده شد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب عیال مشهدی‌رحیم نام با شوهرش نزاعشان شده. مشارالیها به رییس محله متظلم می‌شود. رییس محله می‌فرستند که او را حاضر کنند. چند نفر از اهل محله جمع شده، آنها را صلح می‌دهند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌محمدعلی تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

---

*. کرمانشان

چالمیدان

ـ حسن‌نام، تون‌تاب* حمام سرپولک چندی قبل به مرض غش مبتلا بوده، در تون حمام پایش می‌سوزد. از آن وقت مریض شده تا این که دیروز فوت شده است. چون کسی را نداشت و بی‌بضاعت بود از اداره پلیس قدغن گردید جنازه او را برداشته کفن‌ودفن کردند.

ـ دیشب حاجی‌محمدحسن تاجر جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه مشهدی رضا نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز حاجی عبدالعلی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عقد کرده، جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیروز جنازه آقاحسین کالسکه‌چی سرکاری را که از سقف حمام به واسطه گرفتن یک کبوتر بزیر افتاده هلاک شده بود با احترام برداشته، در امامزاده یحیی به امانت گذاردند.

ـ دیشب مشهدی‌غلامرضا نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود، چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ حسین نام پسر مرحوم حکاک‌باشی از فرط پریشانی دیروز با عیالش نزاع کرده، رفته مقداری تریاک خورده که خود را هلاک کند. کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ عیال ابراهیم‌بیگ قزاق در اتاق خود کرسی آتش کرده، درب اتاق را قفل نموده، به خانه همسایه می‌رود از آتش کرسی به لحاف و سایر اسباب اطاق سرایت کرده، مشتعل می‌شود. همسایه‌ها مستحضر شده، درب اتاق را شکسته [آتش را] خاموش می‌نمایند.

ـ از قرار راپورتی که به اداره پلیس رسید، مراد نام چهار نفر از فواحش را به خانه‌اش آورده و مشغول جاکشی و اعمال شنیعه هستند. چند نفر از اجزای پلیس مأمور گردیده، آنها را گرفته به اداره آورده قدغن شد که فواحش را با گاری نفی بلد نمایند و خود مراد پانزده روز حبس می‌شود

---

*. تون‌تاب: کسی که زیر خزانه حمام را روشن نگه می‌دارد.

و بعد از تنبیه ضربی و حبس باید التزام بدهد که من‌بعد مرتکب این گونه کارها نشود.

ـ دیروز عصر در خانه علی‌محمدخان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌خان پسر زنبورکچی‌باشی مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی‌رضا نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از اهل محله و غیره در آن جا حضور داشتند.

ـ دیشب حاجی‌محمدعلی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ اسکندر و مشهدی‌عبدالله برای این که از خانه محمدتقی‌خان نام بعضی اسباب مفقود شده و جداً مدعی است که مشارالیها برده‌اند در تحت استنطاق هستند.

ـ اسدالله [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقت از چهارسوق آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ سیدذبیح‌الله برای این که شدیداً دیشب مست کرده و می‌خواسته عنفاً با زن همسایه مرتکب عمل شنیع شود که همسایه‌ها به شکایت آمده بودند فرستاده شد مشارالیه را بیاورند. چند نفر از سادات به حمایت او برآمده، نزاع کرده، لباس و پالتو دیوانی پلیسها را پاره کرده بودند به اداره آوردند. در باب شرارت سادات به نقیب‌السادات نوشته شد که باید تنبیه شوند و مشارالیه در حبس است تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ باقر را که مست بود از محله دولت به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

ـ مشهدی‌رحیم که مبلغی به محمداسماعیل‌بیگ شریک خود تقلب کرده و به او مقروض بود و در اداره تحقیقات به عمل آمده، متوقف شد. چون طرفین مستأجر جناب امین‌السلطان هستند، جناب معزی‌الیه خواهش کرده مشارالیه نزد جناب معزی‌الیه فرستاده شد که با حضور یک نفر صاحب‌منصب اداره پلیس در مجلس خزانه مبارکه در عمل آنها کاملاً رسیدگی شده ختم عمل

نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (سلخ) جمادی‌الاولی

محله دولت

ـ دختر بدایع‌نگار مرحوم را برای میرزاتقی برادر حکیم کوسج دیروز عصر عقد کردند. جمعی از منسوبان طرفین و طلاب در مجلس عقد حضور داشتند، غروب متفرق شدند.

ـ ابوالقاسم عطار دیروز دخترعموی خود را عقد و شب عروسی کرده جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ والده نواب والا سیف‌الملک، حمامی خود را برای این که غفلت کرده حمام را گرم نکرده بود چوب زده است.

ـ ضعیفهٔ فاحشه، سلطنت نام برای ارتکاب عمل شنیع به خانه علی‌خان نام رفته بود، گرفتار اجزای پلیس گردیده قدغن گردیده که او را نفی بلد نمایند.

ـ چند روز قبل از کاروانسرای یهودیها نزدیک خیابان حسن‌آباد مقداری اسباب به سرقت برده بودند نایب محله مستحضر شده در جستجو برآمده تا این که دزد آن جا را که زلفعلی* نام است دستگیر کرده اسباب مسروقه گرفته، به صاحبش رد شده و در تحت استنطاق اقرار کرده است که از جای دیگر هم دستبرد زده، اداره پلیس مشغول تحقیقات لازمه است.

ـ قاسم با یک نفر دیگر مهترهای کالسکه‌خانه مبارکه به منزل فرج‌بیگ سلطان فوج بهادران که قراول درب قورخانه مبارکه است رفته یک خورجین اسباب به سرقت برداشته خواسته بودند

---

*. اصل: ذوالفعلی

ببرند. سربازهای قراول مستحضر شده قاسم را دستگیر کرده، آن یک نفر خورجین را برداشته فرار کرده قاسم را نزد جناب وزیرنظام برده حبس کرده‌اند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

سنگلج

ـ دیروز به واسطهٔ بارندگی دیوار خانه عبدالله‌خان، یوزباشی غلام خانه مبارکه که با دیوار خانه نصرالله‌خان متصل است، خراب شده است. کربلایی محمد برادر زن نصرالله‌خان درب خانه عبدالله رفته دادوفریاد کرده بودن که آدمهای عبدالله‌خان آمده بنای نزاع راگذارده بودند. بعد چند نفر آنها را ساکت کرده صلح دادند.

ـ دیروز امیرایوب خان با کالسکه جناب اشرف مشیرالدوله به خانه معزی‌الیه رفته بود بعد از مراجعت پنج تومان به کالسکه‌چی‌ها انعام داده بود.

ـ پسره سیدحیدر نام که طفل هشت، نه ساله است و یکی دومرتبه هم به جرم دزدی گرفتار شده، دیروز به خانه یک نفر گاودار رفته یک بقچه رخت سرقت کرده بیرون می‌آید که گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند در تحت استنطاق است و بقچه به صاحبش رد شد.

ـ دیشب یکی از شترهای متعلق به شترخانه مبارکه که بار داشته و در خیابان دروازه محمدیه عبور می‌دادند، به چاه قنات نجف‌آباد افتاده در همان جا مرده است.

ـ دیشب مشهدی‌علی نام دختر مشهدی‌عباس نام را برای خودش عروسی کرده، مطرب هم آورده بود. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ به واسطه بارندگی دیوار خانه آقاجان نام معمار خراب شده است و به احدی صدمه وارد نیامده است.

عودلاجان

ـ همشیره مرحوم آقامیرزاسیدرضی حکیم‌باشی که چندی مریضه بود مرحومه شده است، جنازه او را به احترام برداشته امانت گذاردند و در خانه‌اش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ دیشب عزیزخان مجلس عیش ترتیب داده، چند از بستگانش را دعوت کرده بود.

ـ دیشب به واسطهٔ بارندگی دیوار خانه حاجی‌علی نام خراب گردیده و به حمدالله به احدی صدمه وارد نیامده است.

ـ دیشب در خانه حاجی‌صادق نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند. جمعی از تجار و طلاب مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی‌حسین نام به رییس محله اظهار داشته متظلمه می‌شود که شوهرش او را بلاجهت کتک زده رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات لازمه، چون منازعه جزیی کرده بودند. صلح داده شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی کریم نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیشب در خانه حاجی‌محمدحسین تاجر تبریزی مجلس روضه‌خوانی بوده جمعی از اهل محله و تجار و غیره در مجلس روضه حضور داشتند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ قاسم شاگرد خباز با زنش نزاعشان شده، مشارالیها به کارگذاران حکومت عارض گردیده، مأمور آورده چون منازعه جزیی کرده بودند صلح می‌دهند.

ـ به واسطهٔ بارندگی اغلب از خانه و دیوار و اوتاق‌های این محله خراب شده است ولی به کسی صدمه وارد نیامده است.

ـ ضعیفهٔ سیاهی که مظنون به سرقت اسباب میرزامحمدخان نام است، احضار و متوقف است تا تحقیقات لازمه بشود.

ـ مختارخان دیشب دختر استادمحمدعلی یاور قورخانه مبارکه را برای خودش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدعلی عزب‌دفتر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی‌رضا نام بوده است، کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ اکبرخان اعمی دیروز خواهرزن آقاشیخ‌علی عرب را برای خودش عروسی کرده، عروس را بی‌صدا یک ساعت به غروب مانده به خانه او بردند.

ـ چند نفر از غلام‌های کشیک‌خانه مبارکه در کاروانسرای مشهدی‌حسین‌علی نام منزل دارند. یک سر یراق نقره از یکی از غلامها به سرقت بردند. مشارالیه به جناب وزیرنظام عارض شده مأمور آورده دالاندار* سه روزه مهلتی گرفته که یا یراق یا غرامت آن را بدهد.

ـ دیروز عصر در خانه اسدالله‌بیگ نایب قورخانه مبارکه مجلس روضه ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند، غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی‌علی نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب مرا رضا نام همسایه‌ام سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات قرار داده شد که شرعاً طی گفتگو نمایند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ اصغر [را] برای این که بعضی اسباب جزیی از عبدالوهاب نام دزدیده است از محله عودلاجان به اداره آورند و تحت استنطاق و تحقیقات لازمه است.

ـ محمدتقی برای این که قفل دکانی را برای دزدی می‌خواسته بازکند گرفتار اجزای پلیس عودلاجان شده به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ جهان‌بخش‌بیگ سوزافیه اداره پلیس که از خدمت خود غفلتی کرده بود حبس شد تا حکم ثانوی درباره او بشود.

ـ محمدعلی پیشخدمت اداره پلیس که به جرم غفلت از خدمت حبس بود. بعد از سه روز مرخص شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

---

*.اصل: دالندار

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۹) شهر جمادی‌الثانیه

محله دولت

ـ یک اصله چنار بسیار بزرگ در خیابان نظامیه نزدیک خانه جناب اعتمادالسلطنه به واسطهٔ نقب زیرزمین فرو رفته به قدر دو زرع‌ونیم گود شده، پسره‌ای دیروز از آن جا عبور می‌کرده، یک مرتبه به آن گودال افتاده دست و دماغش مجروح گردیده، اجزای پلیس مشارالیه را از آن جا خارج کرده بودند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته اجزای پلیس در خیابان مبارکه شمس‌العماره ملاحظه می‌نمایند که یک رأس اسب بلاصاحب به تاخت می‌رود و سگ‌ها او را تعاقب کردند به زحمت اسب را گرفته نگاه می‌دارند که معلوم می‌شود که مال رجب‌علی‌خان، سرهنگ فوج مخصوص است و از طویله فرار کرده است به صاحبش می‌سپارند، می‌برد.

ـ دیروز علی‌محمد مهتر جناب وزیرلشکر می‌رود از دکان خبازی استادغلام‌رضا نام نان می‌گیرد. یک دانه نان هم برمی‌دارد دستگاه‌دار ملتفت شده، نان را از او گرفته به این واسطه نزاعشان شده، بنای زدوخورد را می‌گذارند و چند نفر به حمایت طرفین برآمده، نزدیک بود مفسده بشود که نایب محله با پلیسهای خود رسیده آنها را تهدید و متفرق می‌کند.

ـ کربلایی جعفربقال دوهزار دینار از باباخان نام قزاق همسایهٔ خودش طلب داشته، مطالبه کرده، نزاعشان شده، قزاق مذکور با زنهای خانه‌اش بر سر بقال ریخته او را زده دهانش را مجروح می‌نمایند. رحیم نام به میانجی می‌رود او را هم می‌زنند. اجزای پلیس که می‌رسند به خانه می‌روند به سرتیپ آن قزاق اطلاع داده شده است که او را تنبیه نمایند.

ـ دیشب حاجی‌معصوم نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعتی از شب رفته متفرق شدند.

سنگلج

ـ دیشب امیرایوبخان با جمعی از سرداران خود در خانه سردار عبدالرحیم خان برادر کوچک

امیرایوبخان میهمان بودند. دسته مومن کور مطرب را هم آورده تا ساعت هفت از شب رفته مشغول تعیش بودند.

ـ محمدقاسم‌بیگ نوکر عزیزالسلطان با عیالش نزاع کرده مشارالیه قهراً به خانه برادرش رفته مقداری تریاک خورده کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند. روز دیگر برادر ضعیفه می‌رود از خانه محمدقاسم اسبابهای خواهرش را به خانه ملامحمدتقی معروف به جناب برده بعد واقعه را به حاجی‌لله عزیزالسلطان اظهار می‌نمایند. او آنها را صلح می‌دهد.

ـ اسدالله‌بیگ مباشر املاک جناب قوام‌الدوله، دیشب فوت کرده است نبی‌خان گماشته معزی‌الیه نزد رییس محله رفته از قول معزی‌الیه پیغام کرده که اسدالله‌بیگ دو نفر زن دارد. برای این که اسبابهای او را تفریط نکنند یک نفر پلیس بفرستید در آن خانه مواظب باشد رییس محله هم یک نفر پلیس به آن جا فرستاده است و حسن نام برادر اسدالله‌بیگ را هم گرفته نزد رییس محله برده اظهار می‌نمایند که پنجاه تومان به برادرش باید بدهد، نگاه دارید رییس محله هم او را به اداره فرستاده تا تحقیقات بشود.

عودلاجان

ـ مشهدی‌تقی سمسار دیشب جمعی از بستگانش را در خانه‌اش دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است، شب شش گرفته بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ حاجی‌محمدحسین جواهری برای تفریغ محاسبه که با حاجی رجب‌علی تاجر دارد، دیشب جمعی از تجار را در خانه‌اش میهمان کرده بود. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ حاجی‌رجب‌علی بزاز که حاجی مشتاق‌علی‌شاه درویش در خانه او منزل دارد جمعی از دراویش را دعوت کرده دیگ جوشی ترتیب داده، تا شش ساعت از شب رفته مشغول ذکر بودند.

ـ دیشب میرزاحاجی‌آقا نام چند نفر از بستگانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌احمد نام بوده است کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ مشهدی‌حیدر نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی از اسباب جزیی مرا تقی‌نام همسایه‌ام دزدیده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد بعد از تحقیقات

لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ شیخ‌احمد نام به کارگزاران حکومت عارض شده که علی‌بیگ همسایه من بعضی اسباب از خانه من سرقت کرده مأمورین حکومت رفته، بعد از تحقیقات آنها را در محضر شرع حاضر نموده به قید قسم طی گفتگو کردند.

ـ دیشب آقامحمودعطار دختر آقامحمدسمسار را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و جناب آقاشیخ‌موسی مجتهد در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ علی‌اصغر الاغچی چند بار خاک از نزدیک حمام خرقانیها عبور می‌داده یک رأس الاغ مشارالیه به دکان مشهدی‌علی سمسار پهلو زده چهار عدد بشقاب سمسار افتاده می‌شکنند. صاحب دکان گریبان الاغچی را گرفته مطالبه غرامت می‌کرده به این واسطه بنای قیل‌وقال را گذارده بودند. نایب محله رسیده قرار مسکتی داده آنها را ساکت می‌کند.

ـ دیشب عظیم‌خان یاور چند نفر از بستگانش را در خانه خودش میهمان کرده بود بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ علی‌محمد نام به رییس محله متظلم می‌شود که پانزده‌هزار از مشهدی‌سلمان سلمانی طلب دارم. مطالبه کردم نمی‌دهد. و به من فضاحی کرده است رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ همه ساله نزدیک عید سعید نوروز رسم است که بعضی از لوطی‌ها و اجامر * محض جلب منفعت خود را وضع‌های مختلفه مضحک می‌سازند و در بازار درب دکانها به حرکات مضحک از کسبه عیدانه می‌گیرند علی‌الرسم دیروز حضرات معروضه یکی را مثل پیرزن ساخته و صورت مقوایی به صورتش نصب کرده در بازار می‌گرداندند، آقاسیدابوالقاسم مسئله‌گو که در مسجد جامع هم منبر می‌رود موعظه می‌کند در بالای منبر اظهار کرده بود که در بازار چیزی دیدم که در

---

*.اجامر: اوباش (لغت‌نامه دهخدا)

مدت عمرم ندیده بودم اسلام از میانه رفته است پیرزنی را در بازار می‌رقصاندند و می‌گفت (پیرزن آمد قوزش درآمد) یکی دونفر مطلب را فهمیده گویا به مشارالیه حالی کرده بودند.

ـ دیروز در خانه علی‌محمدخان سرتیپ، مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی‌احمد نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز عیال مشهدی حسین نام به رییس محله اظهار داشته که شوهرش بلاجهت او را زده است. رییس محله فرستاده مشارالیه را حاضر نمودند. بعد از تحقیقات لازمه چون منازعه جزیی کرده بودند. صلح داده شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسین‌علی برای این که مقداری اسباب از شخصی سرقت کرده است از محلهٔ سنگلج به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ اسدالله برای این که به اتفاق چند نفر قاطرچی و فراش همایونی و الواط مست کرده هرزگی و شرارت نموده‌اند از محله عودلاجان به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود و در باب قاطرچی‌ها و فراش به جناب امین‌السلطان و حاجب‌الدوله نوشته شد.

ـ عباس‌علی [را] که از پدرش بعضی اسباب سرقت کرده بود به اداره آوردند بعد از تحقیقات لازمه با رضایت پدرش از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ چهارشنبه (۲۰) شهر جمادی‌الثانیه

محله دولت

ـ دیشب شارژدافر انگلیس با زنش، شارژدافر ایتالیا با زنش، وزیرمختار فرانسه با زنش، جنرال واگنرخان، کینس صاحب، سرکیس افندی در سفارت اتریش میهمان بودند. شش ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ اکبرنام پنج روز قبل ضعیفه [ای] را در حوالی بربری‌ها در خانه منزل داده و به مشارالیها وعده کرده بود که او را برای خود صیغه کند و در ضمن می‌خواست برای جلب منفعت مردم را به منزل خود بیاورد با ضعیفه مرتکب عمل شنیع شوند. چنانچه شب قبل اصغر نام حداد را به منزل خود برده در اواخر شب ضعیفه تمکین نکرده بنای دادوفریاد را می‌گذارد همسایه‌ها به نایب محله شاکی می‌شوند. نایب محله رفته آنها را به اداره حاضر نمود از سفارت روس اظهار داشتند که اکبر معروض خرج‌بیار سفارت است، بعد از تحقیقات لازمه، مشارالیه تهدید و ملتزم شد که من‌بعد مرتکب این حرکات نشود، به اجزای سفارت سپرده شد.

ـ غلامحسین نام در سر جزیی حساب با حبیب نام دایی خودش گفتگو و نزاعشان شده، غلامحسین مذکور کارد کشیده که خود را صدمه بزند، اجزای پلیس رسیده آنها را از هم جدا و تهدید کرده صلح می‌دهند.

ـ بهرام نام می‌رود از دکان خبازی متعلق به محمدعلی‌بیگ غلام، نیم‌من نان گرفته، سپرده در بین راه حاجی‌قاسم کدخدای خبازان رسیده، نان را گرفته محض تنظیم کار کشیده قریب دوسه سیر کم بوده، فرستاده خباز را تهدید نموده حکم می‌کند که بقیهٔ نان را به او بدهند، خباز متعذر می‌شود که حالا نان ندارم. بعد از ساعتی که می‌رود نان را بگیرد عملجات دکان مشارالیه را زده دو دنده او را فرو برده که اکنون بی‌حال است. مراتب به جناب وزیرنظام نوشته شد.

سنگلج

ـ درویش سلمان نام همدانی در نزدیک شهریار یک جفت درب امامزاده را سرقت کرده به شهر

آورده بود، صبح که داخل شهر می‌شود، یکی از پلیسهای زیرک محله مستحضر می‌شود که درب را دزدیده است او را دستگیر کرده به اداره آوردند بعد از تحقیقات اقرار نمود. تنبیهات لازمه شده، چون کار او دزدی نبود مشارالیه از شهر خارج شد و درب امامزاده را هم بردند به جایش گذاردند.

ـ دیروز عصر ماشاءالله و حسن‌نامان فراشهای همایونی در نزدیک تکیه مرحوم حاجی‌رجب‌علی مست کرده هرزگی و شرارت می‌کردند و غلامرضا نام راکه عبور می‌کرده کتک زده بودند. اجزای پلیس که می‌رسند فرار می‌نمایند از اداره پلیس به حاجب‌الدوله نوشته که مشارالیهما را تنبیه کنند.

ـ دیشب صاحب‌اختیار با حسن‌خان پسرش و میرزاجوادخان در خانه صدیق‌الملک میهمان بودند پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حیدرآقا پسر حاجی، نایب اصطبل مبارکه، جمعی از اجزای اصطبل مبارکه را در خانه‌اش دعوت کرده بود. پنج ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیروز عصر نواب ارفع والا ملک‌آرا به دیدن جناب قوام‌الدوله رفته، بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ یک دسته مطرب یهودی دیشب در خانه علی‌نقی‌خان سرتیپ بودند. چهار ساعت از شب رفته، رفتند.

ـ قنات سنگلج به واسطهٔ بارندگی خراب شده به کلی آب مسدود گردیده به اهالی خیلی سخت بود. جناب میرزاعیسی وزیر از قنات متعلق به خودش آب به این محله داده، اهالی نهایت تشکر را دارند و جناب وزیرنظام هم عملجات گذاردند که به زودی قنات سنگلج را بسازند.

ـ دیروز مهدی نام قورخانچی مقداری آتش بازی به ملاحظه شب چهارشنبه آخر سال برای فروش به کوچه آورده بود که بغتتاً آنها آتش گرفته به کلی سوخته بود.

عودلاجان

ـ دیشب در خانه حاجی‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است، جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ اکبر شاگرد بقال به میدان جناب امین‌السلطان رفته یک بار نمک خریده به دکانش آورده بار را که خالی می‌کند یک کیسه پول سیاه که شانزده‌هزار [دینار] بوده در بار نمک بیرون می‌آید. بعد از ساعتی صاحب بار نمک آمده می‌گوید این پول را از ده آوردم که برای عیال و اطفالم چیت

خریداری نمایم و پول خود را گرفته می‌رود.

ـ دیشب عزیزخان گروسی جمعی از بستگانش را میهمان کرده و مجلس عیشی ترتیب داده بودند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی‌محمدحسن تاجر میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانهٔ حاجی‌محمدباقر تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از تجار و طلاب و اهل محله مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌صادق تاجر بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. بعد از صرف شام متفرق شدند.

چالمیدان

ـ حاجی‌محمدرضای دولابی برای پسرش مجلس عروسی ترتیب داده دیشب جمعی از اهل محله و غیره را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب پسرهای جناب حاجی‌ملاعلی در خانه پسر حاجی‌علی‌اکبر امین معاون میهمان بودند. چهار ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

دیشب حاجی‌رضاقلی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز کربلایی حسین نام به رییس محله اظهار نموده که تقی‌نام شاگردش بعضی اسباب جزیی از او سرقت کرده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

محله بازار

ـ شیخ اسمعیل، کتاب‌دار نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله که مریض بود مرحوم شده است، نواب معزی‌الیه مبلغی پول داده جنازه او را برداشته و برایش مجلس ختم ترتیب دادند.

ـ صفرنام علاف دو نفر زن دارد یکی از آنها قدری با بضاعت است با مشارالیها نزاعشان شده او هم اسباب‌های خود را برداشته قهراً می‌رود. دیروز مشارالیه ضعیفه را در کوچه دیده گریبانش را

گرفته که به خانه‌اش ببرد، دختر ضعیفه و یک نفر از بستگان او به حمایت برآمده قیل‌وقال می‌کردند چون واقعه نزدیک خانه جناب حاجی‌ملاعلی بوده، آقاشیخ جعفر پسر جناب معزی‌الیه مصلح واقع شده ایشان را صلح می‌دهد.

ـ دیشب در خانه حاجی‌تقی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌رضا نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند و پنج ساعت از شب رفته، حضرات متفرق شدند.

دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضاقلی نام بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله در آنجا حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسن‌خان که برای ادعای شیخ‌جعفر نام در اداره بوده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند.

ـ محمد مهتر که هاشم‌بیگ، جلودار او مدعی بوده دو تومان پول مشارالیه را سرقت کرده است در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه با رضایت هاشم‌بیگ از اداره خارج شد.

ـ علی‌آقا که برای ادعای عیالش در اداره بود. بعد از تحقیقات لازمه با رضایت مشارالیها از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ پنجشنبه (۲۱) شهر جمادی‌الثانی

محله دولت

ـ دیروز وزیرمختار فرانسه وزیرمختار اتریش، وزیر مختار آلمان، شارژدافر انگلیس، موسیو اندرنی سرتیپ به دیدن جناب اشرف مشیرالدوله رفته بعد از ساعتی هر یک مراجعت نمودند.

ـ بارخانه که جناب اعتضادالملک از مازندران برای تقدیم چاکری مبارک فرستاده چون راه به واسطهٔ بارندگی زیاد مسدود شده است در بین راه مانده و ضایع گردیده و به جهت قبل از عید هم نمی‌رسد، نوکرهای معزی‌الیه شصت عدد صندوقچه به دکان کربلایی ابراهیم میوه‌فروش آورده که مرکبات خریداری نموده بارخانه حاضر کنند.

ـ دیروز جمعیتی از زنهای فرنگی به مسجد مبارکه ناصری رفته تمام مسجد را حتی بامها و گلدسته‌ها راگردش و تماشا کرده مراجعت نمودند.

ـ بنایی مسجد مبارکه ناصری که چندی به واسطهٔ برودت هوا و بارندگی تعطیل شده بود. این روزها مجدداً شروع کرده‌اند.

ـ استاد محمد بنابه رییس محله اظهار می‌نماید که پسره [ای] شیرعلی نام را با اجازه مادرش اجیر کردم و در زمستان دو تومان به او مساعده دادم که در موقع کار بنایی با من کار کند و به جای دیگر نرود. حالا به جای دیگر رفته است رییس محله پسره و مادر او را حاضر کرده مشارالیها اظهار می‌دارد که پسرش از اول حمل اجیر اوست و اجیر نامه‌ای را هم حاضر کرده معلوم شد که ضعیفه راست می‌گوید قرار داده شد که بعد از عید پسره برود نزد استادش کار کند.

ـ عیال میرزاجعفر نام پنج تومان جنس بزازی از شخص بزاز خریداری کرده و پول آن را دو روزه مهلت خواسته بود که از شوهرش گرفته بدهد و جنس‌ها را تماماً بریده و بعضی را دوخته پولی که منظور نظر مشارالیها بوده نرسیده، بزاز مذکور روز گذشته به درب خانه او رفته فضاحی و دادوفریاد می‌کردند و راضی بوده اجناس خود را دوخته ندوخته پس بگیرد. آخرالامر نایب محله و همسایه‌ها جمعی شده آنها را ساکت کرده، ضعیفه ضامن می‌دهد که پانزده روزه طلب بزاز را بدهد مشارالیه رضایت حاصل کرده می‌رود.

دروازه حضرت شاه عبدالعظیم

سنگلج

ـ دیروز وقت اذان صبح کاظم نام چند پارچه چیت در دست داشته مضطربانه می‌رفته، پلیس به فراست ملتفت می‌شود که مسروقه است او را گرفته به اداره آوردند بعد از تحقیقات معلوم شد که از استاد خویش دزدیده است. چیت‌ها به صاحبش رد شده خودش در تحت استنطاق است.

ـ درویش سلمان که یک جفت درب از امامزاده شهریار دزدیده به شهر آورده بود گرفتار شد. دیروز به توسط مأمورین پلیس مشارالیه نفی‌بلد شده و درب را برده در آن امامزاده به جایش گذارده‌اند.

ـ دیشب استادعلی‌اکبر بزاز دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و کسبه در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات از آن جا متفرق شدند.

ـ دیروز مشهدی حسین مکاری به رییس محله اظهار داشته که یک رأس الاغ من سال قبل در خارج شهر مفقود شده است. اکنون نزد تقی‌نام علاف است. رییس محله او را حاضر کرده اظهار نموده که از شخصی خریده است ضامن داد که برود آن شخص را حاضر نماید تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

عودلاجان

ـ دیروز عصر دختر مرحوم حاجی‌احمد را برای پسر حاجی محمدکاظم عقد کردند جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب در خانه مشهدی هاشم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال مشهدی کریم نام با شوهرش نزاع کرده جزیی تریاک می‌خورد کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل کرده با مشارالیه صلح می‌دهند.

ـ حاجی رجبعلی نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده، دیروز وارد دارالخلافه شده است کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز عصر در خانه میرزامحمدحسین عطار مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

ـ دیروز کربلایی رحیم نام به رییس محله اظهار داشته که بعضی اسباب جزیی مرا عیال مطلقه‌ام

به طور سرقت برده است. رییس محله مشارالیها را حاضر نموده با او به اداره فرستاد بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی قربانعلی نام بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ آقامحمدعلی که یکی از صرافهای معتبر بود شش روز نوبه کرده تا شب گذشته نوبه غش نموده، فوت کرده است جنازه او را با احترام برداشته امانت گذاردند که به کربلای معلا حمل نمایند. جناب آقاسیدعبدالله مجتهد با جمعی از تجار و غیره در مجلس ختم آن مرحوم حضور داشتند.

ـ دیروز کربلایی حسین نام دختر میرزامحمدعطار را برای پسرش عقد کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ کربلایی حسین خباز به رییس محله اظهار داشته که پنج‌هزار [دینار] و دهشاهی از میرزاآقا نام نوکر حاجی محمدحسین تاجر طلب دارم، مطالبه کردم به من فحاشی و فضاحی نموده است. رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات قراری داده شد که طرفین رضایت حاصل نموده می‌روند.

دیشب در خانه حاجی‌علی‌اکبر نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی‌صادق نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیشب در خانه آقاشیخ‌جعفر پسر جناب حاجی‌ملاعلی مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ حاجی‌حسین تاجرکاشانی چند روز است مریض گردیده اکنون در حالت نزع است.

ـ دیروز در خانه اسدالله‌بیگ نایب مخزن مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند.

ـ دیروز مشهدی غلام‌حسین نام دختر برادرش را برای پسر خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند، غروب حضرات متفرق گردیدند.

ـ حاجی‌کاظم نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود، مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است. کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز کربلایی حسن نام به رییس محله اظهار داشته است که دوتومان از بابت کرایه‌خانه از مشهدی‌تقی بزاز طلب دارم، نمی‌دهد، رییس محله فرستاده تحقیقات کرده قرار می‌گذارند که ده روزه بدهد، مشارالیه اظهار رضایت می‌نماید.

ـ دیشب در خانه حاجی‌فرج نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند. چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ زلفعلی* که بعضی اسباب جزیی از دکانی برداشته بود. متوقف گردید بعد از تحقیقات لازمه چون مریض شده بود از اداره خارج شد که از شهر برود.

ـ قنبرسیاه که برای تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه به رییس محله بازار سپرده شد.

ـ فرامرز که برای سرقت یک عدد آفتابه در اداره بود بعد از تحقیقات و تنبیه به رییس محله دولت سپرده شد که او را از شهر خارج کند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

---

*. اصل: زوالفعلی

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه (۲۳) جمادی‌الثانیه

محله دولت

ـ دیروز طرف عصر جناب مخبرالدوله با سه نفر پسرهایش به دیدن دکترآلبو رفته بعد از صرف چای و عصرانه مراجعت کردند.

ـ دیشب شارژدافر آلمان، دکترفرانک، یساول قزاق با زنش، ماتیاس با زنش، وت صاحب با زن و خواهرزنش، استافینو با زنش، بروکلی، بشرین با زنش در منزل دکتر آلبو میهمان بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ پسر میرزاجوادخان سعدالدوله دخترزاده جناب مخبرالدوله مریض شده و در خانه جناب معزی‌الیه می‌باشد. دیشب سه ساعت از شب رفته دکتر آلبو را با آن که میهمان داشته برای معالجه آن طفل بردند و همچنین دومرتبه دکتر مذکور را شبانه برای معالجه آجودان‌باشی کل برده بودند.

ـ محمدنام که جوان امردی است چندی ملازم میرزااحمدیاور قورخانه مبارکه بوده یاور مذکور یک دست لباس برای او خریداری کرده و قیمت آن را به ملاحظه این که از ملازمت او خارج نشود سند می‌گیرد. این اوقات میانه ایشان بر هم می‌خورد پسره از نزد او بیرون آمده پیش میرزاآقای عکاس رفته است اغلب اوقات الواط و جهال به خیال مشارالیه درب عکاسخانه اجماع دارند دیروز هم نایب اسماعیل نایب قورخانه مبارکه از جانب یاور معروض رفته مطالبه هشت تومان را می‌کرده به این واسطه قیل وقال می‌کردند اجزای پلیس مشارالیه را به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

سنگلج

ـ دیشب علی‌اکبرخان مهاجر قزاق دو نفر فاحشه به منزل خود برده بود، نایب محله مواظبت کرده وقتی که آنها از آن جا بیرون می‌آیند هر دو را دستگیر می‌کند مشارالیه با یک نفر نوکرش زنها را فرار می‌دهند اقدامات لازمه در تنبیه ایشان شده قدغن شد که فواحش معروضه را دنبال

کرده دستگیر کنند تا نفی‌بلد شوند.

ـ دیشب میرزاحسین داروغه میدان دروازه محمدیه جمعی از علافهای میدان را میهمان کرده بود چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌باقر کوره‌پز جمعی از همکارانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب عیال مشهدی‌حسین نام با شوهرش نزاعشان شده مشارالیها به رییس محله شاکی می‌شود رییس محله فرستاده شوهر او را حاضر کرده بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که برای لباس و ملزومات عید نزاع جزیی کردند صلح داده شدند.

ـ دیشب حاجی‌صادق نام دختر یکی از اقوامش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه ملاعلی‌اصغر نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق شدند.

عودلاجان

ـ دیروز سه ساعت به غروب مانده در خانه امین نظام مجلس روضه‌خوانی بوده است. جمعی از خوانین قاجار و طلاب و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب آقاعبدالرسول پسر مرحوم حاجی‌علی تاجر در خانه پسر آقای مرحوم مصطفی‌خان امیر تومان میهمان بوده و مجلس عیشی ترتیب داده بودند.

ـ دیشب حیدرخان نواده مرحوم بیگلربیگی چند نفر از بستگانش را دعوت کرده بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌سیداسمعیل صراف جمعی از صرافها را در خانه‌اش میهمان کرده بود چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی‌عبدالله نام به رییس محله اظهار داشته که صادق نام شاگردم مقداری از اسباب مرا به طور سرقت برده است، رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا به قید قسم طی گفتگو نمایند.

ـ حاجی‌رحیم نام که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت نموده دیروز وارد دارالخلافه شده است کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیروز مشهدی‌کریم نام به رییس محله اظهار داشته که سال قبل مقداری اسباب از من سرقت شده برگه آن را نزد استادتقی نام دیده‌ام رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات اظهار داشت که آن برگه را از علی نام خریده ضامن و اطمینان داد که برود علی را حاضر کند.

چالمیدان

ـ دیروز ضعیفه [ای] بدکاره مشهور به زن رضای چینی‌بندزن را که با سیدمرتضی دزد رابطه مخصوص دارد اسباب و آلات فرار از قبیل کلید و غیره به او داده، مأمورین پلیس مشارالیها را به اداره آوردند [به] درب خانه آقاسیدباقر طباطبایی که می‌رسند مشارالیه از خانه بیرون آمده با چند نفر بر سر اجزای پلیس ریخته ضعیفه را به خانه‌اش می‌برد مراتب به جناب وزیرنظام نوشته شد.

ـ جنازه آقامحمدعلی صراف مرحوم را دیروز با کمال احترام به حضرت عبدالعظیم(ع) بردند جمعی از تجار و غیره تشیع جنازه کرده بودند.

ـ دیروز صبح در خانه میرزامحمدعلی عزب‌دفتر، مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند، قبل از ظهر متفرق گردیدند.

ـ مشهدی علی‌اصغر گاریچی تبعه روسی که هم گاری‌های مهدی‌خان صاحب شترخانه مبارکه دست او است پنجاه تومان با اسدالله نام نوکر خودش قرض داده سه روز قبل مشارالیه قرار کرده بود جستجو کرده او را پیدا کرده نزد صاحب جمع برده مشارالیه او را تحت‌الحفظ نگاه داشته تا قراری در کار آنها بگذارد.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌کریم تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیشب مشهدی‌علی خباز جمعی از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده مشغول تعیش بودند.

ـ عبدالله نام به رییس محله اظهار داشته که ضعیفه مشهوره به ننه‌فرنگی مقداری اسباب مرا سرقت کرده است. رییس محله مشارالیها را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیروز در خانه رستم‌خان یاور زنبورکخانه مبارکه مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محل و طلاب مستمع بودند، غروب متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه مرحوم میرمعصوم تاجر مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیروز در خانه آقاسیدمحمد پیشنماز مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند بعدازظهر متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌محمدهادی تاجر بوده است جمعی از طلاب و سادات و اهل محله را دعوت کرده و مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند، بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ رجب، مشهدی‌حسین، عباسعلی، علی برای این که دالاندار* و اجزای کاروانسرای حاجی‌خازن‌الملک هستند و در آن کاروانسرا از دکان نمدمالی سرقت شده چون مسئول هستند به اداره آوردند در تحت استنطاق هستند.

ـ سیف‌الله [را] برای استنطاق سرقت جزیی از سنگلج آوردند در تحت استنطاق است.

ـ سیدجواد برای این که ضعیفه بدکاره راکه برای تحقیقات دزدی به اداره می‌آوردند از او حمایت کرده فرارش داده است از محله دولت به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

---

*. اصل: دلاندار

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه ۲۴ شهر جمای‌الثانیه

محله دولت

هاشم‌خان گروسی چند روز قبل به اداره پلیس اظهار داشت که حسین نام نوکر من، قریب دویست تومان اسباب مرا به سرقت برده است و فرار نموده از اداره به رؤسای محلات حکم شد که جستجو کرده او را دستگیر کنند مشارالیه مطلب را فهمیده نزد یکی از بستگان هاشم خان معروض رفته ملتجی می‌شود. دیشب او را گرفته نزد رییس محله می‌برند که نگاه دارید رییس محله مشارالیه را به اداره فرستاده در تحت استنطاق است.

ـ سفیرکبیر عثمانی، دیشب در سفارت اتریش میهمان بود. شش ساعت از شب رفته مراجعت کرده است.

ـ امروز صبح که توپچی‌ها سواره از مشق مراجعت می‌کردند یک نفر از آنها یک رأس اسب یدک داشته در خیابان، حوالی دروازه شمیران که می‌رسد به یک نفر سمنوفروش پهلو زده او را انداخته، سمنوها ریخته و به دست او صدمه وارد می‌آید و هم به یک نفر تخمه‌فروش نیز پهلو زده، تخمه‌های او ریخته، اسب توپچی معروض را به تاخت به طرف آب سردار می‌برده، که اجزای پلیس و توپچی‌ها از تعاقب رفته، اسب او را به زحمت زیاد گرفته نگاه می‌دارند.

ـ محمودخان نام به واسطهٔ افلاس و پریشانی و مهیا نبودن اسباب و ملزومات عید مقداری تریاک خورده به حمام رفته و به زودی بیرون آمده در کوچه می‌خوابد قریب به هلاکت بوده که اجزای پلیس رسیده از حالتش مستحضر شده در صدد معالجه برآمده بهبودی حاصل نموده به منزلش روانه می‌کنند.

عودلاجان

ـ در خانه حاجی‌محمدحسین تاجر، خانه تکانی می‌کردند مشارالیه یک کاغذ بسته سم‌الفار*

---

*. سم‌الفار: مرگ موش

دیده برداشته اشتباهاً قدری خورده، حالش منقلب گردیده، کسانش حکیم حاضر کرده، او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ محمدعلی نام یک ثوب ارخالق در محله یهودی‌ها به یک نفر یهودی فروخته بود به مبلغ پانزده هزار [دینار]، یهودی ارخالق را پس آورده مشارالیه قبول نکرده، به این واسطه حرفشان شده، می‌خواستند نزاع نمایند، اجزای پلیس قراری داده، آنها را ساکت می‌کنند.

ـ حاجی‌محمدرضای تاجر دیشب دختر حاجی‌محمدصادق تاجر را برای پسرش عروسی کرده است. جمعی از اهل محله و تجار در مجلس عروسی حضور داشتند. بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی‌رضا نام جمعی از بستگانش را در خانه‌اش میهمان کرده بود چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی رضا نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز جناب حاجی‌میرزاعباس‌قلی در خانه جناب حاجی‌ملاعلی بود در آن جا ناهار خورده مراجعت کرده بودند.

ـ درویش محمد نام به رییس محله اظهار داشته که سه تومان از ضعیفه‌ای که عیال عبدالله نام شده است، طلب دارم مطالبه کردم با من منازعه نموده است. رییس محله فرستاده مشارالیها را حاضر کرده بعد از تحقیقات قرار داده شد که شش ماهه وجه معروض را بدهد.

ـ جوانک شاگرد بنا در کوچه عبور می‌کرده صفر و محمود نامان به چابکی جزیی پول که در جیب او بود بیرون می‌آورند که مشارالیه ملتفت نمی‌شود. از عقب اجزای پلیس رسیده هر دو را دستگیر کرده به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات هستند.

ـ دیشب حاجی میرزاعلی نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند. چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌نصرالله نام چند نفر بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمدعلی کباب‌فروش که برگهٔ اسباب مسروقهٔ محمدحسن و رضا نامان را در محله بازار می‌فروخت از محله مذکور به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ هاشم برادر زن هاشم دزد که فرار کرده است از محله چالمیدان به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ تقی مشهدی‌حسینی که ضعیفهٔ فاحشه را به منزل خود برده اسباب بی‌نظمی فراهم کرده بودند از محله سنگلج به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ اسمعیل [را] برای استنطاق و تحقیقات سرقتی از محله بازار به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

سیدجواد که برای تحقیقات سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه ضامن داده از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه (۲۵) شهر جمادی‌الثانیه
عید سعد نوروز سلطانی

محله دولت

ـ چند روز قبل شرحی در باب آلش نام کالسکچی سفارت دولت علیه عثمانی که به شرارت معروف است در روزنامه واقعات شهر عرض شده که مشارالیه شب به شدت مست نموده حوالی خانه خودش بدمستی و شرارت می‌کرد و قمه قداره کشیده به عابرین صدمه می‌زد که اجزای پلیس رسیده قمه قداره را از دستش گرفته و خودش به خانه فرار کرده بود صبح مراتب

شرارت و بی‌نظمی او به وزارت جلیله خارجه اطلاع داده شد از آن جا علی‌التکلیف به سفارت کبری اظهار کردند بعد از ده دوازده روز از این هنگامه که آلش معروض برپا کرده بود از سفارت به وزارت جلیله خارجه اظهار نموده بودند که آلش حرکت خلافی نکرده و در آن شب به خانه‌اش می‌رفته جمعی بر سر او ریخته لختش کردند جناب اشرف مشیرالدوله اظهارات سفارت کبری را به اداره پلیس نوشتند از اداره اجزایی که در وقت شرارت او حاضر و او را منع کرده بودند به وزارت خارجه فرستاده شدند در آن جا با حضور سرکیس افندی تحقیقات لازمه به عمل آمده اگر چه در همان مجلس []* محله تقصیرات آلش را به درجه ثبوت رسانیده بودند به اصرار سرکیس افندی مجدداً راجع به تصدیق کسبه و اهالی گذری که آلش در آن جا بی‌نظمی کرده بود [تحقیق] نمودند. یک مرتبه هم مأمور وزارت خارجه و سفارت کبری و اداره پلیس به آن گذر رفته از کسبه و اهالی تحقیق کرده همه گواهی بر شرارت و هرزگی آلش دادند، مأمور سفارت معروضه رفته تاکنون دیگر اظهاری از طرف سفارت نشده است.

ـ جناب حاجی‌علاءالملک دیروز عصر به دیدن سفیرکبیر عثمانی رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ یک قطعه نشان که از طرف دولت علیه به توسط جناب اشرف مشیرالدوله وزیر امور خارجه به سفیرکبیر عثمانی مرحمت شده بود معزی‌الیه مبلغ پنج تومان به حامل انعام داده است.

سنگلج

ـ دیروز دو ساعت به غروب مانده سفیرکبیر عثمانی به دیدن نواب ایلخانی رفته از آن جا به اتفاق معزی‌الیه به عیادت جناب وزیر دفتر رفته بعد از ساعتی مراجعت کردند.

ـ دیروز مشهدی‌حسن نام دختر میرزامحمد نام را برای خودش عقد کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند مطرب هم آورده، بعد از آن که مجلس عقد بر هم خورده بود اهل خانه تعیش می‌کردند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب رفته پلیسهای گردشی ملاحظه می‌نمایند که دکان مرشدعلی بقال باز است و صاحبش فراموش کرده دکان را قفل نکرده رفته است و فوراً مشارالیه را که در آن نزدیکی است حاضر کرده دکانش را بسته می‌رود.

---

*. خوانده نشد.

ـ دیشب عیال مشهدی‌حسین نام با شوهرش برای این که اسباب و لوازم شب عید را مهیا نداشتند نزاعشان شده بنای زد و خورد را گذارده بودند که همسایه‌ها جمع شده آنها را صلح می‌دهند.

عودلاجان

ـ دیشب شش ساعت از شب رفته حبیب نام سبزی‌فروش کرسی را آتش کرده زیر کرسی می‌خوابد آتش کرسی به لحاف و اسباب اتاق سرایت [کرده] تا این که لباس خود مشارالیه هم مشتعل می‌شود که بیدار شده بنای دادوفریاد راگذارده همسایه‌ها جمع شده آن حریق را برطرف می‌نمایند.

ـ مشهدی‌فرج‌الله نام توتون‌فروش به رییس محله اظهار داشته که مبلغ سه تومان از میرزاعلی نام طلب دارم مدتی است نداده مطالبه کردم به من فحاشی نموده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب ملاحسن مکتب‌دار با زنش نزاعشان شده مشارالیها مقداری تریاک خورده قریب به هلاکت بوده کسانش فوراً اقدامات لازمه به عمل آورده او را معالجه و مداواکرده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیروز کربلایی حسین نام به رییس محله اظهار داشته که محمدابراهیم برادرزنم مقداری اسباب مرا به طور سرقت برده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ بعد از فرار کردن سیدمرتضی و سه نفر دزد، اجزای پلیس موافق دستورالعمل و مأموریت اداره پلیس بنای جستجو و تفحص راگذارده آنها را تعاقب کردند تا این که دیروز یکی از آنها که مختار نام است در شهر دیده، می‌خواهند دستگیرش کنند مشارالیه چون نزدیک امامزاده سیداسمعیل بود در آن جا متحصن شده به هر قسم بود او را به اداره آوردند در تحت استنطاق است و عنقریب انشاءالله آن سه نفر هم دستگیر خواهند شد.

ـ زن مشهدی‌محمدعلی عطار به رییس محله متظلمه می‌شود که در سر حمام شهاب‌الملک چادر او را به سرقت برده‌اند رییس محله حمامی را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر

شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب عیال حاجی‌محمدعلی نام با خواهر شوهرش نزاعشان شده بنای زدوخورد را گذارده بودند که همسایه‌ها جمع شده آنها را صلح داده بودند.

ـ دیروز مشهدی‌حسن مکاری به رییس محله اظهار می‌دارد که یک رأس الاغ مرا سال قبل در خارج شهر سرقت کردند اکنون نزد تقی نام دیدم رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که تقی معروض الاغ را از یک نفر دهاتی خریداری کرده است ضامن داد که برود آن شخص را حاضر کند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

محله بازار

ـ دیشب دو ساعت از شب رفته ضعیفه‌ای مضطربانه به رییس محله اظهار می‌دارد که طفل پنج ساله من از خانه بیرون آمده به خانه عمه‌اش می‌رفته مفقود شده است رییس محله چند نفر پلیس فرستاده جستجو کرده طفل را به فاصله ساعتی پیدا کرده آورده به دست مادرش می‌سپارند اعلی درجه تشکر را کرده او را می‌برد.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌محمدعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله مستمع بودند.

ـ دیشب که جناب آقای امام‌جمعه از سلام تحویل مراجعت کرده بودند جمعی کثیر از هر طبقه درب خانه جناب معزی‌الیه ایستاده بودند تمام آنها از آقا دست‌لاف گرفته فرح‌ناک به خانه مراجعت کردند.

ـ زن و مادرزن آقاسیداسمعیل دلال دیشب برای این که مشارالیه هفت سین را علی‌الرسم حاضر نکرده بود با او بنای منازعه و اوقات تلخی را گذارده بردند بیچاره هفت ساعتی آمده هفت‌سین را از قبیل سیر و سرکه و سنجد و غیره گرفته و از جمشید جم شکایت می‌کرد که بنا را گذارده.

ـ دیشب جمعی از هر قسم مردم برای تحویل حمل از این محله به زیارت حضرت عبدالعظیم(ع) مشرف شده بودند مشهدی نام را اسب بر زمین زده چندان صدمه به او وارد نیامده است.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمدابراهیم برای این که دو کله قند از دکان عطاری سرقت کرده است در محله عودلاجان

گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات لازمه است.

ـ نایب‌شفیع سوزافیه پلیس محله بازار که از خدمت خود غفلت کرده بود تنبیه و محبوس گردید تا حکم ثانوی درباره او بشود.

ـ اسمعیل که برای تحقیقات و استنطاق سرقتی در اداره بود بعد از تحقیقات به رییس محله بازار سپرده شد.

ـ هاشم برادر زن هاشم دزد که فرار کرده بعد از تحقیقات لازمه چون معلوم شد از هاشم خبر ندارد از اداره خارج گردید.

ـ حسین که برای ادعای اکبر نام در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع گردیدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۲۶) شهر جمادی‌الثانیه

محله دولت

ـ آقایی نام به رییس محله اظهار داشته (ولی نام بروجردی را نشان داده) جوانکی نزد من بوده مبلغی پول و اسباب مرا برده در منزل این شخص پنهان شده خواستم او را بیاورم ولی حمایت کرده است، رییس محله ولی را حاضر نموده، خواسته بود به اداره بفرستند، خود آقایی راضی نشده به مشارالیه مهلت می‌دهد که برود آن پسره را حاضر نماید تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ عباس‌علی نام الاغچی به رییس محله متظلم شده است که هشت رأس الاغ خود را زمستان در کاروانسرای مشهدی‌حسین نام بسته و کاه و جو هم از او خریده‌ام چهار تومان از بابت قیمت کاه و جو از من طلب دارد الاغ‌های مرا نگاه داشته نمی‌گذارد ببرم کار بکنم طلب او را بدهم رییس

محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه قرار می‌گذارند که عباسعلی معروض ضامن بعدهد الاغ‌های خود را ببرد متدرجاً پول را بدهد.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی‌حسین‌قلی نام بوده است. کسانش مجلس روضه‌خوانی فراهم کرده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیشب استادعلی‌اکبر نام با زن برادرش نزاعشان شده مشارالیها جزیی تریاک می‌خورد کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا کرده بهبودی حاصل نموده بعد آنها را صلح می‌دهند.

سنگلج

ـ دیشب محمدعلی نام به درب خانه[ای] رفته دیگ‌پلو* [ی] اهل خانه را سرقت کرده می‌خواسته ببرد، پسر صاحبخانه ملتفت شده بنای دادوفریاد را گذارده اجزای پلیس مشارالیه را دستگیر نموده به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ دیروز مشهدی رجب نام به رییس محله اظهار داشته که تقی نام برادرزنم بعضی اسباب مرا دزدیده است. رییس محله مشارالیه را حاضر کرده با او به اداره فرستاد. بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب هفت ساعت از شب گذشته پلیسهای گردشی یک رأس الاغ بلاصاحب دیده گرفته به اداره آوردند صبح که صاحبش پیدا شد نشانی الاغ خود را داده گرفته، نهایت امتنان را حاصل می‌کند.

ـ میرزاحسن نام به رییس محله اظهار داشته که رضا نام نوکرش بعضی اسباب جزیی سرقت نموده است، رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه چون دزدی او به درجه ثبوت نرسید و هم ادعای مواجب می‌کرد قرار داده شد که در محضر شرع طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ دیروز اهل خانه آقامحمدحسن بزاز به دید و بازدید عید رفته بودند دو نفر دختر کوچک مشارالیه در خانه بازی می‌کردند پرده اتاق به منقل آتش که در اتاق بوده افتاده سوخته مشتعل

---

*. اصل: دیک‌پلاو

شده به سایر اسباب و اشیاء اتاق سرایت نموده دخترها بنای دادوفریاد را گذارده اهل خانه همسایه ملتفت گردیده رفته حریق را برطرف می‌نمایند.

ـ حاجی‌محمد تاجر که با عیال و اطفالش به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده‌اند کسان آنها تشریفاتی برای ورود ایشان ترتیب داده بودند.

ـ دیشب پلیسهای گردشی طفل پنج ساله را ملاحظه می‌نمایند که در کوچه ایستاده گریه و زاری می‌کند و خانه‌اش را گم کرده است او را به قراولخانه می‌برند که در آن بین مادرش سراسیمه می‌آید که به اجزای پلیس اطلاع بدهد طفل خود را در آن جا دیده نهایت تشکر را کرده او را می‌برد.

چالمیدان

ـ پسر حاجی‌علی‌اکبر تاجر ده دشتی، نه تومان از مهدی قناد که در بازارچه متعلق به حضرت مستطاب اسعد ارفع اعظم والا آقای نایب‌السلطنه روحی‌فداه است. ادعای طلب داشته دیروز حسین نام نوکرش به آن جا رفته بنای فحاشی را می‌گذارد با اهل بازارچه نزاعشان شده مشارالیهما زده دندان سیدحسین برادر مهدی را لق نموده بودند. آنها هم به دیوانخانه حکومت رفته عارض شدند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی رضا نام تاجر میهمان بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر میرزاعلی‌محمد نام بوده است کسانش مجلس روضه ترتیب داده بودند جمعی از طلاب و سادات در آن جا حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب عیال استاد رضای بزاز با شوهرش نزاعشان شده مشارالیها به رییس محله شکایت می‌کند. رییس محله فرستاده شوهر او را آورده بعد از تحقیقات معلوم می‌شود که مشارالیه عیال جدید گرفته به این واسطه نزاع جزیی کرده‌اند قراری داده آنها را صلح می‌دهند.

محله بازار

ـ دیشب شش ساعت از شب گذشته اصغر نام گماشته جناب امین‌السلطان به رییس محله اظهار می‌دارد که حاجی‌علی نام به حالت مستی به خانه من آمده یک بقچه رخت سرقت کرده می‌خواست برود او را گرفته‌ام رییس محله فرستاده مشارالیه را به اداره آوردند در تحت استنطاق

خیابان علا . الدوله

است.

ـ دیروز عصر در خانه علی‌محمدخان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌خان سرهنگ مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند، جمعی از اهل محله در آن جا حضور داشتند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ رسول برای تحقیقات بیست فقره تفنگ مسروقه در اداره بود بعد از تحقیقات لازمه از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ جمعه (۲۹) شهر جمادی‌الثانیه

محله دولت

ـ دیروز جنازه مرحوم آجودان‌باشی کل را که در تکیه جناب مخبرالدوله امانت بود به حضرت معصومه قم حمل نمودند برای تشریفات و احترامات از اداره پلیس به رؤسای محلات قدغن گردید دسته سینه‌زن و کتل و یدک و غیره از هر قبیل لوازم احترامات جنازه را حاضر کردند جمعی سواره و پیاده پلیس در اطراف بودند از طرف نظام سرباز زیاد از دو طرف و سه دسته موزیک عقب و جلو جنازه بودند. دیشب سر جنازه هم سه چهار دسته قزاق با حالت سلام می‌رفتند بسیار باشکوه و حزن‌انگیز جنازه را بردند و اغلب مردم بی‌اختیار گریه می‌کردند جناب وزیرنظام، امین‌نظام، نواب حاجی‌بهاءالدوله، نواب حسام‌السلطنه، صاحب اختیار،

سیف‌السلطنه با جمعی کثیر از صاحب‌منصبان نظامی و غیره، با پولکونیک و نظم‌الملک تشیع جنازه کرده بودند قبل از حرکت دادن جنازه ابوطالب را یکی از اسب‌ها در آن میانه جمعیت لگد زده انداخته پیشانی او شکافته بی‌حال شده بود اجزای پلیس او را به اداره آوردند فوراً فرستاده شد میرزاحسین طبیب اداره پلیس حاضر شده جراحت او را پنج بخیه زده و به حالش آورده، برخاسته می‌رود.

ـ دیشب در خانه حاجی‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیشب مشهدی میرزا نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شارژدافر آلمان، بروکلی، یساول قزاق با زنش، فلمر با زنش، ماتیاس با زنش، دکتر آلبو با زنش در منزل بشرین دواساز میهمان بودند پنج ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌غلام‌رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از سادات و طلاب مستمع بودند.

ـ دیشب شب چهلم فوت مشهدی ابوالقاسم نام بوده کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و اهل محله را دعوت کرده بودند.

سنگلج

ـ دیروز نیم ساعت به غروب مانده رییس محله در گردش بود به قراولخانه جدید سر کوچه قاپوچی‌باشی که می‌رسد ملاحظه می‌نماید که ازدحامی است نزدیک رفته معلوم می‌شود که میرزاسیدعلی مستوفی پسر مرحوم میرزاسیدکاظم به شدت مست است و به وضع مضحکی افتان و خیزان می‌رود رییس محله محض حفظ مراتب شئونات شغل او به مشارالیه می‌گوید بیا شما را به خانه‌ات بفرستم او بنای فحاشی و هتاکی زیاد می‌گذارد و کمال بی‌احترامی را می‌کند در آن بین میرزاشفیع سررشته‌دار تهران رسیده او را درب خانه‌اش برده به زحمت زیاد مشارالیه را ساکت می‌نماید از اداره پلیس مراتب به جناب وزیر دفتر نوشته شد.

ـ دیروز دونفر خاک‌کش می‌روند از سر حمام مرحوم قاسم‌علی خان خاکستر ببرند یکی از خاک‌کش‌ها سرداری خود را کنده در آن جا گذارده فراموش می‌کند ببرد می‌رود حمامی آمده سرداری را دیده برداشته در تون حمام انداخته تا صاحبش پیدا شود خاک‌کش مذکور بعد از

ساعتی آمده گریبان تون‌تاب راگرفته به این واسطه قیل و قال می‌کردند که اجزای پلیس رسیده حمامی را حاضر کرده سرداری راگرفته به او داده می‌روند.

ـ دیروز جناب امین‌الدوله، جناب امین‌لشکر، مجدالدوله، به دیدن نواب ایلخانی رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ دیشب امیرایوب‌خان جمعی مطرب به خانه‌اش دعوت کرده تا صبح مشغول تعیش بودند از قرار مذکور چهارده‌تومان به مطربها انعام داده بودند.

ـ کنیز میرزاعبدالله‌خان مستشارالوزاره طبخ بد کرده بود خانمش او را تنبیه و چهار روز است در مطبخ حبس کرده است.

ـ دیروز عصر شارژدافر انگلیس به دیدن میرزاعبدالله‌خان مستشارالوزاره رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

عودلاجان

ـ دیروز وزیرمختار اتریش، وزیر مقیم ینگی‌دنیا، وزیر مختار آلمان به دیدن نواب ارفع والا رکن‌الدوله رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ دیشب دختر یزقل یهودی را برای پسر ابراهیم یهودی بقال عروسی کردند هفت ساعت از شب رفته عروس را به خانه داماد بردند جمعی از یهودیها در مجلس عروسی حضور داشتند و تعیش می‌کردند علی نام که می‌گوید فراش جناب اشرف مشیرالدوله است در آن جا مست بوده بی‌نظمی می‌کرده پلیسها دستگیرش کرده به اداره می‌آورند در میدان توپخانه مبارکه مشارالیه فریاد نموده چند نفر توپچی و سربازهای گارد را دور خود جمع کرده بود پلیسها او را به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ابوالقاسم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.

ـ امان‌الله‌خان قاجار به رییس محله اظهار داشته که خدمتکاری دارم دو سه دفعه مادر زن حاجی‌محمدرضاخان گرکانی زیر پای او نشسته و فریب داده برده بود، رفته او را مراجعت دادیم چندی قبل کلید درب مجری را ساخته چند عدد اشرفی و یک حلقه انگشتر هفتاد تومان قیمت را برداشته برده به مادرزن حاجی محمدرضاخان داده است رییس محله فرستاده که مشارالیها را حاضر نمایند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

چالمیدان

ـ دیروز نزدیک دروازه‌قدیم حضرت عبدالعظیم(ع) بازی خیمه‌شب بازی بیرون آورده بودند برای تماشا ازدحامی کرده بودند و دونفر قزاق و سرباز نزاعشان شده بود اجزای پلیس رسیده آنها را ساکت و مردم را متفرق نموده و بازی را هم بر هم می‌زنند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌ملاحسن ناظم‌التجار مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته حضرات از آن جا متفرق شدند.

ـ ابوالقاسم‌بیگ سرباز فوج عرب عیالی داشته ماشاءالله نام، که هم روضه‌خوان و هم مطرب است عیال دیگر گرفته او را رها کرده است روز گذشته مشارالیه در خانه غلام‌رضا سرباز فوج معروض میهمان بوده مطرب هم داشتند چون ابوالقاسم شخص لوده‌ای است در آن مجلس بعد از صرف نمودن عرق و بعضی کیفیات رقص و حرکت زیاد کرده افتاده مدهوش شده دهانش کف کرده می‌گوید ماشاءالله مطرب او را مسموم نموده است خبر به رییس محله رسیده فرستاده ضعیفه را حاضر نموده در تحت تحقیقات است تا حالت ابوالقاسم بیگ معلوم شود.

محله بازار

ـ وزیرمختار فرانسه به دیدن نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بود.

ـ نظرعلی نام اغلب اوقات با عیالش نزاع و جدال دارند و جهت [آن] اینست که مشارالیه عیالی جوان گرفته و او پیر است به مشارالیها اعتنایی ندارد دیشب هم باز بنای نزاع و زدوخورد گذارده بی‌نظمی می‌کردند نایب محله رفته آنها را ساکت کرده قرار می‌گذارد که مشارالیه یکی از آنها را مطلقه کند.

ـ دیروز در خانه زنبورکچی‌باشی مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه حاجی محمدتقی اصفهانی تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند غروب متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضا نام بوده است کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب [گذشته] متفرق شدند.

ـ دیشب مشهدی اکبر نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده بودند بعد از صرف

شام متفرق گردیدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمدقلی که یک ماه قبل یک کله‌قند از دکان عطاری سرقت کرده و گرفتار اجزای پلیس شده فرار نموده بود اجزای پلیس او را تعاقب کرده تا این که دیروز دستگیرش نموده به اداره آورده در تحت استنطاق است.

ـ غلام‌حسین مهتر نواب محمدحسین میرزا برای این که مقداری اسباب از آقای خودش و میرزاهادی ناظر سفارت ایتالیا دزدیده است از سنگلج به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات لازمه است.

ـ حاجی‌علی که اصغر نام مدعی بود یک بقچه لباس از خانه سرقت کرده است بعد از تحقیقات لازمه با رضایت اصغر از اداره خارج گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ شنبه غره‌رجب‌المرجب

محله دولت

ـ دیروز میرزامحمد نام در خیابان مبارکه شمس‌العماره تپانچه در دست داشته غافل* از این که با ساچمه پر است از روی شوخی و مزاح به طرف علی نام که اندکی مجنون و مسخره اهالی است نگاه داشته بقتتاً تپانچه خالی شده چند دانه ساچمه به پیشانی علی مذکور فرو رفته

---

*. اصل: قافل

میرزامحمد مذکور از ترس فرار نموده چند نفر از فراش‌های همایونی که در آن جا حضور داشتند او راگرفته به دیوانخانه حکومت می‌برند.

ـ دیروز عصر پسر ابوالقاسم خبازکه در حوالی گذر نوروزخان دکان دارد و قاطر چموش خود را نزدیک قراولخانه حیاط شاهی سر راه عابرین رها کرده بود. در آن بین پسر حاجی‌قربان‌علی نام عبور می‌کرده قاطر لگدی به او زده مشارالیه می‌افتد پلیس به مشارالیه می‌گوید قاطرت را به جای دیگر ببر در این جا اسباب صدمه مردم است او بنای بدحرفی و فحاشی راگذارده می‌رود به پدرش می‌گوید او هم جمعی از عملجات دکان را برداشته به قراولخانه ریخته دو نفر پلیس را که آن جا بودند کتک زیاد زده لباس ایشان را پاره کرده اعلی‌درجه شرارت و هرزگی را می‌نماید از اداره به جناب وزیرنظام نوشته شد که باید این اشخاص در همان نقطه تنبیه سخت شوند.

ـ وزیر مختار اتریش با زنش، سفیرکبیر عثمانی، وزیر مقیم ینگی‌دنیا، نواب ایلخانی دیشب در سفارت انگلیس میهمان بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز عصر در خانه حاجی‌محمدعلی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیشب شب سال فوت مرحوم مغفور صدراعظم بوده خرج می‌دادند جناب امین‌السلطان، جناب اشرف مشیرالدوله، جناب قوام‌الدوله، جناب میرزاعیسی وزیر، ساری اصلان، جمعی از مستوفیان عظام و آقایان علما و غیره در آن جا حضور داشتند بعد از استماع روضه و صرف شام متفرق گردیدند.

ـ دیروز پسر مصطفی‌قلی‌بیگ یاور خارج از فوج می‌رود از دکان خبازی متعلق به نایب علی‌اکبر مباشر قصابخانه نان بگیرد با سه نفر از سربازان فوج پنجم که در باستیان قراول هستند نزاعشان شده پسر یاور را مشارالیهم کتک می‌زنند او هم رفته به پدرش اظهار می‌دارد یاور هم با چند نفر آمده یکی از سربازها راگرفته کتک زده سرش مجروح شده بعد به خانه علی‌قلی‌خان سرهنگ آنها [را] می‌برد.

ـ استادابوطالب معمار یک رأس الاغ به سیدمحمدخباز فروخته مدتی از وعده مشارالیه گذشته پول او را نمی‌داد جناب قوام‌الدوله نزد رییس محله فرستاده پیغام کرده بود که استاد ابوطالب معمار من است بفرستید پول او را بگیرند رییس محله فرستاده بنای معروض را حاضر کرده بعد

از تحقیقات قراری داده طرفین رضایت حاصل می‌نمایند.

ـ دیروز وزیر مختار فرانسه به دیدن جناب صدیق‌الملک رفته بعد از ساعتی از آن جا مراجعت کرده بود.

ـ امیرایوب خان امروز که روز غره بود یک رأس گاو کشته به فقرا تقسیم نموده‌اند و به اغلب از نوکرهای خود خلعت و انعام داده است و از قرار مذکور موسی‌خان ولیعهد خودش را بعد از آن که از حبس مرخص کرده هنوز اذن نداده است که از منزل خود خارج شود.

ـ دیشب حاجی میرزامحمود نام جمعی از کسبه و بستگانش را میهمان کرده بود چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز سفیرکبیر عثمانی به دیدن جناب اشرف مشیرالدوله و از آن جا به خانه آقای سیدمهدی جهان‌شاهی رفته بعد از ساعتی مراجعت کرده بودند.

ـ دیروز شارژدافر ایتالیا به دیدن نواب ارفع والا شاهزاده رکن‌الدوله رفته بعد از صرف شیرینی و شربت مراجعت نموده بود.

ـ ضعیفه[ای] فاحشه شیرازی برای ارتکاب عمل شنیع به طویله مرحوم حاجی‌میرزا شفیع مستوفی شیرازی رفته بود اجزای پلیس او را دستگیر نمودند قدغن شد نفی بلدش نمایند.

ـ دیروز عصر در خانه امین‌نظام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از خوانین قاجار و طلاب مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی قربان‌علی نام بوده است کسانش مجلس روضه ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی احمد نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود چهار ساعت از شب رفته حضرات متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ جمعی از بربریها دیروز نزدیک دروازه دولاب با یکدیگر نزاع و زدوخورد نموده چند نفر از آنها مجروح می‌شوند اجزای پلیس به گرفتاری آنها که می‌روند حضرات فرار می‌نمایند زن‌های اشخاص مضروب هم به جناب اشرف مشیرالدوله عارضه شده مأمور برده بودند رییس محله

جمعی از اجزای پلیس را مواظب نموده است که آنها را دستگیر کنند.

ـ ضعیفه [ای] سیده با چهار نفر طفل شیرخوار و چهارپنج ساله به خانه‌ای رفته که تکدی کند یک عدد آفتابه سر راه بوده بر می‌دارد صاحبخانه مطلع شده دادوفریاد کرده اجزای پلیس ضعیفه را با اطفالش نزد رییس محله می‌برند بعد جمعی از سادات و معتبرین محله توسط کرده صاحبخانه اظهار رضایت کرده چون مشارالیها هم از روی پریشانی این کار را کرده بود ملتزمه می‌شود که من‌بعد این حرکت را نکند رهایش می‌نمایند.

ـ دیروز عصر سفیرکبیر عثمانی به دیدن میرزاحسن خان شوکت رفته بعد از ساعتی از آن جا مراجعت کرده بود.

ـ از برای میرزاابواطالب نام سه چهار من تنباکو آورده بودند شخص طراری ملتفت شده در وقتی که مشارالیه در خانه نبوده به درب خانه او رفته می‌گوید آقا مرا فرستاده گفته تنباکو را بدهید بکشیم که کم نداده باشند پسر کوچک صاحبخانه تنباکو را به دست او داده خودش هم می‌آید چند قدمی که می‌روند آن شخص پسره را فریب داده خودش فرار می‌کند واقعه را به اجزای پلیس اطلاع دادند پلیس‌ها در جستجو هستند که آن شخص را دستگیر کنند.

ـ دیروز در خانه حاجی‌محمدحسن تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و تجار مستمع بودند غروب متفرق گردیدند.

ـ دیشب حاجی‌صادق نام چند نفر از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

چهارسوق

ـ شخصی است معروف به پهلوان، چوبی تعبیه کرده و سرش را قلابی نصب نموده از دکاکین اسباب بیرون می‌آورد به این وضع دزدی می‌کند، دیروز از دکانی مقداری طناب دزدیده بود اجزای چهارسوق او را دستگیر کرده در تحت استنطاق است.

ـ عبدالله نام نجار که می‌گوید قورخانچی هستم معادل بیست‌وپنج‌هزار از هر قبیل آتش‌بازی در دکان خود برای فروش به طور مخفی گذارده یک مرتبه آتش می‌گیرد اجزای پلیس و کسبه به زودی خاموش می‌نمایند چنان چه شب این اتفاق افتاده بود دکاکین عطاری و غیره که در آن نزدیکی است به کلی سوخته بود.

محله بازار

ـ آقاسیداسمعیل نام دوازده‌هزار دینار به مشهدی علی نام بقال مقروض بود، آقاسیدجعفر منسوب او این وجه را قبول می‌کند که بدهد دیشب چهار ساعت از شب رفته آقاسیدجعفر از درب دکان بقالی مذکور که جنب خانه جناب حاجی‌ملاعلی و نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله است می‌رفته بقال مطالبه پول را می‌کند مشارالیه چهار پنج روزه مهلت می‌خواهد کرم نام نوکر احتشام‌الملک مست بوده به حمایت بقال برآمده که حکماً باید پول را بگیرم نزاعشان می‌شود کرم مذکور با باقرنام برادرش و بقال و شاگردش سید را می‌زنند و فرار می‌نمایند سید به جناب وزیر نظام عارض شده مأمور آورده و رییس محله هم چند نفر پلیس مواظب کرده است که آنها را دستگیر کنند تا تنبیه سخت و مجازات گردند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه حاجی‌محمدتقی تاجراصفهانی میهمان بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز آقامحمد، دایی حاجی ملک‌التجار چند نفر از بستگانش را دعوت کرده و مطرب آورده پسر خودش را ختنه نموده است عصر متفرق شدند.

ـ دیروز نواب ارفع والا عزالدوله با جمعی از شاهزادگان عظام به دیدن نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله رفته بودند.

ـ دیروز در خانه مرحوم حاجی میرمعصوم تاجر مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند.

ـ دیروز در خانه رستم‌خان یاور مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده بودند جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ محمدرضا [را] برای این که دو عدد سرقلیان نقره و یک کیسه خورده نقره و اسباب از دکان حاجی محمدحسن جدید صراف سرقت کرده در محله عودلاجان به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ محمد [را] برای این که محمدرضای معروض می‌گوید آن کیسه را به مشارالیه داده از محله مذکور به اداره آوردند تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

ـ حسن کرمانشاهی دزد معروف که دیروز در شهر بود و یک دسته کلید بزرگ همراه داشت

دستگیر اجزای پلیس شده از محله عودلاجان به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ بلال سیاه [را] برای این که چند پارچه اسباب از دکان سمساری دزدیده است از محله بازار آوردند تا تحقیقات کامله به عمل آید.

ـ بشیر سیاه [را] برای تحقیقات سرقت از محله عودلاجان به اداره آوردند در تحت استنطاق و تحقیقات است.

ـ نایب شفیع سوزافیه پلیس بازار که به جرم غفلت از خدمت حبس بوده بعد از پنج روز مرخص گردید.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۲) شهر رجب‌المرجب

محله دولت

ـ دیشب موسیو شارل با زنش، استافینو با زنش، وت صاحب با زنش، فلمر با زنش، دکتر آلبو با زنش، بشرین با زنش، موسیو کباور و بروکلی در منزل ماتیاس میهمان بودند پنج ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز طرف عصر معیرالممالک به سفارت انگلیس رفته از شارژدافر دیدن کرده بعد از ساعتی مراجعت نموده بود.

ـ حسن نام پسره واکسی به رییس محله متظلم می‌شود که ابراهیم و تقی‌نامان واکسی بدون جهت در خیابان چراغ‌گاز مرا کتک زده‌اند و مقداری واکس مرا ریخته‌اند رییس محله فرستاده آنها را حاضر کرده بعد معلوم می‌شود که از روی جهالت و بی‌شعوری منازعه جزیی کردند قیمت واکس مشارالیه را آن دو نفر داده صلح کرده می‌روند.

ـ ضعیفهٔ فاحشه سلطان نام در خیابان حسن‌آباد گرفتار اجزای پلیس شده قدغن شد او را نفی بلد نمایند.

ـ عیال غلام‌حسین نام مشهور به امیرآخور با هاشم‌بیگ نام رابطه و مودت مخصوص پیدا کرده روز گذشته ضعیفه به بهانه دیدن اقوام خود شوهر خود را فریب داده مستقیماً به منزل معشوق خود رفته آسوده خاطر مشغول تعیش می‌شوند شب غلام‌حسین به خانه آمده ملاحظه می‌کند زنش نیامده به خیال افتاده به درب خانه هاشم‌بیگ رفته از پشت در صدای ایشان را می‌شنود چون در بسته بود نتوانسته داخل شود خلیل نام که همسایه هاشم‌بیگ و جاکش هر دو است فهمیده آمده مشارالیه را به چاپلوسی کنار کشیده ضعیفه مطلع شده به اتاق خلیل می‌رود و مشارالیه می‌گوید عیال تو در اتاق من می‌باشد ضعیفه را غلام‌حسین به خانه‌اش می‌برد صبح با هاشم‌بیگ و خلیل نزاعشان شده هنگامه بر پاکرده بودند اجزای پلیس ضعیفه را که اسباب مفسده بود دستگیر نموده به اداره آوردند در تحت تحقیقات است و قدغن شد آن دو نفر را هم دستگیر کنند تنبیه شوند.

سنگلج

ـ دیشب میرزاحسین داروغه میدان محمدیه جمعی از اجزای میدان را میهمان کرده و مطرب آورده بود چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب استاد علی‌معمار جمعی از معمارها را در خانه‌اش میهمان کرده بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیروز ضعیفه‌ای از خیابان مرحوم فرمانفرما عبور می‌کرده باد شدت کرده چاهی در آن نزدیکی بوده به چاه می‌افتد شوهرش که شخص آخوندی است مستحضر شده رسیده به زحمت او را بیرون می‌آورند بدنش مجروح شده و صدمه خورده ولی از مخاطره دور است.

ـ دیروز مشهدی‌غلامعلی نام دختر استاد حسین نام را برای خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب یک دسته مطرب زنانه که به دسته کل رشتی معروفه هستند در خانه امیرایوب خان بودند و مشغول طرب بودند شش ساعت از شب رفته مراجعت کردند.

ـ دیروز میرزامهدی‌خان منشی سفارت روس با چند نفر دیگر در خانه شیخ‌الاسلام قزوین میهمان بودند پنج ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

ـ دیشب میرزارضا نام دختر برادرش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

عودلاجان

ـ دیروز یک نفر دختربچه و یک نفر خانه شاگرد از خانه مرحوم حاجی‌میرزاشفیع مستوفی شیرازی یک طاقه شال به خانه آقامحمدحسین ارباب برده در آن جا شال را یال بریده و زیادی شال را در بقچه پیچیده به آنها می‌دهند و چند دانه شاهی سفید هم به ایشان عیدانه داده می‌روند در بین راه بقچه را روی سکو می‌گذارند که شاهی را تقسیم کنند شخص طراری بقچه را برداشته می‌برد آنها گریه‌کنان رفته به خانه حاجی میرزاشفیع اطلاع می‌دهند چند نفر آمده هر قدر تفحص کردند آن شخص را پیدا نکردند اجزای پلیس مستحضر شده در جستجو هستند که مشارالیه را دستگیر نمایند.

ـ زن حاجی‌علی نام که مدتی است به مرض غش گرفتار است دیروز منقل آتش در جلو او بوده که یک مرتبه غش می‌کند و توی منقل می‌افتد دست و پایش سوخته لباسش مشتعل شده همسایه‌ها جمع گردیده آتش را خاموش می‌نمایند و جراح آورده در صدد معالجه او هستند.

ـ مشهدی حسین نام که مدتی قبل به زیارت کربلای معلا مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

ـ دیشب حاجی رضا نام دختر برادرش را برای پسر خودش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ دیروز عباس‌قلی‌بیگ نوکر نواب شعاع‌الدوله مطرب آورده و مجلس عیشی ترتیب داده پسرش را ختنه کرده است.

ـ ملک نام سرباز، پانزده هزار از میرزاآقا نام طلب داشته مطالبه کرده حرفشان شده می‌خواستند نزاع و زدوخورد نمایند نایب محله رسیده آنها را ساکت کرده قرار می‌گذارد که یک ماهه مشارالیه طلب او را بدهد طرفین رضایت حاصل نموده می‌روند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌رضای تاجر بوده است کسانش مجلس روضه ترتیب داده

جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.
ـ دیروز حاجی علی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسر خودش عقد نموده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند غروب حضرات متفرق گردیدند.
ـ دیشب میرزااسدالله نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ در راپورت دیروز در باب دو سه نفر از گماشتگان نواب ارفع والا حاجی‌معتمدالدوله و احتشام‌الملک که آقاسیدجعفر نام را زده بودند به حمایت مشهدی علی نام بقال، شرحی عرض شده نواب معظم آنها را با حضور سید تنبیه کامل کرده‌اند.
ـ مشهدی عباس نام طفل چهارپنج ساله بلاصاحب در کوچه پیداکرده در خانهٔ خود نگاه داشته و به اجزای پلیس اطلاع داده که صاحبش پیدا شده او را ببرد.
ـ عیال آقامحمد فراش خلوت همایونی که مدتی مریضه بوده دیشب مرحومه شده است جنازه او را به احترام برداشته در مسجد امانت گذاردند.
ـ دیروز وزیر مختار فرانسه به خانهٔ جناب امام جمعه رفته از معزی‌الیه دیدن کرده بعد از ساعتی مراجعت نموده بودند.
ـ دیشب در خانهٔ حاجی‌غلام‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات صرف شام کرده متفرق گردیدند.
ـ دیشب مشهدی حسین‌علی نام دختر یکی از بستگانش را برای پسرش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند پنج ساعت از شب رفته متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ شاطرحسین خباز برای این که مشهدی رحمان نوکر آقامصطفی شیروانی رفته از دکان او نان بگیرد شاطر مذکور با او نزاع کرده و با یک پارچه نمک به دهان او زده یک نفر دندانش را شکسته و به یک نفر صدمه وارد آورده. بعد که او را این طور کرده بود سر خودش را هم جزیی مجروح نموده بود اجزای پلیس به اداره آوردند به مضروب هم هشتاد اشرفی دیت‌نامه داده بعد از چند

ساعتی جناب وزیرنظام فرستاده ضارب و مضروب را با راپورت واقعه نزد معزی‌الیه فرستاده شدند تا احقاق حق نمایند.

ـ حسین که مست بود در سنگلج هرزگی می‌کرد گرفتار اجزای پلیس شده به اداره آوردند. در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ یکشنبه (۹) شهر رجب‌المرجب

محله دولت

ـ دیروز عیال میرزاجعفر علاقه‌بند بدون اذن شوهرش سیزده بدر رفته بودند وقت غروب که به خانه مراجعت کرده شوهرش از او مؤاخذه نموده گفتگو و نزاعشان شده ضعیفه گفته بود که به اتفاق دونفر زن از بستگان خودت رفته و حالا مراجعت کرده آخرالامر قرار می‌گذارند که هر گاه تحقیق شود در صورت صدق تقصیری بر ضعیفه نیست والا ناشزه و تمام حقوق او باطل است مشارالیه شبانه رفته از آن دو نفر زن تحقیق کرده آنها بر صدق قول ضعیفه گواهی می‌دهند آن وقت با هم صلح می‌کنند.

ـ دیشب مشهدی‌حسین نام، فراش جناب وزیرلشکر جمعی از دوستان و رفقای خود را دعوت کرده و مطرب آورده بودند.

ـ دیشب میرزامحمدعلی نام جمعی از بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب شب چهلم فوت برادر حاجی کریم‌بزاز بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق گردیدند.

سنگلج

ـ دیروز زن استادجعفر سلمانی با طفل کوچکی که در بغل داشت از حضرت امامزاده حسن مراجعت کرده نزدیک باغ جنت و گلشن که می‌رسد به چاه شش ذرعی آب افتاده بود رییس محله در گردش بوده فوراً اقدامات لازمه به عمل آورده اول طفل بعد مادرش را بدون صدمه از چاه بیرون می‌آوردند.

ـ دیروز دیوار خانه میرزامحمدعلی‌خان، منشی‌باشی مرحوم اعتضادالسلطنه و دیوار خانه غلامرضای قورخانچی خراب گردیده دختر هشت ساله مشهدی حسن علاف زیر آوار مانده هلاک شده است.

ـ دیروز در میان طلاب مدرسه مرحوم حاجی‌رجب‌علی نزاع شده زدوخورد زیاد کرده سر یک نفر هم شکسته بود چند نفر از آنها به جناب وزیرنظام عارض شدند.

ـ دیروز مشهدی عبدالرحیم نام جمعی از بستگان و آشنایان خودش را میهمان کرده بود عصر متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌کریم نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و غیره مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

عودلاجان

دختر حاجی‌عبدالصمد تاجر دیروز می‌خواسته سیزده‌بدر برود زن پدرش مانع شده به این واسطه با هم نزاع نموده دختره مذکور مقداری تریاک خورده نزدیک به هلاکت بوده که کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیشب برای والده حاجی‌علی‌محمد تاجر که فوت کرده است خرج می‌دادند جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ حاجی‌محمدابراهیم تاجر که مدتی قبل با عیال و اطفالش به زیارت کربلای معلا مشرف شده بودند مراجعت کرده وارد دارالخلافه شده‌اند دیشب جمعی از تجار در خانه مشارالیه بودند چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.

ـ دیشب حاجی‌غلام‌رضا نام به رییس محله اظهار می‌دارد که بعضی اسباب جزیی، علی نام نوکرم از من سرقت کرده است رییس محله مشارالیه را حاضر نموده بعد از تحقیقات به محضر شرع انور رجوع شدند که در آن جا طی گفتگو نمایند.

چالمیدان

ـ دیروز حسن نام قاطرچی مست کرده با قراسوران‌ها نزاع کرده بود کاظم‌خان، باشی قاطرخانه مستحضر شده او را تنبیه و حبس کرده است.

ـ زلیخا نام فاحشه دیروز گرفتار اجزای پلیس شده قدغن گردید او را نفی‌بلد نمایند.

ـ چهار رأس گاو چند روز قبل از دهات جناب امام‌جمعه سرقت کردند دیروز نوکرهای معزی‌الیه یک رأس از آن گاوها را ملاحظه می‌نمایند که گاوکش‌ها در میدان کاه‌فروش‌ها کشته‌اند گاوکش‌ها را نزد جناب معزی‌الیه می‌برند.

ـ محمدعلی نام چند روز قبل همشیرهٔ علی‌اکبر و علی‌اصغر نامان [را] برای خودش عقد کرده چون منافی طبع مشارالیهما بوده دیروز با هم نزاعشان شده آخرالامر قرار می‌دهند که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌رضای تاجر بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

محله بازار

ـ دیروز سه‌چهار نفر از سربازهای فوج پنجم شقاقی به حمام مرحوم قاسم رفته بودند یکی از آنها که ابراهیم نام بود به چاله حوض رفته شنا می‌کرده چون نابلد بوده آب او را خفه کرده زیر آب می‌ماند رفقایش هر قدر در آب تلاش کرده بودند نتوانسته بودند او را پیدا کنند تا این که به بیرون خبر داده شناگر آمده نعش او را از آب بیرون می‌آورند.

ـ دیشب سیدحسن نام چند نفر از بستگانش را در خانه‌اش دعوت کرده و مطرب آورده بود.

ـ دیشب مشهدی‌تقی نام چند نفر از اقوام خود را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌غلام‌رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ حسین‌علی [و] سلیمان که در محله سنگلج مست بودند گرفتار اجزای پلیس شده به اداره

تنبیه خاطیان در طهران

آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شوند.

ـ حسین برای این که می‌خواسته با ابوالحسن نام عنفاً مرتکب عمل شنیع شود در سنگلج گرفتار پلیس شده به اداره آوردند در دیوانخانه حکومت تنبیه می‌شود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ دوشنبه* (۱۰) رجب‌المرجب

محله دولت

ـ عبدالله‌خان والی دیشب پنج ساعت از شب رفته از دربخانه سواره به خانهٔ خودش مراجعت می‌کرده در اول خیابان چراغ‌گاز اسب پایش لغزیده معزی‌الیه افتاده اسب نیز می‌افتد و بعد فرار می‌کند به دست و صورت ایشان صدمه وارد آمده و اسب را به زحمت می‌گیرند.

ـ اصغر نام سبزی‌فروش در دکان خود چای گذارده و وضع قهوه‌خانه ترتیب داده بود مأمورین حکومت دیروز مشارالیه را دستگیر کرده به دربخانه برده‌اند.

ـ حسین‌آقاملا خرازی‌فروش دیشب یک دسته مطرب آورده و جمعی از گماشتگان درب حرمخانه مبارکه را میهمان کرده بود تا صبح مشغول تعیش بودند.

ـ نواب ارفع والا رکن‌الدوله و معیرالممالک طرف عصر به دیدن جناب مخبرالدوله رفته بعد از ساعتی مراجعت نمودند. معیرالممالک به سفارت انگلیس هم رفته بعد از ساعتی توقف مراجعت‌کردند.

ـ مسیوکتابچی دیروز سواره از خیابان می‌رفته اسب مشارالیه سرکشی کرده او را زمین زده خیلی

---

*. اصل: سه‌شنبه

صدمه خورده است.

ـ دیروز عصر در خانهٔ حاجی حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و طلاب مستمع بودند.

سنگلج

ـ دیروز میرزاعباس نام دختر میرزاحسین‌خان نام را برای خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عقد حضور داشتند عصر متفرق شدند.

ـ دیروز زن علی نام خشت‌مال به واسطهٔ منازعه که با اهل خانه کرده بود مقداری تریاک خورده حالتش منقلب گردیده نزدیک به هلاکت بود. کسانش مستحضر شده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌نماید.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی‌جواد نام بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز علی نام به رییس محله اظهار داشته است که بعضی اسباب او را برادرش دزدیده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه به محضر شرع مطاع رجوع شدند که در آن به قید قسم طی گفتگو نمایند.

عودلاجان

ـ دیروز محمدباقر خباز مطرب آورده و آش‌رشته طبخ کرده جمعی از همکارانش را دعوت نموده بود عصر متفرق شدند.

ـ دیروز جمعی از تجار در خانه مشهدی غلامرضای بلورفروش میهمان بودند عصر متفرق گردیدند.

ـ دیروز میرزافتح‌علی نقاش به رییس محله اظهار داشته است که سیزده‌هزار [دینار] از محمدتقی‌خان نام طلب دارم مطالبه کردم به من فحاشی نموده است. رییس محله او را حاضر کرده قراری داده طرفین رضایت حاصل کرده می‌روند.

ـ دیشب حاجی‌عبدالکریم نام چند نفر بستگانش را دعوت کرده برای اولادی که خدا به او کرامت فرموده است شب شش گرفته بود چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب در خانه ملاغلام‌حسین نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات

مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته صرف شام کرده متفرق شدند.

چالمیدان

ـ دیروز عیال عبدالحسین کهنه‌فروش با شوهرش نزاعشان شده مشارالیها مقداری تریاک می‌خورد کسانش مستحضر گردیده او را معالجه و مداوا نموده بهبودی حاصل می‌کند.

ـ دیروز مشهدی حسین نام همشیرهٔ آقاحسین‌علی نام را برای خودش عقد کرده جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب جمعی از تجار در خانه آقامحمدحسین ارباب میهمان بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

ـ کاظم نام عرب دیروز مطرب آورده و جمعی از اهل محله را دعوت کرده بود عصر متفرق شدند.

ـ دیروز اکبر نام گریبان حسن نام را گرفته مطالبه چهارهزار[دینار] طلب می‌کرد مشارالیه منکر بود به این واسطه قیل‌وقال می‌کردند نایب محله رسیده آنها را ساکت نموده قرار می‌دهد که در محضر شرع مطاع طی گفتگو نمایند.

ـ دیشب در خانهٔ میرزاعلی‌رضا نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از طلاب و سادات مستمع بودند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

محله بازار

ـ میرزامحمدعلی، منشی نواب ارفع والا حاجی‌معتمدالدوله دیروز به رییس محله اظهار کرده که یکی از اقوام من درب خانه را بسته به خانهٔ همسایه رفته حاجی‌علی نام آمده درب خانه را باز کرده مقداری اسباب برده است رییس محله فرستاده است که مشارالیه را حاضر نمایند تحقیقات شود.

ـ پنج‌شش نفر شاگرد شیره‌پز ضعیفه‌ای فاحشه را برای ارتکاب عمل شنیع به منزل خودشان برده بودند. ضعیفه گرفتار اجزای پلیس شده قدغن شد نفی بلدش کنند و حضرات فرار کرده بودند.

ـ نواب احتشام‌الملک که چند روز قبل به قریهٔ جعفرآباد رفته‌بودند مراجعت کرده دیروز به شهر آمدند.

ـ دیروز ضعیفه [ای] به رییس محله متظلمه می‌شود که رمضان‌نام شوهرش او را بلاجهت زده است رییس محله مشارالیه را حاضر کرده بعد از تحقیقات لازمه چون منازعهٔ جزیی کرده بودند صلح داده شدند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ بخشی یهودی که مقداری اسباب مسروقه از دزد گرفته بود به جناب اشرف مشیرالدوله اظهار شد او را به اداره فرستادند بعد از تحقیقات چون تقلب می‌کرد متوقف شد. بعد از چند ساعت ضامن داده از اداره خارج شد.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

تهران
راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه
۱۳۰۴
به تاریخ سه‌شنبه (۱۱) شهر رجب‌المرجب

محله دولت

ـ دیروز شارژدافر انگلیس تمام نوکرها و اجزای سفارت را لباس نو پوشانیده در خیابان در دو صف واداشته کالسکه بزرگ خود را هم بالای صف نگاه داشته خود شارژدافر با صاحب‌منصبان سفارت در اطراف کالسکه به ترتیب ایستاده عکس انداخته بودند قبل از وقت هم برای این که مردم اجماع نکنند چند نفر پلیس خواسته بود فرستاده شد مردم را متفرق کرده بودند.

ـ دیروز دو نفر از سربازهای فوج تهران گریبان مشهدی‌فرج‌الله برغانی را گرفته اظهار می‌کردند که از برغان یک زره مال وقف را سرقت کرده به این واسطه قیل‌وقال می‌کردند پلیسها آنها را به اداره آوردند مشهدی فرج‌الله اظهار داشت که در برغان هفت زره تعمیر کرده یکی را عوض اجرت به او دادند اطمینان داد که این مطلب را مدلل نماید طرفین رضایت حاصل کردند.

ـ ضعیفه فاحشه معروفه به دخترعمه دیروز گرفتار اجزای پلیس شده قدغن شد او را نفی بلد نمایند.

ـ موسیو آندرنی سرتیپ اظهار داشت که قربان‌علی نام پیشخدمت من درب جعبه[ای] که مبلغی پول در آن بود شکسته که سرقت کند قدغن شد که مأمورین پلیس مشارالیه را حاضر کرده در تحت استنطاق است.

سنگلج

ـ ضعیفه کردستانیه مبلغی پول به زن رجب قصاب قرض داده بود وعده او منقضی شده دیروز رفته مطالبه کرده نزاعشان شده بنای زدوخورد را گذارده در خانه هنگامه برپا کرده بودند که همسایه‌ها جمع شده آنها را ساکت می‌نمایند.

ـ دیروز قربان‌علی‌بیگ نوکر سفارت ینگی‌دنیا مجلس عیشی ترتیب داده جمعی از اهل محله و همکارانش را دعوت نموده دختری را که چند روز قبل عقد کرده عروسی نموده است شب هم موعودین در خانه او بوده صبح متفرق شدند.

ـ دیشب حسن‌بیگ نام دختر سیدمحمد نام را برای خودش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب گذشته متفرق گردیدند.

ـ دیروز مشهدی علی نام دختر کربلایی قاسم نام را برای خودش عقد کرده است جمعی از اهل محله در مجلس عقد حضور داشتند عصر حضرات متفرق شدند.

عودلاجان

ـ سیدمحمدباقر مهتر میرزاابوالحسن پسر مرحوم آقامحمدحسین ارباب مقداری جو از طویله آقایش برداشته برده در دکان علافی می‌خواست بفروشد آقایش رسیده مشارالیه جو را گذارده فرار می‌کند میرزا ابوالحسن مذکور مدعی است که مدعی، کثیر متدرجاً جو از او دزدیده است رییس محله پلیس مواظب نموده است که او را دستگیر کنند تحقیقات لازمه بشود.

ـ محمدابراهیم نوکر حاجی حسین‌علی برادر سقاباشی دیشب جمعی از نوکرهای ناظر خلوت و اهل محله را دعوت کرده و مطرب آورده دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی نموده است شش ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیروز آقاسیدقاسم که از سادات اخوی است دختر حاجی‌احمد کوره‌پز را برای خودش عقد

کرده است جمعی از آقایان علما و غیره در مجلس عقد حضور داشتند.

ـ دیشب آقاسیدحسین خباز جمعی از همکارانش را در خانه‌اش دعوت کرده بود چهار ساعت از شب رفته متفرق گردیدند.

ـ دیروز غلام‌رضا نوکر سپهبد پسر نواب مستطاب علیه عالیه عزت‌الدوله با یک نفر غلام سیاه و چند نفر کلفت برای تفرج بیرون دروازه می‌خواستند بروند مستحفظین دروازه اسامی آنها را خواسته بودند معین کنند آنها تمکین نکرده به این واسطه نزاعشان شده آنها مراجعت کرده به سپهبد شکایت می‌نمایند چند نفر رفته دروازه‌بانها را برده قدری ایشان [را] تهدید نموده و چند چوب به ایشان زده بعد انعام هم داده می‌روند.

ـ دیشب در خانه حاجی‌علی نام مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند چهار ساعت از شب گذشته حضرات متفرق گردیدند.

چالمیدان

ـ شخصی در بازار پول سفید قلب، خرج می‌کرده اجزای پلیس او را گرفته نزد جناب وزیرنظام می‌برند آن شخص اظهار می‌دارد که میرزایوسف نام به او داده است او را هم حاضر کرده مشارالیه می‌گوید حسین نام هم با او همدست است او را هم با بعضی اسباب کار گرفته به دیوانخانه حکومت بردند.

ـ سیدهاشم نوکر معتمدالحرم دو پارچه لباس کهنه به یکی از کهنه‌فروشهای میدان فروخته بعد پشیمان شده می‌رود پس بگیرد نزاعشان شده سیدحسین نام هم به حمایت مشارالیه برآمده بود اجزای پلیس و اهل میدان آنها را ساکت کرده صلح می‌دهند.

ـ دیشب مشهدی نبی نام دختر یکی از بستگانش را برای خودش عروسی کرده است جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ دیشب شب سال فوت برادر حاجی رضا نام بوده است کسانش مجلس روضه‌خوانی ترتیب داده جمعی از طلاب و سادات را دعوت کرده بودند بعد از صرف شام متفرق شدند.

محله بازار

ـ دیروز جنابان آقامیرزاحسن آشتیانی و حاجی‌میرزا عباس‌قلی در خانه نواب ارفع والا حاجی معتمدالدوله بودند بعد از صرف ناهار مراجعت کردند.

ـ دیشب استاد ماشاءالله قصاب جمعی از همکارانش را در خانه‌اش دعوت کرده مطرب هم آورده بودند.

ـ دیشب میرزااحمد پیشخدمت جناب امین‌خلوت مطرب آورده جمعی از همکارانش و نوکرهای جناب اقبال‌الدوله را میهمان کرده بود.

ـ دیروز در خانه علی‌محمدخان سرتیپ مجلس روضه‌خوانی بوده است جمعی از اهل محله و غیره مستمع بودند.

ـ دیشب حاجی‌علی نام دختر یکی از اقوامش را برای پسرش عروسی کرده جمعی از اهل محله و غیره در مجلس عروسی حضور داشتند چهار ساعت از شب رفته متفرق شدند.

ـ حاجی‌کریم نام تاجر که مدتی قبل به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود مراجعت کرده دیروز وارد دارالخلافه شده است جمعی از تجار او را استقبال کرده کسانش تشریفاتی برای ورود او ترتیب داده بودند.

داخلین و خارجین اداره نظمیه

ـ مبارک نام [را] که حاجی‌محمد نام مدعی است بعضی اسباب او را دزدیده است از محله دولت به اداره آوردند در تحت استنطاق است.

ـ همت [را] برای این که یک رأس گاو از خارج شهر دزدیده و یکی دونفر مدعی دارد از محله بازار آوردند در تحت استنطاق است.

ـ عباسعلی [را] برای این که شیخ‌علی‌اصغر نام مدعی است که اسباب او را دزدیده از محله دولت به اداره آوردند در تحت تحقیقات است.

ـ شنبه نام [را] برای این که مقداری اسباب مسروقه نزد او است از محله بازار به اداره آوردند تا تحقیقات بشود.

Count De mount forte

[امضا کنت دمونت فرت]

Police (Nazmiya) Reports Of Tehran Districts

Vol: 1

Collected by:

Ensiya Shaykh Rezaei - Shahla Azari

Iran National Archives Organization

Records Research Center

1999

Publication of
Iran National Archives Organization

ISBN 964-6189-22-9(VOL.1)
(جلداول) ۹۶۴-۶۱۸۹-۲۲-۹

ISBN 964-6189-24-5 (2 VOL. SET)
(دوره دوجلدی) ۹۶۴-۶۱۸۹-۲۴-۵

Police (nazmiya) Reports Of Tehran Districts

Vol:1

Collected by:
Ensiya Shaykh Rezaei - Shahla Azari

Iran National Archives Organization
Records Research Center
1999

قیمت دوره دوجلدی: ۳۰۰۰ تومان